

مناسک حج

مطابق فتاوی

فقیہ بزرگوار

حضرت آیۃ اللہ العظمیٰ

محمد ابراہیم جناتی

دام ظلہ الوارف

مؤسسۂ فرهنگی اجتہاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

پیش‌گفتار

۳	اهمیت حج
۴	پیشینه تاریخی حج
۵	زمان تشریع حج به شکل فعلی
۶	بنای خانه کعبه
۶	تجدید بنای خانه خدا
۷	حل مشکل اختلاف
۸	فرمان الهی بر پاکیزه داشتن خانه
۹	قرارگرفتن تارک حج در زمره کافران
۱۰	تاریخ بوجود آمدن و توسعه مسجدالحرام
۱۰	مسجدالنبی و تحولات ساختمانی آن
۱۱	طول و عرض مسجد در زمان رسول خدا
۱۱	توسعه مسجد در زمان صحابه
۱۲	توسعه مسجد توسط مهدی عباسی

۱۲	تأسیس گنبد بر بالای مسجدالنبی
۱۳	توسعه مسجد در سال‌های اخیر
۱۳	تذکر نکته‌ای
۱۳	علل و اسباب اهمیت حج
۱۴	دلایل اهمیت حج
۱۷	حج کنگره‌ای برای طرح مشکلات

مسائل و احکام حج

۲۲	شرایط وجوب حجة الاسلام
۲۲	۱. بلوغ
۲۴	۲. عقل
۲۴	۳. آزادی
۲۵	۴. استطاعت
۲۵	مسائل و شرایط استطاعت مالی
۲۵	شرط اول
۲۵	مسائل متفرقه شرط اول
۲۶	شرط دوم
۲۶	مسائل متفرقه شرط دوم
۳۱	شرط سوم
۳۱	شرط چهارم
۳۱	شرط پنجم
۳۲	شرط ششم
۳۲	شرط هفتم

۳۲	ترک حج با وجود شرایط
۳۳	مسائل مختلف درباره مستطیع
۳۷	مالی که خمس و زکاة به آن تعلق گرفته
۳۸	ثبت نام برای حج
۳۹	حج پرسنل کاروان ها
۴۰	مسائل و شرایط زنی که استطاعت مالی دارد
۴۲	مسائل و شرایط استطاعت بذلی
۴۵	وصیت به حج
۴۸	احکام نیابت
۵۳	شرایط منوب عنه
۵۹	مسائل دیگر درباره نایب
۶۵	اقسام حج
۶۶	فرق بین حج قران و افراد
۶۶	فرق بین حج افراد و تمتع
۶۷	حج مستحبی

عمره مفرده

۷۶	فرق بین عمره مفرده و عمره تمتع
۷۷	اسباب عدول از حج تمتع به افراد
۷۷	۱. ورود به مکه در ضیق وقت
۷۷	۲. حیض
۷۷	۳. ورود به مکه بدون احرام
۷۷	۴. ترک عمره تمتع در وقتش به صورت عمد

حج تمتع

اعمال عمره تمتع.....	۸۳
اعمال حج تمتع.....	۸۳
شرایط حج تمتع.....	۸۵
۱. نیت.....	۸۵
۲. انجام عمره و حج در ماه‌های حج.....	۸۵
۳. انجام عمره و حج در یک سال.....	۸۵
۴. انجام احرام حج از مکه.....	۸۶
۵. انجام عمره و حج توسط یک نفر.....	۸۶

اعمال عمره تمتع

محل احرام عمره تمتع.....	۸۹
مواقیت احرام.....	۸۹
۱. مسجد شجره.....	۸۹
۲. جحفه.....	۹۰
۳. وادی عقیق.....	۹۰
۴. قرن المنازل.....	۹۰
۵. یلملم.....	۹۰
۶. مکه مکرمه.....	۹۱
۷. منزل شخصی.....	۹۱
۸. جعرانه.....	۹۱
۹. محاذات.....	۹۱
۱۰. ادنی الحل.....	۹۱

۹۲.....	احکام میقات ها
۹۵.....	مسائل متفرقه میقات
۹۹.....	واجبات احرام
۹۹.....	۱. نیت
۱۰۰.....	۲. تلبیه
۱۰۱.....	مسائل متفرقه تلبیه
۱۰۵.....	۳. پوشیدن دو جامه احرام
۱۰۶.....	مسائل متفرقه دو جامه احرام
۱۰۸.....	مستحبات احرام
۱۰۹.....	مکروهات احرام
۱۱۰.....	محرمات احرام
۱۱۰.....	۱. شکار حیوان صحرائی
۱۱۰.....	مسائل متفرقه شکار
۱۱۳.....	۲. نزدیکی با زن
۱۱۴.....	مسائل متفرقه نزدیکی با زن
۱۱۵.....	۳. بوسیدن زن
۱۱۵.....	۴. نگاه کردن به زن
۱۱۵.....	۵. لمس زن
۱۱۶.....	۶. ازدواج در حال احرام
۱۱۶.....	مسائل متفرقه ازدواج در حال احرام
۱۱۷.....	۷. استمناء
۱۱۷.....	۸. استعمال بوی خوش
۱۱۸.....	۹. پوشیدن چیز دوخته بر مردان

مسائل متفرقه	۱۱۹
کفاره پوشیدن لباس دوخته	۱۱۹
۱۰. سرمه کشیدن	۱۲۰
۱۱. نگاه کردن در آینه	۱۲۱
۱۲. پوشیدن چیزی که روی پا را می پوشاند	۱۲۱
۱۳. فسوق	۱۲۲
۱۴. جدال نمودن	۱۲۲
مسائل متفرقه قسم	۱۲۲
۱۵. کشتن جانوران	۱۲۳
۱۶. زینت نمودن	۱۲۴
۱۷. پوشیدن زیور	۱۲۴
۱۸. روغن مالیدن به بدن	۱۲۵
۱۹. جدا نمودن مواز بدن	۱۲۵
موارد استثنای ازاله مواز حرمت	۱۲۵
کفاره ازاله مواز	۱۲۶
۲۰. پوشانیدن سر بر مردان	۱۲۷
مسائل متفرقه پوشانیدن سر	۱۲۷
۲۱. پوشانیدن روبر زنان	۱۲۸
۲۲. سایه قرار دادن مرد بر بالای سر	۱۲۹
۲۳. بیرون آوردن خون از بدن	۱۳۱
۲۴. ناخن گرفتن	۱۳۱
۲۵. کندن دندان	۱۳۲
۲۶. کندن درخت	۱۳۲

۲۷. سلاح در بر داشتن.....	۱۳۳
مسائل متفرقه.....	۱۳۴
طواف واجب و احکام آن.....	۱۳۶
شرایط طواف.....	۱۳۸
۱. نیت.....	۱۳۸
۲. پاکی از حدث اکبر و اصغر.....	۱۳۸
مسائل متفرقه پاکی از حدث اکبر و اصغر.....	۱۳۹
۳. طهارت بدن و لباس از خبث.....	۱۴۱
۴. مختون بودن.....	۱۴۲
۵. پوشیدن عورت.....	۱۴۳
واجبات طواف.....	۱۴۳
۱ و ۲. طواف هر دور از حجرالاسود و ختم به آن.....	۱۴۳
۳. قرار گرفتن خانه طرف دست چپ.....	۱۴۴
۴. داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.....	۱۴۵
۵. طواف دور کعبه باید از بیرون آن باشد.....	۱۴۶
۶. خروج طواف کننده از خانه.....	۱۴۶
۷. هفت مرتبه متوالی دور خانه خدا.....	۱۴۷
احکام طواف.....	۱۴۹
مسائل متفرقه طواف.....	۱۵۶
حکم شک ها در طواف.....	۱۵۹
مسائل زنان در ارتباط با حیض.....	۱۶۰
مسائل زنان در ارتباط با استحاضه.....	۱۶۱
آداب و مستحبات طواف.....	۱۶۳

شرایط نماز طواف.....	۱۶۴
مسائل متفرقه نماز طواف.....	۱۶۵
مستحبات نماز طواف.....	۱۶۸
سعی بین صفا و مروه.....	۱۶۹
شرایط سعی.....	۱۶۹
احکام سعی.....	۱۷۰
مسائل متفرقه سعی.....	۱۷۲
مستحبات سعی.....	۱۷۴
مسائل متفرقه تقصیر.....	۱۷۶

اعمال حج تمتع

حج تمتع.....	۱۸۱
۱. احرام.....	۱۸۱
مسائل متفرقه احرام.....	۱۸۲
مستحبات احرام حج.....	۱۸۴
۲. وقوف به عرفات.....	۱۸۵
مسائل متفرقه عرفات.....	۱۸۷
مستحبات وقوف به عرفات.....	۱۸۷
۳. وقوف به مشعرالحرام.....	۱۸۸
مسائل متفرقه مشعرالحرام.....	۱۸۹
اوقات وقوف در مشعرالحرام.....	۱۹۰
اقسام وقوف.....	۱۹۰
تعیین قسمی که موجب صحت حج است.....	۱۹۰

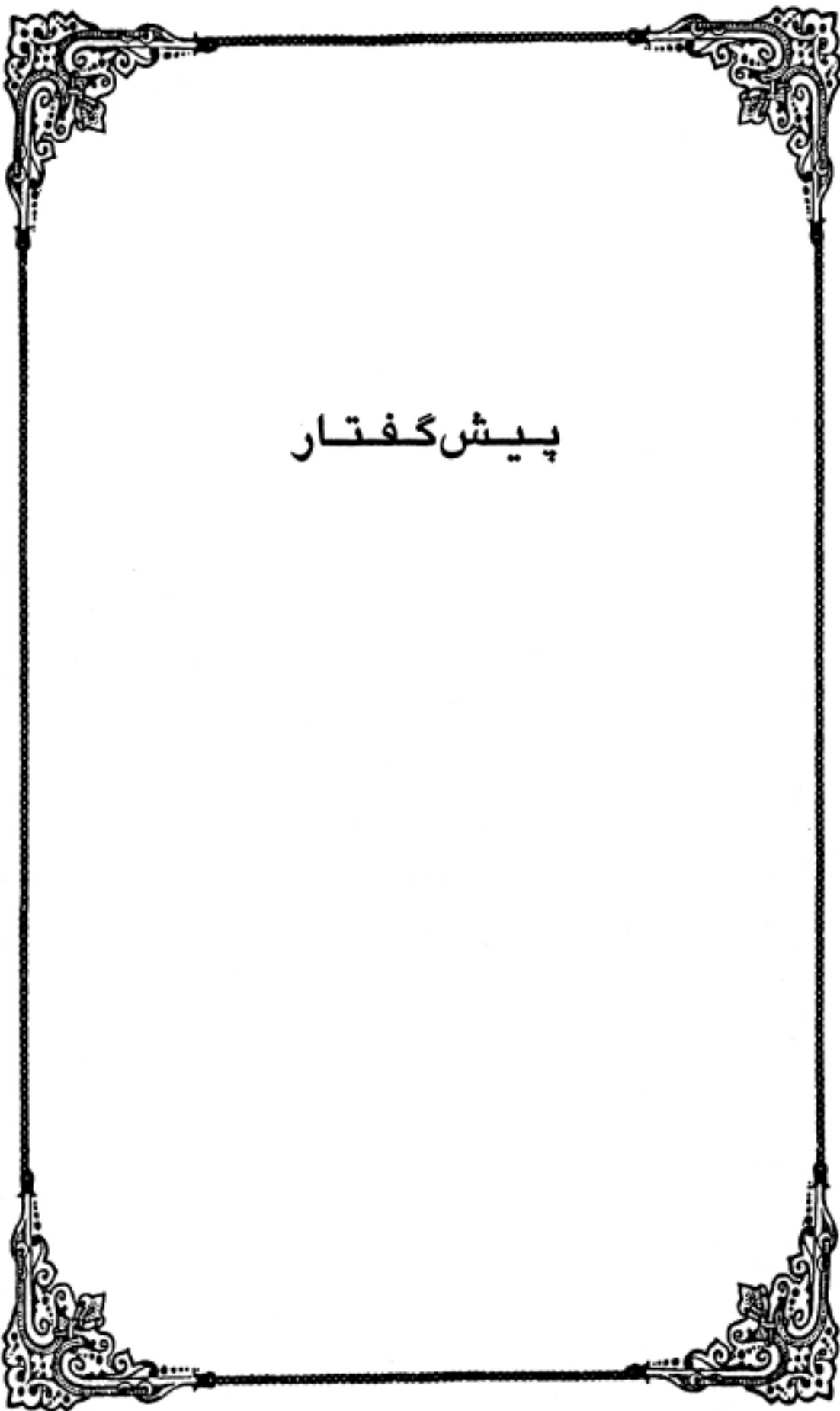
مستحبات وقوف به مشعرالحرام.....	۱۹۲
۴. واجبات منی.....	۱۹۳
الف - رمی جمره عقبه.....	۱۹۳
شرایطی که در رمی اعتبار شده.....	۱۹۴
مسائل متفرقه در رمی.....	۱۹۵
مستحبات رمی جمرات.....	۱۹۷
ب - ذبح.....	۱۹۸
شرایطی که در هدی اعتبار شده.....	۱۹۹
بدل ذبیحه.....	۲۰۱
مسائل متفرقه روزه بدل از قربانی.....	۲۰۱
مسائل متفرقه قربانی.....	۲۰۳
مستحبات هدی.....	۲۰۶
پ - تقصیر.....	۲۰۷
مسائل متفرقه تقصیر.....	۲۰۸
آداب و مستحبات حلق.....	۲۱۰
واجبات بعد از اعمال منی.....	۲۱۰
طواف حج و نماز آن و سعی.....	۲۱۱
انجام اعمال مکه قبل از وقوف عرفات.....	۲۱۱
مراحل حلال شدن محرمات احرام بر محرم.....	۲۱۲
طواف نساء و نماز آن.....	۲۱۳
مسائل متفرقه طواف نساء.....	۲۱۴
مستحبات طواف حج.....	۲۱۶
بیتوته به منی.....	۲۱۶

کسانی که باید شب سیزدهم در منی بمانند.....	۲۱۶
طوافی که واجب نیست در منی بمانند.....	۲۱۷
مسائل متفرقه بیتوته در منی.....	۲۱۸
مسائل شک در رمی جمرات.....	۲۲۳
مسائل متفرقه رمی جمرات سه گانه.....	۲۲۴
مستحبات منی.....	۲۲۷
رعایت چند مسأله.....	۲۲۸
مخیر بودن حاجی در نماز بین قصر و تمام.....	۲۳۰
احکام مصدود.....	۲۳۱
احکام محصور.....	۲۳۳
محصور در عمره مفرده.....	۲۳۳
محصور در عمره تمتع.....	۲۳۳
استحباب عمره مفرده پس از اعمال حج.....	۲۳۸
طواف وداع.....	۲۳۹

مسائل مختلف

مکان‌هایی که سزاوار است حاجی از آنها دیدار کند.....	۲۴۳
اسامی کعبه در قرآن کریم.....	۲۴۳
توصیف بیت به اوصاف.....	۲۴۸
علت نامگذاری «مکه» به این اسم.....	۲۴۹
چرا مکه را «بکه» نامیدند؟.....	۲۴۹
نامگذاری مکه به «ام‌القری».....	۲۵۱
اطلاق لفظ «بلد» بر مکه.....	۲۵۱

۲۵۲	تعبیر از مکه به بَلَدَة
۲۵۲	تعبیر از مکه به « حرم امن »
۲۵۳	چگونگی بوجود آمدن خانه کعبه
۲۵۳	آداب دخول در مسجدالحرام
۲۵۳	فضیلت نماز در مسجدالحرام
۲۵۴	مستحبات دخول حرم
۲۵۴	مستحبات دخول مکه معظمه
۲۵۵	حدود حرم مکه
۲۵۵	حدود مکه
۲۵۵	اهمیت حرم
۲۵۶	چه کسی حدود را معین کرد؟
۲۵۶	حدود حرم نزد شیعه
۲۵۷	حدود حرم از نگاه تاریخ
۲۵۸	اجمالی از احکام حرم
۲۵۹	تأکید احادیث بر زیارت رسول خدا پس از حج
۲۵۹	استحباب زیارت مراقد مقدسه اهل بیت
۲۵۹	برخی از مستحبات و آداب ورود در مدینه
۲۶۱	فضیلت نماز در مسجدالرسول
۲۶۱	حدود حرم نبوی
۲۶۳	صید کردن از حرم مدینه
۲۶۳	فدیه در صید حرم
۲۶۳	مکه افضل است یا مدینه



پیش‌گفتار

« بسم الله الرحمن الرحيم »
« الحمد لله رب العالمين »
« والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين »

اهمیت حج

عبادات جنبه‌های مختلف و ویژگی‌هایی دارند که مناسب است نسبت به آنها تأمل بیشتری نموده و برخی از آن ویژگی‌ها را ارائه دهیم.

۱. رازگونه بودن تفصیل آنها از نظر کمیت، کیفیت، شرایط زمانی، مکانی و احوالی؛ به این معنا که ملاکات و حکمت‌ها و مصالح بیشتر آنها بر مردم مستور و غیر معلوم است و روشن نبودن آنها بر اهل عبادت باعث تأکید عبادیت عبادات می‌شود. واضح است که غرض از تشریع آنها، اطاعت و پرستش خداوند است و عبادات باید تنها برای خدا انجام گیرد و نه برای غیر او و یا چیزی دیگر. اگر رازها و مصالح و ملاکات آنها معلوم بودند، طبع بشر اقتضا داشت که برای رسیدن به آنها، عبادات را انجام دهد و نه برای تقرب به خدا و این سبب می‌شد که از غرض تشریع تهی شوند.

۲. فراگیری آنها نسبت به همه شئون زندگی فردی، عبادی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی.

۳. دارا بودن جنبه‌های حسی و قابل احساس برای همگان و جنبه‌های

معقول و غیرحسی، برخلاف کیش‌هایی که تنها دارای جنبه حسی و یا دارای جنبه غیرحسی بوده و می‌باشند.

۴. رعایت همه جوانب اجتماعی در بسیاری از عبادات، از جمله در جهاد، نماز جمعه و جماعت و...، زیرا در اینها موازین و ضوابطی در ارتباط با مردم مقرر گردیده که باید رعایت شوند. یکی دیگر از اینها حج است که در ضمن حدود، قواعد و مواظیت معین و اماکن مشخص و با احکام مخصوص تنظیم شده است.

پیشینه تاریخی حج

پیشینه تاریخی حج به اوایل پیدایش انسان‌ها باز می‌گردد و حکم حج از احکامی نیست که شارع مقدس آن را تشریع کرده باشد، بلکه در شرایع سابق و حتی از زمان حضرت آدم (ع) معروف و مشهور بوده است. بدین سان کعبه، اولین خانه‌ای است که خداوند متعال آن را مایه برکت و هدایت مردم قرار داده است. چنانکه خود می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِمَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ»^۱ نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا نهاده شد، همان است که در مکه قرار دارد، خانه‌ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است. خانه مقدسی که به تصریح خدای سبحان از دیرباز ملائکه الهی و آدم و حوا (ع) بر حول محور آن به طواف برخاستند. چنانچه خود فرمود: «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»^۲ و بر آن خانه کهنسال طواف کنید.

و به هر حال نه تنها آدم و حوا، بلکه قبل از آن دو نیز کسانی بودند که این خانه مبارک را طواف کردند و شاهد بر این حقیقت، کلام امام صادق (ع) در

۱ سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۲ سوره حج، آیه ۲۹.

جواب سؤالات «زراره» می‌باشد: «سأله زرارۃ عن سبب كثرة مسائل الحجّ، قال: قلت لابی عبدالله (ع) جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ، إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي الْحَجِّ مُنْذُ أَزْبَعِينَ غَامًا فَتَفْتِنَنِي؟ فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ بَيْتُ حَجٍّ إِلَيْهِ قَبْلَ آدَمَ بِالْفِي غَامٍ، تُرِيدُ أَنْ تُفْتِنَ مَسَائِلُهُ فِي أَزْبَعِينَ غَامًا؟»^۱ زراره از علت زیادی مسائل حج، از امام صادق (ع) چنین می‌پرسد: فدایت شوم، مدت چهل سال است که مسائل حج را از شما می‌پرسم و هر ساله به من جواب تازه‌ای می‌دهید؟ امام فرمود: ای زراره، خانه‌ای که دو هزار سال قبل از آدم آن را زیارت می‌کرده‌اند، تو می‌خواهی در مدت چهل سال (از راه پرسش) مسائل آن را به پایان برسانی؟

زمان تشریع حج به شکل فعلی

تشریع حج به این شکلی که فعلاً توسط مسلمین انجام می‌شود، مورد اختلاف است که از چه سالی شروع شده است؟ بعضی معتقدند از سال پنجم هجرت و عده‌ای از سال ششم و دسته‌ای دیگر شروع آن را از سال نهم هجری می‌دانند. ولی در هر حال این واقعیت را هرگز تغییر نمی‌دهد که این خانه امن به شهادت تاریخ، قبل از زمان حضرت ابراهیم (ع) موجود بوده، ولی پس از ویرانی و مخفی شدن قواعد آن، حضرت ابراهیم (ع) و فرزندش اسماعیل (ع) به فرمان خداوند آن را تجدید بنا کردند. «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۲ و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا بردند چنین گفتند: پروردگارا، از ما بپذیر که تو شنوا و دانا هستی.

۱ «وسائل الشیعه» ج ۸، باب ۱، از ابواب وجوب حج و شرایط آن، حدیث ۱۲.

۲ سوره بقره، آیه ۱۲۷.

بنای خانه کعبه

آنگاه که حضرت ابراهیم (ع) خانه کعبه را می ساخت، فرزندش اسماعیل (ع) نیز با آوردن سنگ به وی کمک می کرد. وقتی که بنای بیت، به اندازه یک پا رسید، حجرا لاسود^۱ آورده شد و حضرت ابراهیم (ع) آن را در جای خود گذارد.

البته بلندی خانه در آن هنگام به ۹ ذراع و مساحت آن به ۲۰ x ۳۰ ذراع رسید که دارای دو در بود ولی سقف نداشت.

اما مقام ابراهیم (ع) در زمان پیامبر اسلام (ص) به کعبه معظمه متصل بود و سپس به این شکلی که الان موجود است، تغییر پیدا کرد و گواه بر این تغییر روایت صحیحۃ ابراهیم بن ابی محمود است: «قَالَ: قُلْتُ لِمَ رُضَا (ع) أَصْلَى رَكَعَتِي طَوَافَ الْقَرِيبَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ أَوْ حَيْثُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ»^۲ ابراهیم می گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم، دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام ابراهیم (ع) در مکانی که هم اکنون موجود است بخوانم یا در جایی که در زمان رسول خدا (ص) بوده است؟ حضرت فرمود: در مکانی که اکنون وجود دارد.

تجدید بنای خانه خدا

خانه خدا همانطوری که حضرت ابراهیم (ع) ساخته بود مدتی باقی ماند، تا اینکه با گذشت زمان، قصی بن کلاب جد پنجم پیامبر اسلام (ص) آن را

۱ در مورد حجرا لاسود نظریاتی وجود دارد که به دو مورد آن اشاره می کنیم:
الف - جبرئیل (ع) از آسمان آورد، ب - آنگاه که حضرت آدم از بهشت به زمین آمد، آن را همراه با خود آورد.

۲ وسائل الشیعه ج ۹، باب ۷۱، از ابواب طواف، حدیث ۱.

تجدید بنا کرد.

این بنا همچنان برقرار بود تا اینکه عمر شریف پیامبر (ص) به ۳۵ سال رسید که ناگهان در همان سال سیل عظیمی مکه مکرمه را محاصره کرد، بطوری که دیوارهای بیت را فراگفت و ویرانی‌هایی نیز بوجود آورد، سپس قریش مکه آن را تجدید بنا کردند و آنگاه که دیوار خانه تقریباً به اندازه قد یک پارسید و شرایط برای نصب حجرالاسود مهیا شد، قبایل عرب برای نصب آن دچار اختلاف شدیدی شدند، زیرا هر کدام دوست داشتند این افتخار نصیب آنان شود. به هر حال آنقدر اختلافات بالا گرفت که هر لحظه ممکن بود آتش جنگ در میان آنان شعله‌ور شود، ولی با داوری صحیح و عقل و درایت پیامبر اسلام (ص) این مشکل به خوبی حل شد.

حل مشکل اختلاف

حضرت لباس خود را روی زمین پهن کرد و سنگ را با دست خویش روی آن قرار داد و سپس فرمود: بزرگ هر قبیله قسمتی از این لباس را بگیرد، همه دستور پیامبر (ص) را اطاعت کردند و سنگ را تا برابر مکان تعیین شده برای نصب آن حمل کردند، آنگاه پیامبر (ص) با دست مبارک خود سنگ را در مکان مخصوص قرار داد.

این کیفیت همچنان باقی بود تا زمانی که یزید بن معاویه به حکومت رسید، یزید در زمان حکومتش با عبدالله بن زبیر درگیری شدیدی پیدا کرد که در نتیجه طبق دستور وی از روی کوه‌های مکه با منجنیق خانه خدا را سنگباران کردند.

مورخین نوشته‌اند که در این حمله ده هزار سنگ به خانه خدا اصابت کرده و آن را ویران نمود. ابن زبیر پس از فرو نشستن آتش جنگ، خانه کعبه را به

همان شکلی که در سابق بود، ساخت و اطراف آن را به وسیله چوب‌هایی حصارکشی کرد.

به گواهی تاریخ خانه خدا تا مدت زمانی به همین شکل باقی بود تا اینکه حکومت به عبدالملک مروان رسید. در ایام خلافت وی، حجاج بن یوسف ثقفی مکه را محاصره کرد و مانند یزید خانه خدا را سنگباران نمود و مقداری از آن را خراب کرد و نهایتاً ابن زبیر را کشت. سپس حجاج مقدار ویران شده از خانه کعبه را دوباره درست کرد، ولی دیوار کعبه را تغییر داد و درب غربی را هم که یکی از ابواب بیت بود، مسدود کرد.

این ساختمان خانه خدا که توسط حجاج ترمیم شده بود، تا سال ۱۰۴۰ هجری باقی بود، که در این سال باران شدیدی با دانه‌های درشت باریدن گرفت و صدمه زیادی به دیوارهای خانه خدا زد. در این هنگام مسلمین جهان از اقصی نقاط دنیا، برای تعمیر خانه خدا متفق شدند و خانه امن را بدین شکل که الان موجود است تعمیر کردند.

فرمان الهی بر پاکیزه داشتن خانه

پس از ساخته شدن خانه کعبه، خدای متعال با فرمانی جداگانه نسبت به حفظ خانه و پاکیزه داشتن آن چنین می‌فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۱ کعبه را جایگاه اجتماع و مکان امن مردم ساختیم و مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید و ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم که خانه ما را برای طواف‌کنندگان و مقیمان و ساجدان پاکیزه دارید.

قرار گرفتن تارک حج در زمره کافران

پس از گذشت قرن‌ها و همزمان با طلوع خورشید پر فروغ اسلام، آن حجتی که اقوام و ملت‌های گذشته به آن اعتقاد داشتند، از ناحیه اسلام تثبیت گردید و خداوند احکام ویژه‌ای برای آن مقرر نمود و عقوبتی سخت برای آنان که بدون عذر زیارت آن را ترک کنند قرار داد، تا آنجا که آنان را در زمره کافران برشمرد و می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۱ برای خدا، حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است و هر که راه کفر پیش گیرد، بداند که خدا از جهانیان بی نیاز است.

پیامبر اسلام (ص) نیز در وصیت خود به حضرت علی (ع) به این کفر تصریح می‌کند آنجا که می‌فرماید: «كَفَرَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ وَغَدَّ مِنْهَا، مَنْ وَجَدَ سَبْعَةَ فَمَاتَ وَلَمْ يَحِجَّ وَقَالَ يَا عَلِيُّ مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا»^۲ ده گروه از این امت کافر شدند و یکی از آنها کسی است که وسعتی داشته باشد، ولی به حج نرود تا بمیرد. در ادامه فرمود: ای علی هر که حج را به تأخیر اندازد (امروز و فردا کند) تا بمیرد، خداوند او را در روز قیامت یهودی یا نصرانی مبعوث خواهد کرد.

همچنین امام صادق (ع) فرمود: «وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يُخْبِرَهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَ عَلَى الْمُقَامِ عِنْدَهُ»^۳ اگر زمانی برسد که مردم حج را ترک نمایند، بر زمامدار مسلمین واجب است که آنان را به انجام و اقامه حج در آن مکان مقدس مجبور کند.

۱ سورة آل عمران، آیه ۹۶.

۲ وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۷، از ابواب وجوب حج و شرایط آن، حدیث ۳.

۳ وسائل الشیعه، ج ۸، باب ۵، از ابواب وجوب حج و شرایط آن، حدیث ۲.

روایات دیگری نیز در اهمیت این مسأله وجود دارد که علاقمندان می‌توانند به کتب مربوطه مراجعه کنند.

تاریخ بوجود آمدن و توسعه مسجدالحرام

مسجدالحرام دارای سابقه طولانی تاریخی است و همین مسأله موجب تأسیس شهر مکه شده است. پس از اسلام اولین بار مسجدالحرام را در سال ۱۷ هجری به خاطر نیاز شدید توسعه دادند و از اطراف، دیوارهای کوتاهی به دور آن کشیدند.

در سال ۹۷۹ هجری و در زمان حکومت عثمانی بناهای اطراف آن تجدید گردید ولی این مساحت نیز هرگز جوابگوی جمعیت زیادی که برای زیارت به خانه خدا می‌آمدند نبود و لذا در سال ۱۳۷۵ هجری یعنی در اوایل حکومت آل سعود، بار دیگر اطراف مسجد توسعه یافت و مساحت آن از ۲۹۱۲۷ متر به ۱۶۰۱۶۸ متر رسید و اخیراً نیز مجدداً مسجد را توسعه داده‌اند.

به هر حال هر چه در توسعه و ساختمان مجدد بیت الله اتفاق افتاده باشد، تأثیری در واقعیت این مهبط وحی ندارد و در واقع مسجدالحرام همان جایی است که اولین ندای توحید از حلقوم پاک پیامبر اسلام (ص) بلند شد که: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» آری این نقطه مقدس از سرزمین وحی اثر شگرفی در برانگیختن روح علم و معرفت و هدایت مردم به توحید و نابودی شرک و الحاد دارد.

مسجدالنبی و تحولات ساختمانی آن

آنگاه که پیامبر گرامی اسلام (ص) از مکه به مدینه مهاجرت کرد، پس از

استقرار در مدینه و در اولین اقدام خود، مسجد ساخت. آن حضرت در ساختن مسجد، با نشاطی زایدالوصف مصالح لازم را حمل می‌کرد و از این کار لذت می‌برد گرچه جمعی از اصحاب و در پیشاپیش آنان حضرت علی (ع) نیز به ایشان کمک می‌کردند. علی (ع) در حالی که کار می‌کرد چنین می‌فرمود: همسان نیست آن کسی که در مسجد کار می‌کند و در حال قیام و قعود به رنج و زحمت می‌افتد با آن کسی که گرد و غبار را برای خود مانع می‌پندارد (یعنی با خود می‌گوید اگر کار کنم گردآلود می‌شوم).

طول و عرض مسجد در زمان رسول خدا (ص)

مسجدی که پیامبر ساخت در ابتدا با طول و عرض 35×30 متر بود، ولی پس از مدت زمانی بخش دیگری توسط پیامبر (ص) به آن اضافه شد که در مجموع به 57×50 متر رسید.

توسعه مسجد در زمان صحابه

پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) و در اوایل زمان صحابه مسجد را از سه طرف توسعه دادند یعنی از نواحی جنوبی، غربی و شمالی مسجد، پنج متر اضافه کردند ولی در ناحیه شرقی، چون خانه‌های زنان پیامبر (ص) در آنجا بود، تغییری صورت ندادند.

به هر حال کیفیت مسجد همچنان باقی بود تا زمام حکومت به دست ولید بن عبدالملک رسید، وی همه مسجد را خراب کرد و از تمام جهات چهارگانه حتی ضلع شرقی (که خانه زنان پیامبر در آن بود) مسجد را توسعه داد و بدین گونه قبر شریف حضرت ضمیمه مسجد شد.

توسعه مسجد توسط مهدی عباسی

مسجد تا سال ۲۶۶ هجری به همین شکل باقی بود تا آنکه مهدی عباسی از ناحیه شمال مقداری به مساحت آن اضافه کرد، ولی در سال ۶۵۴ هجری با برافروخته شدن شعله‌های آتش، مسجد رسول الله (ص) در یک آتش‌سوزی مهیب سوخت، به شکلی که حتی منبر نبوی، درها و هر چیزی که در مسجد بود آتش گرفت و از بین رفت و سقف آن نیز فرو ریخت.

بعد از شش سال و در زمان حکومت ظاهر بیبرس مسجدالنبی (ص) به همان شکل که قبل از حریق بود ساخته شد. کیفیت ساختمانی مسجد که در زمان ظاهر بیبرس ساخته شد تا سال ۸۸۶ هجری باقی بود که در آن سال بر اثر صاعقه شدیدی مسجد ویران شد و تنها چیزی که از آن باقی ماند، حجره پیامبر (ص) و قبه‌ای در صحن آن بود.

بعد از این حادثه غیرمنتظره، ملک اشرف با تجدید بنای آن و حتی بهتر از سابق، مسجد را برای استفاده عموم آماده ساخت. در قرن دهم مسجدالنبی (ص) نیاز تازه‌ای به تعمیر پیدا کرد که حکومت عثمانی آن را ترمیم کرد و محرابی برای آن ساخت که اکنون موجود است و در جانب غربی منبر پیامبر واقع شده است.

تأسیس گنبد بر بالای مسجدالنبی

در قرن سیزدهم نیز حکومت عثمانی گنبد سبزی بر بالای مسجدالنبی بنا کرد و در اواخر همین قرن یعنی در سال ۱۲۶۵ هجری، مسجد مجدداً نیاز به تعمیر پیدا کرد که مهندسان با برداشتن هر یک از قسمت‌های خراب و جایگزین کردن بنای جدید در همان مکان قبلی، تعمیرات آن را در سال ۱۲۷۷ هجری به پایان بردند.

توسعه مسجد در سال‌های اخیر

در سال ۱۳۷۷ هجری به خاطر کثرت و ازدحام بیش از حد جمعیت که طبعاً توسعه جدیدی را می‌طلبید، مهندسان اقدام به توسعه مسجد نمودند و مساحت زیادی را به آن افزودند، بطوری که مساحت آن از ۱۰۳۰۳ متر به ۱۶۳۲۶ متر رسید. البته به رغم همه تغییراتی که در مسجد ایجاد شده، هنوز هم حدود اصلی آن که توسط پیامبر اکرم (ص) ساخته شده، محفوظ می‌باشد و بر روی ستون‌ها نوشته شده است: «حَدَّ الْمَسْجِدِ النَّبَوِي».

این مسجد از آغاز تأسیس، مهبط وحی بوده و مسلمین احکام شرعی و اسلامی خود را در این مکان مقدس از صاحب رسالت می‌آموختند و در واقع اولین مدرسه‌ای بود که به برکت اسلام به وجود آمد و با مرور زمان به عنوان مرکزی بزرگ برای آموزش علم و تقوا و تربیت نفس و رعایت مصالح عمومی قلمداد شد و از همه مهم‌تر رسول گرامی اسلام (ص) نیز معلم این مدرسه انسان‌ساز بود که آیات الهی را بر مردم تلاوت و کتاب و حکمت به آنان می‌آموخت.

تذکر نکته‌ای

حدود مکه و حرم آن و حرم نبوی و احکام آنها در پایان بیان می‌شود.

علل و اسباب اهمیت حج

در بررسی‌ها و پژوهش‌های انجام شده دیده می‌شود، اهمیتی که در مبانی اسلام به این عبادت فردی و اجتماعی داده شده، به هیچ عبادت دیگری داده نشده است. حال در اینجا سؤالی پیش می‌آید که چرا بیش از بسیاری از عبادات به حج اهمیت داده شده است؟ چرا مانند نماز نباشد که ستون دین

است؟ چرا مانند زکات نباشد که باعث تأمین نظام اقتصادی جامعه است؟ چرا مانند روزه نباشد که سپری در برابر آتش و عذاب است؟ و چرا مانند جهاد نباشد که باعث حفظ مرزهای بلاد اسلامی از تجاوز دشمنان اسلام می‌شود؟

دلایل اهمیت حج

دلایل اهمیت حج عبارتند از:

دلیل اول

حج دارای دو جنبهٔ بدنی (مانند نماز که حرکت بدنی دارد) و مالی (مانند خمس و زکات که هزینهٔ مالی را بدنبال دارد) می‌باشد. پس حج مانند برخی واجبات که بیشتر در آن آخرت منظور شده و نیز مانند برخی از واجبات مالی که بیشتر در آن دنیا لحاظ شده، نیست. بلکه به همان مقدار که به مسائل روحی و معنوی در آن توجه شده، به مسائل مادی هم توجه شده است.

دلیل دوم

دومین دلیل اهمیت حج، توصیف آن به اوصافی است که در غیر حج وجود ندارند، از آن جمله است:

۱. حج باعث شناخت آثار رسول خدا (ص) در مکه معظمه و مدینه منوره و شناخت آثار امامان (ع) می‌شود؛

۲. انجام حج موجب به اهتزاز درآمدن لوای اسلام از کعبه به اقصی نقاط زمین است، بلکه طبق برخی نصوص، حج پرچم دیانت اسلام است؛

۳. اقامهٔ حج موجب برپایی دین و استواری آن است؛

۴. حج ایمان را اصلاح کرده و سبب تقویت دین می‌گردد، بگونه‌ای که بر

- آن جهاد در راه خدا اطلاق شده و بر ترک آن اطلاق کفر شده است؛
۵. حج صحیح باعث آمرزش انسان از گناهان است و کسی که آن را با شرایطش انجام دهد از گناهان همانند روزی که از مادر متولد شده است پاک می‌شود، حج کامل برایش جزایی جز بهشت نیست؛
۶. حج هم خود مترتب بر بی‌نیازی و هم موجب توسعه روزی و بی‌نیازی می‌شود و فقر را از بین می‌برد؛
۷. حج بهتر از دنیا و آنچه که در آن قرار دارد می‌باشد؛
۸. کسی که دنیا و آخرت را می‌خواهد قصد رفتن به خانه خدا را نماید؛
۹. حج موجب دگرگونی خاص در کسانی می‌شود که موفق به انجام آن شوند؛
۱۰. حج باعث آرامش قلب‌ها می‌شود؛
۱۱. حج سبب می‌شود که مسلمانان شکوه و عظمت اسلامی را در برابر دشمنان آن احساس نمایند، به ویژه برای آنانی که در اقلیت زندگی می‌نمایند؛
۱۲. حج، زمینه‌ای برای تفاهم و تبادل آرا و نظرات بین فرق مذاهب اسلامی و زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری در برابر دشمنان است؛
۱۳. فواید حج برای همگان است چه آنانی که حج می‌کنند و چه آنانی که حج انجام نمی‌دهند؛
۱۴. حج مقتضی سلامتی جسم است و نیز جز اینها که نیازی به بیان آنها نیست.^۱

۱ «وسائل الشیعه» ج ۱۱، باب ۱، از ابواب وجوب حج و شرایط آن؛ «غرر الحکم»؛ «تفسیر فخر رازی» ج ۵، ص ۱۶۷؛ «سنن ابن ماجه»؛ «صحیح بخاری»؛ «صحیح مسلم» باب مناسک حج؛ «بحار الانوار» ج ۷۴، ص ۶۲ و «من لا یحضره الفقیه» ج ۲، ص ۲۱۹.

دلیل سوم

یکی از اهداف مهم اسلام این است که بین فرد و اجتماع ارتباط و هماهنگی و همسویی و همدلی برقرار کند و بین افراد از هر قوم و نژادی که باشند علاقه و الفت و برادری پدید آورد و هیچگونه امتیازی برای کسی نباشد مگر به تقوا.

با توجه به این مطلب اهمیت حج معلوم می شود، زیرا تنها حج است که می تواند بگونه کامل هدف اسلام را محقق سازد و به منظور وی عینیت بخشد. در هیچ واجبی دیده نمی شود که دارای چنین نقشی باشد، چون حج همگان را در موقف واحد، مکان واحد، زمان واحد، عمل واحد، گفتار واحد، هدف واحد، مکان واحد و در لباس واحد جمع می کند، بدون اینکه فضیلت و برتری کسی بر شخصی جز به تقوا و خداترسی باشد و در آن قوم گرایی، ملی گرایی، گروه گرایی و تبعیض نژادی محکوم است. اگر مسلمانان به خوبی این فریضة الهی را درک کنند و آن را بگونه مناسب و شایسته انجام دهند، یقیناً به فواید و منافع بسیاری در زمینه های عبادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و جز اینها دست خواهند یافت. چنانچه خداوند در قرآن کریم به منافع حج گوشزد نموده و اهمیت داده و فرموده است: «وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» مردم را به حج فراخوان تا پیاده و سواره، از راه دور و نزدیک نزد تو آیند تا سودهایی که ویژه آنهاست ببینند این منافع در ابعاد مختلف در زندگی همه مسلمانان جریان می یابد تا همه شاهد آن باشند.

حج کنگره‌ای برای طرح مشکلات

در دنیای کنونی مسلمانان با مشکلات فراوانی روبرو می‌باشند که کنگره مهم حج فرصت مغتنمی است برای طرح آنها و ارائه راهکارهای مناسب برای برطرف کردن آنها و این کافی نیست که مشکلات فردی را حل نمود ولی مشکلات مسلمین باقی بماند.

آری در حج اسرار شگرف، حکمت‌های با ارزش و فواید بسیاری نهفته است که تمامی آنها در تقویت ساختارهای معنوی و اجتماعی مسلمانان تأثیر بسزایی دارد.

به سخن دیگر حج یک عبادت متمرکز اجتماعی و فردی است که خاصیت آن پرورش انسان مسلمان نمونه عالی است و واقعاً با مشاهده مواقف و صحنه‌های حج (عرفه، مشعر و منی) و دیدن انسان‌های همگون، بدون هیچگونه امتیاز ظاهری بین آنان، انسان را به یاد روز رستاخیز و عرضه اعمالش به حضرت حق می‌اندازد. روز رستاخیز آن روزی است که همه اقوام و همه ملت‌ها با اندیشه‌ها و افکار گوناگون در یک مکان، بدون هیچگونه امتیازی در پیشگاه با عظمت خداوند قرار می‌گیرند و با سنگینی بار گناه، پیشانی تسلیم بر زمین ساییده و در عین حال امیدوار به لطف و عنایت کریمانه او هستند، که این قطعاً موجب نظارت بر اعمال و رفتار و محاسبه نفس و زدودن بدی‌ها از خود و موجب تقویت پرهیزکاری و تقوی می‌شود. حج در نزد همه مسلمانان عبادتی معروف و آشناست، ولی با این وصف ابعاد بی‌شماری از آن ناشناخته مانده و هنوز راه دراز و طولانی در پیش داریم تا بتوانیم فلسفه و فواید و آثار همه ابعاد آن را شناخته و به دیگران بشناسانیم.

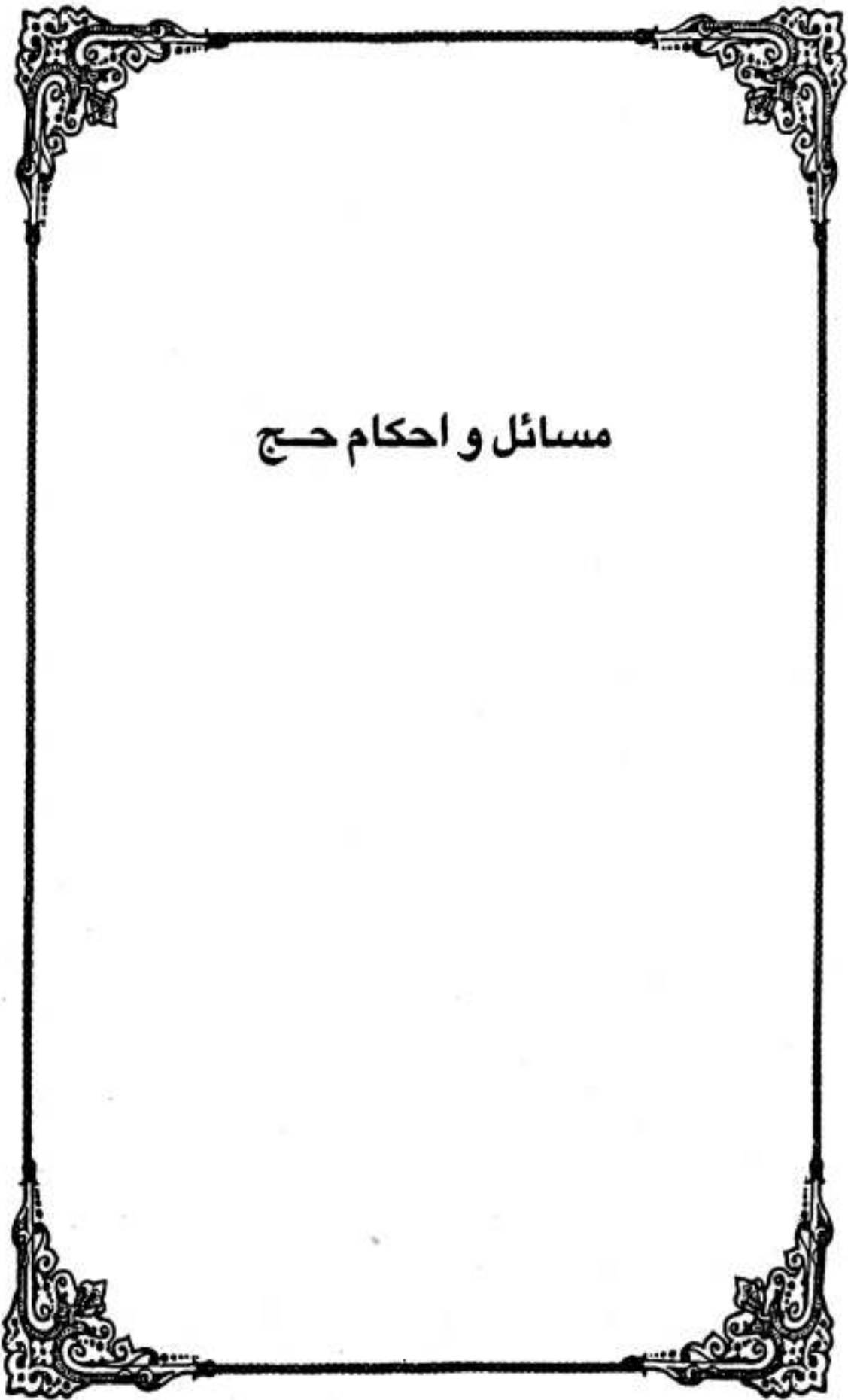
اشاره

چند سالی است که برخی از مؤمنین داخل و خارج کشور تقاضا می‌کردند مسائل و احکام حج را که در ضمن مجموعه‌ای تنظیم نموده بودم، در دسترس آنان قرار دهم، ولی به دلیل اینکه نیاز به بررسی و تجدید نظر داشتند و گرفتاری‌ها و کارها مانع از این بود، نتوانستم به آنان جواب مثبت دهم. اینک با پدید آمدن زمینه و با توکل به خدا و پس از بررسی و تجدید نظر در آنها، اقدام به چاپ و نشر آن گردید. چنانچه مورد پذیرش آنان قرار بگیرد، بهره‌ای است که از جانب خداوند نصیب شده است.

و انا العبد الفانی

محمّد ابراهیم جنّاتی

۷/ مهر / ۱۳۶۶



مسائل و احكام حج

بسمه تعالی
عمل به این رساله شریفه « مناسک حج »
مجزی است ان شاء الله تعالی
و انا العبد الفانی
محمد ابراهیم جنّاتی
۱۳۶۶ / دی / ۲۶



مسائل و احکام حج

مسئله ۱. حج بر مکلف مستطیع بیش از یک مرتبه در تمام عمر واجب نیست و آن را حجة الاسلام می نامند.

مسئله ۲. وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است یعنی باید در سال اول استطاعت آن را بجا آورد و تأخیر از آن جایز نیست و در صورت تأخیر از روی نافرمانی و عصیان یا به جهت عذری، واجب است در سال بعد آن را انجام دهد و نیز

مسئله ۳. تأخیر حج از سال اول استطاعت، از گناهان محسوب می شود، ولی هر سالی که آن را انجام دهد، عنوان ادا دارد نه قضا، زیرا حج از واجبات موسعه و مادام العمری است.

مسئله ۴. اگر درک حج بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مثل سفر و تهیه اسباب آن باشد، باید فوراً به تحصیل آن پردازد بطوری که در همان سال آن را درک نماید و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به انجام

حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می‌شود و باید در هر صورت بعداً آن را انجام دهد هر چند استطاعت او از بین برود. مگر آنکه برای وی حرجی باشد که در این صورت اگرچه بر خودش واجب نیست، ولی وارث باید از ترکه، حج را به عنوان نیابت از او بجا آورد.

مسئله ۵. هرگاه کاروان‌های متعددی باشند که یکی پس از دیگری برای مکه حرکت می‌کنند، چنانچه مکلف اطمینان دارد اگر با اولین گروه حرکت نکند می‌تواند با کاروان بعدی به حج برود، تأخیر جایز است و اگر اطمینان ندارد باید با اولین گروه حرکت کند و اما در زمان کنونی که کاروان او معلوم است باید با همان کاروان حرکت کند.

شرایط وجوب حجة الاسلام

با چهار شرط حج بر انسان واجب می‌شود:

۱. بلوغ

اولین شرط بلوغ است، پس بر غیر بالغ حج واجب نیست و چنانچه بچه‌ای حج کند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند، ولی حشش صحیح می‌باشد.

مسئله ۶. هرگاه نابالغ به حج برود و قبل از احرام از میقات بالغ شود و مستطیع باشد، حشش حجة الاسلام به شمار می‌آید و چنانچه بعد از بستن احرام بالغ شود، جایز نیست حشش را به عنوان استحباب انجام دهد و باید آن را به عنوان حجة الاسلام بجا آورد و باید به یکی از میقات‌ها رفته و از آنجا برای حجة الاسلام احرام ببندد و هرگاه متمکن از رفتن به آنجا نباشد، جای احرام بستن چنین شخصی تفصیلی دارد که می‌آید.

مسئله ۷. هرگاه به عقیده اینکه هنوز بالغ نشده، حج استحبابی بجا آورد و بعد از ادای حج معلوم شد که بالغ بوده، این حج کافی از حجة الاسلام می باشد.

مسئله ۸. اگر کودک ممیز برای حج محرم شود و در وقت درک مشعر الحرام بالغ شود، کفایت از حجة الاسلام می کند.

مسئله ۹. حج برای طفل ممیز مستحب و صحیح است و اذن ولی در آن معتبر نیست. ولی پس از بالغ شدن اگر دارای استطاعت شد، باید حج را انجام دهد.

مسئله ۱۰. نفقه (هزینه) حج غیر بالغ و آنچه مازاد بر نفقه عادی می باشد، بر ولی است و اما اگر حفظ او متوقف بر این باشد که همراه با ولی در سفر باشد یا سفر مصلحت او باشد، برای ولی جایز است از مال خود غیر بالغ خرجش کند.

مسئله ۱۱. کسی که گمان می کرد بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرد و بعد از ادای حج، معلوم شود بالغ بوده، حج او کفایت از حجة الاسلام می کند، زیرا این از قبیل اشتباه در تطبیق است نه از قبیل قید و تقید به آن، به اینکه اگر حج استحبابی نباشد آن را بجا نمی آورد.

مسئله ۱۲. مستحب است ولی طفل، او را محرم کند و او را وادار به تلبیه گفتن نماید و اگر نمی تواند خود به جای او آن را بگوید و نیز او را از محرمات احرام باز دارد.

مسئله ۱۳. قدر متیقن از ولی در محرم کردن طفل غیر ممیز، ولی شرعی او است مانند پدر و جد و یا وصی یکی از آن دو و نیز حاکم و امین از طرف او و نه غیر آنها، البته مادر در امر یاد شده از جهت دلیل خاص، ملحق به ولی شرعی است.

مسئله ۱۴. بعد از آنکه طفل محرم شد یا او را محرم کردند، باید ولی او را از محرمات احرام باز دارد و اگر ممیز نیست، باید خود ولی او را از محرمات حفظ کند.

مسئله ۱۵. بعد از اینکه طفل محرم شد، اگر محرمات احرام را بجا آورد یا ولی او را از آنها باز نداشت، کفاره صید (شکار) که در صورت انجام آن بر محرم ثابت می شود، چه عمدی باشد و یا غیر عمدی، بر ولی طفل واجب است نه در مال طفل. اما کفارات دیگری که در بجا آوردن عمدی موجبات آنها بر محرم واجب می شود، نه بر ولی طفل واجب است نه بر مال طفل.

مسئله ۱۶. گوسفند قربانی برای حج بر عهده ولی طفل است.

مسئله ۱۷. ولی طفل، باید او را بر انجام تمام اعمال حج و عمره وادار کند که بجا آورد و اگر نمی تواند، باید وی به نیابت از طفل آنها را انجام دهد.

مسئله ۱۸. اگر طفل نابالغ قبل از اینکه در میقات محرم شود بالغ گردد، حج بر او واجب می شود و حج او حجة الاسلام است، اگر از همانجا که محرم می شود شرایط استطاعت را دارا باشد.

۲. عقل

دومین شرط برای وجوب حج، عقل است. پس بر دیوانه هر چند ادواری باشد، واجب نیست. البته اگر در ماه های حج دیوانه عاقل شد و مستطیع بود و تمکن از بجا آوردن اعمال حج داشت بر او واجب می شود، هر چند در اوقات دیگر دیوانه باشد.

۳. آزادی

سومین شرط در وجوب حج، آزادی است. پس بر مملوک یا غلام

زر خرید حج واجب نمی شود و چون در روزگار کنونی مملوک وجود ندارد، لذا از بیان مسائل مربوط به آن خودداری می شود.

۴. استطاعت

چهارمین شرط در وجوب حج، استطاعت از جهت مال است.

مسائل و شرایط استطاعت مالی

مسئله ۱۹. در استطاعت مالی شرایطی اعتبار شده است که به شرح ذیل ارائه می شود:

شرط اول

مسئله ۲۰. اولین شرط در تحقق استطاعت مالی، داشتن توشه و هزینه راه و مرکب سواری است و آنچه در سفر به آن نیاز دارد و چنانچه عین آنها را ندارد، کافی است چیزی مثل پول یا متاع دیگری داشته باشد که ممکن باشد آن را صرف در تهیه آنها نماید.

مسئله ۲۱. لازم است توشه راه و وسیله سواری مطابق شأن او باشد.

مسائل متفرقه شرط اول

مسئله ۲۲. داشتن توشه راه و وسیله سواری مختص به صورت نیاز نیست بلکه مطلقاً شرط است، هرچند نیاز به آن نداشته باشد مانند اینکه بدون مشقت توانایی بر پیاده روی را داشته باشد و با شرف و آبروی او هم منافات نداشته باشد.

مسئله ۲۳. میزان و معیار در توشه راه و وسیله سواری وجود فعلی

آنهاست و بر کسی که آنها را فعلاً ندارد ولی می تواند آنها را با کار و کاسبی تحصیل نماید، حج واجب نیست.

مسئله ۲۴. فرقی در اعتبار وسیله سواری در پیدایش استطاعت بین بلاد دور و نزدیک نیست.

مسئله ۲۵. داشتن هزینه رفتن و مخارج برگشتن در صورتی در تحقق استطاعت مالی اعتبار شده است که مکلف قصد بازگشت به وطن خود را داشته باشد و اگر دارای این قصد نباشد و یا خواسته باشد در جای دیگری غیر از وطن خود زندگی کند، باید هزینه رفتن به آنجا را داشته باشد و دارا بودن هزینه بازگشت به وطن لازم نیست. ولی اگر جایی که می خواهد در آنجا زندگی کند دورتر از وطنش باشد و هزینه رفتن به آنجا بیشتر از هزینه برگشت به وطن او باشد، در این صورت اگر ناگزیر از سکونت در آنجا نباشد داشتن هزینه تا آنجا شرط نیست، بلکه داشتن هزینه بازگشت به وطن در وجوب حج کافی است.

شرط دوم

مسئله ۲۶. دومین شرط در وجوب حج در استطاعت مالی، داشتن ضروریات زندگی و آنچه را که در معیشت به آن نیاز دارد مثل خانه مسکونی و اثاث خانه و وسیله سواری و غیر آن بگونه ای که مناسب با شأن او باشد و چنانچه عین آنها را نداشته، پول یا چیزی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

مسائل متفرقه شرط دوم

مسئله ۲۷. برای انجام حج، فروختن چیزهای ضروری زندگی مانند منزل

مناسب شأن و اساس منزل و ابزار کار که برای زندگی به آنها نیاز است و مانند آنها مثل کتاب نسبت به اهل علم و دانش که برای تحصیلاتش لازم است، واجب نیست.

مسئله ۲۸. کسی که دارای منزلی است که قیمت بسیار بالایی دارد و می تواند آن را بفروشد و منزل دیگری به قیمت کمتر خریداری نماید و بدون مشقت در آن زندگی کند و تفاوت دو قیمت وافی به هزینه حج و هزینه زندگی وی باشد، لازم است این کار را انجام داده و به حج برود.

مسئله ۲۹. اگر کسی ضروریات زندگی یا پول آنها را در حج صرف کند، از حجة الاسلام کفایت نمی کند و حج او حج مستحبی به حساب می آید.

مسئله ۳۰. کسی که نیاز به ازدواج دارد و برای آن پول لازم دارد، در صورتی مستطیع می شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد. مگر آنکه ترک ازدواج موجب نشود که او در حرج یا حرام واقع شود، در این صورت مستطیع است اگر چه هزینه ازدواج را نداشته باشد.

مسئله ۳۱. کسی که از دیگری طلب دارد و بقیه شرایط استطاعت را نیز دارا است، اگر وقت طلب او رسیده و می تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقت آن را بگیرد، واجب است آن را مطالبه کند و بگیرد و به حج برود. مگر آنکه مدیون نتواند آن را بپردازد، که در این صورت مطالبه از او جایز نیست و استطاعت برای او حاصل نمی شود.

مسئله ۳۲. اگر وقت طلب او نرسیده ولی مدیون بخواهد طلب او را بپردازد، لازم است طلبکار آن را بگیرد و حج را انجام دهد، زیرا با آن مستطیع می شود. ولی اگر مدیون نخواهد طلب او را بپردازد، مطالبه از او واجب نیست، هر چند با مطالبه حاضر به پرداخت شود.

مسئله ۳۳. اگر طلبکار بتواند طلب خویش را بگونه ای که اجحاف در حق

او نباشد بفروشد و با پول آن به تنهایی یا به ضمیمه مال دیگر که وافی هزینه حج باشد و برای او مشقت نداشته باشد، وی در این صورت مستطیع است و باید به حج برود.

مسئله ۳۴. اگر انسان مالی را که وافی به هزینه حج باشد، مالک شود و به همان مقدار هم بدهکار باشد، حج بر او واجب نخواهد بود و همچنین اگر کمتر از آن مقدار بدهکار باشد بگونه‌ای که اگر مقدار بدهکاری برداشته شود، باقیمانده آن وافی به هزینه حج او نباشد، در این صورت هم حج بر او واجب نخواهد بود.

مسئله ۳۵. در فرض مذکور، فرقی نیست بین اینکه وقت پرداخت بدهی او رسیده باشد یا نه.

مسئله ۳۶. کسی که مدیون به دین حالی است و مالی که دارد تنها به اندازه ادای آن است، در صورتی که قبلاً استطاعتی نداشته، حج بر او واجب نیست. ولی با این وصف اگر معصیت کند و ادای دین ننماید و با آن حج کند، حج او صحیح است ولی حج واجب محسوب نمی‌شود، بلکه حج استحبابی به حساب می‌آید و بدین جهت اگر بعداً استطاعت برایش پدید آمد، باید حج واجب را انجام دهد.

مسئله ۳۷. اگر کسی به احتمال اینکه استطاعت دارد، به حج رفت و بعد از بازگشت، لطمه‌ای و اخلاقی در زندگی وی پدید نیامد، این حج کفایت از حجة الاسلام می‌نماید.

مسئله ۳۸. هرگاه غیر مستطیع بتواند مصارف حج را قرض کند و توانایی بر پرداخت آن بدون مشقت، بعد از انجام حج داشته باشد، مستطیع است و حج بر او واجب می‌شود و اگر آن را بجا آورد از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

مسئله ۳۹. کسی که مخارج حج را دارد و بدهی نیز دارد، چنانچه آن

مدت دار باشد و مطمئن است که در وقت ادا تمکن پرداخت آن را دارد، مستطیع می باشد و واجب است به حج برود و همچنین در صورتی که وقت ادای بدهی رسیده ولی طلبکار راضی به تأخیر ادای آن باشد و بدهکار مطمئن است که در وقت مطالبه می تواند بدون مشقت آن را ادا نماید.

مسئله ۴۰. اگر مکلف در سالی که استطاعت مالی دارد از جهت باز بودن راه استطاعت ندارد ولی در سال های بعد این مانع برطرف می شود، نمی تواند در مال خود در غیر امور ضروری تصرف کند و خود را از استطاعت خارج نماید بلکه واجب است آن را حفظ کند و با آن حج بجا آورد. اگر مال را حفظ نکرد، حج بر او مستقر می شود و باید به هر نحو که ممکن باشد بعداً به حج برود.

مسئله ۴۱. کسی که استطاعت حج دارد، باید خرج های مقدماتی مانند خرج تذکره، ویزا، ودیعه و آنچه مربوط به حج است بدهد و این خرج ها موجب سقوط حج نمی شود. ولی اگر استطاعت اینگونه از مخارج را نداشته باشد، مستطیع نیست.

مسئله ۴۲. اگر اجرت ماشین یا هواپیما زیاد و یا زیادتر از حد معمول باشد و همچنین قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد و یا زیادتر از حد متعارف باشد، باید حج برود و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت. مگر آنکه زیادی بر مقدار متعارف موجب حرج بر او شود، که در این صوت حج بر او واجب نیست و نیز اگر موجب حرج بر او نشود ولی موجب اجحاف گردد.

مسئله ۴۳. شخص مستطیع اگر پول ندارد ولی ملک دارد، باید آن را بفروشد و به حج برود، اگرچه به واسطه کمی مشتری به کمتر از قیمت معمولی آن به فروش برسد، مگر آنکه فروش به این نحو موجب حرج و مشقت برای او شود.

مسئله ۴۴. کسانی که کتاب‌های زیادی دارند که همه آنها محل احتیاج نیست و اگر زاید بر آنها را بفروشند، به قدر مؤونه حج می‌شود، در صورتیکه سایر شرایط را نیز دارا باشند، واجب است آن را بفروشند و با پول آن به حج بروند. بلکه اگر کسانی از کتب موقوفه احتیاج آنان رفع می‌شود و کتاب‌های ملکی به قدری که هزینه حج با آنها تأمین شود داشته باشند، واجب است آنها را بفروشند و با پول آنها به حج بروند.

مسئله ۴۵. کسی که نذر کرده هر ساله در روز عرفه، کربلای معلی یا یکی از مشاهد دیگر را زیارت کند نذرش صحیح است، ولی اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شد، باید حج برود و نذر مانع از حج نمی‌شود و اگر نرفت، حج بر او مستقر می‌شود و باید به نذر عمل کند.

مسئله ۴۶. در فرض مذکور اگر حج رفت، تخلف نذر باعث کفاره نمی‌شود. ولی اگر حج نرفت و به نذر هم عمل نکرد، کفاره نذر را باید بدهد و این مقدم شدن حج بر نذر، از نظر ما از باب اهمیت است و نه از باب انحلال نذر که بیشتر فقها این را قائل‌اند.

مسئله ۴۷. اگر رفتن حج موجب ترک واجب یا فعل حرامی شود، باید ملاحظه اهمیت حج یا حرام و واجب را کرد. اگر حج اهمیتش از آن بیشتر است، باید آن را انجام دهد و اگر ثابت نشود، نباید آن را بجا آورد. ولی اگر رفت و حرامی بجا آورد یا واجبی را ترک کرد، معصیت کار است ولی حج او صحیح است.

مسئله ۴۸. اگر با اعتقاد به اینکه مستطیع نیست، قصد حج استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند. مگر در صورتی که قصد وظیفه‌ای را که فعلاً دارد نموده باشد و اشتهاً آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

مسئله ۴۹. کسی که در راه حج برای خدمت به اجرتی که با آن مستطیع می شود اجیر شود، حج بر او واجب می شود.

مسئله ۵۰. کسی که برای نیابت از دیگری اجیر شد و با اجرت آن مستطیع گشت، در صورتی که استیجار برای سال اول باشد، باید حج نیابی را بر حج خویش مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند، برای خودش در آن سال حج خود را بجا آورد.

شرط سوم

مسئله ۵۱. سومین شرط در تحقق استطاعت مالی آن است که مخارج عائله اش را تا برگشت از حج داشته باشد، هرچند عائله واجب النفقه او نباشد.

شرط چهارم

مسئله ۵۲. چهارمین شرط در تحقق استطاعت مالی رجوع به کفایت است یعنی بعد از برگشت از حج، تجارت یا زراعت یا صنعت یا منفعت ملک مثل باغ و دکان داشته باشد، بطوری که بتواند زندگی خود و عائله اش را اداره نماید و دچار تهیدستی و فقر نگردد. پس اگر سرمایه ای دارد که با آن زندگیش را اداره می کند، چنانچه آن را هزینه حج قرار دهد نتواند زندگی مناسب شأن داشته باشد، حج بر او واجب نیست.

شرط پنجم

مسئله ۵۳. پنجمین شرط در وجوب حج، استطاعت بدنی است. پس مستطیعی که نمی تواند به جهت پیری یا بیماری به حج برود یا بر او مشقت

زیاد دارد، واجب نیست حج را خود انجام دهد، ولی گرفتن نایب بر او واجب است. بنابراین صحت بدن و توانایی بر انجام حج از شرایط اصل وجوب حج نیست، بلکه از شرایط وجوب حج برای کسی است که خود باید آن را انجام دهد. پس می شود اصل انجام حج بر کسی نه از راه خودش بلکه از راه نایب بر او واجب شود.

شرط ششم

مسئله ۵۴. ششمین شرط در وجوب حج در استطاعت مالی، باز بودن راه است، پس بر کسی که راه برای او باز نیست حج واجب نیست.

شرط هفتم

مسئله ۵۵. هفتمین شرط در وجوب حج، وقت کافی برای رفتن به مکه و انجام اعمال واجب آن است، پس اگر وقت تنگ است بطوری که نمی تواند به حج برسد حج واجب نیست و اگر مال او تا سال بعد باقی می ماند، باید در آن سال حج را انجام دهد و اگر باقی نماند حج واجب نخواهد شد.

ترک حج با وجود شرایط

مسئله ۵۶. اگر با وجود شرایط استطاعت حج را ترک کرد، حج بر او مستقر می شود و باید بعداً به هر نحو که می تواند به حج برود، مگر در صورتی که برایش حرجی باشد.

مسئله ۵۷. در فرض مذکور اگر پیش از انجام حج بمیرد، واجب است از ترکه، حج را به عنوان وی انجام دهند و چنانچه کسی بدون اجرت به جای وی حج نماید کفایت می کند.

مسائل مختلف درباره مستطیع

مسئله ۵۸. مستطیع باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی‌کند، مگر در مورد مریض یا پیر به شرحی که بعداً بیان می‌شود.

مسئله ۵۹. کسی که خودش مستطیع است، نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی بجای آورد. ولی اگر حج نیابی یا استحبابی بجا آورد حجتش صحیح است، اگرچه گناهکار است.

مسئله ۶۰. اگر کسی مالی را که بتواند با آن حج بجا آورد در اختیار دارد، هر چند مالک آن نباشد ولی تصرفش در آن جایز باشد، اگر سایر شرایط را دارا باشد مستطیع است. پس کسی که با وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات زندگی می‌کند، مستطیع می‌شود و حج او کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

مسئله ۶۱. کسی که از راه کسب یا غیر کسب، مخارج رفتن و برگشتن حج را دارد و بعد از برگشتن از حج مقداری از مؤونه زندگی خود را از درآمد کسب و بقیه را از شهریه‌ای که از وجوه شرعیه است تأمین می‌کند، مستطیع است و باید به حج برود.

مسئله ۶۲. اگر کسی زمین یا چیز دیگری را که دارد به قصد تهیه منزل مسکونی بفروشد، در صورتی که نیاز به منزل مسکونی داشته باشد مستطیع نمی‌شود، هر چند پولی که از راه فروش آن بدست آورده برای مخارج حج کافی باشد.

مسئله ۶۳. حکم مذکور در صورتی است که در نزد عرف داشتن خانه ملکی از شئونات او باشد یا سکونت در غیر خانه ملکی برای او باعث مشقت و ناراحتی شود و یا موجب تحقیر او گردد. اما اگر اینگونه نباشد، در فرض مسئله مستطیع شمرده می‌شود و لازم است به حج برود.

مسئله ۶۴. اگر شخصی از سال‌های قبل مستطیع بوده، واجب است تا آنجا که امکان دارد خودش به حج برود و اگر بر اثر مرض یا پیری یا غیر اینها نتواند، واجب است برای حج نایب بگیرد و اگر نگرفت و فوت کرد، باید ورثه از ترکه برای او حج بدهند.

مسئله ۶۵. زنی که با کسب می‌تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجبش را نیز دارد، باید به حج برود حتی اگر در صورت رفتن او به حج شوهرش برای مخارج به زحمت بیافتد. زیرا به زحمت افتادن شوهر در زندگی مانع از استطاعت او نمی‌شود، البته اگر به زحمت افتادن شوهر موجب خرج برای او در زندگی است، مانع از تحقق استطاعت است و حج بر او واجب نمی‌شود.

مسئله ۶۶. کسی که در محل خودش مستطیع نیست هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، حج بر او واجب نیست. ولی اگر رفت و وقتی به میقات رسید استطاعت حج را از آنجا با همه شرایط دیگر داشت، مستطیع می‌شود و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

مسئله ۶۷. کسی که بعد از استطاعت مالی، بدون تأخیر سعی در رفتن به حج نمود ولی نتوانست به حج برود، کشف می‌شود که او مستطیع نشده و حج بر او واجب نیست. ولی اگر مسامحه کرد و تأخیر نمود، باید آن را به هر شکل ممکن انجام دهد.

مسئله ۶۸. کسی که برای حج نیابتی اجیر شده و بعد در همان سال استطاعت مالی پیدا کرده است، چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده باشد باید حج نیابتی را بجا آورد و اگر استطاعت او باقی ماند، حج خودش را در سال بعد انجام دهد.

مسئله ۶۹. در حصول استطاعت فرقی نیست بین اینکه در اشهر حج یعنی

شوال و ذی القعدة و ذی الحجة مال پیدا کند یا قبل از آن، بنابراین اگر استطاعت مالی پیدا شود و استطاعت بدنی و سایر شرایط موجود باشد، نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند. حتی در اوایل سال و قبل از ماه های حج، زیرا مالی که از شرایط وجوب حج است آن مالی است که به خودی خود برای باقی ماندن قابلیت داشته باشد.

مسئله ۷۰. اگر کسی از مجتهدی که رجوع به کفایت را از شرایط وجوب حج نمی دانسته تقلید کرد و از اینرو با اینکه آن را نداشته حج را به عنوان حجة الاسلام آورده و فعلاً از کسی تقلید می کند که آن را در استطاعت معتبر می داند، اعاده حج بر او لازم نیست.

مسئله ۷۱. شخصی که پیش از انجام احرام عمره تمتع و یا بعد از انجام آن مریض شد و نتوانست حج را انجام دهد، در این صورت چنانچه سال اول استطاعت او بوده است، کاشف بعمل می آید که وی از اول امر مستطیع نبوده و حج بر او واجب نشده است. ولی در صورتی که سال اول استطاعت او نبوده و حج بر او از قبل واجب بوده و یا فعلاً مستطیع شده است، باید برای انجام آن نایب بگیرد.

مسئله ۷۲. اگر کسی به خیال اینکه استطاعت دارد به قصد عمره تمتع محرم شد و به ترتیب کلیه اعمال حج تمتع را انجام داد و بعد از تمام شدن اعمال معلوم شد که مستطیع نبوده، اگر قصد او بگونه تقیید به آن بوده، احرام واقع نشده و اگر بگونه خطا در تطبیق بوده، احرام حج مستحبی واقع شده و از احرام با انجام اعمال آن خارج شده، ولی مجزی از حجة الاسلام نیست.

مسئله ۷۳. اگر کسی به خیال اینکه مستطیع نیست به نیت استحباب محرم شد و اعمال عمره تمتع را انجام داد و بعد معلوم شد مستطیع بوده، حج او از حج واجب کفایت می کند زیرا از قبیل خطا در تطبیق است. ولی اگر تقیید به

استحباب داشته، مجزی از حج واجب نخواهد بود.

مسئله ۷۴. شخصی که مستطیع است ولی دارای نوه‌ای است که نیاز مبرم به ازدواج دارد، باید انجام حج را بر ازدواج او مقدم بدارد. مگر زمانی که ازدواج نوه از مخارج عرفی او محسوب شود و نتواند هر دو را انجام دهد، در این صورت ازدواج او مانع از حج می‌شود.

مسئله ۷۵. کسی که مستطیع است ولی اگر به عنوان انجام عمره مفرده به مکه برود از استطاعت مالی می‌افتد، نباید برای انجام آن به مکه برود.

مسئله ۷۶. هرگاه شخصی استطاعت مالی دارد ولی پول موجود ندارد بلکه به عنوان مطالبات از اشخاص است، اگر طلب او را می‌دهند، مستطیع است و باید مطالبه کند و با آن حج را انجام دهد.

مسئله ۷۷. اگر طلب‌هایی را که از مردم دارد به او نمی‌دهند، قرض کردن برای او بر انجام حج واجب نمی‌باشد، ولی اگر قرض کرد و بر ادای آن توانا باشد و حج را انجام داد، حج او حجة الاسلام به شمار می‌آید.

مسئله ۷۸. کسی که از نظر مالی مستطیع بوده ولی به دلیل نداشتن برگه پایان خدمت از او ثبت‌نام برای حج به عمل نیامده، حج بر او واجب نشده است. ولی زمانی که ثبت‌نام کرد و استطاعت مالی برایش باشد، مستطیع است و باید حج را انجام دهد.

مسئله ۷۹. اگر کسی که دارای فیش حج بود، قبل از انجام آن بمیرد، در صورتی که حج بر او مستقر بوده و یا به آن وصیت کرده باشد، باید با آن به عنوان وی حج انجام دهند.

مسئله ۸۰. در فرضی که ذکر شد در صورت نبودن وصیت و عدم استقرار حج با وجود صغیر، اگر بخواهند با آن فیش به حج بروند، باید با رضایت ورثه باشد و لازم است سهم صغیر را بپردازند.

مسئله ۸۱. کسی که با فیش حج میت و به نیابت از وی به حج می‌رود، اگرچه خود نیز تمام شرایط استطاعت را دارا بوده بجز باز بودن راه، که آن هم از راه نیابت برایش حاصل شده، باید حج نیابی را انجام دهد. با این وصف اگر برای خود حج را انجام دهد، معصیت کار بوده ولی حج او صحیح است.

مسئله ۸۲. نایب گرفتن برای متوفی در صورتی صحیح و مجزی است که مجاز به استنابه باشند و گرنه مجزی نیست.

مالی که خمس و زکاة به آن تعلق گرفته

مسئله ۸۳. کسی که حج و خمس و زکاة نیز بر او باشد و ترکه او کفاف تمام آنها را نکند، اگر مالی که خمس یا زکاة به او تعلق گرفته موجود باشد، باید آنها را بپردازد و چنانچه خمس و زکاة به ذمه وی منتقل شده باشد، حج بر آنها مقدم می‌شود.

مسئله ۸۴. فردی که استطاعت دارد ولی مالش متعلق خمس و زکات است، اگر قسمتی از آن را تخمیس کند و با آن هزینه حج را تأمین نماید و حج کند، حج او صحیح است.

مسئله ۸۵. کسی که مالش متعلق خمس است، اگر آن را تخمیس نکند ولی لباس احرام و نعلین و پول قربانی را از مالی که خمس به آن تعلق نگرفته باشد تهیه کند و یا اینکه آنها را به ذمه خریده باشد نه به مالی که خمس به آن تعلق گرفته، حج او صحیح است.

مسئله ۸۶. اگر بر ذمه میت حجة الاسلام باشد و دارای قرض هم باشد، حج بر قرض و بدهی او مقدم است و باید از طرف او حج انجام شود.

مسئله ۸۷. کسی که حج بر او بوده، ورثه پیش از استیجار برای حج، نمی‌توانند در ترکه او تصرف کنند، خواه هزینه حج برابر آن باشد یا کمتر از

آن باشد.

مسئله ۸۸. در فرض مذکور اگر ترکه میت خیلی زیاد باشد و ورثه ملتزم به ادای حج او شوند، می توانند در آن تصرف کنند.

مسئله ۸۹. بر کسی که ترکه وی به مقدار هزینه حج نیست، در صورتی که بدهی یا خمس و زکاة دارد، واجب است ترکه را در آنها صرف نمایند و چنانچه بدهی ندارد، برای ورثه است و بر آنان واجب نیست کمبود هزینه حج را از مال خود تکمیل نمایند.

ثبت نام برای حج

مسئله ۹۰. هرگاه کسی که ثبت نام برای حج کرده فوت کند، به هر کدام از اولادش که اجازه داده شود از آن استفاده کند، او مستطیع می شود و باید به حج برود.

مسئله ۹۱. شخصی که برای حج ثبت نام کرده و در وصیت خود گفته: «برایش حج مستحبی انجام دهند»، هرگاه فرزند او که استطاعت مالی داشته ولی راه برای او باز نبوده فرصت را غنیمت شمرد و حج را به نیت خود انجام دهد و نه به عنوان نیابت از پدر، حج او صحیح است.

مسئله ۹۲. بعضی از مسلمانان که در کشورهای غیراسلامی زندگی می کنند و اگر بخواهند حج کنند، باید مبلغی به حکومت بدهند، این مانع از وجوب حج او نمی شود. مگر اینکه مبلغ به قدری زیاد باشد که موجب اجحاف برایش باشد.

مسئله ۹۳. کسی که در موقع اسم نویسی برای حج استطاعت مالی دارد باید اسم بنویسد و اگر ننویسد حکم کسی را دارد که حج بر او مستقر است.

مسئله ۹۴. هرگاه کسی که مستطیع بوده در موقع اسم نویسی برای حج

ثبت نام نموده ولی بعداً به پولی که در بانک سپرده نیاز پیدا کرد، مستطیع نیست و می تواند پول را بگیرد و با آن نیاز خودش را در زندگی برطرف کند.

مسئله ۹۵. هرگاه کسی برای حج ثبت نام کرد ولی نوبت او را برای چند سال دیگر اعلام نمودند، اگر قبلاً حج بر او مستقر نشده باشد، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۹۶. شخصی که برای زیارت عتبات عالیات ثبت نام کرده، اگر مالی به دست آورد که می تواند با آن حج کند، در صورتی که شرایط دیگر استطاعت را دارا باشد، باید به حج برود.

حج پرسنل کاروان ها

مسئله ۹۷. پزشکان یا کسان دیگری که با مأموریت به میقات آمده اند و در میقات واجد شرایط وجوب حج هستند، واجب است حجة الاسلام را بجا آورند. مگر آنکه مأموریت آنان بگونه ای باشد که نتوانند با انجام حج به وظایف خود عمل کنند، در این صورت حج بر آنان واجب نیست.

مسئله ۹۸. روحانی کاروان اگر بعد از مراجعت از مکه در اداره زندگی به مشقت نیافتد و از راه شهریه و یا حقوق شرعی زندگی او تأمین شود، مستطیع است و باید حج واجب را انجام دهد.

مسئله ۹۹. خدمه کاروان ها که وارد جده می شوند، اگر سایر شرایط استطاعت را دارند از قبیل داشتن وسایل زندگی بالفعل یا بالقوه، رجوع به کفایت مانند کار و صنعت و غیر آن، که با آنها می توانند پس از مراجعت زندگی مناسب خود را ادامه بدهند، مستطیع هستند و باید حجة الاسلام بجا آورند و کفایت از حج واجب آنان می کند.

مسئله ۱۰۰. خدمه کاروان ها در صورتی که سایر شرایط را ندارند، به مجرد

امکان حج برای آنان استطاعت حاصل نشده است و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعداً استطاعت پیدا کردند، باید حج واجب را بجا آورند.

مسئله ۱۰۱. خدمه کاروان‌ها که پس از انجام عمره تمتع باید به عرفات و منی برای دیدن چادرها و کارهای دیگر بروند و برگردند به مکه، بدون احرام به حج نمی‌توانند از مکه خارج شوند، مگر درباره انجام کارهایی که برایشان ضروری می‌باشد.

مسئله ۱۰۲. خدمه کاروان‌ها می‌توانند با محرم شدن به احرام حج از مکه خارج شوند، مگر آنکه احرام برای آنها حرجی باشد.

مسائل و شرایط زنی که استطاعت مالی دارد

مسئله ۱۰۳. در صورتی که زن مستطیع شود باید حج نماید و اذن شوهر شرط نیست و نمی‌تواند شرعاً زن خود را از حج منع نماید.

مسئله ۱۰۴. زنی که از شوهر طلاق گرفته و طلاق اورجعی است، زمانی که در عده است مانند زن شوهردار است.

مسئله ۱۰۵. بانویی که واجب الحج شد در صورتی که مأمون بر خود باشد همراه داشتن محرم با وی شرط نیست، در غیر این صورت باید با خود اگر چه با اجرت باشد، محرم همراه داشته باشد و اگر این توانایی را نداشته باشد حج بر او واجب نخواهد بود.

مسئله ۱۰۶. اگر بانویی شوهرش از دنیا برود و در حیات وی استطاعت مالی نداشته، ولی بعد از مردن شوهر از ارث وی استطاعت مالی پیدا کند، ولی از جهت مرض دارای استطاعت بدنی نباشد، مستطیع نشده و انجام حج بر خود او واجب نیست ولی باید برای او نایب بگیرند.

مسئله ۱۰۷. اگر بانویی بعد از مردن شوهرش چیزی که بتواند بعد از

برگشتن از حج زندگی خود را اداره کند نداشته باشد، مستطیع نمی شود هر چند از ارثی که برده برای رفتن به حج و برگشتنش کافی باشد.

مسئله ۱۰۸. زنی که مهریه اش وافی برای مخارج حج است و آن را از شوهر خود طلبکار است، اگر شوهرش امکان ادای آن را ندارد، زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه آن برای وی مفسده ای ندارد، با فرض اینکه شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می دهد، لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج برود و چنانچه برای او مفسده دارد، مثل اینکه ممکن است مطالبه به نزاع و طلاق منجر شود، مستطیع نشده است.

مسئله ۱۰۹. اگر مردی استطاعت داشت ولی به عللی ثبت نام نکرده، زن نمی تواند شرعاً نوبت خود را به شوهرش واگذار کند، ولی اگر به او واگذار کرد، حج شوهر صحیح است ولی زن گناهکار به حساب می آید.

مسئله ۱۱۰. زن با مهری که بر ذمه زوج دارد، در صورتی که وافی به مصارف حج باشد و بتواند آن را بدون مفسده بگیرد، باید حج کند.

مسئله ۱۱۱. حج بر خانمی که استطاعت مالی دارد، واجب است اگرچه همسرش بدهکار باشد، چون بدهکاری او مانع از استطاعت خانمش نیست زیرا وی مسئولیت در برابر دین او ندارد.

مسئله ۱۱۲. خانمی که مهریه اش به مقدار هزینه حج است و همسرش هم توانایی بر ادای آن دارد، واجب است از او بگیرد و حج را انجام دهد، اگرچه مطالبه مهر باعث ناراحتی همسرش شود.

مسئله ۱۱۳. اگر مهریه خانمی به مقدار هزینه حج باشد و همسرش توانایی دادن آن را به او داشته ولی وی آن را برای انجام حج از او مطالبه نکرده است، حج بر او مستقر شده و باید آن را انجام دهد. اما اگر همسرش توانایی ادای آن را نداشته و یا داشته، ولی حاضر نبود آن را به خانمش بدهد، حج بر او واجب

نشده است.

مسئله ۱۱۴. خانمی که از نظر مالی مستطیع است ولی از نظر بدنی اصلاً دارای توان نیست، باید برای حج نایب بگیرد.

مسئله ۱۱۵. خانمی که مالی ندارد ولی کسی هزینه حج را به او بذل می‌کند، حج بر او واجب می‌شود. زیرا مستطیع است به استطاعت بذلیه و همسر وی نمی‌تواند شرعاً او را از رفتن به حج باز دارد.

مسئله ۱۱۶. خانمی که استطاعت مالی از راه مهریه‌ای که بر ذمه شوهر است و یا از راه دیگر دارد، ولی اگر آنها را هزینه حج خویش قرار دهد به دلیل نبودن توانایی برای همسرش در اداره زندگی مضیقه و تنگدستی پیش می‌آید، حج بر او واجب نیست.

مسئله ۱۱۷. خانمی که مالی دارد و فقط هزینه زندگی خویش و همسرش را تأمین می‌کند و همسر او اصلاً مالی که بتواند زندگی خود و خانم را اداره کند ندارد، در این فرض خانم مستطیع نیست و حج بر او واجب نمی‌شود. مگر در صورتی که حج بر او مستقر شده باشد و انجام آن برایش حرجی نباشد، در این فرض باید آن مال را صرف در حج نماید.

مسئله ۱۱۸. هرگاه کسی در موقع عقد به همسرش وعده حج داده، وفای به آن لازم نیست مگر در صورتی که آن را در ضمن عقد شرط و یا اینکه آن را مهریه او قرار داده باشد، که در این صورت وفای به آن لازم است.

مسائل و شرایط استطاعت بذلی

مسئله ۱۱۹. اگر شخص زاده و راحله ندارد ولی به او گفته شد که حج بجا آور و نفقه تو و عائله‌ات بر عهده من، حج بر او واجب می‌شود و این حج را حج بذلی می‌گویند.

مسئله ۱۲۰. در وجوب حج بر مذبول له در حج بذلی، تعهد بذل کننده مال نسبت به عائله و اطمینان به وفا و بازنگشتن او از بذل مال شرط نیست، البته اگر شخص اطمینان دارد که باذل از بذلش برمی گردد، حج بر او واجب نمی شود.

مسئله ۱۲۱. رجوع به کفایت در استطاعت بذلی شرط نیست.

مسئله ۱۲۲. اگر انسان در استطاعت بذلی مالی از خود داشته باشد که کمتر از مصارف و هزینه حج است و شخصی کمبود او را بذل نماید، واجب است قبول کند، ولی در این صورت رجوع به کفایت شرط است.

مسئله ۱۲۳. در حج بذلی اگر چه رجوع به کفایت شرط نیست ولی اگر قبول بذل و رفتن به حج بدون آن موجب اخلال در امور زندگی او شود، واجب نیست.

مسئله ۱۲۴. اگر مالی که برای حج کفایت می کند به او ببخشند که حج بجا آورد، باید قبول کند و حج را بجا آورد و همچنین اگر واهب مال به موهوب له بگوید مخیری بین اینکه با این مال حج بجای آوری یا نه.

مسئله ۱۲۵. اگر واهب در وقت هبه مال اسم حج را نیاورد و فقط مال را به موهوب له ببخشد حج واجب نیست.

مسئله ۱۲۶. باذل می تواند از بذلش برگردد، ولی اگر در بین راه باشد، باید نفقه برگشتن مذبول له را بدهد و اگر بعد از احرام رجوع کند، باید نفقه اتمام حج را نیز به او بپردازد.

مسئله ۱۲۷. در استطاعت بذلیه استطاعت بدنی در مذبول له اعتبار شده است، ولی رعایت شئون او از حیث توشه سفر و مرکب سواری اعتبار نشده است.

مسئله ۱۲۸. پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل (دهنده یا بخشنده) است

ولی کفارات بر عهده او نیست و بر کسی است که مال به او بذل شده است.

مسئله ۱۲۹. اگر پول قربانی را باذل به مبذول له بذل نکند حج بر او واجب نمی شود، مگر در صورت وجود شرایط دیگر استطاعت برای او، از جمله توانایی خرید آن از مال خود. البته اگر پرداخت قیمت قربانی موجب حرج و مشقت باشد، قبول آن واجب نخواهد بود و حج بر او واجب نمی شود.

مسئله ۱۳۰. در استطاعت بذلیه با بذل باذل، حجبی که وظیفه مبذول له در صورت استطاعت مالی بوده، واجب می شود و اما بذل مال برای انجام غیر آن بر او واجب نمی شود. پس اگر وظیفه مبذول له حج تمتع بوده و هزینه حج قران یا افراد (معنای این دو بیان می شود) به او بذل شود، بر او واجب نیست قبول کند و بالعکس. یعنی کسی که وظیفه اش حج قران یا افراد است اگر هزینه حج تمتع به او بذل شود، قبولش بر او واجب نیست.

مسئله ۱۳۱. در بذل مال برای حج بر کسی که حجة الاسلام را بجا آورده باشد، قبول واجب نیست و اما بر کسی که مستطیع بوده و آن را بجا نیاورده تا اینکه توانایی مالیش را از دست داد، قبولش واجب است.

مسئله ۱۳۲. بر کسی که حج بر او به نذر یا شبه آن واجب شده و تمکن ندارد که آن را انجام دهد، او نیز در صورت بذل باید آن را قبول کند و حج را انجام دهد.

مسئله ۱۳۳. هرگاه به کسی برای حج پول بذل شود و در بین راه تلف شود و جوب حج از او ساقط می شود.

مسئله ۱۳۴. در فرض مذکور اگر مبذول له متمکن از ادامه سفر از مال خود باشد، واجب است حج را بجا آورد و از حجة الاسلام مجزی خواهد بود.

مسئله ۱۳۵. وجوب حج در صورت مذکور مشروط به رجوع کفایت است. به این معنی که اگر این شخص پول خود را در راه حج صرف نماید،

پس از بازگشت به وطن در اداره زندگی خود و عائله اش به سختی در نخواهد افتاد. ولی اگر بداند که در سختی خواهد افتاد، ادامه سفر حج بر او واجب نخواهد بود.

مسئله ۱۳۶. در وجوب حج بذلی لازم نیست بخشنده، مال را نقداً به مبدول له بدهد، بلکه اگر او را وکیل کند که از قبل او پولی قرض کرده و به حج برود که بعد خود قرض را بپردازد، حج بر او واجب می شود.

مسئله ۱۳۷. حج بذلی یعنی حجتی که انسان با پولی که دیگری به او داده بجا آورد، کفایت از حجة الاسلام می کند و اگر گیرنده پس از این حج خودش مستطیع به استطاعت شد، دیگر حجتی بر او واجب نخواهد شد.

مسئله ۱۳۸. باذل (دهنده یا بخشنده) مال می تواند از بذل خود رجوع کند چه آنکه گیرنده مال داخل در احرام شده باشد و چه آنکه داخل در احرام نشده باشد. ولی اگر بعد از دخول او در احرام، باذل از بذلش رجوع کند، برگیرنده واجب است حج را تا آخر بجا آورد و باذل ضامن هزینه حج اوست و آنچه را که او برای اتمام حج خرج نموده، باذل باید بدهد.

مسئله ۱۳۹. چنانچه باذل در بین راه از بذل خود رجوع نمود، باید هزینه بازگشت گیرنده را بدهد.

وصیت به حج

مسئله ۱۴۰. کسی که حج واجب بر ذمه اش می باشد هنگامی که مرگش نزدیک می شود، واجب است وصیت کند که حج را بجا آورند.

مسئله ۱۴۱. هزینه حج میت از اصل ترک است، اگرچه وصیت به حج نکرده باشد و همچنین است در صورتی که وصیت نموده ولی مقید به ثلث خود نکرده است. اما اگر مقید به ثلث هم نموده باشد، پس اگر ثلثش

(یک سوم دارایش) وافی به مخارج حج باشد، واجب است هزینه حج را از آن اخراج نمایند و بر سایر چیزهایی که وصیت کرده مقدم است. چنانچه به مقدار مصارف و هزینه حج نباشد، لازم است کمبود را از اصل ترکه تکمیل نمایند.

مسئله ۱۴۲. میتی که نزد شخصی ودیعه و امانتی داشته باشد و او احتمال دهد که چنانچه آن ودیعه را به ورثه‌اش برگرداند، حج واجب بر میت را بجا نخواهند آورد، بر او واجب است آن ودیعه را در راه انجام حج از طرف او صرف نماید و چنانچه چیزی زیاد آمد، زیادی را به ورثه او بدهد.

مسئله ۱۴۳. در حکم مذکور فرقی نیست بین آنکه خود شخص که ودیعه در دست اوست، به جای صاحب آن حج نماید یا دیگری را اجیر کند که به جای صاحب مال حج نماید.

مسئله ۱۴۴. هر مالی که میت نزد دیگری داشته، از قبیل عاریه یا اجاره یا طلب و غیر اینها حکم ودیعه را دارد.

مسئله ۱۴۵. اگر کسی وصیت به حج مستحبی از ثلث خود نماید و متبرعی آن را بجا آورد، در این صورت هزینه حج به ورثه بازگشت نخواهد شد بلکه باید در خیرات صرف یا از قبل او صدقه داده شود.

مسئله ۱۴۶. کسی که وصیت نموده که از بلد برایش نایب گرفته شود، واجب است بر طبق آن عمل شود و چنانچه آن را تعیین نکند، به نایب گرفتن از میقات اکتفا می‌شود، مگر در صورتی قرینه‌ای باشد که مراد وی نایب گرفتن از بلد بوده است.

مسئله ۱۴۷. هرگاه وصیت موصی به حج بلدی باشد، ولی وصی یا وارث کسی را از میقات اجیر نماید، در صورتی که اجاره از مال میت باشد اجاره باطل است، ولی ذمه میت با عمل اجیر از حج فارغ می‌شود.

مسئله ۱۴۸. چنانچه موصی وصیت به حج بلدی ولی از غیر بلد خود نماید، عمل به این وصیت واجب است و مازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلث ترکه اخراج می شود.

مسئله ۱۴۹. اگر موصی وصیت کند که برای حج او نایب بگیرند و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است و هزینه اش در صورتی که بیش از اجرة المثل نباشد، از اصل مال گرفته می شود و اگر بیش از آن بوده، تفاوتش از ثلث خواهد بود.

مسئله ۱۵۰. هرگاه وصیت کند که از مال معینی برای او حج داده شود و وصی بداند که در آن مال خمس یا زکاة هست، واجب است اول خمس یا زکاة آن مال را داده و باقیمانده را صرف در راه حج نماید و چنانچه کفاف مصارف حج را نکند، لازم است کمبود آن از اصل ترکه برداشته شود.

مسئله ۱۵۱. حکم در فرض مذکور در صورتی است که حجتی که وصیت نموده حجة الاسلام باشد و اگر حجة الاسلام نبوده، باقیمانده باید در خیرات دیگر صرف شود.

مسئله ۱۵۲. هرگاه وصیت به حج نموده و شخص بخصوصی را برای بجا آوردن آن تعیین کرده باشد، لازم است عمل به وصیت شود. پس اگر آن شخص قبول نکرد مگر اینکه بیشتر از مقدار متعارف به او بدهند، مقدار زیادی از ثلث ترکه برداشت می شود و در صورتی که ممکن نباشد، دیگری را به همان مقدار اجیر نمایند.

مسئله ۱۵۳. هرگاه وصیت به حج نموده و اجرتی تعیین کند که کمتر از مقدار متعارف باشد، پس اگر آن حجة الاسلام باشد، لازم است کمبود آن را از اصل ترکه بردارند و چنانچه حجة الاسلام نباشد، وصیت باطل می شود و اجرتی که برای حج تعیین شده صرف خیرات و مبرات می گردد.

مسئله ۱۵۴. هرگاه حج واجب بر ذمه میت باشد و ترکه‌ای نداشته باشد که وارث با آن حج نماید، بر وارث واجب نیست که برای او اجیر بگیرد.

مسئله ۱۵۵. هرگاه میت وصیت به حج نموده باشد، اگر معلوم شود حجی که وصیت کرده حجة الاسلام بوده، لازم است هزینه آن از اصل مال تأمین شود. اما اگر معلوم شود که آن حجة الاسلام نیست یا شک در آن حاصل شود، در این صورت هزینه حج از ثلث مال برداشت می‌شود.

مسئله ۱۵۶. اگر فیش حج متوفی به مبلغ زیادی در بازار خریداری می‌شود و به کمتر از آن مبلغ می‌توان برای حج میت نایب گرفت، نمی‌توان از آن برای رفتن به حج استفاده کرد، زیرا مازاد قیمت آن متعلق به ورثه است. پس چنانچه میت وصیتی نسبت به حج بلدی داشته از بلد و چنانچه نداشته باشد، می‌توان از میقات برای او استنابه کرد و فیش را در اختیار دیگری قرار داد و مابه‌التفاوت، بین همه ورثه طبق قانون شرع تقسیم می‌گردد.

احکام نیابت

مسئله ۱۵۷. در نایب چند شرط معتبر است:

۱. بلوغ، یعنی نایب باید بالغ باشد پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی‌کند، البته در حجة الاسلام و حج‌های واجب دیگر، هر چند آن بچه ممیز باشد که خوب و بد را تشخیص دهد.

۲. عقل، یعنی نایب باید عاقل باشد پس نیابت دیوانه از دیگری صحیح نخواهد بود، خواه دیوانه همیشگی و یا ادواری (گاه به گاه) باشد اگر عمل در وقت دیوانگی باشد و اما نایب شدن سفیه عیبی ندارد.

۳. ایمان، یعنی نایب باید مؤمن باشد پس نیابت غیر مؤمن کفایت نمی‌کند هر چند مطابق نظر منوب‌عنه حج را انجام دهد.

۴. شناخت اعمال حج در حال انجام آن ولو به راهنمایی شخص آگاه.
۵. معذور نبودن در ترک بعض اعمال حج.
۶. مشغول نبودن ذمه نایب به حج واجب و این شرط از شرایط صحت اجاره است نه از شرایط صحت حج نایب. پس هرگاه به نیابت برای کسی حج بجا آورد در حالی که بر خودش حج واجب است، حج نیابی او صحیح و ذمه منوب عنه بری می شود. ولی نایب اجرتی را که در عقد اجاره قرار شد مستحق نخواهد شد زیرا اجاره باطل است، بلکه مستحق اجرة المثل خواهد بود (یعنی نرخ متعارف بین مردم).

مسائل نیابت

- مسئله ۱۵۸. نایب گرفتن کسی که مورد وثوق و اطمینان باشد، جایز است اگرچه عادل نباشد.
- مسئله ۱۵۹. نیابت کسی که بالغ است از نابالغ اشکال ندارد.
- مسئله ۱۶۰. نیابت شخصی که عاقل است از دیوانه مانعی ندارد، بلکه اگر کسی که عاقل و مستطیع بوده و در حال دیوانگی مرده باشد، بر ورثه لازم است برای او در حج نایب بگیرند.
- مسئله ۱۶۱. همانند بودن بین نایب و منوب عنه شرط نیست، از اینرو نیابت مرد از زن و زن از مرد جایز است.
- مسئله ۱۶۲. نایب گرفتن کسی که حج نرفته اشکال ندارد، چه اینکه منوب عنه حج رفته باشد و چه آنکه نرفته باشد.
- مسئله ۱۶۳. فرق نمی کند در جواز نیابت کسی که حج نرفته، برای کسی که مرده باشد و یا زنده باشد.
- مسئله ۱۶۴. میتی که حج بر ذمه وی باشد بر ورثه واجب نیست از بلد وی

برایش نایب بگیرند، بلکه نایب گرفتن از میقات کافی است.

مسئله ۱۶۵. بر ورثه است در همان سال فوتش از میقات برای او نایب بگیرند و اگر در همان سال از میقات ممکن نشد، لازم است از بلد وی نایب بگیرند و هزینه این از اصل ترکه است و تأخیر انداختن تا سال بعد جایز نیست، هرچند معلوم باشد که نایب گرفتن از میقات در سال بعد ممکن باشد.

مسئله ۱۶۶. اگر نایبی برای میت پیدا نشود مگر بایبشتر از مقدار معمول، واجب است به بیشتر نایب بگیرند و هزینه آن از اصل خارج می شود و بر ورثه تأخیر تا سال بعد جایز نیست، هرچند در ورثه کودکان نابالغ باشد.

مسئله ۱۶۷. هرگاه بعضی از ورثه میت اقرار کنند که حج بر متوفی بوده و بعضی دیگر منکر آن باشند، بر اقرارکننده است آن مقداری که به سهم وی تعلق می گیرد بپردازد. پس چنانچه این مقدار کفاف هزینه حج را نمود هر چند با تکمیل متبرع یا به نحو دیگر، واجب است نایب گرفته شود و چنانچه به هیچ نحوی کفاف هزینه حج را ننماید، نایب گرفتن واجب نمی شود.

مسئله ۱۶۸. هرگاه شخصی تبرعاً به جای میت حج نماید، بر ورثه واجب نیست برایش نایب بگیرند، بلکه مقدار هزینه حج هم بازگشت به ورثه خواهد نمود.

مسئله ۱۶۹. در صورتی که نایب گرفتن برای حج از میت واجب شده باشد و کسی که باید نایب بگیرد سهل انگاری و اهمال نموده و مالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شود، این شخص ضامن خواهد بود و بر او واجب است که از مال خود برایش نایب بگیرد.

مسئله ۱۷۰. در صورتی که استقرار حج بر ذمه میت معلوم و بجا آوردنش مشکوک باشد، واجب است از قبل او بجا آورده شود و هزینه اش از اصل مال

اخراج می‌گردد.

مسئله ۱۷۱. ذمه میت به مجرد اجیر گرفتن بری نمی‌شود، پس اگر دانسته شود که اجیر به جهت عذر یا بدون آن، حج را بجا نیاورده، واجب است دوباره اجیر گرفته شود و مخارج از اصل مال خارج می‌شود و در صورتی که اجرت اولی از مال میت بوده و پس گرفتنش از اجیر ممکن باشد، لازم است از او پس گرفته شود.

مسئله ۱۷۲. چنانچه چندین اجیر باشند، جایز است استیجار اجیری که از حیث فضیلت و شرف مناسب حال میت باشد و می‌توان او را به مبلغ بیشتری اجیر نمود.

مسئله ۱۷۳. اجیر گرفتن از بلد یا میقات تابع تقلید یا اجتهاد وارث است نه خود میت، پس اگر عقیده میت و جوب حج بلدی بوده و عقیده وارث جواز استیجار از میقات باشد، بر وارث واجب نیست از بلد میت اجیر بگیرد.

مسئله ۱۷۴. اگر کسی منزل خود را به مبلغی فروخته و بامشتری شرط کرده که پول آن را پس از مردنش صرف در حج از قبلش بنماید، آن پول از ترکه خواهد بود. پس اگر آن حج حجة الاسلام بوده، واجب است آن مبلغ در صورتی که بیش از مقدار متعارف نباشد در اجرت حج صرف شود و چنانچه بیشتر از مقدار متعارف باشد، باید مقدار متعارف از اصل ترکه و مازاد از ثلث آن حساب شود. اگر حج حجة الاسلام نبوده، تمام پول آن از ثلث ترکه خارج می‌شود و چنانچه ثلث کمتر از آن پول باشد، شرط مذکور در مازاد بر ثلث لازم نخواهد بود.

مسئله ۱۷۵. هرگاه شخصی مثلاً منزل خود را به دیگری مصالحه کند به شرط آنکه پس از مردنش برای او حج بجا آورد، چنین شرطی صحیح و عمل بر طبق آن لازم خواهد بود و آن منزل از ملک مصالح و شرط کننده خارج شده

و از ترکه محسوب نخواهد بود، هر چند آن حج مستحبی باشد.

مسئله ۱۷۶. اگر کسی منزل خود را به دیگری واگذار و تملیک نماید به شرط آنکه بعد از مردنش آن را فروخته و قیمتش را صرف در حج برای او بنماید، چنین شرطی صحیح و لازم خواهد بود، هر چند چیزی که شرط شده عمل مستحبی باشد و ورثه حقی در آن منزل نخواهند داشت.

مسئله ۱۷۷. هرگاه کسی که منزل به او با شرط مذکور تملیک شده، از عمل به شرط تخلف نماید، حق به هم زدن معامله که حق میت بود به ورثه منتقل نمی شود. بلکه این حق به حاکم شرع منتقل می شود و بعد از فسخ او، آن مال صرف در چیزی که شرط شده می شود و چنانچه چیزی از آن زیاد آمد در خیرات و مبرات باید صرف شود.

مسئله ۱۷۸. هرگاه وصی بمیرد و معلوم نشود که قبل از مردن برای حج موصی اجیر گرفته یا نه، در صورتی که حج، حجة الاسلام بوده، واجب است از اصل ترکه اش و اگر آن نبود، از ثلثش باید اجیر گرفته شود.

مسئله ۱۷۹. چنانچه در فرض مذکور مالی را که وصی آن را قبض کرده بود موجود باشد، آن مال اخذ می شود. ولی اگر احتمال برود که وصی از مال خود برای موصی اجیر گرفته و بعداً مال موصی را برای خود به جای او برداشته باشد، در این صورت آن مال اخذ نمی شود، زیرا بر وصی ضمان نیست.

مسئله ۱۸۰. چنانچه مالی که موصی برای حج در نظر گرفته بود، بدون سهل انگاری در نگهداری در دست وصی تلف شود، او ضامن نخواهد بود و واجب است از بقیه ترکه برای حج اجیر گرفته شود، در صورتی که حج وصیت شده حجة الاسلام باشد. چنانچه حجة الاسلام نباشد، از بقیه ثلث باید اجیر گرفته شود و اگر بقیه بین ورثه تقسیم شده باشد، از هر یک به نسبت پس گرفته می شود.

مسئله ۱۸۱. اگر کسی برای حج اجیر شود و قبل از بجا آوردن آن بمیرد و ترکه‌ای نداشته باشد یا داشته باشد ولی گرفتن از آن ممکن نباشد، در این صورت مانند فرض قبلی باید از اصل ترکه خود میت یا ثلثش بردارند و حج را انجام دهند.

مسئله ۱۸۲. هرگاه مالی که برای اجیر گرفتن بود در دست وصی تلف شود، جایز نیست تاوان از وصی گرفته شود زیرا او امین است، مگر ثابت شود که در حفظ آن کوتاهی کرده باشد.

مسئله ۱۸۳. اگر کسی وصیت کند که فلان مقدار از مالش در غیر حجة الاسلام صرف شود و احتمال برود که آن مقدار بیشتر از ثلث باشد، جایز نیست تمام آن در مورد وصیت صرف شود.

شرایط منوب عنه

مسئله ۱۸۴. در منوب عنه اموری اعتبار شده است:

۱. اسلام، پس بر وارث مسلمان واجب نیست برای مورث مستطیعی که در حال کفر مرده است نایب بگیرد و ناصبی از حیث حکم مانند کافر است. تنها فرق بین کافر و او در این است که برای فرزند مؤمنش جایز است از او در حج نیابت کند.

۲. فوت، پس جایز نیست نیابت از زنده در حجة الاسلام، مگر در وقتی که خودش از انجام حج بر اثر مرض و یا پیری معذور باشد، در این صورت جایز است و همچنین جایز است نیابت از او در حج مستحبی.

۳. معین بودن منوب عنه، پس در صورتی که معین و مشخص نباشد نیابت صحیح نیست.

۴. معذور نبودن در ترک برخی اعمال حج، پس کسی که در ترک برخی

اعمال حج و یا در بجا نیاوردن آن بطور صحیح معذور باشد، نمی توان اجیر نمود. حتی اگر چنین شخصی تبرعاً به نیابت دیگری حج نمود، اکتفا کردن به عملش مشکل است. البته اگر در بجا آوردن کارهایی که بر محرم حرام است، معذور باشد، مثل اینکه مضطر به تظلیل (زیر سایه رفتن) باشد، نایب گرفتن او مانعی ندارد.

مسائل متفرقه درباره نایب

مسئله ۱۸۵. هرگاه نایب پیش از محرم شدن بمیرد، ذمه منوب عنه فارغ و بری نمی شود و واجب است دوباره برایش نایب بگیرند و چنانچه پس از احرام بمیرد، کفایت از منوب عنه می کند، هرچند مردنش قبل از دخول حرم باشد.

مسئله ۱۸۶. در مورد مذکور فرقی بین حجة الاسلام و غیر آن نیست و همچنین فرقی نیست بین اینکه نیابت به مزد و اجرت باشد یا مجاناً.

مسئله ۱۸۷. هرگاه اجیر بعد از محرم شدن بمیرد، تمام اجرت را مستحق خواهد شد، در صورتی که بر تفریغ ذمه میت اجیر شده باشد. اما اگر اجیر بر بجا آوردن اعمال شده باشد، اجرت مقداری را که بجا آورده مستحق می شود. چنانچه قبل از احرام بمیرد چیزی مستحق نخواهد بود، البته اگر مقدمات عمل داخل اجاره باشد، هر مقدار از مقدمات را که انجام داده باشد، اجرت همان مقدار را مستحق می شود.

مسئله ۱۸۸. هرگاه نایب برای حج بلدی اجیر شده و راهی تعیین نشده باشد، اجیر مخیر است از هر راهی که دلش خواست برود و چنانچه راهی تعیین شده باشد، باید آن راه را برگزیند. پس اگر راه دیگری را اختیار کند و اعمال را بجا آورد، چنانچه راه تعیین شده بطور شرط در عقد اجاره بوده،

اجیر تمام اجرت را مستحق نشده و مستأجر حق خیار فسخ دارد و می تواند معامله را بهم بزند و در صورت بهم زدن آن، اجرة الدثل (مزد مانند عمل) را باید به اجیر بدهد. چنانچه آن راه به نحو جزئیت بوده (جزء عمل) در این صورت نیز مستأجر حق بهم زدن معامله را دارد و اگر فسخ نکرد اجیر اجرت مقرر را به مقداری که عمل نموده می برد و مقدار مخالفت از آن کم می شود.

مسئله ۱۸۹. هرگاه شخصی اجیر کسی شد که شخصاً حج را برای او در سال معینی بجا آورد، نمی تواند در همان سال اجیر دیگری برای انجام آن شود. ولی چنانچه از قبل دو نفر در دو سال مختلف یا از قبل یکی به قید مباشرت و از قبل دیگر بدون قید مباشرت در یک سال اجیر شود، مانعی ندارد و اجاره صحیح خواهد بود.

مسئله ۱۹۰. هرگاه خود را برای حج در سال معینی اجیر نمود، نمی تواند آن را تقدیم یا تأخیر نماید و چنانچه مخالفت کند (و در سال قبل از سال تعیین شده یا سال بعدش حج را بجا آورد) ذمه منوب عنه بری می شود، ولی اجرتی را مستحق نخواهد شد، البته در صورتی که تقدیم یا تأخیر به رضایت مستأجر نباشد.

مسئله ۱۹۱. هرگاه اجیر به علت جلوگیری دشمن یا از جهت بیماری نتواند به حج برود و اعمال را بجا آورد، در صورتی که اجاره مقید به همان سال بوده بهم می خورد و چنانچه مقید نبوده، حج بر ذمه اش باقی می ماند و هر سالی که توانست باید آن را انجام دهد.

مسئله ۱۹۲. هرگاه نایب کاری که موجب کفاره می شود انجام دهد، کفاره را باید از مال خود بدهد، خواه نیابت با اجاره و مزد باشد یا به تبرع و مجانی باشد.

مسئله ۱۹۳. هرگاه شخصی، دیگری را به مبلغ معینی برای حج اجیر گرفت

و آن مبلغ کفاف مخارج حج را نداد، بر مستأجر واجب نیست کمبود را تدارک نماید، همچنانکه در صورت زیاد آمدن نمی تواند زیادی را از اجیر پس بگیرد.

مسئله ۱۹۴. هرگاه شخصی را برای حج واجب یا مستحب اجیر کنند و اجیر حج خود را به نزدیکی با زن قبل از مشعر فاسد نماید (یعنی پس از آنکه از احرام عمره تمتع بیرون آمد و برای حج محرم شد، در مکه یا در عرفات با همسر خود نزدیکی نماید) واجب است حج را به آخر برساند و این حج برای منوب عنه کافی است.

مسئله ۱۹۵. بر نایب واجب است در فرض مذکور در سال بعد حج نموده و یک شتر نیز کفاره بدهد.

مسئله ۱۹۶. اجیری که حج خود را پیش از وقوف به مشعر فاسد کرده استحقاق اجرت دارد، اگرچه در سال بعد با عذر یا بدون عذر حج ننماید.

مسئله ۱۹۷. فرقی نیست در احکام مذکوره بین آنکه با اجرت حج را انجام دهد و یا با تبرع، تنها فرق بین آنها در موردی است که نایب متبرع است و استحقاق اجرت ندارد.

مسئله ۱۹۸. اجیر هر چند اجرت را به عقد مالک می شود ولی واجب نیست به او پرداخت شود، مگر بعد از انجام عمل. البته در صورتی که شرط پیش گرفتن اجرت اجیر نشده باشد و چنانچه شده باشد باید اجرت را پیش از عمل به او داد. ولی ظاهر این است که می تواند پیش از انجام عمل، مطالبه اجرت نماید، به دلیل نیاز به آن، زیرا غالباً اجیر تا اجرت نگیرد نمی تواند به حج برود.

مسئله ۱۹۹. چنانچه کسی اجیر شد که شخصاً برای دیگری حج بجا آورد، نمی تواند دیگری را برای این حج اجیر نماید، مگر به اجازه مستأجر.

مسئله ۲۰۰. هرگاه شخصی را برای حج تمتع اجیر نماید و اتفاقاً وقت برای حج تمتع تنگ شود و اجیر از عمره تمتع به حج افراد عدول نماید و آن را انجام دهد و سپس عمره مفرده آن را بجا آورد، ذمه منوب عنه بری می شود.

مسئله ۲۰۱. در صورت مذکور اگر عقد اجاره بر اعمال عمره و حج تمتع بوده، اجیر استحقاق اجرت را نخواهد داشت و اما اگر اجاره بر تفریغ ذمه منوب عنه بوده مستحق اجرت خواهد بود، ولی نوع اجاره ها بر تفریغ ذمه هاست.

مسئله ۲۰۲. اگر شخصی اجیر شود که حج را بطور مخصوصی انجام دهد و تخلف نماید، مستحق اجرت نمی شود.

مسئله ۲۰۳. در حج مستحبی یک نفر می تواند به جای چند نفر حج نماید و اما در حج واجب، جایز نیست و باید نیابت از طرف یک نفر باشد. مگر در صورتی که حج بر دو نفر یا بیشتر به نحو شرکت واجب شده باشد، مثل اینکه دو نفر یا بیشتر نذر کنند که با شرکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر نمایند، که در این صورت می توانند یک نفر را برای حج اجیر نمایند که به جای آنها حج نمایند.

مسئله ۲۰۴. بیشتر از یک نفر می توانند در یک سال به جای یک نفر به اجاره و یا غیر آن حج بجا آورند، در صورتی که حج مستحبی باشد. همچنین است در حج واجب اگر متعدد باشد، مثل اینکه بر شخصی به واسطه نذر دو حج واجب شده باشد یا یکی حجة الاسلام و دیگری حج نذری باشد، که در این صورت نیز می توان دو نفر را اجیر نمود.

مسئله ۲۰۵. جایز است دو نفر را برای یک نفر اجیر نمود، که یکی حج واجب را برای او بجا آورد و دیگری حج مستحبی را.

مسئله ۲۰۶. طواف فی نفسه عمل مستحبی است، پس نیابت در طواف از

قبل مرده یا زنده‌ای که در مکه نباشد یا در مکه باشد و شخصاً نتواند طواف نماید جایز است.

مسئله ۲۰۷. نایب پس از فراغت از اعمال حج نیابتی می‌تواند برای خود یا دیگری عمره مفرده بجا آورد، همچنانکه می‌تواند برای خود یا دیگری طواف نماید.

مسئله ۲۰۸. هرگاه کسی پس از نایب شدن برای اعمال حج مستطیع شود، اگر از غیر جهت اجاره، استطاعت برای او حاصل شده باشد، اجاره باطل است و باید حج را برای خود انجام دهد.

مسئله ۲۰۹. بر نایب واجب است که حج نیابتی را خودش انجام دهد و نمی‌تواند شرعاً دیگری را برای آن اجیر نماید، مگر با اذن مستأجر.

مسئله ۲۱۰. هرگاه کسی که نیابت از حج میتی را متعهد شده خود مستطیع شود، باید برای خودش حج را بجا آورد.

مسئله ۲۱۱. کسی که چند سال پیش نیابت از حج را که هزینه آن زیاد نبوده قبول کرده، ولی در این سال‌ها هزینه آن بسیار زیاد شده، اگر نیابت او مقید به سال اول بوده و بر اثر مانع حج را انجام نداده، اجاره باطل و بر نایب چیزی نیست و بر ورثه است که شخص دیگری را برای انجام حج اجیر کنند. اما اگر نایب بدون عذر حج را تأخیر انداخته، هزینه سال اول را که او باعث فوت حج در آن شده، ضامن است.

مسئله ۲۱۲. در فرض مذکور اگر نیابت اجیر مقید به سال اول نبوده، بلکه بگونه مطلق بوده، بر نایب است که حج را هر سالی که توانست انجام دهد، زیرا بر عهده او قرار دارد و بر ورثه چیزی نیست.

مسئله ۲۱۳. همانطور که نیابت به اجاره و تبرع صحیح است، به جعاله و

شرط ضمن عقد و مانند اینها نیز صحیح است.

مسئله ۲۱۴. جعاله این است که شخصی به دیگری بگوید اگر برای من حج نمایی، فلان مبلغ را به تو می‌دهم و شرط ضمن العقد این است که فروشنده در ضمن عقد معامله (داد و ستد) انجام حج را برایش شرط کند.

مسئله ۲۱۵. حج میقاتی از کسی که حج بر او مستقر بود و فوت شد، کفایت می‌کند.

مسئله ۲۱۶. ورثه تاحج کسی را که بر او مستقر بوده ندهند، نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند. البته اگر ترکه خیلی زیاد باشد و ملتزم به ادای حج شوند، می‌توانند در آن تصرف کنند.

مسئله ۲۱۷. بر ورثه لازم است در همان سال فوت، حج را ادا نمایند و تأخیر از آن جایز نیست و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نباشد مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر بگیرند و از اصل ترکه هزینه حج را خارج نمایند.

مسئله ۲۱۸. اگر در سال فوت، از میقات نتوانند برای میت اجیر بگیرند مگر به زیادتر از اجرت متعارف، لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیاندازند و اگر وصی یا وارث اهمال کنند و تأخیر بیاندازند و ترکه از بین برود ضامن‌اند.

مسئله ۲۱۹. اگر میت ترکه نداشته باشد، بر وارث حج او واجب نمی‌شود.

مسائل دیگر درباره نیابت

مسئله ۲۲۰. نیابت باید در عمل قصد نیابت نماید. و منوب عنه را در نیت تعیین کند ولو اجمالاً و شرط نیست اسم او را ذکر کند گرچه مستحب است.

مسئله ۲۲۱. ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود، مگر اینکه نیابت عمل را صحیحاً انجام دهد. البته اگر نیابت بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، از منوب عنه

مجزی است.

مسئله ۲۲۲. لباس احرام و پول قربانی در حج نیایی بر اجیر است، مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر آن را بدهد. همچنین اگر اجیر موجبات کفاره را انجام دهد، کفاره بر عهده خود او است نه بر مستأجر.

مسئله ۲۲۳. نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه را نماید.

مسئله ۲۲۴. اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد، زن بر او حلال نمی شود و بر منوب عنه چیزی نیست.

مسئله ۲۲۵. استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع ضیق شده و وظیفه او عدول به افراد است، برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست.

مسئله ۲۲۶. کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی سال اول استطاعت به حج نرفته، اگر به واسطه مرض یا پیری قدرت رفتن به حج را ندارد یا رفتن برای او حرج و مشقت دارد، واجب است نایب بگیرد و نیز اگر بر او مستقر نشده باشد.

مسئله ۲۲۷. بعد از آنکه نایب عمل را بجا آورد، حج از معذور ساقط می شود و لازم نیست خودش حج کند، اگرچه عذرش برطرف شود. اما اگر قبل از اتمام حج عذر او برطرف شود، چه قبل از احرام و چه بعد از احرام، باید خودش حج برود. مگر برطرف شدن عذر او زمانی باشد که تمکن از انجام عمل کامل نداشته باشد، که در این صورت حج نایب مجزی است.

مسئله ۲۲۸. کسی که حج بر او واجب شده باشد، چه سال اول استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده باشد، جایز نیست از غیر نیابت کند و اگر نیابت کند باطل است، چه آنکه عالم به حکم باشد یا نباشد.

مسئله ۲۲۹. اگر اجیر برای حجة الاسلام بعد از احرام بستن و داخل شدن در

حرم بمیرد، کفایت می‌کند از حج کسی که برای او بجا آورده است و حج بر او لازم نیست. همچنین اگر بعد از احرام و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد.

مسئله ۲۳۰. اگر کسی را برای حج اجیر کردند و در ضمن عقد اجاره، معلوم نکرده‌اند که اجرت در برابر مقدمات و اعمال حج باشد و یا در برابر ا فراغ ذمه منوب عنه، اگر قبل از داخل شدن در حرم بمیرد، مستحق اجرت رفتن تا محل موت را می‌باشد و همینطور اگر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، بیشتر از آنچه را که ذکر شد مستحق می‌شود و نیز اگر برخی اعمال را بجا آورد و بمیرد، مستحق اجرت نسبت به مقدار آن اعمال می‌شود.

مسئله ۲۳۱. اگر اجیر اعمال را با شرایطی که دخالت در صحت آنها دارد بجا آورده، مستحق تمام اجرت است، اگرچه برخی از آنها را که مضر به صحت حج نیست، نسیاناً ترک کرده باشد.

مسئله ۲۳۲. کسی را که برای حج اجیر کرده‌اند و در ضمن عقد، اجرت را در برابر اعمال قرار دادند، اگر پیش از انجام آنها بمیرد، از اجرت چیزی مستحق نمی‌شود.

مسئله ۲۳۳. اگر در ضمن عقد اجرت را در برابر ا فراغ ذمه منوب عنه قرار دادند و اجیر پیش از انجام اعمال حج ولی پس از احرام و دخول حرم بمیرد، مستحق تمام اجرت است، زیرا در این صورت ذمه منوب عنه فارغ می‌شود.

مسئله ۲۳۴. چون متعارف در زمان ما این است که اجاره بر ا فراغ ذمه واقع می‌شود، از اینرو اگر در متن اجاره ا فراغ ذمه هم ذکر نشده باشد، اگر اجیر پس از احرام و دخول حرم بمیرد، مستحق اجرت می‌شود زیرا مستأجر علیه که ا فراغ ذمه باشد حاصل می‌شود.

مسئله ۲۳۵. کسی که به عنوان نیابت در حج به مکه رفت و آن را انجام داد

به جا است که بعد از عمل نیابت، برای خودش عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۲۳۶. کسی که برای حج تمتع اجیر شده، می تواند اجیر دیگری برای طواف یا ذبح یا سعی یا عمره مفرده بعد از عمل حج شود و می تواند برای خودش طواف و عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۲۳۷. شخص زنده در موردی که نایب گرفتن برای او در حج جایز است، از میقات کفایت می کند.

مسئله ۲۳۸. شخص زنده خودش باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای او کافی نیست، مگر آنکه از طرف او وکالت داشته باشد.

مسئله ۲۳۹. عمره مفرده یا طواف استحبابی را می توان به نیابت از چند نفر انجام داد.

مسئله ۲۴۰. شخصی که حج واجب را انجام داده و در میقات برای خودش محرم شد، بعد به فکر بیافتد که چون خودش حج واجب را انجام داده، برای دیگری آن را انجام دهد، این صحیح نیست و باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته تمام کند.

مسئله ۲۴۱. هرگاه نایبی در احرام عمره تمتع بعد از اینکه وارد مکه شد شک کرد که نیت نیابت کرده یا نه، لازم نیست به میقات برگردد و مجدداً به نیت نیابت محرم شود.

مسئله ۲۴۲. در نیت خطور لازم نیست و اگر انگیزه او در حال احرام نیابت بوده، می تواند عمل را به نیابت انجام دهد.

مسئله ۲۴۳. اگر محرمی در عرفات در روز نهم دیوانه شد و خوب نشد و سال اول استطاعت او باشد، نمی توان برای او نایب گرفت، چون مجنون تکلیف ندارد و اگر عاقل شد، حکم اشخاص دیگر را دارد.

مسئله ۲۴۴. هرگاه کسی مریض شود بطوری که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد، تفصیلی دارد که در بیان حکم محصور می آید.

مسئله ۲۴۵. کسی که برای عمره تمتع ولو مستحبی محرم شده، نمی تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود و باید عملش را تمام کند.

مسئله ۲۴۶. اگر کسی که مریض است، فقط قادر به انجام طواف و سعی نباشد ولی بتواند وقفین را درک کند، باید حج کند و برای طواف و سعی و اعمال دیگر نایب بگیرد.

مسئله ۲۴۷. کسانی که مجاز هستند در شب عید قربان بعد از درک شب مشعر مانند زنان به منی بروند، می توانند نایب شوند.

مسئله ۲۴۸. شخصی که در حج از میتی نیابت کرده و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک حج عذری نداشته، ولی وقوف شب عید را در مشعر الحرام درک کرده و با زن ها و مریض ها منی رفته و غافل بوده از اینکه نایب باید وقوف اختیاری مشعر (بین الطلوعین) را درک کند، حج او مجزی از حج نیابتی است و مستحق اجرت هم می شود.

مسئله ۲۴۹. شخصی که به عنوان نیابت در مسجد شجره محرم شده و به مکه آمده و در مکه فهمید که خودش مستطیع بوده، باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش محرم شود.

مسئله ۲۵۰. راجع به نیابتی که داشته نمی تواند به جای خود نایب بگیرد مگر با اجازه از مستأجر و یا در صورتی که استیجار او برای مطلق تحصیل حج باشد، چه به توسط او یا به توسط غیر او.

مسئله ۲۵۱. کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده است به بلد خود بازگردد، نمی تواند انجام حج تمتع را به دیگری واگذار

نماید.

مسئله ۲۵۲. در اجاره برای اعمال حج، لازم نیست اجیر و مستأجر از یکدیگر سؤال کنند که مقلد چه کسانی هستند و اجیر می تواند مطابق تقلید خودش عمل کند.

مسئله ۲۵۳. نایبی که چند ماه قبل از حج به بلد منوب عنه رفت و به عنوان نیابت حج از آنجا حرکت و بعد به وطن خودش می رود، کفایت می کند، اگرچه در ماه ذی الحجه که عازم حج می شود، دیگر به بلد منوب عنه نرود.

مسئله ۲۵۴. جایز است برای نایب در طواف عمره تمتع یا طواف حج، آن را در غیر موسم حج بجا آورد.

مسئله ۲۵۵. شخصی که قبلاً مستطیع بوده و به حج نرفته و الان هیچگونه قدرت مالی جهت انجام آن را ندارد، نمی تواند کسی از طرف او حج نیابی انجام دهد، مگر در صورتی که از جهت پیری یا مریضی نتواند به حج برود.

مسئله ۲۵۶. زنی که واجب الحج است و وصیت کرده که وصی از اصل ترکه اش برای او حج بلدی انجام دهد، در این صورت اگر برای وصی استطاعت بدنی و مالی فراهم شده باشد و فقط راه برای او باز نباشد، وی مستطیع نیست و لذا می تواند به عنوان نیابت، حج را از طرف آن زن انجام دهد.

مسئله ۲۵۷. اگر کسی بدون اینکه اجیر در انجام حج شود خود را به میقات برساند، نمی تواند حج نیابی بجا آورد و باید برای خودش آن را بجا آورد.

مسئله ۲۵۸. کسی که حج نیابی انجام می دهد، اگر در قربانی شخص ثالثی را وکیل کرد، ذابح چنانچه نیت کند و آنچه که بر عهده نایب است انجام دهد صحیح است.

مسئله ۲۵۹. کسانی که در حال اجیر شدن از معذورین نبوده اند ولی در اثنای عمل بر آنها عذر عارض شده، نیابتشان صحیح است و مستحق تمام اجرت می شوند.

مسئله ۲۶۰. کسی که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد معذور است و نمی تواند نایب شود. ولی کسی که نمی تواند ذبح کند، می تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد، زیرا مباشرت در آن شرط نیست.

مسئله ۲۶۱. کسی که نماز او صحیح نیست، نمی تواند در حج نایب شود.

مسئله ۲۶۲. اگر مستناب یا منوب عنه در وقت نیابت بدانند که نایب جزء معذورین از درک برخی اعمال است و او را نایب بگیرند، کفایت نمی کند و استحقاق اجرت را ندارد.

اقسام حج

مسئله ۲۶۳. حج بر سه قسم است: ۱. حج قران، ۲. حج افراد، ۳. حج تمتع. دو قسم اول وظیفه اهالی مکه معظمه و کسانی است که خانه های آنها از مکه معظمه کمتر از ۱۶ فرسنگ دور باشد که در این دو مورد حج عمره تمتع پیش از آن ندارد، اگر چه بعد از آن عمره مفرده واجب است. چنانچه بتوانند پس از انجام حج باید آن را انجام دهند و چنانچه نتوانند در زمان دیگر باید آن را انجام دهند و لازم نیست در یک سال انجام شوند، زیرا عمره مفرده بطور جداگانه بر او واجب می شود و حج آن که حج افراد است عملی است مستقل و جداگانه و بدون عمره مفرده نیز صحیحاً واقع می شود.

اما قسم سوم وظیفه کسی است که از منزل او تا مکه ۱۶ فرسنگ شرعی یا بیشتر فاصله باشد. در این حج باید عمره تمتع پیش از آن انجام گیرد و بدون

آن حج تمتع مجزی نخواهد بود، زیرا حج در آن عمل مستقلى نمى باشد، لذا بدون انجام عمره پيش از آن از حج واجب كفايت نمى كند.

فرق بين حج قران و افراد

مسأله ۲۶۴. حج افراد و قران از نظر كميت و كيفيت يكي مى باشند و تفاوتى با هم ندارند. تنها فرق بين آنها در اين است كه در حج قران، حاجى هنگام احرام بايد قربانى را همراه داشته باشد و قربانى بر او واجب مى شود و احرام در اين قسم از حج همانطور كه با تلبيه محقق مى شود با اشعار (علامت گذاشتن) يا تقليد (چيزى به گردن حيوان آويختن) نيز محقق مى شود. هرگاه براى اين حج احرام ببندد، جايز نيست به حج تمتع عدول نمايد. ولى در وقت احرام حج افراد، همراه داشتن قربانى لازم نيست و اصلاً در اين حج قربانى جزء اعمال آن قرارداد نشده است و تنها احرام آن با تلبيه محقق مى شود.

فرق بين حج افراد و تمتع

مسأله ۲۶۵. حج افراد با حج تمتع در تمام اعمال مشترك هستند، ولى در بعضى جهات با هم فرق دارند.

۱. آنكه حج افراد لازم نيست متصل به عمره و در يك سال باشد، ولى در حج تمتع لازم است و بايد در يك سال انجام شود.
۲. آنكه در حج افراد قربانى لازم نيست، ولى در حج تمتع چنانكه گفته مى شود لازم است.

۳. آنكه در حج افراد جايز است در حال اختيار طواف و سعى حج را بر

- وقوف عرفات و مشعر مقدم بدارد، ولی در حج تمتع جایز نیست.
۴. آنکه احرام حج در افراد باید از یکی از جاهایی که گفته خواهد شد باشد و اما در احرام حج تمتع باید از خود مکه باشد.
۵. آنکه عمره حج افراد را می شود پس از حج یا بعد از آن بجا آورد، ولی در حج تمتع نمی شود عمره را پس از انجام حج بجا آورد.
۶. آنکه بعد از احرام حج افراد می شود طواف مستحبی انجام داد، ولی در حج تمتع نمی توان آن را انجام داد.
- مسئله ۲۶۶.** هرگاه کسی برای حج افراد مستحبی احرام بسته، می تواند به عمره تمتع عدول نماید، مگر در صورتی که بعد از سعی تلبیه گفته باشد، که نمی تواند در این صورت به عمره تمتع عدول نماید.
- مسئله ۲۶۷.** هرگاه برای حج افراد احرام ببندد و وارد مکه شود جایز است دور خانه خدا طواف مستحبی انجام دهد، ولی در این صورت لازم است پس از برگزاری نماز طواف تلبیه بگوید.
- مسئله ۲۶۸.** آنچه از تعیین وظیفه برای کسانی که منزلشان تا مکه کمتر از ۱۶ فرسنگ یا بیشتر از آن باشد ذکر شد، نسبت به حجة الاسلام است. اما در حج مستحبی اهل مکه هم می توانند حج تمتع بجا آورند و نیز اشخاصی هم که منزلشان ۱۶ فرسنگ یا زیاده تر از مکه دور باشد، می توانند حج قران یا افراد بجا آورند، البته حج تمتع برای هر دو طایفه در حج مستحبی افضل است.

حج مستحبی

- مسئله ۲۶۹.** مستحب است حج برای کسی که می تواند حج را انجام دهد هر چند مستطیع نباشد یا آنکه مستطیع شده و حجة الاسلام را بجا آورده باشد.

مسأله ۲۷۰. مستحب است کسی که توانایی دارد، هر ساله حج را تکرار نماید.

مسأله ۲۷۱. هنگام خروج از مکه مستحب است نیت بازگشت به حج نماید.

مسأله ۲۷۲. مستحب است انسان کسی را که استطاعت حج رفتن ندارد به حج بفرستد. همچنین در صورتی که بداند اگر برای رفتن به حج قرض نماید می تواند بعداً قرض خود را بدهد، مستحب است قرض نماید.

مسأله ۲۷۳. مستحب است به کسی که استطاعت حج ندارد، زکاة داده شود که با آن حج نماید.

مسأله ۲۷۴. هرگاه زن شوهر دار خواسته باشد حج مستحبی بجا آورد، باید با اذن شوهر باشد. همچنین زنی که در عده رجعی باشد، ولی زنی که از شوهر خود طلاق بائن گرفته و در عده است یا در عده وفات است، اذن شوهر در حج وی معتبر نیست.

عمرة مفردة

عمره مفرده

مسئله ۲۷۵. عمره در لغت به معنای زیارت است و از اینرو به کسی که خانه خدا را زیارت کند معتمر می‌گویند.

مسئله ۲۷۶. عمره در اصطلاح شرع همان زیارت خانه خداست با مناسک و اعمال مخصوصه در زمان خاص.

مسئله ۲۷۷. در حدیثی از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: عمره بعد از عمره دیگر کفاره گناهان بین دو عمره است و از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: ثواب حج بهشت است و عمره کفاره گناهان است.

مسئله ۲۷۸. از نظر حکم عمره بر دو قسم است: واجب و مستحب.

مسئله ۲۷۹. عمره مفرده بر مستطیعی واجب می‌شود که فاصله منزل او تا مکه کمتر از ۱۶ فرسنگ باشد. اما کسی که در خارج از این حد قرار دارد بر او واجب نیست، بلکه بر او حج تمتع واجب است که مشتمل بر عمره تمتع است، پس بر کسی که حج تمتع واجب می‌شود، عمره مفرده واجب نمی‌شود.

مسئله ۲۸۰. گاهی عمره بر انسان به واسطه نذر واجب می‌شود و نیز در

ضمن شرط در عقد لازم مانند اجاره و صلح و امثال آن واجب می شود.

مسئله ۲۸۱. عمره از نظر زمان به دو قسم منقسم می شود:

۱. مفرده، ۲. تمتع.

مسئله ۲۸۲. عمره مفرده را در هر وقت سال می توان بجا آورد و بهترین

اوقات آن ماه رجب است. ولی عمره تمتع از نظر زمان مشروط به اشهر حج است، یعنی در ماه های حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه).

مسئله ۲۸۳. عمره تمتع باید قبل از حج تمتع انجام شود و در حقیقت عمره

تمتع و حج آن یک وظیفه است و آن وظیفه کسی است که محل زندگیش بیش از ۱۶ فرسنگ با مکه فاصله دارد.

مسئله ۲۸۴. در عمره مفرده طواف نساء واجب است، چه مرد آن را انجام

دهد و چه زن و تا وقتی که مرد آن را انجام ندهد، زن بر او حلال نمی شود و تا وقتی که زن آن را انجام ندهد، مرد بر او حلال نمی شود.

مسئله ۲۸۵. عمره مفرده مانند حج بر کسی که شرایط استطاعت را داشته

باشد، یک مرتبه در عمر واجب می شود و وجوب آن مانند وجوب حج فوری است.

مسئله ۲۸۶. در وجوب عمره مفرده استطاعت برای حج معتبر نیست، بلکه

اگر برای عمره مستطیع باشد واجب می شود، هر چند برای حج آن که افراد است مستطیع نباشد. همچنان که عکس آن نیز چنین است و اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد، باید حج بجا آورد.

مسئله ۲۸۷. برای کسانی که از مکه بیش از ۱۶ فرسنگ دور هستند و وظیفه

آنها حج تمتع است، هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست. چون حج تمتع مرکب از دو عمل است

(عمره تمتع و حج تمتع). اما کسانی که در مکه یا کمتر از ۱۶ فرسنگ با آن فاصله دارند، وظیفه آنها حج افراد و عمره مفرده است، بدین جهت نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می شود.

مسئله ۲۸۸. واجب است بر کسی که می خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می خواهد وارد مکه شود، واجب است عمره مفرده انجام دهد.

مسئله ۲۸۹. از حکم مذکور کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه شده و از آن خارج شوند، استثناء شده اند و می توانند بدون احرام وارد مکه شوند.

مسئله ۲۹۰. وجوب احرام برای دخول مکه از کسانی که در همان ماهی که عمره را بجا آورده اند از مکه خارج و سپس در همان ماه داخل مکه می شوند، استثناء شده است. پس برای دخول مکه احرام برای آنان لازم نیست.

مسئله ۲۹۱. تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است و فصل ما بین عمره های مفرده معتبر نیست و هر روزی می تواند چند عمره بجا آورد.

مسئله ۲۹۲. کسی که وظیفه اش حج تمتع است، عمره مفرده به تنهایی واجب نیست. پس کسی که برای حج تمتع اجیر شده و آن را انجام داده، عمره مفرده بر او واجب نیست، با اینکه استطاعت برای انجام آن را دارد.

مسئله ۲۹۳. بین عمره تمتع و حج آن، انجام عمره مفرده جایز نیست. پس هرگاه بعد از انجام عمره تمتع جهلاً و در حال اختیار، بدون اینکه محرم به احرام حج شود، از مکه خارج شود و بعد در میقات در وقت بازگشت، به نیت عمره مفرده محرم و داخل مکه شود و آن را انجام دهد، این عمره مفرده عمره تمتع وی به حساب می آید. اما عمره اولی وی که به عنوان عمره تمتع

انجام داده به عنوان عمره مفرده محسوب می شود و این بدان جهت است که نباید بین عمره تمتع و حج آن، عمل احرامی واقع شود. اما طواف نساء برای چنین عمره مفرده ای لازم نیست، زیرا دلیل اعتبار آن در عمره مفرده از جهت قصوری که دارد، عمره مفرده اینگونه ای را شامل نیست.

مسئله ۲۹۴. کسی که عمره مفرده را در ماه های حج بجا آورده و تا وقت حج در مکه باقی مانده، می تواند عمره مفرده خود را عمره تمتع قرار داده و حج را بجا آورد و فرقی در این حکم بین حج واجب و حج مستحبی نیست.

مسئله ۲۹۵. شخصی که در اثنای عمره مفرده در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته عمره را تمام کند و به وطن خود بازگشت نمود و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید، برای تکمیل اعمال عمره، راه خارج شدن او از احرام به این است که نایب بگیرد و باقیمانده سعی او را انجام دهد و بعد خود منوب عنه بعد از باخبر شدن از انجام آن تقصیر نماید و پس از آن، نایب طواف نساء را انجام دهد.

مسئله ۲۹۶. اگر کسی که عمره مفرده را بجا آورده، بدون انجام طواف نساء به مدینه رفته و از مسجد شجره برای عمره تمتع محرم شود، اشکال ندارد ولی بعد از انجام عمره تمتع، باید طواف نساء را بجا آورد.

مسئله ۲۹۷. زنی که به نیت عمره مفرده محرم و بعد از آن عادت شود، در صورتی که او در همه روزهایی که می تواند در مکه باشد، در حال حیض باشد، باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و از احرام خارج می شود.

مسئله ۲۹۸. در فرض مذکور چنانچه به وطن خود آمده باشد، باید برای انجام اعمال عمره برگردد و اگر نمی تواند باید برای انجام آنها نایب بگیرد،

ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال را رعایت کند و تا اعمال را بجا نیاورد، آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی شود.

مسئله ۲۹۹. طواف در عمرة مفردة استحبابی، حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد.

مسئله ۳۰۰. انجام عمرة مفردة در ماه های حج، پیش از عمرة تمتع جایز است.

مسئله ۳۰۱. تأخیر عمرة مفردة در حج افراد بدون عذر جایز است.

مسئله ۳۰۲. زنی که احتمال می دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجدالحرام شود، می تواند برای عمرة مفردة مستحبی محرم شود و اگر خون دید، برای طواف و نماز نایب بگیرد و همچنین اگر مریض احتمال می دهد نتواند اعمال عمرة مفردة را انجام دهد.

مسئله ۳۰۳. کسی که وظیفه او عمرة تمتع است و ندانسته به نیت عمرة مفردة محرم شده است، اگر قصد عمرة مفردة را در وقت احرام کرده، باید آن را انجام دهد و بعد از آن عمرة تمتع را بجا آورد و چنانچه اشتباه در تطبیق بوده، عمرة او تمتع واقع می شود و صحیح است.

مسئله ۳۰۴. کسی که تقصیر را در عمرة مفردة جهلاً یا نسیاناً بجا نیاورد و محرم به احرام عمرة تمتع شود و آن را بجا آورد، چون او از احرام عمرة مفردة قبل از تقصیر خارج نشده، احرام عمرة تمتع او صحیح نیست و باید ابتدا تقصیر کند تا از احرام عمرة مفردة بیرون آید و بعد از تقصیر چنانچه وقت داشته باشد که برای عمرة تمتع محرم شود، می تواند به میقات برگردد و در آنجا محرم شود و در صورتی که برگشتن او ممکن نباشد می تواند در

خارج حرم محرم شود.

مسئله ۳۰۵. کسی که حش بدل به افراد شده و باید بعد از حج عمره مفرده بجا آورد اگر آن را بجا آورد، از حجة الاسلام کافی و مجزی است.

فرق بین عمره مفرده و عمره تمتع

مسئله ۳۰۶. عمره مفرده با عمره تمتع در اعمال شریکند و اعمال عمره تمتع خواهد آمد و عمره مفرده با عمره تمتع چند فرق دارد:

۱. در عمره مفرده طواف نساء واجب می شود ولی در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست.

۲. عمره تمتع بجز در ماه های حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجة) واقع نمی شود و صحیح نخواهد بود، ولی عمره مفرده در تمام ماه ها صحیح است و افضل و برتر از همه ماه ها، ماه رجب است و بعد از آن ماه مبارک رمضان.

۳. بیرون آمدن از احرام در عمره تمتع منحصر به تقصیر است، ولی خروج و بیرون آمدن از احرام در عمره مفرده گاهی به تقصیر و گاهی به سر تراشیدن است.

۴. عمره تمتع باید با حج در یک سال واقع شوند، چنانکه خواهد آمد، ولی عمره مفرده چنین نیست و کسی که حج افراد و عمره مفرده بر او واجب باشد می تواند حج را در یک سال و عمره را در سال بعد بجا آورد.

۵. عمره مفرده به نزدیکی با زن باطل می شود و عمره تمتع چنین نیست. کسی که در عمره مفرده قبل از فارغ شدن از سعی از روی علم و عمد با زن نزدیکی کند، عمره وی حتماً باطل شده و واجب است آن را دوباره بجا آورد و اما کسی که در اثنای عمره تمتع جماع نماید، باطل نمی شود.

اسباب عدول از حج تمتع به افراد

مسئله ۳۰۷. اسباب عدول عبارتند از:

۱. ورود به مکه در ضیق وقت

مسئله ۳۰۸. اگر شخصی که احرام عمره تمتع بسته است به واسطه عذری دیروقت وارد مکه شود، بطوری که اگر بخواهد عمره را بجا آورد وقت وقوف به عرفات را نمی تواند درک کند یا خوف داشت که بگذرد، باید به حج افراد عدول کند و پس از بجا آوردن آن، عمره مفرد را انجام دهد و حج او در این صورت صحیح و کافی از حجة الاسلام است.

۲. حیض

مسئله ۳۰۹. اگر زنی احرام بست و هنگامی که به مکه وارد شد، نتوانست به واسطه حیض یا نفاس طواف را بجا آورد و اگر می خواست بماند تا پاک شود ترس آن داشت که وقت وقوف به عرفات بگذرد، به دستوری که در مسئله قبل گفته شد باید عمل کند.

۳. ورود به مکه بدون احرام

مسئله ۳۱۰. اگر بدون احرام وارد مکه شد و احرام نبستن او به واسطه عذری بوده و وقت هم تنگ باشد، باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

۴. ترک عمره تمتع در وقتش به صورت عمد

مسئله ۳۱۱. اگر از روی عمد و بی جهت عمره خود را باطل کرده و وقت

انجام آن تنگ شده، باید حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

مسئله ۳۱۲. مراد از تنگی وقت در مسأله‌های پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی‌الحجه است تا غروب.

مسئله ۳۱۳. اگر کسی که حج مستحبی بجا می‌آورد، پس از ورود به مکه دید وقت تنگ است، عدول به افراد کند و حج آن را بجا آورد و عمره مفرده بر او واجب نیست.

مسئله ۳۱۴. کسی که وظیفه او حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع بجا آورد، به وقوف عرفات نمی‌رسد، می‌تواند از اول محرم به حج افراد شود و آن را بجا آورد و پس از آن عمره مفرده را بجا آورد و عملش صحیح است.

مسئله ۳۱۵. کسی که قصد بیرون رفتن از مکه را داشت و به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره مفرده محرم و وارد مکه شد و عمره مفرده را بجا آورد ولی بعداً از خارج شدن از مکه منصرف شد، در این صورت اگر حج او استحبابی است می‌تواند عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع کند، و حج آن را انجام دهد ولی چنانچه حج واجب یا نیایی باشد، جواز تبدیل آن به عمره تمتع محل اشکال است.

مسئله ۳۱۶. اگر بانیت عمره تمتع محرم شود و بخواهد مجدداً برای عمره مفرده محرم شود، صحیح نیست و احرام دوم باطل است. زیرا برای عمره تمتع محرم شده است و احرام بستن در احرام معنا ندارد.

مسئله ۳۱۷. کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شده، باید بعد از حج افراد، عمره مفرده بجا آورد، از اینرو باید از مکه به ادنی‌الحل برای محرم شدن به عنوان عمره مفرده خارج شود و افضل آن است که احرام او از

« جعرانه » که در جنوب شرقی مکه و در یازده کیلومتر و دو یست و شصت و پنج متر و نیمی مکه واقع است، باشد و یا از « حدیبیه » که از طریق جده در بیست کیلومتری جده تقریباً واقع شده و یا از « تنعیم » که در جانب شمالی مسجدالحرام واقع است و در زمان‌های گذشته که هنوز مکه وسعت و گسترش پیدا نکرده بود، حدود هفت کیلومتر از مسجدالحرام دور بود، ولی در امروزه بر اثر گسترش شهر مکه، داخل آن قرار گرفته است. به هر حال باید از ادنی‌الحل برای عمره مفرده محرم شود و بیاید به مکه و اعمال آن را بجا آورد و از احرام خارج شود.

مسئله ۳۱۸. میقات عمره مفرده ادنی‌الحل و غیر آن از مواقیت پنجگانه معروف است، ولی میقات عمره تمتع بنابر معروف یکی از مواقیت پنجگانه است که ذکر آنها در مواقیت می‌آید.

مسئله ۳۱۹. از نگاه مافرق و تفاوتی بین میقات عمره تمتع و عمره مفرده نیست. از اینرو ادنی‌الحل که تفصیل آن در بیان مواقیت می‌آید، همانگونه که میقات برای عمره مفرده است برای عمره تمتع نیز می‌باشد.

مسئله ۳۲۰. کسی که استطاعت دارد می‌تواند در غیر ماه‌های حج (غیر از شوال و ذی‌القعدة و ذی‌الحجه) عمره مفرده انجام دهد، مگر در صورتی که انجام آن موجب شود که نتواند حج واجب را در ماه‌های آن انجام دهد.

مسئله ۳۲۱. کیفیت افعال حج افراد از احرام و وقوفین و اعمال منی و اعمال مکه، عین کیفیت حج تمتع است و در احکام مشترک هستند، تنها در حج افراد قربانی ندارد.

مسئله ۳۲۲. افعال عمره تمتع از احرام و طواف و سایر اعمال، عین اعمال عمره مفرده است، تنها در عمره تمتع طواف نساء ندارد، ولی در عمره مفرده دارد.

مسئله ۳۲۳. عمره تمتع را اگر کسی بجای آورد، کافی از عمره مفرده است.
مسئله ۳۲۴. کسی که وظیفه اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه بیش از شانزده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره مفرده داشته و برای حج نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب نیست. پس بر مثل اشخاصی که به نیابت حج می کنند، عمره مفرده واجب نمی شود، گرچه ترک آن سزاوار نیست.

مسئله ۳۲۵. کسی که به احرام عمره مفرده محرم شد، همه چیزهایی که در احرام تمتع گفته می شود بر او حرام می گردد و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید، همه آن چیزها بر او حلال می شود، مگر زن و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش بجا آورد، زن هم بر او حلال می شود.

مسئله ۳۲۶. طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر و یا بعد از سر تراشیدن بجا آورد.

مسئله ۳۲۷. کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شده، اگر احرامش در ماه های حج بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع بجا آورد و در این صورت هدی بر او واجب می شود.

حج تمتع

حج تمتع

مسئله ۳۲۸. حج تمتع مرکب است از دو عمل: یکی عمره و دیگری حج و عمره آن بر حج مقدم است.

اعمال عمره تمتع

مسئله ۳۲۹. عمره تمتع مرکب از پنج جزء است:

۱. احرام در یکی از مواقیتی که بیان می شود؛
 ۲. طواف دور خانه خدا؛
 ۳. نماز طواف (دو رکعت)؛
 ۴. سعی (رفت و آمد) بین کوه صفا و مروه؛
 ۵. تقصیر یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.
- هنگامی که محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود حلال می شود.

اعمال حج تمتع

مسئله ۳۳۰. حج تمتع مرکب از سیزده عمل است:

۱. احرام بستن در مکه؛

۲. وقوف (بودن) به عرفات از اول ظهر روز نهم ذی‌الحجه تا مغرب. عرفات نام مکانی است که تقریباً در چهار فرسنگی مکه قرار دارد؛
۳. وقوف به مشعرالحرام از طلوع فجر روز دهم ذی‌الحجه تا طلوع آفتاب، ولی اگر پیش از طلوع فجر را هم درک کند، می‌توان حج را صحیح دانست. مشعرالحرام بین عرفات و مکه قرار دارد؛
۴. انداختن سنگ‌ریزه به جمره عقبه در منی، در روز دهم ذی‌الحجه. منی در نزدیکی مکه قرار دارد؛

۵. قربانی در منی در روز دهم ذی‌الحجه؛

۶. تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی؛

۷. طواف زیارت در مکه پس از بازگشت از منی به مکه؛

۸. دو رکعت نماز طواف؛

۹. سعی بین صفا و مروه؛

۱۰. طواف نساء؛

۱۱. دو رکعت نماز طواف نساء؛

۱۲. ماندن در منی شب یازدهم و شب دوازدهم و شب سیزدهم برای برخی از اشخاص؛

۱۳. رمی جمرات (اولی، وسطی و عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم و اشخاصی که شب سیزدهم در منی باقی ماندند، روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند. آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعداً ذکر می‌شود.

مسأله ۳۳۱. لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج ولو اجمالاً بداند و کافی است که قصد انجام عمره تمتع را نیت کند، یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و همینطور حج تمتع را به نحوی که بر او

واجب است و کیفیت و تفصیل هر یک را می تواند از مناسک در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند.

شرایط حج تمتع

مسئله ۳۳۲. در حج تمتع شرایط ذیل اعتبار شده است:

۱. نیت

مسئله ۳۳۳. تمتع باید نیتش این باشد که حج تمتع را بجا می آورد، پس اگر نیت حج دیگری نمود یا در نیت تردید داشت، حش صحیح نخواهد بود.

۲. انجام عمره و حج در ماه های حج

مسئله ۳۳۴. باید عمره و حج هر دو با هم در ماه های حج (شوال و ذی القعدة و ذی الحجه) باشد، پس اگر یک جزء از عمره را قبل از ماه شوال بجا آورده باشد، عمره اش صحیح نخواهد بود.

۳. انجام عمره و حج در یک سال

مسئله ۳۳۵. باید عمره و حج در حج تمتع در یک سال بجا آورده شوند، پس اگر عمره را بجا آورد و حج را به سال بعد موکول نماید، تمتع صحیح نخواهد بود.

مسئله ۳۳۶. فرقی نیست در حکم مذکور بین اینکه تا سال بعد در مکه بماند یا آنکه به وطن خود مراجعت نموده و دوباره به مکه بیاید.

مسئله ۳۳۷. در حکم مذکور نیز فرقی نیست بین اینکه در عمره به تقصیر از احرام بیرون آید یا تا سال آینده در احرام خود باقی بماند.

۴. انجام احرام حج از مکه

مسئله ۳۳۸. احرام حج در حال اختیار باید از خود مکه باشد و فرقی نیست بین محلات قدیم و جدید آن و بهترین موضع برای احرام حج مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل است.

مسئله ۳۳۹. شخصی که نتواند از خود مکه احرام ببندد، از هر جاکه بتواند باید محرم شود.

۵. انجام عمره و حج توسط یک نفر

مسئله ۳۴۰. باید مجموع اعمال عمره تمتع و حج تمتع را یک نفر از طرف یک نفر انجام دهد، پس اگر دو نفر برای انجام حج تمتع از طرف مرده یا زنده‌ای اجیر شوند که یکی عمره و دیگری حج را انجام دهد، صحیح نخواهد بود و همچنین اگر یک نفر حج نماید و عمره را برای کسی و حج را برای کس دیگر انجام دهد، صحیح نخواهد بود.

اعمال عمره تمتع

محل احرام عمره تمتع

مواقیت احرام

مسأله ۳۴۱. جاهایی را که احرام بستن در آنها واجب شده، میقات گویند و هر کسی باید در آن میقاتی که در راه او به مکه است، محرم شود و آن جاها عبارتند از:

۱. مسجد شجره

مسأله ۳۴۲. مسجد شجره میقات اهل مدینه و کسانی است که از راه مدینه منوره، به مکه مشرف می شوند. مثل بسیاری از حاجیان ایران و آن را «ذوالحلیفه» نیز می گویند و در این زمان به «آبار علی» معروف است و فاصله آن تا مکه چنانچه بعضی گفته اند حدود ۴۶۴ کیلومتر است و تا مدینه در زمان های گذشته تقریباً هفت کیلومتر فاصله داشته است.

مسأله ۳۴۳. برای شخصی که می خواهد از مسجد شجره محرم شود، جایز است در بیرون مسجد به طوری که محاذی و برابر آن از طرف راست یا چپ باشد احرام ببندد و بهتر آن است که در داخل مسجد محرم شود.

۲. جحفه

مسئله ۳۴۴. جحفه میقات اهل جحفه و نواحی آن و میقات مردم مصر و شام و شهرهای مغرب و اروپا می باشد و هر کسی که از کانال سوئز به قصد مکه عبور می کند، باید در دریا در محاذات جحفه محرم شود و تقریباً مسافت بین مکه و جحفه ۲۲۰ کیلومتر است و به رابغ نزدیک است، ولی احرام از آن مجزی نیست.

۳. وادی عقیق

مسئله ۳۴۵. وادی عقیق میقات اهل نجد و عراق و کسانی است که از آن طریق به حج می روند و افضل است از اول آن که مسلخ است، اگر بطور یقین معلوم شود، محرم گردد. و گرنه وقتی که یقین کرد در وادی عقیق رسیده، پیش از رسیدن به «ذات عرق» محرم شود.

۴. قرن المنازل

مسئله ۳۴۶. قرن المنازل کوهی است مشرف بر عرفات و در حدود ۹۴ کیلومتری مکه و میقات اهل طائف و نواحی آن و کسانی است که از آن طریق به مکه مشرف می شوند.

۵. یلملم

مسئله ۳۴۷. یلملم کوهی است از کوه های تهامه در ۹۴ کیلومتری مکه و آن میقات اهل یمن و کسانی است که از آن طریق به حج مشرف می شوند و در زمان کنونی گفته می شود که یلملم در دریا قرار گرفته و از آن اثری دیده نمی شود.

۶. مکة مکرمه

مسئله ۳۴۸. مکة مکرمه میقات حج تمتع است.

۷. منزل شخصی

مسئله ۳۴۹. منزل شخصی میقات کسی است که منزلش به مکة نزدیک تر از میقات باشد.

۸. جعرانه

مسئله ۳۵۰. جعرانه میقات اهل مکة است برای حج قران و افراد. کسی که دو سال تمام در مکة مجاور بوده، در حکم اهل مکة است و پس از گذشتن آن به منزله اهل مکة خواهد بود. اما پیش از دو سال حالش حال کسی است که از راه دور به حج می آید.

۹. محاذات

مسئله ۳۵۱. محاذات بگونه ای است که وقتی مقابل مکة می ایستد، میقات در طرف راست و یا چپ او قرار گیرد، ولی نباید فاصله بین او و میقات بیش از شش میل (۹/۷ کیلومتر) باشد.

۱۰. ادنی الحل

مسئله ۳۵۲. ادنی الحل اسم سه مکان است:

الف - تنعیم که در جانب شمال حرم در هفت کیلومتری شهر مکة در زمان های گذشته واقع بود و در زمان کنونی بر اثر توسعه شهر در خود مکة قرار دارد. این مسجد را مسجد العمره می خواندند، زیرا بیشتر مردم از آنجا

برای عمره مفرده محرم می شدند.

ب- جعرانه که در جنوب شرقی مکه در حدود ۱۱ کیلومتر و ۲۶۵ متری آن و بین مکه و طائف واقع شده و رسول خدا (ص) بعد از مراجعت از طائف برای عمره، از آنجا محرم شدند.

پ- حدیبیه که در طریق جده در ۲۰ کیلومتری مکه تقریباً واقع شده و رسول خدا (ص) یکی از عمره های خود را در آنجا محرم شد.

این مکان ها در نزدیکی مکه قرار دارند و نزد مردم آن سامان معروفند.

مسئله ۳۵۳. در زمان کنونی تنعیم همانگونه که در مسئله پیش گفتیم، بر اثر توسعه و گسترش شهر مکه داخل آن قرار گرفته است. اما حدیبیه و جعرانه که در چند کیلومتری مکه قرار دارند، باید احرام در یکی از دو مکان انجام گیرد.

مسئله ۳۵۴. ادنی الحل از نظر ما، همانگونه که میقات احرام برای عمره مفرده کسانی است که از داخل مکه می خواهند محرم شوند، همچنین میقات احرام است برای احرام عمره مفرده کسانی که از خارج از طریق جده به مکه می روند و نیز برای احرام عمره تمتع.

مسئله ۳۵۵. سبب اختلاف میقات ها برای احرام راه هایی است که حجاج از آنها به طرف مکه می روند.

مسئله ۳۵۶. میقات ها را رسول خدا (ص) معین کرده اند.

احکام میقات ها

مسئله ۳۵۷. احرام بستن پیش از میقات جایز نیست.

مسئله ۳۵۸. عبور از میقات با احرام کفایت نمی کند، بلکه بایستی از خود میقات احرام بسته شود و از این حکم دو مورد استثنا شده است:

۱. آنکه نذر نماید که پیش از رسیدن به میقات احرام ببندد، که در این صورت احرام بستن قبل از میقات مانند احرام بستن از میقات صحیح است.

مسئله ۳۵۹. در این حکم فرقی بین حج واجب و مستحب و عمره مفرده نیست. البته فرقی که هست این است که اگر احرام برای حج باشد، لازم است که در ماه‌های حج (شوال، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه) باشد.

۲. کسی که قصد عمره مفرده در ماه رجب دارد و بیم آن داشته باشد که اگر احرام را از میقات ببندد نتواند عمره مفرده را درک نماید، برای چنین کسی جایز است قبل از میقات احرام ببندد و برای او عمره رجب شمرده می‌شود، هر چند بقیه اعمال عمره را در ماه شعبان بجا آورد.

مسئله ۳۶۰. در این حکم فرق نمی‌کند بین عمره واجب و مستحب.

مسئله ۳۶۱. بر مکلف واجب است برای بستن احرام یقین به میقات پیدا نموده و با اطمینان احرام ببندد یا اطمینان به آن حاصل نماید یا بی‌تنبه شرعی داشته باشد و چنانچه شک در رسیدن به آن داشته باشد، نمی‌تواند در آنجا محرم شود.

مسئله ۳۶۲. کسی که نذر نموده قبل از میقات احرام ببندد و بر خلاف نذر خود از میقات احرام بست، احرام وی باطل نیست، ولی کفاره مخالفت نذر اگر از روی عمد این کار را کرده باشد، بر او واجب می‌شود.

مسئله ۳۶۳. همچنانکه تقدیم احرام بر میقات جایز نیست، تأخیر آن از میقات نیز جایز نیست. پس کسی که قصد حج یا عمره یا دخول مکه را دارد، نمی‌تواند در حال اختیار بدون احرام از میقات عبور نماید و هرگاه بدون احرام از میقات گذشت و پیشروی کرد، در صورت امکان باید به میقات برگردد.

مسئله ۳۶۴. هرگاه مکلف از روی علم و عمد از میقات احرام نبست و از آن

گذشت، این مسأله چند صورت دارد:

۱. آنکه می‌تواند به میقات برگردد که در این صورت واجب است به میقات برگشته و از آن احرام ببندد، خواه برگشتنش از داخل حرم باشد یا از خارج آن، پس اگر چنین کاری کرد عملش بی‌اشکال و صحیح خواهد بود.

۲. آنکه مکلف در حرم باشد و نتواند به میقات برگردد ولی بتواند از حرم بیرون برود، که در این صورت واجب است از حرم بیرون رفته و از بیرون آن احرام ببندد.

۳. آنکه در حرم باشد و نتواند به میقات یا بیرون حرم برود، هر چند به جهت بیم فوت حج باشد و در این صورت لازم است از جای خود احرام ببندد.

۴. آنکه خارج حرم باشد و نتواند به میقات برگردد، در این صورت نیز لازم است از جای خود احرام ببندد.

مسأله ۳۶۵. در صورت اول عمره او صحیح است و در سه صورت اخیر گرچه صحت آن قابل اشکال است، ولی از نظر ما صحت آن خالی از وجه نیست، هر چند مکلف به جهت ترک احرام از میقات مرتکب حرام شده است.

مسأله ۳۶۶. چنانکه مکلف به وظیفه‌ای که گفته شد عمل نکند و عمره را بجا بیاورد، حج وی باطل خواهد بود.

مسأله ۳۶۷. هرگاه انسان به جهت فراموشی یا بیهوشی و مانند اینها یا ندانستن حکم یا ندانستن میقات، احرام را ترک نماید، این مسأله نیز دارای چهار صورت است که در مسأله قبلی درباره ترک احرام از میقات عمداً بیان شد.

مسأله ۳۶۸. هرگاه زن حائض از روی جهل به حکم و ندانستن مسأله، از

میقات احرام نبست و داخل حرم شد، بر او لازم است مانند دیگران در صورتی که نتواند به میقات برگردد، به خارج حرم رفته و از آنجا احرام ببندد. در صورتی که انجام این عمل برایش ممکن نباشد با دیگران یکسان خواهد بود (یعنی مانند دیگران از داخل حرم محرم شود).

مسائل متفرقه میقات

مسئله ۳۶۹. جایز است در صورت ضرورت، احرام را از مسجد شجره تأخیر بیاندازد تا میقات اهل شام (جحفه).

مسئله ۳۷۰. شخص جنب و حائض می توانند در حال عبور از مسجد، محرم شوند ولی نباید در آن توقف کنند.

مسئله ۳۷۱. اگر جنب به واسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و آب برای غسل نباشد و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد.

مسئله ۳۷۲. اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند و یاد در حال عبور محرم شود، از محاذی مسجد محرم شود.

مسئله ۳۷۳. اگر دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است، کافی است و اگر دو شاهد عادل (بینه) ممکن نشود، می تواند اکتفا کند به ظن حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکان ها می باشند.

مسئله ۳۷۴. هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقات ها عبورش نیافتد، باید از محاذات میقات احرام ببندد.

مسئله ۳۷۵. اگر عبور او طوری است که محاذات با دو میقات پیدا می کند، باید از جایی که اول محاذات با آن پیدا می کند احرام ببندد.

مسئله ۳۷۶. حکم کسانی که از محاذات غیر از مسجد شجره، از مواقیت

دیگر عبور می‌کنند مانند کسانی هستند که از محاذات مسجد شجره عبور می‌کنند و می‌توانند از آنجا محرم شوند.

مسئله ۳۷۷. کسانی که با هواپیما به حج می‌روند و می‌خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند، می‌توانند به نذر از جده محرم شوند. زیرا جده قبل از ادنی‌الحل است که ما آن را مانند مواقیت معروف برای عمره مفرده و تمتع میقات می‌دانیم.

مسئله ۳۷۸. محاذات میقات به علم و شهادت دو شاهد عادل ثابت می‌شود و اگر از راه اینها تحصیل آن ممکن نشود، می‌تواند به گمان از قول کسانی که مطلع به آن مکان‌ها هستند بسنده کند و نیز می‌تواند به قول کسانی که اهل خبره بوده و از روی قواعد علمی محاذات را تعیین می‌کنند، بسنده نماید.

مسئله ۳۷۹. اگر کسی قصد مکه نباشد و از میقات بدون احرام عبور کند و سپس قصد مکه را نماید، می‌تواند از میقات دیگر و یا به نذر قبل از آن محرم شود.

مسئله ۳۸۰. عبور از میقات بدون احرام برای کسی که قصد مکه را دارد جایز نیست، هر چند قصدش انجام عمره مفرده باشد. ولی اگر بدون احرام از میقات عبور کرد و از ادنی‌الحل محرم شود احرام او صحیح است.

مسئله ۳۸۱. کسی که در مکه زندانی شد و موقعی آزاد شد که نمی‌تواند خود را به میقات برای احرام برساند، می‌تواند از نزدیک‌ترین نقطه به میقات محرم شود.

مسئله ۳۸۲. اگر کسی پیش از میقات به نذر محرم شود و پس از حصول احرام قصد یکی از مواقیت را کند، نمی‌تواند خود را محل و از احرام خارج کند، زیرا انصراف از نیت احرام، سبب بیرون آمدن وی از آن نمی‌شود و سبب خروج او از احرام تنها منحصر به اعمال است، چه محرم به احرام حج

شده باشد و چه محرم به احرام عمره.

مسئله ۳۸۳. احرام در آن قسمتی که مسجد شجره توسعه پیدا کرده، جایز است.

مسئله ۳۸۴. اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای آن محرم شود. ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد، در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده، احرام او باطل است و باید برای عمره تمتع مجدداً محرم شود.

مسئله ۳۸۵. کسانی که با هواپیما به جده می روند، در حال اختیار می توانند از ادنی الحل (حدیبیه یا جعرانه) بدون نذر و یا از جده با نذر، محرم شوند.

مسئله ۳۸۶. کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست، نمی توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله دار که می گوید فلان محل میقات است محرم شوند، مگر اینکه از گفته او اطمینان پیدا کنند و گرنه باید به عرف محل مراجعه نمایند.

مسئله ۳۸۷. در صورتی که ثابت نیست که رابغ محاذی جحفه است، احرام از آن جایز نیست.

مسئله ۳۸۸. کسی که در غیر ماه های حج به مکه رفته و عمره مفرده بجا آورده و در آنجا تا ماه های حج برای حج تمتع مانده، باید به یکی از مواقیتی که بیان شد برود و در آنجا محرم شود.

مسئله ۳۸۹. میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای آن می تواند محرم شود.

مسئله ۳۹۰. کسی که وسایلش در جحفه مانده، می تواند قبل از احرام عمره تمتع و بعد از آن به آنجا برود و وسایل خود را بیاورد و اما بعد از اعمال عمره تمتع و محل شدن، پیش از آنکه محرم به احرام حج شود، نمی تواند از مکه به

جاهای دورتر از طائف و عسفان خارج شود، مگر در حال ضرورت.

مسئله ۳۹۱. کسی که از جده بدون نذر محرم شده، باید به میقات برگردد و از آنجا محرم شود و اگر عمره تمتع را انجام داده باشد، باید آن را اعاده نماید.

مسئله ۳۹۲. بعد از اتمام حج تمتع، اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند، در صورتی که از وقت احرام عمره تمتع یک ماه نگذشته، لازم نیست محرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود و اگر خواست عمره مفرده هم بیاورد، صحیح است.

مسئله ۳۹۳. فصل بین عمره تمتع و مفرده شرط نمی باشد. پس اگر بعد از حج، خواست عمره مفرده بیاورد، مانعی ندارد.

مسئله ۳۹۴. فصل بین عمره های مفرده، یکسال، یکماه و یاده روز شرط نیست و انسان می تواند در یک روز چندین عمره مفرده به جای بیاورد.

مسئله ۳۹۵. کسی که در جده و یا مدینه حالت روانی پیدا می کند، لازم نیست محرماً وارد مکه شود.

مسئله ۳۹۶. اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، باید به میقات برگردد و در آنجا تلبیه بگوید.

مسئله ۳۹۷. هرگاه برگشتن به میقات در فرض مذکور ممکن نباشد، ولی در صورتی که به مکه برود می تواند از آنجا به میقات برگردد، باید به مکه برود و از آنجا به میقات برای احرام برگردد.

مسئله ۳۹۸. هرگاه محرم پس از احرام از میقات دیوانه شود و دیوانگی او تا زمان موت ادامه یابد، اگر در سال اول استطاعت او بوده، کاشف به عمل می آید که استطاعت شرعی نداشته و حج بر او واجب نشده است و بر ورثه چیزی نیست و اگر حج بر او مستقر بوده، بر ورثه لازم است از ترکه حش را به عنوان نیابت انجام دهند.

مسئله ۳۹۹. اگر پس از ورود در مکه محرم دیوانه شود، در صورتی که پیش از زمان حج بهبودی یابد، اعمال را با همان احرام انجام دهد و اگر بهبودی نیابد مگر پس از ایام حج، با انجام اعمال عمره مفرده از احرام خارج می شود.

واجبات احرام

مسئله ۴۰۰. واجبات در وقت احرام سه چیز است:

۱. نیت

مسئله ۴۰۱. نیت یعنی انسان در حالی که می خواهد محرم شود به احرام عمره تمتع، قصد کند که آنچه در عمره و حج واجب شده است قربه الی الله آنها را انجام دهد.

مسئله ۴۰۲. اگر حج را به نیت خالص بجا نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند، باید سال دیگر آن را اعاده کند.

مسئله ۴۰۳. در صحت نیت گفتن به زبان و گذراندن از ذهن معتبر نیست (یعنی لازم نیست نیت را به زبان آورده یا از ذهن خود بگذراند) بلکه داعی بر آن مانند عبادت های دیگر کفایت می کند.

مسئله ۴۰۴. در صحت احرام عزم بر ترک محرمات احرام اعتبار نشده است بلکه توطین نفس بر ترک آنها اعتبار شده و این با علم به ارتکاب برخی از آنها ولو در حال اختیار منافات ندارد، بنابراین آنکه پیش از میقات به نذر محرم می شود، اگرچه بداند در زمان رفتن به مکه در هواپیما تضلیل می کند، نذرش منعقد می شود و احرام او صحیح است.

مسئله ۴۰۵. اگر بعضی ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا آن را باطل کند، در عمره حکم به بطلان آن و در حج حکم به بطلان حج می شود.

این در صورتی است که نتواند آن را تدارک کند، ولی اگر محل تدارک باقی است و آن را تدارک نماید عمره و حج او صحیح می شود، گرچه معصیت کار است.

مسئله ۴۰۶. اگر به واسطه ندانستن مسأله یا به جهت دیگر به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند، پس اگر در نظرش آن است که همین عمل را که همه بجا می آورند او هم بجا می آورد و گمان کرده جزء اول از دو جزء حج اسمش حج تمتع است، عمره او صحیح است.

مسئله ۴۰۷. اگر به واسطه ندانستن مسأله یا به جهت دیگر گمان کند که در حج تمتع حج بر عمره آن مقدم است و حج را در وقت احرام نیت کرد و قصدش این باشد که اعمال آن را بجا آورد و پس از آن اعمال عمره را آورد، احرام او باطل است و باید در میقات به نیت عمره تمتع محرم شود و اگر از میقات گذشته باشد، باید در صورت امکان برگردد و در آنجا محرم شود و اگر ممکن نیست در هر جایی که می باشد می تواند محرم شود.

مسئله ۴۰۸. کسی که در گذشته حج واجبش را انجام داده و بنا دارد حج مستحبی بجا آورد ولی از روی ناآگاهی یا فراموشی در نیت احرام عمره، نیت حج تمتع کرده است اشکال ندارد، زیرا اشتباه لفظی کرده و قصدش این بوده عمره ای که وظیفه اوست انجام دهد.

۲. تلبیه

مسئله ۴۰۹. تلبیه یعنی لبیک گفتن به اینکه بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» و به این مقدار اگر اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است و بهتر آن است که پس از آن چهار «لَبَّيْكَ» که گفته شده بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

معانی جملات تلبیه

یعنی پروردگارا اجابت و اطاعت می‌کنم فرمان تو را و برای تو شریکی نیست. به درستی که ستایش و نعمت و ملک از آن توست، شریکی برای تو در آنها نیست.

مسئله ۴۱۰. تا تلبیه نگفته است محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود.

مسئله ۴۱۱. واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همانطور که صحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب است، زیرا تلبیه در احرام به منزلة تکبیرة الاحرام در نماز است. پس احرام بدون تلبیه یا اشعار و تقلید نسبت به شخصی که می‌خواهد حج قران بجا آورد محقق نمی‌شود، پس هرگاه نیت احرام نموده و لباس احرام را پوشید و یکی از محرمات احرام را قبل از تحقق احرام (تلبیه گفتن یا اشعار و تقلید) بجا آورد، گناهی نکرده و کفاره‌ای بر وی نخواهد بود.

مسائل متفرقة تلبیه

مسئله ۴۱۲. کسی که می‌خواهد از راه مدینه به حج برود، بهتر است گفتن تلبیه را تا رسیدن به بیداء (جایی است که یک میل یا ۱۶۰۹/۳ متر با ذوالحلیفه به طرف مکه فاصله دارد) تأخیر نموده و در آنجا تلبیه بگوید و کسی که از راه دیگر به حج می‌رود، تلبیه را پس از قدری راه رفتن بگوید و کسی که از مکه می‌خواهد به حج برود، تلبیه را تا رسیدن به رقطاع (جایی که نامش مدعی و قبل از ردم است) تأخیر نماید. ولی بهتر این است که از جایی که احرام می‌بندد فوراً تلبیه را آهسته بگوید و از جاهایی که گفته شد بلند بگوید.

مسئله ۴۱۳. کسی که عمره تمتع بجا می‌آورد بهتر این است هنگامی که چشمش به خانه‌های مکه افتاد تلبیه نگوید و حد آن برای کسی که از راه مدینه

می آید (عقبه مدنیین است).

مسئله ۴۱۴. کسی که عمره مفرده بجای می آورد، اگر از خارج حرم آمده باشد هنگام دخول حرم و چنانچه از مکه بیرون رفته که احرام عمره ببندد، هنگام دیدن خانه خدا تلبیه را قطع نماید و کسی که حج بجای می آورد هر نوع حجبی که باشد، هنگام زوال ظهر روز عرفه تلبیه را قطع نماید.

مسئله ۴۱۵. اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شدنند، باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن آن تلقین کند، یعنی کلمه کلمه به او بگوید و شخصی که می خواهد احرام ببندد، دنبال او بطور صحیح بگوید.

مسئله ۴۱۶. اگر نتواند یاد بگیرد و با تلقین هم نتواند بگوید، به هر نحو که می تواند بگوید و کافی است.

مسئله ۴۱۷. شخص گنگ و لال هرگاه مستطیع شد، حج بر او واجب می شود و باید آن را انجام دهد.

مسئله ۴۱۸. شخص لال در وقت احرام باید با انگشت خود به تلبیه اشاره نموده و زبان خود را حرکت دهد و نماز طواف او هم به همان اشاره کفایت می کند.

مسئله ۴۱۹. احرام حج تمتع و عمره تمتع و حج افراد و احرام عمره مفرده بدون تلبیه منعقد نمی شود و اما احرام حج قران همچنانکه به تلبیه منعقد می شود، به اشعار یا تقلید نیز محقق می شود.

مسئله ۴۲۰. اشعار مختص به شتر قربانی است و تقلید مشترک بین شتر و غیر آن از گاو و گوسفند از انواع قربانی است.

مسئله ۴۲۱. اشعار عبارت از پاره کردن طرف راست کوهان شتر است به این معنی که محرم به طرف چپ او ایستاده و طرف راست کوهانش را پاره کند و خون آلود نماید.

مسئله ۴۲۲. تقلید عبارت از این است که نعلین کهنه‌ای که با آن نماز گذارده باشد به گردن قربانی بیاویزد.

مسئله ۴۲۳. اگر لبیک گفتن را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم آن را نگفت، واجب است به میقات برگردد و لبیک بگوید و اگر نتواند برگردد همان جا اگر داخل حرم نشده است بگوید و اگر داخل آن شده واجب است برگردد به خارج حرم و لبیک بگوید و اگر ممکن نیست همان جایی که هست آن را بگوید.

مسئله ۴۲۴. اگر بعد از گذشتن وقت تدارک تلبیه در میقات، یادش بیاید، عمره وی صحیح می‌باشد.

مسئله ۴۲۵. اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه با واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود بجا آورد، کفاره ندارد و همچنین است اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسئله ۴۲۶. اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، نداند که نیت عمره تمتع را کرده یا نیت حج آن را، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع را کرده و عمره او صحیح است. همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید، نداند که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است.

مسئله ۴۲۷. واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند.

مسئله ۴۲۸. کسی که برای عمره تمتع محرم شد، وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود، لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید.

مسئله ۴۲۹. اگر کسی پیش از وقوف به عرفات فهمید که تلبیه او صحیح

نبوده، اگر می‌تواند به مکه برگردد و با تلبیه صحیح محرم شود و اگر ممکن نیست، هر قدر که می‌تواند به طرف مکه برگردد و محرم شود و اگر آن نیز ممکن نیست، در همان محل که فهمید محرم شود و حج او صحیح است.

مسئله ۴۳۰. اگر کسی پس از اعمال عمره تمتع فهمید تلبیه او صحیح نبوده، چنانچه ممکن است به میقات برگردد و با صحیح آن محرم شود و اگر ممکن نیست هر قدر که می‌تواند به طرف میقات برگردد و محرم شود و اگر این هم ممکن نیست از همان مکانی که هست محرم شود و عمره او صحیح است.

مسئله ۴۳۱. کسی که بعد از اعمال حج فهمید که در حج تلبیه نگفته به خیال اینکه تلبیه از مختصات عمره تمتع است، حج او صحیح است اگر بعد از تمام اعمال فهمیده باشد.

مسئله ۴۳۲. کسانی که به احرام عمره تمتع محرم می‌شوند و حج آنها در مواردی به حج افراد مبدل می‌شود، لازم نیست برای حج افراد مجدداً تلبیه بگویند، بلکه همان تلبیه‌ای که برای احرام عمره تمتع گفته کفایت است و با قصد حج افراد به عرفات می‌رود.

مسئله ۴۳۳. اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، محرم نمی‌شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال حج را انجام دهد، چنانچه از روی عمد بوده عمل او صحیح نیست و اگر عمدی نبوده و از روی فراموشی یا ندانستن مسئله بوده، عمل او صحیح می‌باشد.

مسئله ۴۳۴. اگر کسی تلبیه را غلط بگوید و بعد از وقوفین و قبل از اتمام اعمال حج فهمید که صحیحاً محرم نشده است، با فرض اینکه بعد از وقت جبران متوجه شده، ظاهراً عمل وی صحیح است.

مسئله ۴۳۵. کسی که به دیگران تلقین تلبیه می‌کند و خودش فراموش کرده که تلبیه را بگوید، محرم نشده است. او اگر داخل مکه شده باشد، باید در

صورت امکان به میقات برگردد و با تلبیه در آنجا محرم شود و اگر ممکن نیست به میقات برگردد، به خارج حرم برود و در آنجا با تلبیه و شرایط دیگر احرام محرم شود.

۳. پوشیدن دو جامه احرام

مسئله ۴۳۶. پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی ازار (لنگ) است که باید آن را به دور کمر ببندند و دیگری رداء که باید آن را به دوش ببندازند.

مسئله ۴۳۷. لازم است که دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید، بهتر است که لبیک را دوباره بگوید.

مسئله ۴۳۸. لازم است که ازار (لنگ) به اندازه‌ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند و رداء به اندازه‌ای باشد که دو شانه را بپوشاند.

مسئله ۴۳۹. باید در حال اختیار اکتفا نکند به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را رداء قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

مسئله ۴۴۰. در پوشیدن جامه احرام قصد قربت لازم است.

مسئله ۴۴۱. شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه‌ای که از حریر خالص و غیر مأکول اللحم باشد و نیز شرط است در جامه‌ای که نجس به نجاستی که در نماز از آن عفو شده، نباشد.

مسئله ۴۴۲. لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد بطوری که بدن نما باشد.

مسئله ۴۴۳. لازم است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد.

مسئله ۴۴۴. دو جامه‌ای که ذکر شد باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است، ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو که هست محرم شود، چه دوخته باشد یا نباشد، ولی باید از حریر محض نباشد.

مسائل متفرقه دو جامه احرام

مسئله ۴۴۵. بهتر است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن، جامه احرام یا بدن محرم نجس شود، آنها را تطهیر نماید. ولی برای احرام او اشکال ندارد، البته باید در حال طواف و نماز پاک باشند.

مسئله ۴۴۶. لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل نمد مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد.

مسئله ۴۴۷. بهتر است برای محرم با همان جامه‌ای که در آن محرم شده است طواف کند، اگر آن را عوض کرده باشد.

مسئله ۴۴۸. اگر محرم اضطرار به پوشیدن چیز دوخته پیدا کند مانند شلوار، قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن، می‌تواند آنها را بپوشد. ولی باید برای پوشیدن آن یک گوسفند کفاره در احرام عمره و یک گوسفند کفاره در احرام حج قربانی کند.

مسئله ۴۴۹. لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آن را عوض کند و برای شستن و حمام رفتن از بدن بیرون بیاورد، بلکه جایز است هر دو را بیرون از بدن بیاورد و لخت شود.

مسئله ۴۵۰. شخص محرم می‌تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو یاسه رداء و دو یاسه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر، اما باید شرایط لباس احرام را داشته باشد.

مسئله ۴۵۱. اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می‌خواهد محرم شود بپوشد، معصیت کرده است ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و احرامش صحیح است.

مسئله ۴۵۲. شخصی که می‌خواهد محرم شود اگر پیش از آنکه لباس دوخته خود را از بدن بیرون بیاورد، با لباس احرام محرم شود، احرام او صحیح است

ولی باید لباس دوخته را از بدن خود دور کند.

مسئله ۴۵۳. احرام در جامه‌ای که با عین پول خمس یا زکات نداده خریده باشند، جایز نمی‌باشد و نیز جامه‌ای که متعلق خمس باشد، طواف در آن باطل است. البته اگر جامه احرام را با پول کلی خریده باشد، جایز است در آن محرم شود، اگرچه قیمت آن را با پول خمس یا زکات نداده پرداخت کرده باشد، ولی در این فرض ذمه او به مقدار خمس مشغول و باید آن را به مستحق برساند.

مسئله ۴۵۴. شرط نیست در احرام بستن، پاک بودن از حدث اصغر و اکبر پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود.

مسئله ۴۵۵. اگر پیراهن بپوشد بعد از آنکه محرم شد، لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد. ولی اگر در پیراهن محرم شود، لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و همین قدر لازم است که آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

مسئله ۴۵۶. اگر فراموش کند احرام را در میقات و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات، عملش صحیح است.

مسئله ۴۵۷. زنی قبل از احرام برای عمره تمتع می‌دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمره تمتع را نمی‌تواند انجام دهد و با این وصف نیت عمره تمتع کرد، می‌تواند نیت را به حج افراد برگرداند و اشکالی ندارد.

مسئله ۴۵۸. اگر زن در فرض مذکور با التفات به اینکه نمی‌تواند با عادت ماهانه عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست، به نیت عمره تمتع محرم شود، صحت این احرام بلکه حصول آن محل اشکال است.

مسئله ۴۵۹. مردها که معمولاً برای احرام یک حوله به عنوان لنگ به کمر

می‌بندند و یکی هم بر روی شانه‌ها می‌اندازند، ولی بعضاً برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود، اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلووار ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد، این عمل اشکال ندارد.

مستحبات احرام

مسئله ۴۶۰. مستحبات احرام چند چیز است:

۱. قبل از احرام بدن خود را پاکیزه و ناخن و شارب خود را گرفته و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید؛

۲. کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌القعدة و شخصی که قصد عمره مفرده است، پیش از یک ماه موی سر را تراشد؛

۳. پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید؛

مسئله ۴۶۱. غسل احرام از زن حائض و نفساء نیز صحیح است.

مسئله ۴۶۲. مقدم داشتن این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود، جایز است و در صورتی که مقدم داشت، اگر در میقات آب یافت شد اعاده آن مستحب است.

۴. دو جامه احرام از پنبه باشد؛

۵. در صورت تمکن بعد از فریضة ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضة دیگر و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله محرم شود که در رکعت اول پس از حمد سورة توحید و در رکعت دوم سورة جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد.

۶. تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در این موارد:

الف - وقت برخاستن از خواب؛

ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

پ - وقت رسیدن به سواره؛

ت - هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن؛

ث - وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛

ج - آخر شب؛

چ - اوقات سحر.

مسئله ۴۶۳. زن حائض، نفساء و جنب نیز تلبیه‌ها را بگویند.

مسئله ۴۶۴. شخص متمتع تلبیه گفتن او همانگونه که در واجبات احرام بیان کرده‌ایم در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه خانه‌های مکه را ببیند و اما تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است.

مسئله ۴۶۵. برخی از مستحباتی که ذکر شد چون مبتنی بر قاعده تسامح در ادله سنن است، پس باید رعایت آنها به قصد رجاء باشد، نه به قصد ورود.

مکروهات احرام

مسئله ۴۶۶. مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام در جامه سیاه و افضل احرام در جامه سفید است؛

۲. خوابیدن محرم بر رخت و بالش سیاه رنگ؛

۳. احرام بستن در جامه چرکین و اگر در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال استراحت است آن را نشوید؛

۴. احرام بستن در جامه راه راه، نقشه دار و مانند آن؛

۵. استعمال حنا پیش از احرام اگر اثر آن تا حال احرام باقی بماند و...؛

۶. لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

محرمات احرام

کارهایی که بر محرم حرام است و آنها عبارتند از:

۱. شکار حیوان صحرائی

مسئله ۴۶۷. شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد بر محرم حرام است مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

مسئله ۴۶۸. محرم خواه در حرم و خواه در حل (خارج حرم) باشد، نباید حیوان صحرائی را شکار نموده یا بکشد.

مسائل متفرقه شکار

مسئله ۴۶۹. شکار در حرم مطلقاً جایز نیست، هر چند شکارچی محرم نباشد.

مسئله ۴۷۰. خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه آنکه خودش شکار کند یا غیر خودش.

مسئله ۴۷۱. همچنان که شکار حیوان صحرائی بر محرم حرام است، نشان دادن شکار به شکارچی نیز حرام است و نیز کمک به او به هر نحوی که باشد.

مسئله ۴۷۲. در حرمت کمک به شکارچی برای شکار، بر محرم فرق نمی‌کند بین اینکه او محرم باشد و یا مُحل.

مسئله ۴۷۳. اگر محرمی صید را ذبح کند در حکم میتة خواهد بود، هم درباره محرم و هم درباره مُحل.

مسئله ۴۷۴. حکم مذکور مختص به حیوان صحرائی است ولی شکار حیوان دریایی (که تخم و جوجه را در دریا می‌کند) مانع ندارد.

مسأله ۴۷۵. ذبح و خوردن حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

مسأله ۴۷۶. پرندگان جزء شکار صحرایی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرایی است.

مسأله ۴۷۷. جوجه و تخم حیوانات مذکور در حکم تابع خود آنهاست یعنی همانطور که شکار حیوان صحرایی حرام است، شکار جوجه یا برداشتن تخم آن نیز حرام است.

مسأله ۴۷۸. همانطور که کشتن حیوان اهلی و شکار حیوان دریایی جایز است، کشتن جوجه و شکستن تخم آنها نیز جایز است.

مسأله ۴۷۹. نگاه‌داشتن صید بر محرم حرام است، چه خودش مالک آن باشد و چه آنکه غیر مالک آن باشد و اگر آن را با خود آورده باشد، باید آن را رها کند.

مسأله ۴۸۰. اگر پرنده‌ای که نزد اوست پر درنیاورده یا پر او را چیده‌اند واجب است آن را حفظ کند تا پر درآورد و بعداً آن را رها کند، بلکه لازم است بچه صید مثل آهو و امثال آن را حفظ کند تا بزرگ شود و سپس آن را رها کند.

کفارات شکار

مسأله ۴۸۱. برای کشتن و شکار هر یک از حیوانات صحرایی در مبانی اسلام کفاره‌ای معین شده که در ضمن مسائل ذیل بیان می‌شود.

مسأله ۴۸۲. برای کشتن شتر مرغ یک شتر و برای گاو و وحشی یک گاو و برای خر و وحشی یک شتر یا یک گاو و برای آهو و خرگوش یک گوسفند و همچنین برای کشتن روباه.

مسئله ۴۸۳. چنانچه كفاره شتر باشد و يافت نشود، بايد شصت مسكين را اطعام نمايد و براي هر مسكين يك مُد (تقريباً ده سير) و اگر اين را هم نتواند بايد هيچده روز روزه بگيرد.

مسئله ۴۸۴. اگر كفاره گاو باشد و نتواند آن را تهيه كند، بايد سي مسكين را اطعام نمايد و اگر اين را هم نتواند بايد نه روز روزه بگيرد.

مسئله ۴۸۵. اگر كفاره گوسفند باشد و نتواند آن را تهيه كند، بايد ده مسكين را اطعام نمايد و اگر متمكن از آن نباشد بايد سه روز روزه بگيرد.

مسئله ۴۸۶. هرگاه محرم در خارج حرم كبوتر يا مانند آن را شكار نموده و بكشد، يك گوسفند و در جوجه آن يك بره يا بزغاله بايد كفاره بدهد.

مسئله ۴۸۷. كفاره شكار قطاة (مرغ سنگ خوار) و كبك و دراج و مانند آن يك بره است كه از شير گرفته شده و علفخوار باشد.

مسئله ۴۸۸. كفاره شكار گنجشك و قبره (چكاوك) و صعوه (سنگانه) و مانند آن يك مُد (تقريباً سه ربع - ده سير گندم يا جو يا نان و مانند اينها) مي باشد.

مسئله ۴۸۹. كفاره كشتن يك ملخ يك دانه خرما و كفاره بيشتر از يك ملخ يك مشت گندم و مانند آن و در زيادتر از آن يك گوسفند است.

مسئله ۴۹۰. اگر ملخ را بكشد و بخورد، كفاره آن يك گوسفند است.

مسئله ۴۹۱. اگر بر اثر زيادي ملخ در بين راه نتواند خود را از كشتن آنها حفظ كند كفاره بر او نيست.

مسئله ۴۹۲. كشتن موش صحرايي، خارپشت، سوسمار و مانند اينها يك بزغاله كفاره دارد و كشتن عطايه (نوعی مارمولک) يك مشت طعام كفاره دارد.

مسئله ۴۹۳. کشتن عمدی زنبور مقداری طعام کفاره دارد و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد کفاره ندارد.

مسئله ۴۹۴. اگر جماعتی در کشتن شکاری شرکت کردند، بر هر یک کفاره مستقلى هست.

مسئله ۴۹۵. کفاره خوردن شکار مانند کفاره خود شکار است، پس اگر محرم شکاری کرد و آن را خورد، دو کفاره باید بدهد، یکی برای شکار و دیگری برای خوردن آن.

مسئله ۴۹۶. کسی که شکاری همراه دارد و بخواهد داخل حرم شود، باید آن را رها کند و چنانچه رهایش نکرد تا مُرد، باید کفاره بدهد. بلکه نسبت به کسی که قبل از احرام شکاری کرده و بعداً محرم شود، این نیز جاری است.

مسئله ۴۹۷. وجوب کفاره در کشتن شکار و خوردنش، فرقی ندارد بین آنکه از روی عمد یا سهو و یا نادانی باشد.

مسئله ۴۹۸. در شکار مکرر در صورتی که در دو احرام باشد، کفاره نیز مکرر می شود، خواه شکار نمودن از روی نادانی یا فراموشی یا خطا باشد.

مسئله ۴۹۹. در صورت عمد اگر شکار در حرم و شکارکننده مُحل باشد یا شکارکننده محرم با احرام های متعدد باشد نیز حکم مذکور جاری است.

مسئله ۵۰۰. اگر شکار نمودن عمداً از محرم در یک احرام مکرر شد، کفاره مکرر نخواهد شد.

۲. نزدیکی با زن

مسئله ۵۰۱. نزدیکی کردن با زن در اثناء احرام عمره مفرده و عمره تمتع و حج و بعد از آن پیش از بجا آوردن نماز طواف نساء بر محرم حرام است.

مسائل متفرقه نزدیکی با زن

مسئله ۵۰۲. هرگاه کسی که احرام حج بسته، قبل از وقوف در مزدلفه از روی علم و عمد با زنی قبلاً یا دبراً نزدیکی نماید، حج او و حج آن در صورتی که محرم دانا و راضی به این عمل بوده، باطل می شود و بر هر یک واجب است حج را تمام نموده و کفاره داده و حج را در سال بعد اعاده نمایند، خواه حجشان واجب باشد یا مستحب.

مسئله ۵۰۳. اگر زن مجبور بر این عمل بوده حجش فاسد نمی شود و بر همسرش دو کفاره واجب می شود و بر زن چیزی نخواهد بود.

مسئله ۵۰۴. کفاره این عمل در صورت تمکن یک شتر و اگر تمکن نداشته باشد یک گاو و در صورت عجز یک گوسفند است.

مسئله ۵۰۵. واجب است بین مرد و زن از جای وقوع این عمل در این حج و حجی که بعداً اعاده خواهند کرد، جدایی باشد تا آنکه پس از وقوف عرفات و مشعر الحرام به آن محل برسند و هرگاه نزدیکی پس از گذشتن از منی به عرفات باشد، لازم است جدایی آنها تا وقت نحر در منی مستمر باشد.

مسئله ۵۰۶. هرگاه محرم بعد از وقوف در مزدلفه از روی علم و عمد با عیال خود نزدیکی کند، چنانچه پیش از طواف نساء باشد مانند گذشته کفاره بر او واجب می شود ولی حجش فاسد نمی شود. همچنین است اگر این عملش پیش از دور پنجم طواف نساء باشد و اما اگر بعد از طواف نساء بوده کفاره ندارد.

مسئله ۵۰۷. کسی که از روی علم و عمد در عمره مفرده، بعد از سعی با زن خود نزدیکی نماید مانند سابق کفاره بر او واجب می شود، ولی عمره اش فاسد نمی شود. ولی اگر قبل از سعی باشد عمره اش نیز باطل و واجب است تا یک ماه در مکه توقف نماید، سپس به یکی از مواقیت رفته و از آنجا برای

عمره دوم محرم شود.

مسئله ۵۰۸. کسی که از احرام درآمده اگر با زن خود که در حال احرام است نزدیکی نماید، کفاره بر زن واجب می شود ولی مرد باید غرامت آن را بدهد و کفاره اش یک شتر است.

مسئله ۵۰۹. شخص محرم هرگاه از روی نادانی یا فراموشی با زن خود نزدیکی نماید عمره و حجش صحیح است و کفاره ای بر او واجب نمی شود.

۳. بوسیدن زن

مسئله ۵۱۰. جایز نیست محرم زن خود را از روی شهوت ببوسد و چنانچه او را بوسید و منی از او خارج شد، یک شتر لازم است کفاره بدهد و اما اگر از روی شهوت نباشد یک گوسفند کفاره دارد.

۴. نگاه کردن به زن

مسئله ۵۱۱. اگر محرم عمدتاً نگاه به غیر زن خود کند و انزالش شود، باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی تواند یک گاو و اگر آن را هم نمی تواند یک گوسفند باید کفاره بدهد.

مسئله ۵۱۲. اگر محرم به زن خود از روی شهوت نگاه کند و انزالش شود باید یک شتر کفاره بدهد، ولی اگر از روی شهوت نگاه کند و منی از او بیرون نیاید یا بدون شهوت نگاه کند و منی از او بیرون بیاید، کفاره ندارد.

۵. لمس زن

مسئله ۵۱۳. اگر محرم از روی شهوت به بدن زن خود دست بمالد، یک گوسفند کفاره دارد. ولی اگر از روی شهوت نباشد، چیزی بر او نیست.

۶. ازدواج در حال احرام

مسئله ۵۱۴. ازدواج در حال احرام برای خود یا دیگری حرام است، خواه دیگری در حال احرام باشد یا از احرام بیرون آمده باشد و خواه عقد دائمی باشد یا موقت و در تمام این چند صورت عقد باطل خواهد بود.

مسائل متفرقة ازدواج در حال احرام

مسئله ۵۱۵. هرگاه محرم یا غیر محرم زنی را برای محرم عقد نماید و او با آن زن نزدیکی کند و عقدکننده و محرم بدانند که چنین عقدی در حال احرام حرام است، بر هر یک کفاره یک شتر واجب می شود. همچنین بر زن نیز واجب می شود اگر می دانسته که ازدواج در حال احرام حرام است.

مسئله ۵۱۶. حاضر شدن در مجلس عقد و گواهی دادن بر آن بر محرم حرام است.

مسئله ۵۱۷. عقد کردن محرم زنی را برای خود یا غیر، چه آنکه آن غیر محرم باشد و یا مُحَل، حرام است.

مسئله ۵۱۸. خواستگاری کردن در حال احرام جایز است.

مسئله ۵۱۹. رجوع کردن محرم به زنی که طلاق رجعی داده است، مانع ندارد.

مسئله ۵۲۰. اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسئله آن، زن بر او حرام دائمی می شود.

مسئله ۵۲۱. اگر زنی را با جهل به مسئله برای خود عقد کند، عقدی که کرده باطل است ولی بر او حرام دائمی نمی شود.

مسئله ۵۲۲. اگر کسی عقد کند زنی را برای محرم می و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم باشند، بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است و اگر

دخول نکند کفاره نیست.

مسئله ۵۲۳. در این حکم فرقی نیست بین آنکه زن و عاقد مُحَل باشند یا محرم.

مسئله ۵۲۴. اگر برخی از آنها حکم را می دانستند و برخی دیگر نمی دانستند فقط بر آنکه می دانسته کفاره است.

۷. استمناء

مسئله ۵۲۵. استمناء یعنی طلب بیرون آمدن منی به هر نحو که باشد، پس اگر منی از محرم خارج شود کفاره آن یک شتر است و در جایی که جماع موجب بطلان حج است، مانند نزدیکی با زن پیش از وقوف به مشعرالحرام، استمناء نیز موجب بطلان حج می باشد.

۸. استعمال بوی خوش

مسئله ۵۲۶. استعمال بوی خوش از قبیل مشک و زعفران و عود و عنبر و ورس به خوردن و بوییدن و مالیدن بر بدن بر محرم حرام است و همچنین پوشیدن لباسی که اثری از بوی خوش در آن باشد.

مسئله ۵۲۷. عطر مالیدن محرم بر بدن و لباسش جایز نیست و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد، اگرچه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

مسئله ۵۲۸. خوردن چیزی که بوی خوش می دهد، مثل زعفران جایز نیست.

مسائل متفرقة بوی خوش

مسئله ۵۲۹. اگر به خوردن غذایی که بوی خوش می دهد اضطرار پیدا کند

باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسئله ۵۳۰. از گل ها و سبزی هایی که بوی خوش می دهند، باید محرم اجتناب کند مگر بعضی از انواع آنها که صحرایی است، مثل بومادران و درمنه و خزامی که می گویند اینها از خوشبوترین گل ها است.

مسئله ۵۳۱. از میوه های خوشبو از قبیل سیب و به اجتناب لازم نیست و خوردن آنها و بوییدن آنها مانع ندارد.

مسئله ۵۳۲. گرفتن دماغ از بوی بد بر محرم حرام است، ولی فرار کردن از آن به تند رفتن مانعی ندارد.

مسئله ۵۳۳. خرید و فروش عطریات اشکال ندارد، ولی نباید آنها را برای امتحان بو یا استعمال کند.

مسئله ۵۳۴. استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوشبو می کنند حرام نیست.

مسئله ۵۳۵. خلوق عطری است مایع و روان و زرد رنگ که بیشتر اجزای آن از زعفران است.

مسئله ۵۳۶. اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد، کفاره آن هم مکرر می شود.

مسئله ۵۳۷. کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است.

۹. پوشیدن چیز دوخته بر مردان

مسئله ۵۳۸. پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیرجامه و قبا و امثال آنها بر محرم حرام است.

مسائل متفرقه

مسئله ۵۳۹. چیزهایی که شبیه به دوخته است مثل پیراهن هایی که با چرخ یا با دست می بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالا پوش می مالند (مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن) بر محرم حرام است.

مسئله ۵۴۰. همیانی که در آن پول می گذارند هر چند دوخته باشد، برای محرم اشکال ندارد و نیز پوشیدن شب کلاه و کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

مسئله ۵۴۱. فتق بند اگر دوخته هم باشد، جایز است محرم به خود ببندد.

مسئله ۵۴۲. اگر به لباس دوخته محرم نیاز پیدا کرد، جایز است آن را بپوشد ولی باید کفاره بدهد.

مسئله ۵۴۳. بهتر است محرم ازار (لنگ) خویش را به گردن خود گره نزند و چیزی مانند سنجاق نیز در آن فرو نبرد و بهتر این است که ردای خویش را نیز گره نزند، ولی فرو بردن سوزن یا سنجاق در آن مانعی ندارد.

مسئله ۵۴۴. پوشیدن لباس دوخته هر طور که باشد برای زنان مانعی ندارد مگر دستکش که باید آن را نپوشند.

کفاره پوشیدن لباس دوخته

مسئله ۵۴۵. هرگاه محرم لباسی را که حرام است عمداً بپوشد، کفاره اش یک گوسفند است، حتی در صورتی که مضطر به پوشیدن آن باشد.

مسئله ۵۴۶. برای زن ها جایز است لباس دوخته هر قدر که می خواهند بپوشند و کفاره ندارد.

مسئله ۵۴۷. برای زنان پوشیدن قفازین جایز نیست و آن چیزی بوده که

زن‌های عرب در آن پنبه می‌گذاشتند و برای حفظ از سرما به دست می‌کردند ولی منظور از آن در اینجا هر نوع دستکش است.

مسئله ۵۴۸. کفاره پوشیدن لباس دوخته اگر عالماً و عامداً باشد، یک گوسفند است و اگر از روی فراموشی و یا ندانستن و یا سهوی باشد، کفاره ندارد.

مسئله ۵۴۹. اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل شلوار، پیراهن، قبا و عبا، برای هر یک باید کفاره بدهد.

مسئله ۵۵۰. اگر محرم از روی اضطرار لباس‌های متعدد بپوشد، کفاره ساقط نمی‌شود.

مسئله ۵۵۱. اگر محرم یک قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آن را که پوشیده بکند و باز بپوشد، باید برای هر دفعه کفاره بدهد.

مسئله ۵۵۲. اگر چند لباس از یک نوع بپوشد مثل چند قبا یا چند پیراهن، فقط یک کفاره کفایت است.

۱۰. سرمه کشیدن

مسئله ۵۵۳. سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند، حرام است.

مسئله ۵۵۴. اجتناب از مطلق سرمه لازم است اگر در آن زینت باشد.

مسئله ۵۵۵. سرمه کشیدن اگر بوی خوش داشته باشد، بر محرم حرام است.

مسئله ۵۵۶. حرام بودن سرمه کشیدن برای زن محرم اختصاص ندارد،

بلکه برای مرد محرم نیز حرام است.

مسئله ۵۵۷. در سرمه کشیدن کفاره نیست.

مسئله ۵۵۸. در صورتی که محرم احتیاج به سرمه کشیدن داشته باشد، مانعی ندارد.

۱۱. نگاه کردن در آینه

مسئله ۵۵۹. نگاه کردن محرم در آینه جهت زینت حرام است.

مسئله ۵۶۰. نگاه کردن محرم در آینه بدون قصد زینت مانند نگاه کردن رانندگان در آن که دو پهلوی پشت سر خود را ببینند، اشکال ندارد.

مسئله ۵۶۱. در اصل حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مسئله ۵۶۲. نگاه کردن به اجسام صاف و صیقل داده شده که عکس در آن پیدا است و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

مسئله ۵۶۳. عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست، در صورتی که به قصد زینت بزنند.

مسئله ۵۶۴. در نظر کردن به آینه کفاره نیست، ولی مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مسئله ۵۶۵. اگر محرم در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آن می افتد اشکال ندارد.

۱۲. پوشیدن چیزی که روی پا را می پوشاند

مسئله ۵۶۶. پوشیدن چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می گیرد بر محرم حرام است.

- مسئله ۵۶۷. این حکم اختصاص به مردان دارد ولی برای زنان مانع ندارد.
- مسئله ۵۶۸. اگر مرد محتاج به پوشیدن چیزی شود که روی پارا می گیرد لازم است که روی آن را شکاف دهد.
- مسئله ۵۶۹. پوشیدن چیزی که بندهای عریضی دارد بگونه ای که تمام روی پارا نگیرد اشکال ندارد.
- مسئله ۵۷۰. در پوشیدن آنچه روی پارا می گیرد کفاره نیست.

۱۳. فسوق

- مسئله ۵۷۱. فسوق که در غیر حال احرام نیز حرام است، اختصاص به دروغ گفتن ندارد بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است و بر محرم حرام می باشد.
- مسئله ۵۷۲. برای فسوق کفاره نیست و فقط باید استغفار کند.

۱۴. جدال نمودن

- مسئله ۵۷۳. جدال بر محرم حرام است و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.
- مسئله ۵۷۴. کلمه «لا» و کلمه «بلی» و سایر لغات مرادف آن مثل واژه «نه» و «آری» دخالتی در تحقق جدال ندارد، بلکه به کلمه «الله» گفتن در مقام اثبات مطلب یارد آن جدال محقق می شود.

مسائل متفرقه قسم

- مسئله ۵۷۵. قسم اگر به لفظ «الله» یا مرادف آنها مثل «خدا» در زبان فارسی

باشد، جدال محقق است.

مسئله ۵۷۶. قسم به غیر خدا به هر کس که باشد ملحق به جدال نیست.

مسئله ۵۷۷. سایر اسماء الله ملحق به لفظ جلاله است، پس اگر کسی قسم به رحمان و رحیم و خالق سماوات و ارض بخورد، جدال محسوب می شود.

مسئله ۵۷۸. دو مورد از حرمت جدال استثنا شده است:

۱. آنکه اثبات حق یا از بین بردن باطلی اقتضای قسم خوردن کند؛
۲. آنکه قصد محرم از کلمه «الله» و یا مرادف آن «خدا» قسم خوردن نباشد، بلکه قصدش اظهار محبت یا تعظیم باشد، مثل اینکه بگوید تو را به خدا این کار را انجام بده و یا اینکه آن را انجام نده و مانند آن.

مسئله ۵۷۹. در صورتی که جدال کننده در سخن خود راستگو باشد، کفاره ندارد بلکه فقط باید استغفار نماید، به شرطی که از دو مرتبه تجاوز نکرده باشد و در غیر این صورت یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۵۸۰. اگر جدال و قسم خوردن بر دروغ باشد، در همان مرتبه اول یک گوسفند و در مرتبه دوم دو گوسفند و در مرتبه سوم یک گاو کفاره دارد.

۱۵. کشتن جانوران

مسئله ۵۸۱. کشتن جانوارانی که در بدن ساکن می شوند مثل شپش و کک و کنه که در بدن حیوان است بر محرم حرام می باشد.

مسئله ۵۸۲. برای محرم انداختن شپش و کک از بدن جایز نیست.

مسئله ۵۸۳. برای محرم نقل کردن آن از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط می شود، جایز نیست.

۱۶. زینت نمودن

مسئله ۵۸۴. انگشتر به دست کردن به جهت زینت بر محرم حرام است و اگر به عنوان استحباب باشد مانعی ندارد.

مسئله ۵۸۵. اگر انگشتر به دست کند ولی نه برای زینت و نه برای استحباب مثل آنکه برای خاصیتی آن را بدست کند اشکال ندارد.

مسئله ۵۸۶. لازم است که محرم «حنا» را به قصد زینت نبندد، بلکه اگر زینت باشد ولو اینکه او آن را قصد نکند، باید اجتناب کند.

مسئله ۵۸۷. اگر قبل از احرام «حنا» ببندد، چه به قصد زینت باشد و چه نباشد و چه اثرش تا زمان احرام باقی بماند یا نماند، مانع ندارد.

مسئله ۵۸۸. انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

۱۷. پوشیدن زیور

مسئله ۵۸۹. پوشیدن زیور برای زن به جهت زینت حرام است.

مسئله ۵۹۰. اگر زیور زینت باشد باید آن را ترک کند، هر چند قصد تزئین به آن نداشته باشد.

مسئله ۵۹۱. زیورهایی که زن عادت به پوشیدن آنها قبل از احرام داشته، در صورتی که قصد زینت با آنها نداشته باشد، لازم نیست بر او آنها را بیرون بیاورد.

مسئله ۵۹۲. زیورهایی که زن عادت به پوشیدن آنها پیش از احرام داشته، اگر چه مانعی ندارد ولی نباید آنها را به شوهر خود و دیگر مردان نشان دهد.

مسئله ۵۹۳. پوشیدن زیور برای زن محرم حرام است، ولی کفاره ندارد.

۱۸. روغن مالیدن به بدن

مسئله ۵۹۴. مالیدن روغن بر محرم حرام است، اگر چه بوی خوش در آن نباشد.

مسئله ۵۹۵. جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است پیش از احرام استعمال کند، اگر اثرش تا وقت احرام باقی می ماند.

مسئله ۵۹۶. اگر از روی اضطرار و احتیاج محرم روغن برای درمان به بدن بمالد، مانعی ندارد.

مسئله ۵۹۷. خوردن روغن اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد، مانعی ندارد.

مسئله ۵۹۸. اگر در روغن بوی خوش نباشد، مالیدن آن به بدن کفاره ندارد.

مسئله ۵۹۹. اگر در روغن بوی خوش باشد و آن را محرم به بدن خود بمالد کفاره آن یک گوسفند است، اگر چه از روی اضطرار باشد.

۱۹. جدا نمودن مو از بدن

مسئله ۶۰۰. ازاله مو از بدن خود یا غیر خود، چه محرم باشد و چه محل، حرام است.

مسئله ۶۰۱. در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد، بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

موارد استثنای ازاله مو از حرمت

مسئله ۶۰۲. حرام بودن ازاله مو برای محرم از بدن، در مواردی که ذکر می گردد استثنا شده است:

۱. آنکه شپش بدن محرم زیاد شود؛
۲. آنکه ضرورت ایجاب کند مانند اینکه بلندی آن و زیادیش باعث سردرد و یا ناراحتی دیگر او شود؛
۳. آنکه مو در پلک چشم روییده باشد که محرم را ناراحت کند؛
۴. آنکه مو هنگام وضو یا غسل خود بخود جدا شود (که در این چهار صورت جدا نمودن مو مانعی ندارد).

کفاره ازاله مو

مسئله ۶۰۳. اگر محرم بدون ضرورت سر خود را بتراشد، کفاره اش یک گوسفند است و چنانچه ضرورت موجب شود که سر خود را بتراشد کفاره اش یک گوسفند یا سه روز روزه یا اطعام شش مسکین است که به هر یک دو مُد (یک کیلو و نیم) بدهد.

مسئله ۶۰۴. اگر محرم از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند، کفاره اش یک گوسفند است، بلکه اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند، یک گوسفند باید کفاره بدهد.

مسئله ۶۰۵. اگر محرم موی سر را به غیر از تراشیدن ازاله کند، کفاره آن را باید بدهد.

مسئله ۶۰۶. اگر محرم دست به سر یا ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیافتد، کفاره اش یک مشّت طعام است که باید به فقیر بدهد.

مسئله ۶۰۷. هرگاه محرم سر دیگری را چه محرم و چه مُحل باشد بتراشد کفاره ندارد.

۲۰. پوشانیدن سر بر مردان

مسئله ۶۰۸. حرام است مرد محرم سر خود را با هر چیزی بپوشاند، ولی پوشیده شدن آن بر اثر فشار جمعیت باعث اشکال نمی شود.

مسئله ۶۰۹. همچنین مرد محرم نباید سر را به چیزهای غیر پوششی مانند گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها بپوشاند.

مسئله ۶۱۰. نباید چیزی بر سر بگذارد که سر با آن پوشیده شود.

مسئله ۶۱۱. برای محرم جایز است با بخشی از بدن خود، سر را بپوشاند مثل آنکه دست‌ها را روی سر بگذارد.

مسئله ۶۱۲. جایز نیست محرم سر خود را زیر آب کند، بلکه جایز نیست سر خود را زیر چیز روان دیگری مثل گلاب و غیر آن بنماید.

مسئله ۶۱۳. همچنین بخشی از آن در حکم سر است، پس نباید محرم بخشی از سر را بپوشاند و نیز نباید آن بخش را زیر آب یا چیز روان دیگر کند.

مسائل متفرقه پوشانیدن سر

مسئله ۶۱۴. پوشانیدن رو برای مردان محرم مانع ندارد، زیرا از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

مسئله ۶۱۵. گذاشتن بند مشک آب بر سر از حکم پوشش استثنای شده و مانع ندارد.

مسئله ۶۱۶. دستمالی را که محرم برای سردرد به سر می‌بندد، گناه ندارد ولی کفاره دارد.

مسئله ۶۱۷. اگر حاجی در حال احرام برای سر دستمالی به دور آن ببندد، اگر چه تمام سر را بگیرد، مانعی نیست ولی کفاره دارد.

مسئله ۶۱۸. اگر محرم سر خود را در وقت خوابیدن روی بالش بگذارد، مانعی ندارد.

مسئله ۶۱۹. اگر محرم پارچه‌ای را در جایی قرار دهد که بالای سر او باشد مانعی ندارد و همچنین رفتن او در زیر پشه‌بند برای حفظ از گزیدن آن.

مسئله ۶۲۰. زیر دوش حمام رفتن برای محرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.

مسئله ۶۲۱. اگر محرم سرش را شست، جایز است با حوله و دستمال آن را خشک کند و بخشی از سر هم در حکم همه سر است.

مسئله ۶۲۲. مرد محرم نباید در وقت خوابیدن سر خود را بپوشاند و اگر بدون التفات آن را پوشانید، باید فوراً آن را باز کند.

مسئله ۶۲۳. اگر محرم سر خود را بپوشاند کفاره آن یک گوسفند است، ولی برای پوشاندن بخشی از آن، کفاره واجب نیست.

مسئله ۶۲۴. اگر محرم سر را چندین دفعه بپوشاند، باید برای هر دفعه‌ای یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۶۲۵. کفاره در صورتی بر محرم واجب است که از روی علم به مسئله و عمد سر را بپوشاند. پس اگر از روی ندانستن مسئله یا غفلت و سهو و نسیان آن را بپوشاند کفاره ندارد.

۲۱. پوشانیدن رو بر زنان

مسئله ۶۲۶. حرام است زن محرم روی خود را به نقاب و روبند بپوشاند.

مسئله ۶۲۷. جایز نیست زن محرم روی خود را با هر چیزی گرچه از چیزهای غیر متعارف باشد مانند پوشال، گل و بادبز، بپوشاند.

مسئله ۶۲۸. بخشی از رو در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند، البته پوشاندن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن بگونه‌ای که پوشاندن صورت بر آن صدق نکند، مانع ندارد.

مسئله ۶۲۹. محرم اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

مسئله ۶۳۰. محرم اگر روی خود را برای خوابیدن بر بالش بگذارد مانع ندارد.

مسئله ۶۳۱. پوشاندن زن محرم قسمتی از روی خود را به عنوان مقدمه علمی برای پوشیده شدن تمام سر در حال نماز مانعی ندارد.

مسئله ۶۳۲. بانوان می‌توانند از مرد اجنبی رو بگیرند به این نحو که گوشه چادر یا عبا و مانند آن را که بر سر دارند تا مقابل بینی یا چانه خود پایین بکشند و بجاست که قسمت پایین آمده را به وسیله دست یا چیز دیگر از صورت خود دور نگه دارند.

۲۲. سایه قرار دادن مرد بر بالای سر

مسئله ۶۳۳. محرم نباید در حال سیر به طرف مکه، سایه بالای سر خود قرار دهد و فرقی بین سواره و پیاده نمی‌باشد.

مسئله ۶۳۴. کسانی که در حال احرام کشتی سوار می‌شوند نباید زیر سقف آن بروند، ولی نشستن در کنار دیوار کشتی که سایه است ظاهراً اشکال ندارد.

مسئله ۶۳۵. استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است ولی باید کفاره بدهد.

مسئله ۶۳۶. کفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل، یک گوسفند است، چه با عذر سایه افکنده باشد و چه با اختیار.

مسئله ۶۳۷. کفاره در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه بر سر سایه قرار داده باشد، یک گوسفند است و نیز یک گوسفند است در احرام حج، هر چند بیش از یک مرتبه استظلال کرده باشد.

مسئله ۶۳۸. در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن محرم در حال اختیار، فرقی بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و غیره نیست. ولی عبور از زیر سایبان‌های ثابت و پل‌هایی که در جاده‌ها هست، اشکال ندارد.

مسئله ۶۳۹. کسی که حجش را باطل کند، احرام او نیز باطل می‌شود.

مسئله ۶۴۰. بعد از آنکه محرم به محل‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند رسید، می‌تواند برای رفتن به مسجدالحرام در ماشین‌های مسقف سوار شود یا زیر سایه برود و لازم نیست برای جواز این، منتظر رسیدن به منزل و اتخاذ منزل در مکه باشد.

مسئله ۶۴۱. محرم نباید خود در حال سیر به سوی مکه سایه بر سر قرار دهد بنابراین ماشین‌هایی که محرمین در آنها سوارند و از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده عبور می‌کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شوند برای آنان اشکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد.

مسئله ۶۴۲. شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

مسئله ۶۴۳. در شب استظلال نیست بنابراین جایز است محرم در شب با ماشین سقف دار به مکه برود و نیز در هوای ابری زیرا استظلال صدق نمی‌کند.

مسئله ۶۴۴. جایز است از جاهای دور که پیش از میقات باشد، بانذر محرم شود، ولی اگر با هواپیما و یا ماشین سقفدار سفر کند باید کفاره بدهد.

۲۳. بیرون آوردن خون از بدن

مسئله ۶۴۵. برای محرم جایز نیست با ایجاد خراش از بدن خویش خون بیرون آورد و همچنین با مسواک نمودن.

مسئله ۶۴۶. خون از بدن در آوردن کفاره ندارد.

مسئله ۶۴۷. تزریق آمپول در حال احرام منعی ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن شود تزریق نکند مگر در مورد ضرورت، ولی در هر صورت کفاره ندارد.

مسئله ۶۴۸. برای محرم جایز است در حال احتیاج با حجامت و غیر آن خون بگیرد و همچنین جایز است که در وقت نیاز خون دملی را بیرون آورد.

مسئله ۶۴۹. برای محرم خاریدن جرب جایز است، در صورتی که موجب آزار است و گرچه از آن خون بیرون آید.

مسئله ۶۵۰. اگر محرم خون را از بدن دیگری بیرون آورد مثلاً با حجامت و یا کشیدن دندان، حرام نیست.

۲۴. ناخن گرفتن

مسئله ۶۵۱. برای محرم جایز نیست بخشی از ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار او شود، مثل آنکه بخشی از آن افتاده باشد و بخش دیگر موجب آزار او شود.

مسئله ۶۵۲. چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد، جایز نیست ناخن پا

را هم بگیرد.

مسئله ۶۵۳. فرقی نیست در حکم مذکور بین اینکه وسیله ناخن‌گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن‌گیر.

مسئله ۶۵۴. اگر محرم انگشت زیادی داشته باشد، جایز نیست ناخن آن را هم بگیرد.

مسئله ۶۵۵. اگر محرم یک ناخن از دست یا پا بگیرد، یک مُد طعام (۷۵۰ گرم) باید کفاره بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده، باید یک مُد طعام بدهد و همچنین در ناخن‌های پا.

مسئله ۶۵۶. گرفتن ناخن توسط محرم از غیر محرم جایز است.

مسئله ۶۵۷. محرم می‌تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد.

۲۵. کندن دندان

مسئله ۶۵۸. کندن دندان از محرمات است اگر خون بیاید.

مسئله ۶۵۹. کندن دندان که بر محرم حرام است، شامل دندان غیر نمی‌شود هر چند خون از آن بیرون آید.

۲۶. کندن درخت

مسئله ۶۶۰. کندن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد حرام است.

مسئله ۶۶۱. اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روییده باشد بعد از آنکه منزل او شده، پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است که آن را بکند.

مسئله ۶۶۲. اگر درختی در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده ولی

خودش آن را نکاشته باشد، جایز است آن را قطع کند.

مسئله ۶۶۳. اگر گیاهی در منزل او روییده بعد از آنکه منزل او شده ولی خودش آن را نکاشته باشد، جایز است آن را قطع نماید.

مسئله ۶۶۴. اگر منزلی خریده باشد که دارای درخت و گیاه است، نباید آن را قطع کند.

مسئله ۶۶۵. درخت‌های میوه و درخت خرما از این حکم بیرون‌اند و می‌تواند آنها را قطع کند و گیاه اذخر که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

مسئله ۶۶۶. اگر بخشی از درخت را قطع کند، لازم است که قیمت آن را کفاره بدهد.

مسئله ۶۶۷. در قطع گیاهان حرم کفاره نیست بجز استغفار.

مسئله ۶۶۸. جایز است که شتر خود را بگذارد که علف بخورد، ولی خودش برای او قطع نکند.

مسئله ۶۶۹. آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به محرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است.

مسئله ۶۷۰. اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد.

۲۷. سلاح در بر داشتن

مسئله ۶۷۱. سلاح در بر داشتن مانند شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد حرام است مگر برای ضرورت.

مسائل متفرقه

مسئله ۶۷۲. اگر از روی علم و عمد در احرام حج و قبل از وقوف عرفه یا قبل از وقوف مشعرالحرام با زوجه خود جماع نماید، حج او باطل است و کفاره دارد و باید بعد از اتمام در سال آینده اعاده کند و اما اگر از روی جهل باشد، عمل او صحیح است و کفاره هم ندارد.

مسئله ۶۷۳. شوهر پس از مُحل شدن می تواند زوجه محرم خود را از روی التذاذ دست بزند، ولی اگر زن نیز از آن لذت می برد، نباید او را تمکین نماید.

مسئله ۶۷۴. اگر فردی که از احرام درآمده زنش را که محرم است ببوسد، در صورتی که زن اختیار نداشته، چیزی بر او نیست و بر مرد هم کفاره واجب نشده است.

مسئله ۶۷۵. صابون و برخی از شامپوها که بویی دارند، اگر صدق بوی خوش می کنند باید از آن اجتناب کنند، در غیر این صورت مانع ندارد.

مسئله ۶۷۶. حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود برای محرم اشکال ندارد.

مسئله ۶۷۷. در حال احرام عده ای که از یکدیگر عکس می گیرند و در دوربین عکاسی که آینه دارد یا حالت شفاف و آینه مانندی دارد نظر می کنند، اشکال ندارد.

مسئله ۶۷۸. قسم به غیر خدا از محرمات احرام نیست.

مسئله ۶۷۹. اگر به علت عرق سوز شدن بدن احتیاج به پماد دارد، در صورتی که چربی دارد محرم نمی تواند از آن به بدن خود بمالد مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد.

مسئله ۶۸۰. در فرض مذکور اگر پماد بوی خوش داشته باشد، کفاره آن یک

گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد.

مسئله ۶۸۱. اگر غیر محرم از محرم ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، در این صورت اگر محرم به اختیار خود حاضر شود که غیر محرم سر او را بتراشد، حرام است و باید کفاره بدهد ولی چنانچه بدون اختیار او باشد، کفاره ندارد حتی بر غیر محرم مزبور.

مسئله ۶۸۲. با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، زیر چانه جزء صورت محسوب نمی شود.

مسئله ۶۸۳. زن محرم می تواند صورت خود را با حوله پاک کند، البته اگر حوله را بر روی همه صورت بیاندازد، اشکال دارد.

مسئله ۶۸۴. زن های محرم که در حال پوشیدن و در آوردن مقنعه صورتشان پوشیده می شود، اگر عمداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.

مسئله ۶۸۵. کسانی که در مسجد الحرام برای حج محرم می شوند، تا در منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند، می توانند استظلال نمایند.

مسئله ۶۸۶. کسی که از تنعیم محرم می شود، چون تنعیم جزء مکه شده و مکه منزل است استظلال مانع ندارد.

مسئله ۶۸۷. در صورتی که افرادی از مسجد شجره محرم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف دار به خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند، کفاره واجب نیست.

مسئله ۶۸۸. کسانی که از مسجد الحرام برای حج محرم می شوند و از مسجد الحرام در ماشین سقف دار سوار می شوند و یا غیر آن در عزیزی که منزل ایشان است پیاده می شوند مانعی ندارد.

مسئله ۶۸۹. فرق نمی‌کند در حرام بودن استظلال بر محرم بین سایه‌ای که حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید.

مسئله ۶۹۰. فرق نمی‌کند در حرام بودن بین استظلالی که مربوط به سایه بر سر باشد و سایه‌ای که بر شانه باشد، زیرا استظلال صدق می‌کند.

مسئله ۶۹۱. فرق نمی‌کند در حکم مذکور بین استظلالی که مربوط به سقف باشد و یا دیوار.

مسئله ۶۹۲. در عرفات زیر چتر حرکت کردن اشکال ندارد.

مسئله ۶۹۳. محرم به محض وصول به مکه می‌تواند استظلال نماید.

مسئله ۶۹۴. حدود کشتارگاه که تا نزدیک جمرات مسقف است، عبور از این راه برای محرمی که هنوز منزل نکرده و از مشعر مستقیم به جمرات می‌رود، مانع ندارد.

مسئله ۶۹۵. هرگاه محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند، اگر از روی علم و عمد باشد یک کفاره باید بدهد و اگر از روی نادانی و یا فراموشی باشد کفاره ندارد.

مسئله ۶۹۶. دستور دادن محرم به کسی برای انجام کاری اشکال ندارد.

طواف واجب و احکام آن

اولین واجب در عمره تمتع احرام و دومین واجب در آن طواف دور خانه خداست.

مسئله ۶۹۷. طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد.

مسئله ۶۹۸. هر دوری از طواف را شوط می‌گویند پس طواف عبارت از

هفت شوط است.

مسئله ۶۹۹. طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا وقتی که وقت آن گذشته باشد عمره او باطل است، چه عالم به مسئله باشد و چه جاهل باشد.

مسئله ۷۰۰. کسی که عمره خود را باطل کرد می تواند به حج افراد عدول کند و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و حج تمتع را در سال بعد اعاده کند.

مسئله ۷۰۱. وقت فوت طواف زمانی است که اگر بخواهد آن را با بقیه اعمال عمره بجا آورد، نتواند اول وقت و قوف به عرفات را که از اول ظهر روز نهم است، تا غروب آن را درک کند.

مسئله ۷۰۲. اگر کسی طواف را از روی سهو ترک کرد، لازم است بجا آورد و اگر به محل خود برگشته باشد و نتواند به مکه برگردد یا مشقت داشته باشد، باید شخص مورد اطمینانی را برای انجام آن نایب بگیرد.

مسئله ۷۰۳. اگر کسی سعی را بجا آورد پیش از آنکه طواف را بجا آورد، لازم است که سعی را بجا آورد و اگر نماز طواف را بجا آورده باشد، باید آن را بعد از طواف اعاده کند.

مسئله ۷۰۴. اگر شخص محرم به واسطه مرض، قدرت طواف را نداشته باشد تا وقت تنگ شود، اگر ممکن است خود او را برای طواف ببرند و طواف دهند، اگر چه به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن او باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نایب بگیرند.

مسئله ۷۰۵. شخص مریضی را که طواف می دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

مسئله ۷۰۶. ترک طواف به تأخیرش زمانی محقق می شود که دیگر نتواند

خود را به وقوف عرفات برساند.

مسئله ۷۰۷. چنانچه عمره باطل شود احرامش نیز باطل خواهد بود.

شرایط طواف

مسئله ۷۰۸. در طواف چند چیز شرط است:

۱. نیت

مسئله ۷۰۹. نیت یعنی اینکه انجام طواف با قصد خالص برای خداست.

مسئله ۷۱۰. نیت را لازم نیست به زبان بیاورند، بلکه همان بنایی که دارد

اعمال را به عنوان اطاعت الهی انجام دهد کفایت می کند.

مسئله ۷۱۱. اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی

است، ریا کند یعنی برای نشان دادن و عمل خود را خوب جلوه دادن بجا

آورد، طواف او باطل است و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

مسئله ۷۱۲. ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان

آن نمی شود.

مسئله ۷۱۳. اگر در عملی که برای خدای آورد رضای دیگری را هم شرکت

دهد، عمل او باطل است.

۲. پاکی از حدث اکبر و اصغر

دومین شرط از شرایط در طواف این است که طواف کننده باید طاهر از

حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر باشد، یعنی باید با

وضو باشد.

- مسئله ۷۱۴.** طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء.
- مسئله ۷۱۵.** طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف عمره و حج مستحبی که پس از احرام واجب است آن را تمام کند نیز شرط می باشد.
- مسئله ۷۱۶.** طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، ولی کسی که جنب یا حیض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود اما اگر غفلتاً یا نسیاناً طواف مستحب کرد صحیح است.
- مسئله ۷۱۷.** طواف در حال حدث اکبر یا اصغر باطل است، چه از روی عمد باشد یا غیر عمد.

مسائل متفرقه پاکی از حدث اکبر و اصغر

- مسئله ۷۱۸.** اگر در اثنای طواف حدث از محرم سر زد، اگر پس از تمام شدن دور چهارم است، باید طواف را قطع و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده آن را تمام نماید.
- مسئله ۷۱۹.** اگر در فرض سابق بعد از نصف و پیش از تمام شدن دور چهارم حدث عارض شود، لازم است آن را تمام و اعاده کند و این حکم در حدث اصغر است.
- مسئله ۷۲۰.** اگر در اثنای طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض بر او عارض شود، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود. پس اگر پیش از تمامی دور چهارم بود پس از غسل طواف را اعاده کند.
- مسئله ۷۲۱.** اگر عذر از وضو و غسل داشته باشد، واجب است تیمم بدل از آنها نماید.

مسئله ۷۲۲. اگر تیمم بدل از غسل کرد و حدث اصغر بر او عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است، همان تیمم اول کافی است.

مسئله ۷۲۳. اگر حدث پیش از رسیدن به نصف طواف بر محرم عارض شود، در این صورت طواف او باطل است و باید بعد از طهارت آن را اعاده نماید.

مسئله ۷۲۴. اگر محرم با وضو بوده و شک کند که حدث بر او عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین است اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده است.

مسئله ۷۲۵. اگر محرم محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه و یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسئله ۷۲۶. اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که وضو و یا غسل آن را بجا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را بجا آورده یا نه، طواف او صحیح است ولی برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسئله ۷۲۷. اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه، باید وضو بگیرد.

مسئله ۷۲۸. اگر در اثنای طواف شک کند که غسل از جنابت یا حیض یا نفاس کرده است یا نه؟ باید فوراً از مسجد الحرام بیرون برود و غسل کند و بعد از غسل برگردد و آن را اعاده کند.

مسئله ۷۲۹. اگر آب و چیزی که تیمم به آن جایز است موجود نباشد، حکم

آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد.

۳. طهارت بدن و لباس از خبث

سومین شرط از شرایط طواف، طهارت از خبث است یعنی پاک بودن بدن و لباس و طواف با بدن یا لباس نجس صحیح نیست و لازم است از نجاساتی که در نماز بخشیده شده است مثل خون کمتر از درهم در طواف اجتناب کند. **مسئله ۷۳۰.** در خون قروح و جروح و خون زخم و دمل در بدن یا لباس، اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

مسئله ۷۳۱. اگر چیز نجس همراه انسان در طواف باشد مانعی ندارد و همچنین است نجس بودن چیزهایی که در آن نماز خوانده نمی شود مانند همیان و کلاه و جوراب و عرقچین.

مسئله ۷۳۲. در صورتی که نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی دانسته و پس از انجام طواف بفهمد، طوافش صحیح است و حاجتی به اعاده ندارد و همچنین است نماز طواف اگر نمی دانسته بدن یا لباسش نجس بوده و بعد از انجام نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

مسئله ۷۳۳. هرگاه محرم نجاست بدن یا لباس خود را فراموش نموده و با آنها طواف نمود و بعد از طواف یادش آمد طوافش صحیح است.

مسئله ۷۳۴. اگر بعد از نماز طواف یادش بیاید که بدن و لباسش نجس بوده، حتماً باید با بدن و لباس پاک آن را اعاده نماید.

مسئله ۷۳۵. اگر شک در نجاست بدن یا لباسش داشته باشد می تواند با آن حال طواف کند و صحیح است، چه بداند که پیشتر از این پاک بوده یا نداند.

اما اگر بداند که پیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده، نمی تواند با آن حال طواف کند، بلکه باید آن را تطهیر و پس از آن طواف کند.

مسئله ۷۳۶. اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، باید دست از آن بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جایی که قطع کرد تمام کند، در این صورت طواف او صحیح است.

مسئله ۷۳۷. اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، بجاست که طواف را رها و تطهیر کند و از همان جا بقیه طواف را تمام و نماز را بخواند و بعد از آن طواف را اعاده کند، خصوصاً اگر تطهیر بدن یا لباس زیاد طول بکشد.

مسئله ۷۳۸. اگر نجاست لباس یا بدن را فراموش کند و طواف کند، لازم است آن را اعاده نماید و همینطور است اگر در بین طواف یادش بیاید.

۴. مختون بودن

چهارمین شرط در طواف مختون بودن مرد است.

مسئله ۷۳۹. اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

مسئله ۷۴۰. اگر بچه ختنه نشده را محرم کنند احرام او صحیح است، ولی طواف او صحیح نیست و حلال شدن زن برای او مشکل می شود و باید خودش بعد از ختنه شدن طواف کند و اگر نتواند باید برای او نایب بگیرند تا طواف کند.

مسئله ۷۴۱. مکلف غیر مختون که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد و مستطیع شده، حج بر او واجب می شود و طواف و نمازش را خودش باید انجام دهد.

۵. پوشیدن عورت

پنجمین شرط در طواف پوشیدن عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است.

مسئله ۷۴۲. در آن اباحه معتبر است، پس با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز طواف مورد اشکال است.

مسئله ۷۴۳. لازم است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند یعنی در بین دورهای طواف آنقدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

واجبات طواف

مسئله ۷۴۴. واجبات طواف هفت چیز است:

۱ و ۲. طواف هر دور از حجرالاسود و ختم به آن

مسئله ۷۴۵. در ابتدا کردن به حجرالاسود لازم نیست که تمام بدن طواف کننده به تمام اجزای حجرالاسود عبور کند، بلکه واجب است که انسان از هر جای آن که باشد شروع کند و به همان جا ختم کند.

مسئله ۷۴۶. باید شروع به طواف از حجرالاسود بگونه ای باشد که در عرف این عنوان صادق باشد.

مسئله ۷۴۷. در طواف باید همانطوری که همه مسلمین از محاذات حجرالاسود شروع می کنند، شروع کند و وسواسی به خود راه ندهد.

مسئله ۷۴۸. گاهی دیده می شود که برخی اشخاص در هر دوری که می زنند می ایستند و عقب و جلو می روند که محاذات را درست کنند که این موجب اشکال و گاهی حرام است.

۳. قرار گرفتن خانه طرف دست چپ

مسئله ۷۴۹. از واجبات طواف، قرار دادن محرم طواف خانه کعبه را در طرف دست چپ، در جمیع احوال آن.

مسئله ۷۵۰. میزان در قرار دادن خانه خدا طرف دست چپ، صدق عرفی است.

مسئله ۷۵۱. چنانچه خانه خدا به جهت بوسیدن ارکان آن یا به جهت ازدحام و کثرت جمعیت، روبرو یا پشت سر یا طرف راست آن قرار گیرد، آن مقدار از طواف شمرده نمی شود.

مسئله ۷۵۲. بر محرم لازم نیست در تمام اشواط طواف خانه را بگونه دقیق در برابر دست چپ قرار دهد، ولی اگر در موقع دور زدن از حجر اسماعیل از طرف دست چپ قدری خانه خارج شود مانع ندارد.

مسئله ۷۵۳. اگر موقع رسیدن به گوشه های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد.

مسئله ۷۵۴. گاهی دیده می شود شخصی دیگری را وادار می کند که او را طواف دهد به نحوی که اختیار را از خود سلب می کند، این طواف باطل است و اگر طواف نساء را اینطور بجا آورد، زن برای او حلال نخواهد شد.

مسئله ۷۵۵. اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن بر خلاف متعارف شود، مثل آنکه جلوی بدن طواف کننده به کعبه یا پشتش واقع شود و یا به طرف عقب حرکت کند، باید آن مقدار از طواف را از سر بگیرد.

مسئله ۷۵۶. اگر ازدحام و کثرت جمعیت سبب شود که انسان بدون اختیار خود دور خانه بچرخد، این طواف کفایت نمی کند و باید آن را از سر بگیرد اگرچه خانه هم طرف دست چپ او باشد.

مسئله ۷۵۷. در طواف دور خانه خدا می تواند آهسته و می تواند تند و می تواند سواره باشد، اما بهتر است که با میانه روی طواف را انجام بدهد.

۴. داخل کردن حجر اسماعیل در طواف

چهارمین شرط در طواف این است که حجر اسماعیل را داخل مطاف قرار دهد به این معنا که دور آن بگردد و داخل آن نرود.

مسئله ۷۵۸. حجر اسماعیل مکانی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف کننده به دور آن بگردد.

مسئله ۷۵۹. حجر اسماعیل مدفن مادر آن حضرت، بلکه مدفن بسیاری از پیامبران الهی است.

مسئله ۷۶۰. اگر در وقت طواف دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند.

مسئله ۷۶۱. اگر عمداً این کار را بکند، حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

مسئله ۷۶۲. اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

مسئله ۷۶۳. شخصی که در عمره تمتع از روی جهل و ندانستن، حجر اسماعیل را داخل در طواف و جزء آن قرار نداده و سعی و تقصیر را انجام داده و از لباس احرام خارج شده و لباس عادی پوشیده، چنانچه لباس احرام را بپوشد و طواف را بگونه صحیح انجام بدهد و سعی و تقصیر را نیز انجام دهد، عمره او صحیح بوده و کفاره ای هم بر او واجب نمی شود.

مسئله ۷۶۴. اگر در برخی از دورها حجر اسماعیل را داخل در دور زدن قرار نداد، لازم است که آن دور را از سر بگیرد.

مسئله ۷۶۵. اگر کسی در بعضی از دورهای طواف از روی دیوار حجر اسماعیل برود کفایت نمی‌کند و باید از آنجایی که از روی دیوار دور زده است طواف را تمام کند.

۵. طواف دور کعبه باید از بیرون آن باشد نه از درون
پنجمین شرط طواف این است که طواف‌کننده از بیرون خانه خدا دور بزند، نه از درون خانه خدا.

مسئله ۷۶۶. طواف در خارج مقام ابراهیم جایز است پس اگر شخص از پشت مقام طواف کند و آن هم داخل در طوافش شود، طوافش صحیح است زیرا میزان در صحت طواف دور خانه خدا صدق عرفی است.

مسئله ۷۶۷. طواف در خارج از حد ۲۶ ذراع و نیم مانع ندارد، ولی هر چه به خانه خدا در موقع طواف نزدیکتر باشد بهتر است.

۶. خروج طواف‌کننده از خانه

ششمین شرط از شرایط طواف این است که طواف‌کننده از خارج خانه و آنچه که از آن محسوب است باشد.

مسئله ۷۶۸. در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آن را شاذروان گویند و جزء آن محسوب است و طواف‌کننده باید آن را هم داخل مطاف قرار دهد.

مسئله ۷۶۹. اگر کسی در بعضی از احوال طواف بر اثر ازدحام و کثرت جمعیت یا غیر آن، بالای شاذروان برود و دور بزند، آن مقدار را که دور زده باطل است و باید اعاده کند.

مسئله ۷۷۰. دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند.

مسئله ۷۷۱. در وقت طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند.

۷. هفت مرتبه متوالی دور خانه خدا

هفتمین شرط از شرایط طواف، هفت مرتبه چرخیدن دور خانه خداست.

مسئله ۷۷۲. کمتر از هفت دور کافی نیست و زیاده‌تر از آن به صورت عمد طواف را باطل می‌کند.

مسئله ۷۷۳. اگر از روی عمد طواف‌کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور بجا آورد یا بیشتر، طوافش باطل است اگرچه در دور هفتم تمام کند.

مسئله ۷۷۴. اگر در فرض مذکور از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد، طواف را باید اعاده کند.

مسئله ۷۷۵. کسی که از جهت جهل به مسئله در عمره تمتع حجر اسماعیل را جزء طواف قرار نداده و اعمال بعد از طواف را انجام داده و از احرام خارج شده و لباس دوخته پوشیده، چنانچه لباس احرام بپوشد و طواف را بگونه صحیح انجام دهد و اعمال بعد از آن را بیاورد، عمره او صحیح است و کفاره هم بر او نیست.

مسئله ۷۷۶. اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور منصرف شود، از آنجایی که این قصد را کرده و هر چه با این قصد عمل کرده، باطل است و باید آن را اعاده کند و اگر با این قصد زیاده‌تر از هفت دور آورد، اصل طواف باطل می‌شود.

مسئله ۷۷۷. اگر طواف کننده از اول قصد کند که هشت دور بجا آورد، هفت دور آن به عنوان طواف واجب و یک دور به عنوان تبرک یا مقصد دیگر، طواف آن صحیح است.

مسئله ۷۷۸. اگر گمان کند که یک دور طواف مستحب است همانطور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم به دنبال آن بیاورد، طواف او صحیح است.

مسئله ۷۷۹. اگر کسی عمداً از طواف واجب یک دور یا بیشتر از یک دور کم کند، واجب است آن را تمام کند و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده است.

مسئله ۷۸۰. اگر بعد از کم کردن از طواف، کارهایی انجام دهد که موالات عرفی بین اشواط فوت شود، حکمش حکم قطع طواف است که می آید.

مسئله ۷۸۱. اگر محرم سهواً از طواف کم کند، پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد از همان جا آن را تمام کند.

مسئله ۷۸۲. اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید.

مسئله ۷۸۳. اگر متذکر نشود که طواف را ناقص کرده، مگر بعد از مراجعت به وطن خود، باید خودش برای انجام آن برگردد و اگر نتوانست باید برای آن نایب بگیرد.

مسئله ۷۸۴. در طواف واجب قران جایز نیست، یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد، بدون آنکه بین دو طواف نماز آن فاصله شود.

مسئله ۷۸۵. اگر در طواف یک دور زیاد کند و یا کمتر از دور و قصدش آن

باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که جایز نیست.

مسئله ۷۸۶. در فرض سابق اگر از اول یا در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد، لازم است که طواف اول را اعاده کند و اگر بعد از تمام شدن، قصد بجا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد طواف اول صحیح است.

مسئله ۷۸۷. اگر سهواً بر هفت دور زیاد کند، پس اگر کمتر از یک دور است آن را قطع کند و طوافش صحیح است.

احکام طواف

مسئله ۷۸۸. جایز است برای محرم قطع طواف نافله را بدون عذر.

مسئله ۷۸۹. قطع طواف واجب بدون عذر کراهت دارد.

مسئله ۷۹۰. اگر طواف را قطع کند و منافی بجای آورده باشد و آن را تمام کند طواف او صحیح است.

مسئله ۷۹۱. اگر در بین طواف برای محرم عذری در اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بدون اختیار، پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده، بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا آن را تمام کند و اگر قبل از آن بوده طواف را باید اعاده نماید.

مسئله ۷۹۲. اگر شخصی که با عذر طواف را قطع کرده، نتوانست بجا آورد تا آنکه وقت تنگ شود، اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند.

مسئله ۷۹۳. اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود، واجب

است طواف را رها کند و نماز بخواند. پس اگر بعد از چهار دور آن را رها کرد، از همان جا طواف را تمام کند و اگر کمتر از چهار دور باشد آن را اعاده کند.

مسئله ۷۹۴. جایز است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب و می تواند از هر جا که قطع کرد، بعد از نماز از همان جا تمام کند.

مسئله ۷۹۵. اگر کسی سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی وضو بجا آورد طوافش باطل است و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس آن را بجا آورد.

مسئله ۷۹۶. اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند، طواف هر دو صحیح است.

مسئله ۷۹۷. در حال طواف تکلم کردن اشکال ندارد، ولی کراهت دارد.

مسئله ۷۹۸. در حال طواف مستحب است مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسئله ۷۹۹. واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد، بلکه جایز است به راست و چپ نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند و حتی به عقب نگاه کند و می تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همان جا آن را تمام کند.

مسئله ۸۰۰. جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند و بعد از همان جا آن را تمام کند، ولی نباید نشستن را آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد.

مسائل طواف خانه خدا

مسئله ۸۰۱. هرگاه در طواف خانه خدا برای محرم اشکالی پیش آید، مثل اینکه او را بی اختیار چند قدمی ببرند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد.

مسئله ۸۰۲. اگر در طواف ازدحام و کثرت جمعیت انسان را به طرف جلو ببرد، در صورتی که به کلی از اختیار او خارج نشود اشکال ندارد. ولی اگر بی اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدار لازم است.

مسئله ۸۰۳. منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت و یا غیر آن تندتر برود، زیرا این برای طوافش ضرر ندارد. بلکه منظور این است که نتواند قدم‌ها را به اختیار خود در وقت دور زدن بردارد.

مسئله ۸۰۴. اگر در حین طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت شخص را مقداری جلو ببرند، باید آن مقدار از طواف را که پشت به خانه یا بدون اختیار دور زده، برگردد و اعاده کند. اگر نمی‌تواند برگردد می‌تواند با جمعیت بدون قصد طواف برود تا برسد بجایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند و از آنجا آن را تدارک نماید.

مسئله ۸۰۵. اگر کسی پس از انجام عمل حج تمتع فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، حج او صحیح است ولی باید طواف را اعاده کند.

مسئله ۸۰۶. زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده با شرایط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در بطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست و اگر شک دارد یا یقین کند خون قطع شده و آن

حیض نبوده، اعمالش صحیح است. در صورت اول نیز حج او صحیح است و باید نماز و طواف را اعاده کند.

مسئله ۸۰۷. کسی که بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شد که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نمازش را خوانده، باید آنها را اعاده کند و عمره او صحیح است.

مسئله ۸۰۸. شخصی که در حال طواف، کعبه را بوسیده است و احتمال می‌دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد طواف او صحیح است.

مسئله ۸۰۹. اگر در اثنای طواف شک در صحت شوط سابق یا جزیی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند، اگر مساله را می‌دانسته و می‌خواسته عمل صحیح را انجام دهد یعنی غافل نبوده، طواف صحیح است.

مسئله ۸۱۰. اگر طواف یا سعی یا نماز طواف کسی در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده و از احرام خارج شده و لباس دوخته پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است، کفاره بر او لازم نیست ولی باید آن را بگونه کامل تدارک نماید.

مسئله ۸۱۱. درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند جایز است در تخت روان طواف داده شوند.

مسئله ۸۱۲. طواف دهندگان در تخت روان اگرچه در خارج از مطاف معروف که ۲۶ ذراع و نیم است حرکت می‌کنند، از نگاه ما که حد مذکور را برای مطاف قائل نیستیم اشکال ندارد.

مسئله ۸۱۳. طواف و سعی به وسیله چرخ‌هایی که در زمان اخیر معمول است یا نشستن در طبق‌ها یا سوار شدن بر دوش دیگران در حال طواف و

سعی اشکال ندارد.

مسئله ۸۱۴. شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل می شود و بعد که متوجه شد برمی گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می نماید طوافش صحیح است.

مسئله ۸۱۵. اگر در حال طواف یا سعی و یا در نماز، شک در عدد اشواط و یا در دو رکعت نماز کند و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد و اعمال را تمام نماید و بعد یقین به صحت پیدا کند، اشکال ندارد و طواف و سعی او صحیح است، ولی در نماز بدون تروی و فکر محل اشکال است و اعاده آن لازم می باشد.

مسئله ۸۱۶. شخصی که در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، اگر قبل از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید و اگر بعد از شوط چهارم بوده، باید وضو بگیرد و طواف را تمام کند.

مسئله ۸۱۷. هرگاه محرم بر انجام بعض شوط های طواف و سعی قادر نباشد می تواند نایب بگیرد.

مسئله ۸۱۸. کسی که پیش از حجر الاسود طواف را شروع کرد، اگر به همان جا ختم کند طوافش باطل است.

مسئله ۸۱۹. کسی که هنگام خروج از مطاف و بعد از تمام شدن شوط های آن، مقداری مسافت را به قصد جزئیت طواف عمداً انجام دهد، طوافش را باطل می کند و اگر سهواً باشد و آن را قطع کند، لطمه ای به طوافش نمی زند.

مسئله ۸۲۰. کسی که نتوانسته بیش از دو شوط از طواف را انجام دهد و بقیه آن به عنوان نیابت از او انجام شود، طوافش صحیح و نماز آن را بخواند.

مسئله ۸۲۱. اگر کسی یک شوط طواف را از داخل حجر اسماعیل انجام دهد

و بعد بقیه اعمال را، لازم است آن شوط را اعاده نماید.

مسئله ۸۲۲. اگر با خیال اینکه طواف ۱۴ دور است و آن را انجام داده، در صورتی که جاهل قاصر باشد، طوافش صحیح است و گرنه طوافش باطل است.

مسئله ۸۲۳. اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آن را ناقص انجام داد و در عرفات بباد آورد، می تواند بعد از اعمال منی آن را تدارک کند و این فوریت ندارد.

مسئله ۸۲۴. محرمی که طواف را یک شوط ناقص نموده و نماز آن را خوانده است و بقیه اعمال را انجام داده و لباس عادی خود را پوشیده، اگر در مکه یادش بیاید و آن را بجا آورد اشکال ندارد و اگر پس از برگشتن از مکه در وطن یادش آمده باشد، باید کسی را نایب کند تا از طرف او آن را بجا آورد، در هر صورت او محرم نیست و چون جهلاً تقصیر نموده و لباس دوخته پوشیده، کفاره ندارد.

مسئله ۸۲۵. محرمی که طواف خود را انجام داده و بعداً دو شوط طواف را رجاء برای جبران نقص احتمالی بجا می آورد، این عمل خللی به طواف او نمی رساند.

مسئله ۸۲۶. شخصی که در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، باید همین طواف را تکمیل کند.

مسئله ۸۲۷. کسی که در شوط دوم طواف شک کند آیا طواف را به نیت منوب عنه یا به نیت خود آغاز کرده، باید طواف را به نیت منوب عنه از سر بگیرد.

مسئله ۸۲۸. محرمی که در اثنای طواف به خاطر بوسیدن خانه خدا از مسیر

خود منحرف شده و نمی‌داند در بازگشت طواف را از همان نقطه‌ای که رها کرده بود ادامه داده یا نه، طوافش صحیح است.

مسئله ۸۲۹. کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیمم است، اگر از روی جهل بدون تیمم طواف و نماز آن را انجام داده باشد، باید آن را اعاده نماید.

مسئله ۸۳۰. کسی که طواف را از رکن یمانی شروع کرد و به همان جا ختم کرد، باید آن را اعاده نماید.

مسئله ۸۳۱. شخصی که در عمره تمتع بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده و مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، طواف و سعی او صحیح است و اعاده تقصیر لازم نیست.

مسئله ۸۳۲. محرمی که چند متری از یک شوط طواف را خراب کرده ولی اول و آخر آن معلوم نیست، اگر یک شوط کامل از حجرالاسود شروع و به آن ختم کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، این طواف صحیح است.

مسئله ۸۳۳. شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن، در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس پیدا کند، گناهکار است ولی طواف او اشکال پیدا نمی‌کند و اما اگر تماس با بدن زن موجب انزال شود، علاوه بر گناه و بطلان طواف، باید یک شتر کفاره بدهد.

مسئله ۸۳۴. اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، می‌تواند در ماه‌های غیر حج آن را انجام دهد.

مسئله ۸۳۵. اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی و عدد سنگ‌ریزه‌های رمی به دیگری اعتماد کند، اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

مسئله ۸۳۶. محرمی که به علت مریضی یا مسن بودن در دور اول طواف

خسته می شود و از مطاف بیرون می رود و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده بود شروع می کند، اگر موالات عرفیه به هم نخورده باشد طواف او صحیح است.

مسئله ۸۳۷. محرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره یا حج و چه طواف نساء، می تواند همین طواف ها را برای معذور از انجام آنها نیابت کند.

مسائل متفرقه طواف

مسئله ۸۳۸. شخصی که در طواف عمره تمتع در اثر فشار احساس می کند که احرامش نجس شده ولی اعتنا نمی کند و با همان حال طواف را تمام می کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می دهد و بعد یقین پیدا می کند که در همان حال طواف احرامش نجس شده است، باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسئله ۸۳۹. شخصی که غسل میت به گردنش بوده ولی بعد از اعمال حج به یاد می آورد، اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد، این غسل از آن کفایت می کند و عملش صحیح است و نیز اگر غیر غسل جنابت، از اغسال واجبه یا اغسالی که استحباب آنها ثابت شده مانند غسل جمعه، غسل احرام یا غسل دخول مکه را نموده باشد، عملش صحیح است و گرنه باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسئله ۸۴۰. محرمی که از او بگونه مستمر باد خارج می شود حکم مبطون را دارد، چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا برایش حرجی باشد، اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است.

مسئله ۸۴۱. کسی که در اثر عمل جراحی خروج مدفوع را احساس نمی‌کند زیرا از کیسه مخصوص خارج می‌شود و قصد دارد حج انجام دهد، اگر در طواف و نماز آن رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارد بنماید، حج او صحیح است.

مسئله ۸۴۲. شخصی که عمل جراحی انجام داده و فعلاً کیسه‌ای بسته که بول او قطره قطره در آن می‌ریزد، حکم مسلوس را دارد.

مسئله ۸۴۳. کسی که یک عملی را به عنوان احتیاط چندین بار بجا می‌آورد، اینگونه تکرار در اعمال اشکال ندارد.

مسئله ۸۴۴. کسی که به جهتی طواف یا سعیش قطع شده و می‌خواهد از همان جا که قطع شده آن را شروع کند ولی در اثر ازدحام و کثرت جمعیت نمی‌تواند خود را به آنجا برساند، می‌تواند از محاذی جایی که قطع شده آن را شروع کند.

مسئله ۸۴۵. یک شوط و دو شوط طواف استحباب ندارد و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یک یا دو شوط طواف مستحبی بجا آورد و بعد نماز طواف را خواند، طواف مزبور صحیح است.

مسئله ۸۴۶. در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است بالباس احرام باشد. هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی، جهلاً یا عمداً انجام دهد، طواف و سعی او صحیح است و عمره او مجزی است.

مسئله ۸۴۷. هرگاه محرم به احرام عمره تمتع جنب شود و آب برای او ضرر داشته باشد یا آب ندارد و یا وقت عمره اگر وضو بگیرد می‌گذرد، طواف و

نماز آن با تیمم کافی و مجزی است.

مسئله ۸۴۸. حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است.

مسئله ۸۴۹. اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند آن را نپوشاند، اگر عمدی باشد گناه کرده ولی طواف او صحیح است، ولی در غیر مورد عمد گناه نکرده است.

مسئله ۸۵۰. شخصی که در عمره تمتع طواف را تمام می‌کند، ولی یک طواف دیگر بدون خواندن نماز برای طواف اول انجام می‌دهد و نماز و سعی بجا می‌آورد و تقصیر می‌کند، عملش صحیح است.

مسئله ۸۵۱. خوردن و آشامیدن در حال طواف جایز است.

مسئله ۸۵۲. کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می‌کند و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد، در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۸۵۳. کسی که در شوط ششم، طواف خود را بر اثر خستگی رها کرد و دیگری بجای او بقیه را بجا آورده ولی نماز طواف را خودش خوانده، باید بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید، ولی اگر موالات عرفیه بهم خورده باشد، باید طواف را نیز اعاده نماید.

مسئله ۸۵۴. اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجرالاسود است و لذا طواف را از مستجار به عنوان حجرالاسود شروع کرد و هفت شوط کامل بجا آورد و بعداً فهمید که یقین او برخلاف واقع بوده، در این صورت اگر قصد او شروع از حجرالاسود بوده ولی در مقام تطبیق اشتباه کرده، چنانچه کسری دور آخر را تا حجرالاسود به قصد طواف تمام کند، طواف او صحیح است و گرنه باطل است.

مسئله ۸۵۵. هرگاه شخص در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که مقداری از دور را در شوط اول بی اختیار طواف کرده، باید آن را اعاده کند.

حکم شکها در طواف

مسئله ۸۵۶. اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که طواف را زیاده‌تر از هفت دور و یا کمتر از آن بجا آورده، اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

مسئله ۸۵۷. اگر بعد از طواف شک کند که صحیح بجا آورده یا نه، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا در حال طواف محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل طواف کرده، اعتنا به آن نکند و طوافش صحیح است در صورتی که هفت دور بودن آن برایش معلوم باشد.

مسئله ۸۵۸. اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیاده‌تر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسئله ۸۵۹. اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شک کند که دوری را که می‌زند دور هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است.

مسئله ۸۶۰. اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

مسئله ۸۶۱. اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا را بر اقل گذارد و طوافش صحیح است.

مسئله ۸۶۲. شخص کثیرالشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند.

مسئله ۸۶۳. معیار در کثیرالشک بودن در طواف عرفی است.

مسئله ۸۶۴. گمان در عدد دورها اعتبار ندارد، زیرا حکم شک را دارد.

مسئله ۸۶۵. اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف را بجا نیاورده، باید آن را رها کند و طواف را انجام دهد، بعد سعی را اعاده کند.

مسئله ۸۶۶. اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص بجا آورده، باید برگردد و آن را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و بعد باقیمانده از سعی را بجا آورد، با این کیفیت طواف و سعیش صحیح است.

مسائل زنان در ارتباط با حیض

مسئله ۸۶۷. اگر صاحب عادت وقتی و عددی که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را بجا آورد ولی بعداً لک دید، اگر از روز دهم خون تجاوز نکرده، محکوم به حیض است و باید در وسعت وقت طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت محل اشکال است.

مسئله ۸۶۸. بعضی از زنان که به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه شان بهم می خورد، بطوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بینند، آن خون اگر سه روز استمرار داشته باشد ولو به این نحو که پس از خروج آن تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض را دارد و گرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

مسئله ۸۶۹. اگر زن در عمره تمتع بعد از سه شوط و نیم و قبل از چهار شوط حیض شد و تا قبل از رفتن به عرفات پاک نمی شود که آن را کامل کند، وظیفه او عدول به حج افراد است.

مسئله ۸۷۰. زنی که بعد از شوط چهارم یا پنجم در طواف عمره تمتع حیض شود و بداند تا قبل از وقوف به عرفه پاک نخواهد شد، حج او مبدل به افراد نمی شود، او باید در همان حال حیض سعی و تقصیر را انجام دهد و

عمره تمتع او صحیح است و در موقع حج برای حج تمتع محرم شود و پس از تمام شدن اعمال و پاک شدن از حیض، چند شوط باقیمانده از طواف عمره تمتع و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۸۷۱. اگر زن حیض تا وقت آماده شدن همراهان برای عزیمت از مکه پاک نشود، باید برای طواف حج و طواف نساء و انجام چند شوط باقیمانده از طواف در عمره تمتع نایب بگیرد و این حج او حجة الاسلام محسوب است.

مسئله ۸۷۲. خانمی که دارای عادت ماهانه باشد و یا اینکه احتمال چهار شوط را بدهد و نیز احتمال بدهد که نتواند با پیدایش آن پس از بازگشت از منی طواف نساء را بجا آورد، می تواند آن را پس از سعی بر وقوف عرفات مقدم بدارد، بلکه با خوف عدم تمکن لازم است آن را از سعی مقدم بدارد.

مسئله ۸۷۳. حج زنی که پس از انجام اعمال حج اثر عادت ماهانه در خود ببیند، در صورتی که شک داشته باشد در اینکه حیض او پیش از اعمال بوده و یا بعد از آن، به این شک اعتنا نکند و حج او صحیح است.

مسئله ۸۷۴. زنی که حیض بود و نمی دانست و اعمال عمره را بجا آورد، اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند. ولی اگر پس از پاکی در ضیق وقت قرار گرفت و برای انجام عمره وقت باقی نباشد، حج او مبدل به افراد می شود.

مسائل زنان در ارتباط با استحاضه

مسئله ۸۷۵. مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل و برای نماز طواف غسل دیگر بکند، مگر آنکه در وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.

- مسئله ۸۷۶.** نماز و طواف برای زن مستحاضه، هر کدام مستقل هستند.
- مسئله ۸۷۷.** زنی که بعد از وقوفین حیض می شود ولی با مصرف قرص، خون را قطع می کند و اعمال را انجام می دهد، اگر بعد از انجام اعمال لک ببیند، در صورتی که خون سه روز مستمر بوده، حیض است و اگر مستمر نبوده، حیض نمی باشد و با انجام وظیفه مستحاضه عمل او صحیح است.
- مسئله ۸۷۸.** زنی که در حال طواف مستحاضه قلیله می شود، اگر این عارض بعد از تمام شدن دور چهارم بوده، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند و اگر قبل از آن بوده، لازم است پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را تمام و سپس اعاده نماید.
- مسئله ۸۷۹.** زن مستحاضه ای که بعد از غسل و وضو مشغول طواف می شود و در اثنای آن لک می بیند، اگر خون مستمر بوده و به وظیفه عمل کرده، چیزی بر او نیست و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.
- مسئله ۸۸۰.** زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله ای بین اعمال پیش می آید، بعد از غسل و وضو باید مبادرت به عمل نماید.
- مسئله ۸۸۱.** در استحاضه کثیره، بجاست که برای هر کدام از طواف و نماز، غسل نماید و در قلیله برای هر کدام وضو بگیرد و در متوسطه یک غسل و وضو برای هر دو بجا آورد.
- مسئله ۸۸۲.** اگر فاصله بین غسل یا وضو یا هر دو و بین انجام طواف یا نماز طواف زیاد باشد و تیمم بدون فاصله ممکن باشد، لازم است قبل از نماز یا طواف، یک تیمم بدل از غسل یا وضو کند.
- مسئله ۸۸۳.** زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند، هرگاه طبق وظیفه اش غسل کرد و وضو گرفت و طواف را شروع کرد و در اثنای آن

نماز ظهر را شروع کرد و آن را انجام داد و بعد طواف را ادامه داد، اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است و در غیر این صورت دارای اشکال است و بجاست این طواف را تمام کند و پس از غسل آن را اعاده نماید.

مسئله ۸۸۴. زنی که حیض نمی شود ولی هر دو ماه یک بار دو سه روزی لک و ترشحات می بیند، اگر خون تا سه روز استمرار ندارد ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، آن خون حکم خون استحاضه را دارد.

آداب و مستحبات طواف

مسئله ۸۸۵. در حال طواف مستحب است بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقْدِمُ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأْخَرُ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعَمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» و بجای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد و دعاهاى دیگری است که در کتاب‌های ادعیه بیان شده است.

نماز طواف

سومین واجب از واجبات در عمره تمتع نماز طواف است.

مسئله ۸۸۶. کسی که از روی علم و عمد نماز طواف را بجا نیاورد، حجتش باطل است زیرا بدون این نماز سعی باطل خواهد بود.

مسئله ۸۸۷. واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز مثل نماز صبح بخواند.

مسئله ۸۸۸. می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که خواست بخواند مگر سوره های سجده.

مسئله ۸۸۹. مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون را بخواند.

شرایط نماز طواف

مسئله ۸۹۰. شرایط این نماز با نمازهای یومیه فرقی ندارد.

مسئله ۸۹۱. جایز است نماز و طواف را بلند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر بخواند.

مسئله ۸۹۲. شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است و باید اعاده کند.

مسئله ۸۹۳. لازم است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد بگونه ای که در عرف نگویند بین طواف و نماز فاصله شده است.

مسئله ۸۹۴. واجب است این نماز پشت مقام حضرت ابراهیم (ع) واقع شود و هر چه نزدیکتر به آن باشد بهتر است، ولی نه بگونه ای که مزاحم سایرین باشد.

مسئله ۸۹۵. اگر به واسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد می تواند به یکی از دو جانب آن نماز را بجا آورد.

مسئله ۸۹۶. در صورت عدم تمکن به انجام نماز در پشت مقام و یا دو جانب آن با مراعات نزدیکی به مقام، هر جا از مسجد که می تواند نماز را بجا آورد.

مسائل متفرقه نماز طواف

مسئله ۸۹۷. جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بجا آورد در حال اختیار.

مسئله ۸۹۸. اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند، باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد.

مسئله ۸۹۹. اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی صفا و مروه یادش بیاید، باید از همان جا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند و بعد از آن سعی را از جایی که قطع کرده تمام کند.

مسئله ۹۰۰. شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده است، اعاده آنها لازم نیست.

مسئله ۹۰۱. اگر برگشتن به مسجد الحرام برای شخصی که نماز را فراموش کرده مشکل باشد، باید هر جا که یادش آمد نماز را بجا آورد، اگر چه در شهر دیگر و یا در وطن خود باشد.

مسئله ۹۰۲. اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد، واجب است بر پسر بزرگ او که آن را قضا کند.

مسئله ۹۰۳. حکم کسی که نماز را به جهت جهل و نادانی ترک کرده، حکم کسی را دارد که آن را فراموش نموده است.

مسئله ۹۰۴. فرقی در حکم مذکور بین جاهل قاصر و مقصر در اینجا نیست.

مسئله ۹۰۵. بر هر مکلفی واجب است نماز خود را یاد بگیرد و بطور صحیح آن را بجا آورد، خصوصاً کسی که می خواهد به حج برود.

مسئله ۹۰۶. اگر شخصی نتوانست قرائت و ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می تواند خودش بجا آورد و آن کافی است.

مسئله ۹۰۷. در فرض مذکور اگر ممکن است کسی را بگمارد که نماز را به او تلقین کند، این کار را بکند.

مسئله ۹۰۸. نماز طواف را در همه اوقات می شود خواند، مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که در این صورت باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسئله ۹۰۹. اگر کسی از روی بی مبالائی مسامحه در یاد گرفتن قرائت کرد تا وقت نماز تنگ شود، نماز را به هر نحو که می تواند باید بخواند و صحیح است، ولی معصیت کار است.

مسئله ۹۱۰. کسی که قرائتش درست نیست، نمی تواند تبرعاً از کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت کند و حج انجام دهد، مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند.

مسئله ۹۱۱. کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکرش که در نماز می گوید درست است و در نماز طواف اعم از طواف عمره، طواف زیارت و نساء هم همانگونه بخواند و بعد معلوم شود که در اشتباه بوده، حج او صحیح است ولی نماز طواف را باید قضا نماید و در قضای نماز طواف عمره و حج و نماز طواف نساء، ترتیب را رعایت نماید.

مسئله ۹۱۲. گاهی که نماز خواندن پشت مقام و نزدیک به آن بر اثر ازدحام جمعیت ممکن نیست، در این فرض می تواند دورتر آن را انجام دهند و از اینکه چند نفر دور او برای نماز طواف حلقه بزنند، باید پرهیز کند زیرا باعث مزاحمت برای طواف کنندگان است.

مسئله ۹۱۳. گاهی که در پشت مقام ابراهیم (ع) جمعیت زیاد است، این امکان نیست که مرد با زن طوری بایستند که با هم محاذی و یا زن جلوتر از مرد نباشد از اینرو زن و مرد کنار هم قرار می گیرند و احیاناً مورد فشار ازدحام

واقع می شوند، اگر ربه و فسادى در میان نباشد، نماز آنها صحیح است.

مسئله ۹۱۴. محرمی که می داند که اگر نماز طواف را شروع کند طواف کننده ها استقرار در حال قیام را از او سلب می کنند، در عین حال نماز را شروع می کند، اگر او صحیحاً نمازش را تمام کند مانع ندارد.

مسئله ۹۱۵. زنی که محرم به احرام عمره تمتع شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف، قبل از اینکه نماز طوافش را بخواند حیض شود، اگر وقت وسعت دارد باید صبر کند تا پاک شود و بعد از پاک شدن، نماز و بقیه اعمال را انجام دهد و چنانچه وقت تنگ باشد، سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و عمره او صحیح است و در اعمال حج تمتع، بعد از طواف حج و نماز آن یا قبل از آن، باید نماز طواف عمره تمتع را بخواند و سپس بقیه اعمال حج را انجام دهد.

مسئله ۹۱۶. شخصی که طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی تقصیر کرده، باید نماز و سعی را بجا آورد و با فرض جهل و یا فراموشی اعاده تقصیر لازم نیست.

مسئله ۹۱۷. اگر کسی نماز را در غیر مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، فقط نماز را باید اعاده کند.

مسئله ۹۱۸. هرگاه شخصی نماز طواف را به اعتقاد اینکه حجر اسماعیل مقام ابراهیم است خوانده باشد، باید نماز را اعاده کند.

مسئله ۹۱۹. نماز طواف واجب را نمی تواند با نماز جماعت یومیه بخواند.

مسئله ۹۲۰. فاصله انداختن بین طواف و نماز آن به مقدار دو رکعت نماز اشکال ندارد.

مسئله ۹۲۱. در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

مسئله ۹۲۲. گاهی طواف طواف کنندگان تا نزدیک تالارهای مسجد

می‌رسد، در این صورت می‌شود نماز طواف را پشت سر طواف‌کنندگان بجا آورد زیرا مانع از صدق نماز در پشت مقام نیست.

مسئله ۹۲۳. هرگاه قرائت نمازش غلطی داشته باشد، باید آن را درست کند و اگر نتواند، به همان اندازه که می‌تواند آن را انجام دهد کافی است.

مسئله ۹۲۴. اگر در تصحیح نمازش کوتاهی کند تا وقت تنگ شود، به اندازه‌ای که می‌تواند نماز طواف را بجا آورد و نایب نیز بگیرد.

مسئله ۹۲۵. هرگاه نداند که قرائت نمازش درست نیست و در این جهت معذور باشد، نمازش صحیح است حتی اگر بعد از نماز بفهمد که قرائت نمازش دارای اشکال بوده، ولی اگر دارای عذر نبوده، باید پس از تصحیح نماز آن را اعاده کند.

مسئله ۹۲۶. حکم کسی که بدون عذر نمازش را تصحیح نکرده و بر آن بسنده کرده، حکم طواف آن کسی را دارد که نمازش را فراموش کرده است.

مسئله ۹۲۷. هرگاه نماز طواف را فراموش کند و پیش از انجام آن بمیرد، بر ولی او واجب است که آن را انجام دهد.

مستحبات نماز طواف

مسئله ۹۲۸. در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و دعاهایی در این نماز مستحب است که در کتاب‌های دعا درج شده است.

سعی بین صفا و مروه

چهارمین واجب از واجبات عمره تمتع سعی بین صفا و مروه است و خود یکی از ارکان حج است که اگر عمداً ترک شود حج او باطل خواهد بود، خواه علم به حکم داشته باشد یا جاهل به حکم باشد.

مسئله ۹۲۹. نیت در سعی معتبر است، اگر سعی او در عمره است باید به نیت عمره و اگر در حج است باید به نیت حج انجام دهد.

مسئله ۹۳۰. قصد قربت در سعی معتبر است و باید آن را برای فرمان خدا انجام دهد.

مسئله ۹۳۱. رفت و آمد بین کوه صفا و کوه مروه را سعی گویند.

مسئله ۹۳۲. صفا در یک طرف و مروه در طرف دیگر قرار دارد، رفتن از صفا به مروه را یک شوط گویند و نیز برگشتن از مروه را به صفا یک شوط و تمام سعی هفت شوط است.

شرایط سعی

مسئله ۹۳۳. محرم سعی را باید از صفا شروع کند و در دور هفتم به مروه ختم شود و اگر سعی را از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید آن را اعاده کند و اگر در بین سعی بفهمد، باید از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

مسئله ۹۳۴. در سعی بین صفا و مروه لازم نیست که پیاده باشد، بلکه در حال اختیار می تواند سواره بر حیوان یا بر دوش انسان و یا چرخ هایی که فعلاً در آنجا مرسوم است سعی کند.

مسئله ۹۳۵. طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی شرط نیست گرچه بهتر است آنها را مراعات کند.

احکام سعی

مسئله ۹۳۶. واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن بجا آورد و اگر عمداً پیش از آنها بجا آورد، باید بعد از طواف و نماز آن سعی را اعاده کند.

مسئله ۹۳۷. اگر از روی فراموشی و یا ندانستن مسئله، سعی را بر طواف مقدم بدارد باید آن را اعاده کند.

مسئله ۹۳۸. واجب است رفتن و برگشتن در سعی از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف باشد، سعی باطل است.

مسئله ۹۳۹. سعی بین صفا و مروه در طبقه دوم بی اشکال است، زیرا سعی در طبقه دوم بین دو کوه صفا و مروه است.

مسئله ۹۴۰. اگر طبقه زیر زمینی بین صفا و مروه درست شود و کوه صفا و مروه ریشه دار بود، سعی در آن نیز صحیح است.

مسئله ۹۴۱. وقت رفتن به طرف مروه واجب است آن را روی خود قرار دهد و وقت رفتن به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر هنگام سعی بطور عقب گرد برود یا پهلوی را به طرف صفا یا مروه کند و برود، باطل است. ولی نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

مسئله ۹۴۲. جایز است برای محرم به جهت استراحت و رفع خستگی بر صفا و مروه یا بین آنها بنشیند.

مسئله ۹۴۳. جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن، برای رفع خستگی یا کاهش گرمای هوا.

مسئله ۹۴۴. جایز است سعی را بدون عذر تا شب تأخیر بیاورد، گرچه تأخیر نیانداختن آن بهتر است.

مسئله ۹۴۵. زیاد کردن عمدی سعی از هفت مرتبه، موجب باطل شدن آن

است به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسئله ۹۴۶. اگر از روی فراموشی زیاد کند، چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که زاید را رها کند.

مسئله ۹۴۷. اگر سعی را سهواً کم کند، واجب است آن را هر وقت که یادش آمد تمام کند و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برگشتن به مکه برای او مشقت دارد، باید نایب بگیرد.

مسئله ۹۴۸. اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرد و بقیه آن را فراموش کرد، لازم است که سعی را از سر بگیرد و اگر بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیشتر فراموش کرد، از همان جا سعی را تمام کند، ولی بهتر است اگر چهار مرتبه را تمام نکرده، آن را تمام کند و از سر بگیرد.

مسئله ۹۴۹. شک در عدد اشواط سعی پس از تقصیر، اعتبار ندارد.

مسئله ۹۵۰. اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری، شک در درست آوردن آن کند، اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همینطور اگر در بین رفت و آمد شک در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند، به آن اعتنا نکند.

مسئله ۹۵۱. اگر در مروه شک کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده‌تر، مثل اینکه شک کند بین هفت و نه، اعتنا نکند و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفتم است یا کمتر، سعی او باطل است و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت دور تعلق بگیرد، مثل شک بین یک و سه یا دو و چهار و

مسئله ۹۵۲. اگر طواف را در روزی بجا آورد و در روز بعد شک کند که سعی کرده یا نه، کفایت نمی‌کند، مگر آنکه بعد از تقصیر شک نماید که در این صورت لازم نیست سعی کند.

مسائل متفرقة سعی

مسئله ۹۵۳. کسی که می دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا سعی را شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، این سعی کفایت می کند.

مسئله ۹۵۴. کسی که بعد از ظهر طواف و نماز را بجا آورد و سعی را در شب انجام دهد مانع ندارد.

مسئله ۹۵۵. کسی که می دانسته سعی را باید از صفا شروع و به مروه ختم کند ولی جای آنها را نمی دانسته و به راهنمایی کسی از مروه سعی را شروع کرد، پس از آنکه هفت مرتبه آن را انجام داد فهمید که اشتباه شده و از اینرو یک مرتبه دیگر از صفا سعی نمود، این سعی صحیح است.

مسئله ۹۵۶. شخصی که در عمره تمتع پیش از انجام نماز طواف، سعی و تقصیر نموده و از احرام خارج شده و لباس دوخته پوشیده، هر وقت که در مکه ملتفت شد، باید نماز را انجام دهد و اگر در خارج از شهر مکه فهمید، باید آن را هر چند در وطن خود باشد انجام دهد و کفایت می کند. در هر صورت وی محرم نیست و چون تقصیر او بر اساس جهل بوده و لباس دوخته پوشیده، کفاره ندارد.

مسئله ۹۵۷. اگر سعی را از مروه شروع و به صفا ختم کرده و بعد فهمیده است، باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند.

مسئله ۹۵۸. کسی که بعد از اتمام شوط ششم سعی در صفا، گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً فهمید که باید یک شوط دیگر بیاورد و آن را انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، عمل او صحیح است.

مسئله ۹۵۹. کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا

روزهای بعد به تاخیر انداخته، لازم نیست طواف و نماز را اعاده کند، ولی اختیاراً نباید سعی را به روز بعد تاخیر بیاورد.

مسئله ۹۶۰. زن‌هایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می‌گیرند در سعی نمی‌توانند نایب بگیرند، زیرا محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان بجا آورند، با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

مسئله ۹۶۱. اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده، ولی بعد از تقصیر متوجه می‌شود که پنج شوط بوده، باید سعی را تمام کند و بهتر است تقصیر را اعاده نماید.

مسئله ۹۶۲. گاهی که انسان در اثر ازدحام جمعیت برای رفتن به سعی ناچار است از مسجد الحرام عبور کند، در این صورت اگر برای زن حیض امکان نداشته باشد که از راه دیگری برود، باید سعی را تأخیر بیاورد و اگر آن هم ممکن نیست نوبت به نیابت می‌رسد.

مسئله ۹۶۳. اگر زن مخالفت نماید و از آن راه خودش سعی کند، سعیش صحیح می‌باشد، هر چند که گناه کرده است.

مسئله ۹۶۴. شخصی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع می‌کند و در شوط سوم متوجه مسئله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد، سعی او صحیح است.

مسئله ۹۶۵. شخصی که در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یا صفا رفته است، باید آن مقدار را تدارک کند و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و برای رفع آن باید سعی را تمام و اعاده کند.

مسئله ۹۶۶. شخصی به تصور اینکه سعی نیز مانند طواف نیاز به وضو دارد و بعد از یک شوط و نیم، سعی خود را قطع می‌کند و وضو می‌گیرد و هفت

شوط دیگر سعی می نماید، لازم است سعی را اعاده کند.

مسئله ۹۶۷. کسی که قدر متیقن عدد شوط را می داند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه، مثلاً می داند پنج شوط انجام داده ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، سعی او باطل است.

مسئله ۹۶۸. اگر کسی سعی را بطور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود و از احرام خارج شد، هر وقت که یادش آمد باید سعی را بجا آورد.

مسئله ۹۶۹. اگر کسی قبل از رسیدن به مروه در آوردن هفت شوط و نه شوط شک کرد، باید سعی را اعاده کند.

مسئله ۹۷۰. اگر در سعی بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا شود ضرر به سعی او نمی زند.

مسئله ۹۷۱. شخصی که در حال سعی در عدد اشواط شک می کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می دهد و پس از تأمل یقین به عدد برایش حاصل می شود و باقی سعی را هم انجام می دهد، سعی او صحیح است.

مستحبات سعی

مسئله ۹۷۲. مستحبات سعی عبارتند از:

۱. بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم برود و از آب آن بپاشاند؛

۲. با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در آن است رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمت های الهی را بخاطر بیاورد؛

۳. سپردن دین، نفس، اهل و مال خود را به خداوند عالم بسیار تکرار کند؛

۴. مستحب است پیاده سعی نماید؛

۵. هروله، مانند شتری که به تندی در حرکت باشد سعی بنماید.

همچنین مستحبات دیگری که در کتاب‌های حدیثی و دعا ذکر شده است.

تقصیر

پنجمین واجب از واجبات عمره تمتع تقصیر است. تقصیر یعنی گرفتن مقداری از ناخن دست یا پا یا چیدن مقداری از موی سر یا ریش.

مسئله ۹۷۳. بیرون آمدن از احرام عمره تمتع باید فقط به تقصیر باشد، پس اگر خواسته باشد به جای تقصیر سر خود را بتراشد کفایت نمی‌کند، بلکه سر تراشیدن بر تمتع حرام است و چنانچه از روی عمد و علم بتراشد، باید یک گوسفند كفاره بدهد.

مسئله ۹۷۴. این حکم در صورت جهل نیز جاری است.

مسئله ۹۷۵. تقصیر پیش از تمامی سعی، حرام است و چنانچه کسی پیش از فراغت از سعی، تقصیر نماید باید كفاره بدهد.

مسئله ۹۷۶. كفاره تقصیر در احرام عمره تمتع را در مکه و در حج را در منی ذبح کند و اگر آن را از روی عذر و یا بدون عذر در مکه و در منی ذبح نکرد، می‌تواند هر جا که بخواهد در وطن و یا در غیر وطن ذبح کند تا به مصرف فقرا برسد.

مسئله ۹۷۷. لازم نیست تقصیر در مکان سعی، پس از فراغت از آن انجام شود، بلکه در مکان‌های دیگر نیز می‌تواند انجام دهد.

مسئله ۹۷۸. کندن مو در تقصیر جای چیدن مو را نمی‌گیرد و کافی نیست.

مسئله ۹۷۹. لازم نیست تقصیر را در عمره تمتع بعد از سعی بلافاصله انجام

دهد، بلکه می تواند تا پیش از احرام حج آن را تأخیر بیاورد.

مسئله ۹۸۰. قصد قربت در تقصیر معتبر است.

مسئله ۹۸۱. اگر تقصیر را فراموش کند و برای حج احرام ببندد، عمره اش صحیح است و باید کفاره بدهد.

مسئله ۹۸۲. اگر عمدأ یا جهلاً تقصیر را ترک کند و برای حج احرام ببندد عمره او باطل می شود و حج تمتعش به حج افراد بدل می شود و لازم است است پس از تمام کردن حج افراد عمره مفرده بجا آورد و باید حج را در سال بعد اعاده نماید.

مسئله ۹۸۳. در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست.

مسئله ۹۸۴. بعد از آنکه شخص محرم در عمره تمتع تقصیر کرد، حلال می شود بر او آنچه که به جهت احرام بر وی حرام شده بود به غیر از تراشیدن سر، مگر در صورتی که عمره را در ماه شوال بجا آورده باشد و سی روز از عید فطر گذشته باشد که در این فرض مانعی از آن نیست و اما بعد از آن، بهتر است که سر را نتراشد.

مسئله ۹۸۵. در تقصیر کندن مو کافی نیست بلکه میزان کوتاه کردن است به هر وسیله ای که باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و مانند آن مشکل است و در تقصیر گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر بهتر است.

مسائل متفرقة تقصیر

مسئله ۹۸۶. محرمی که بعد از سعی در عمره تمتع تقصیر نمود، هرگاه شک کند در اینکه تقصیری را که انجام داده صحیح بوده یا خیر، اگر در حال عمل عالم به مسئله و ملتفت بوده اشکال ندارد.

مسئله ۹۸۷. اگر کسی تقصیر را در عمره مفرده فراموش کند، می تواند در هر جایی تقصیر کند، ولی باید طواف نساء را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند، نایب بگیرد.

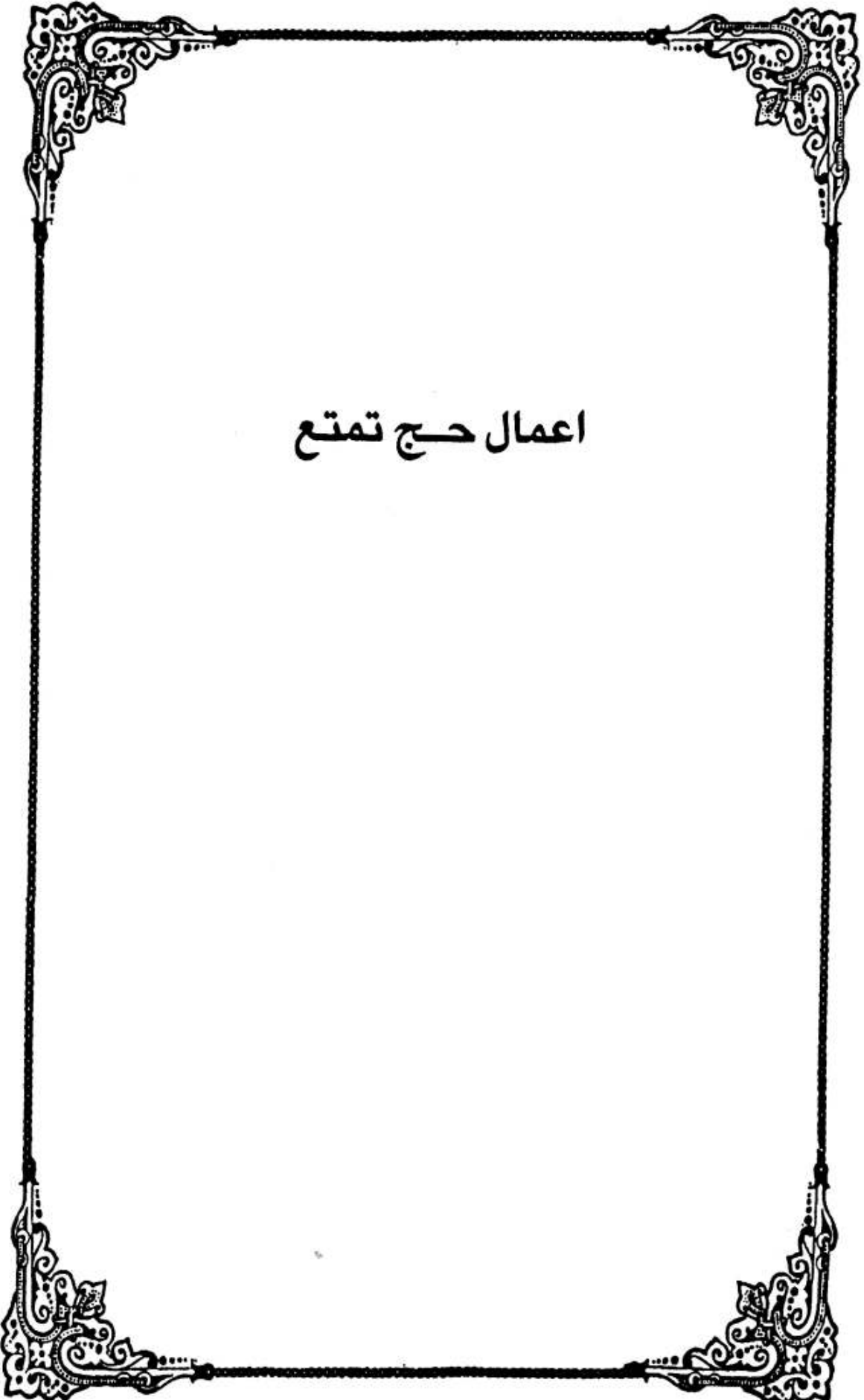
مسئله ۹۸۸. هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید، اشکال ندارد.

مسئله ۹۸۹. شخصی که بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را بجا آورد و دوباره تقصیر کرد، اگر جاهل یا ساهی بود، چیزی بر او نیست.

مسئله ۹۹۰. بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع، نباید عمره مفرده بجا آورد و اگر آن را بجا آورد، عمره او عمره تمتع به حساب می آید و عمره اولی او که به عنوان تمتع بود، مبدل به مفرده می شود با اینکه دارای طواف نساء نبوده و این مقتضای حدیث است.

مسئله ۹۹۱. خط کمربندی که در اطراف مکه از پای جبل نور و جبل ثور می گذرد و غار حرا و غار ثور در این دو جبل است، بین عمره و حج، رفتن برای زیارت این دو مکان مقدس، بدون اینکه محرم به احرام حج شود اشکال ندارد.

مسئله ۹۹۲. رفتن حاجی بین عمره و حج به مکان های دورتر از اطراف مکه تفصیلی است که در زیر عنوان مسائل متفرقه حج تمتع می آید.



اعمال حج تمتع

حج تمتع

برای حج، واجباتی است که به شرح ذیل می‌باشند:

۱. احرام

مسئله ۹۹۳. واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره برای حج تمتع احرام ببندد.

مسئله ۹۹۴. اگر نیت کند حج تمتع را و لبیک‌های واجب را بطوری که در احرام عمره ذکر شد بگوید محرم می‌شود.

مسئله ۹۹۵. در نیت چند چیز شرط است:

۱. قصد قربت (نزدیکی به خدا) مانند عبادات دیگر غیر از احرام؛

۲. همزمان بودن نیت با شروع در احرام؛

۳. تعیین احرام که برای عمره است یا برای حج و تعیین حج که تمتع است یا قران یا افراد و تعیین اینکه برای خود اوست یا برای دیگری و تعیین اینکه حجه الاسلام است (که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده) یا حج نذری است (که به سبب نذر بر او واجب شده) یا حجی است که به سبب فاسد بودن حج قبل بر او واجب شده یا حج مستحبی است.

مسئله ۹۹۶. در صحت نیت گفتن به زبان و گذراندن از ذهن معتبر نیست (یعنی لازم نیست نیت را به زبان آورده یا از ذهن خود بگذراند) بلکه داعی بر آن کفایت می‌کند مانند عبادت‌های دیگر که در آنها داعی کافی است.

مسئله ۹۹۷. بعد از تمام شدن عمره تمتع واجب است برای حج تمتع محرم شود و وقت آن موسع است، ولی اگر وقت به قدری تنگ شود که اگر در آن وقت محرم نشود و قوف به عرفات در روز عرفه (نهم ذی‌الحجه) از او فوت شود، باید فوراً محرم شود که روز عرفه و قوف به عرفات را درک کند.

مسئله ۹۹۸. کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحو است که در احرام عمره ذکر شد.

مسئله ۹۹۹. تمام چیزهایی که در محرمات احرام عمره تمتع بیان شد، در این احرام نیز حرام است و آنچه در آن احرام کفاره داشت، در این احرام نیز کفاره دارد به همان ترتیب.

مسائل متفرقه احرام

مسئله ۱۰۰۰. کسی که از عمره تمتع فارغ و محرم به احرام حج شود، می‌تواند از مکه به هر جا که دلش بخواهد برود. اما خارج شدن از آن بدون احرام تفصیلی دارد که عبارت است از:

۱. جواز آن بدون کراهت تا حوالی و اطراف شهر مکه؛
۲. جواز آن با کراهت به جاهایی که نزدیک به مکه است مانند طایف و عسفان؛

۳. عدم جواز آن به جاهای دورتر.

این تفصیل مقتضی جمع بین احادیث است.

مسئله ۱۰۰۱. در صورتی که حاجتی برای بیرون رفتن از مکه به جاهای دور

دارد و احرام برایش حرجی نباشد، باید محرم شود و اگر حرجی باشد می تواند بدون احرام از مکه به قصد آن مکان ها خارج شود.

مسئله ۱۰۰۲. اگر بدون حاجت و بدون احرام از مکه به جاهای دور رفت، ولی در وقت بازگشت احرام بست و حج بجا آورد، عملش صحیح است.

مسئله ۱۰۰۳. مستحب است احرام بستن را در روز ترویبه که روز هشتم ذی الحجه است عملی نماید.

مسئله ۱۰۰۴. محل احرام حج، شهر مکه است از هر محلی که باشد، گرچه در محل های تازه ساز باشد. ولی مستحب است احرام در مسجدالحرام در مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل واقع شود.

مسئله ۱۰۰۵. اگر فراموش کند احرام بستن را و به منی و عرفات برود، واجب است به مکه برگردد و از آنجا احرام ببندد و اگر ممکن نشد به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر از همان جا که هست محرم شود.

مسئله ۱۰۰۶. اگر یادش نیاید که احرام نبسته مگر بعد از تمامی اعمال، حشش صحیح است.

مسئله ۱۰۰۷. جاهل به مسئله اگر احرام نبندد، در حکم کسی است که به واسطه فراموشی احرام نبسته باشد.

مسئله ۱۰۰۸. اگر کسی از روی علم و عمد احرام را ترک کند تا زمان فوت وقوف به عرفه و مشعر، حج او باطل است.

مسئله ۱۰۰۹. اگر محرم در عرفات یا منی فهمید که در احرام حج تلبیه نگفته، اگر می تواند به مکه برود و از آنجا با تلبیه محرم شود و اگر ممکن نیست همان جا تلبیه بگوید.

مسئله ۱۰۱۰. اگر بعد از تقصیر یا حلق متذکر شده که تلبیه را در احرام حج نگفته، عملش صحیح است و لازم نیست آن را بگوید.

مسئله ۱۰۱۱. شهر مکه را چند رشته کوه طولانی و مرتفع فرا گرفته و امروزه هر دو جانب کوه ساختمان شده و گاهی چند کیلومتر بین آنها فاصله است و ساکنین یکی از دو جانب آنها جدای از جانب دیگرند، مثل شعب بنی عامر که نزدیک مسجدالحرام است و عزیزیه که ۹ کیلومتر یا بیشتر در جانب دیگر است و همچنین دارای محلات جدید الاحداث است مانند کدی، مسفله، شیشه و... که فاصله برخی از آنها تا مسجدالحرام چند کیلومتر است، چون به همه آنها مکه گفته می شود، می توان برای حج در همه آنها محرم شد.

مسئله ۱۰۱۲. هر حکمی را که پیش از ساختن محلات جدید دارا بوده، همه آنها را محلات جدید نیز دارا می باشد.

مستحبات احرام حج

مسئله ۱۰۱۳. مستحبات احرام حج عبارتند از:

۱. اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است؛
۲. بلند گفتن تلبیه زمانی که از مکه بیرون آمده و بر ابطح مشرف می شود؛
۳. وقتی که متوجه منی می شود بگوید: «اللَّهُمَّ اَيَاكَ اَرْجُوْ وَ اَيَاكَ اَدْعُوْ فَبَلِّغْنِيْ اَمَلِيْ وَ اَصْلَحْ لِيْ عَمَلِيْ»؛
۴. با تن و دلی آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی به منی برود و چون به منی رسید بگوید: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَقْدَمَ مِنِّيْهَا ضَالِحًا فِيْ غَافِيَةٍ وَ بَلِّغْنِيْ هَذَا الْمَكَانَ»؛
۵. شب عرفه در منی باشد و به اطاعت الهی مشغول باشد و بهتر آن است که عبادت و خصوصاً را در مسجد «خیف» بجا آورد و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب بگوید؛

۶. وقتی به عرفات متوجه شد این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رَحْمَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مِنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

۲. وقوف به عرفات

دومین واجب از واجبات در حج تمتع، وقوف به عرفات است.

مسئله ۱۰۱۴. عرفات مکانی معروف و محدود به حدود است.

مسئله ۱۰۱۵. حدود عرفه عبارتند از: مسجدنمره، ثویه، ذوالمجاز و اراک و این حدود از موقف خارج می‌باشند، از اینرو اگر کسی در آنها عمداً وقوف کند، حج او باطل است.

مسئله ۱۰۱۶. کوه جبل الرحمة که در صحرای عرفات قرار دارد اگرچه از موقف محسوب است، ولی وقوف روی آن مکروه است و مستحب است وقوف در دامنه آن از طرف چپ باشد.

مسئله ۱۰۱۷. قصد قربت در وقوف عرفات مثل سایر عبادات معتبر است.

مسئله ۱۰۱۸. مراد از وقوف، بودن در آن مکان است، چه آنکه سواره باشد یا پیاده، چه آنکه نشسته باشد یا خوابیده، چه در حال راه رفتن باشد و چه آرام، در هر حالی که باشد کافی است.

مسئله ۱۰۱۹. وقوف در عرفات بایستی از روی اختیار باشد، پس اگر کسی از ظهر تا غروب روز عرفه، در عرفات خواب و یا بیهوش باشد، وقوف او باطل است.

مسئله ۱۰۲۰. لازم است در عرفات از ظهر روز نهم تا غروب شرعی آن که وقت نماز مغرب است باشد، پس جایز نیست تأخیر از آن.

مسئله ۱۰۲۱. تأخیر انداختن وقوف در عرفات از اول ظهر، اگر کم باشد

مانعی ندارد.

مساله ۱۰۲۲. بودن در عرفات از مقداری بعد از ظهر تا مغرب چنانکه گذشت گرچه واجب است ولی تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود. بلکه آن مقداری از وقوف بین ظهر تا مغرب در عرفات رکن است که عرفاً بگویند در آنجا توقف کرده، پس اگر مقدار کمی در عرفات توقف کند و برود یا طرف عصر برگردد و توقف کند، حج او صحیح است اگرچه توقف نکردن او از روی عمد و علم باشد.

مساله ۱۰۲۳. اگر از روی عمد و علم وقوف رکنی را ترک کند یعنی در هیچ جزء از بعد از ظهر تا مغرب روز عرفه را در عرفات نباشد حجتش باطل است.

مساله ۱۰۲۴. اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود آن بیرون برود و پس از آن نادم شود و برگردد و تا غروب توقف کند چیزی بر او نیست. همچنین اگر بدون آنکه از کار خود پشیمان شود و برای حاجتی برگردد، ولی پس از رسیدن با قصد قربت توقف کند، چیزی بر او نیست.

مساله ۱۰۲۵. اگر در فرض سابق مراجعت نکرد، کفاره آن یک شتر است که باید در راه خدا در روز عید قربانی کند و اگر متمکن از قربانی نباشد، هیجده روز باید روزه بگیرد.

مساله ۱۰۲۶. اگر سهواً از عرفات کوچ کرد و بیرون رفت، اگر یادش آمد باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناهکار است ولی کفاره ندارد و اگر یادش نیامد چیزی بر او نیست.

مساله ۱۰۲۷. اگر کسی از روی ندانستن مساله، شک در آنچه ذکر شد بنماید، حکم او حکم کسی است که سهو در آنها کرده است.

مساله ۱۰۲۸. اگر کسی به واسطه عذری مثل فراموشی و تنگی وقت و مثل آن

از ظهر روز نهم تا غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزئی از زمان را درک نکند، کافی است که مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات باشد و این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند.

مسائل متفرقة عرفات

مسئله ۱۰۲۹. حدودی که برای عرفات و مزدلفه و سنی جهت انجام مناسک مشخص شده، چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است.

مسئله ۱۰۳۰. اگر ماه نزد قاضی اهل سنت ثابت شد و بر طبق آن حکم نمود و نزد شیعه ثابت نشد، پیروی از آن اشکال ندارد و حاجی می‌تواند جمیع آثار ثبوت ماه را که راجع به اعمال حج است بر آن بار نماید، حالا چه آنکه علم به خلاف داشته باشد و چه آنکه علم به خلاف نداشته باشد ولی ظن و یا شک در خلاف داشته باشد، در هر صورت پیروی از حکم قاضی مذکور مانعی ندارد.

مستحبات و قوف به عرفات

مسئله ۱۰۳۱. در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است:

۱. با طهارت بودن در حال وقوف؛
۲. غسل نمودن و بهتر است که نزدیک ظهر باشد؛
۳. دور شدن از هر چیزی که موجب تفرق حواس است؛
۴. نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه واقع گردد؛
۵. وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن از کوه مکروه است؛

۶. در اول وقت نماز را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد؛
۷. قلب خود را به حضرت حق جل و علا متوجه ساخته، حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد. پس از آن صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه سوره توحید را بخواند و آنچه می خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد؛
۸. خواندن دعاهایی که در کتاب های ادعیه ذکر شده است.

۳. وقوف به مشعرالحرام

- سومین واجب از واجبات حج تمتع، وقوف در مشعرالحرام است.
- مسئله ۱۰۳۲. بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید حاجی به مشعرالحرام کوچ کند.
- مسئله ۱۰۳۳. مشعرالحرام محل معروفی است و حدود معینی دارد از مازمین (دوراه تنگ و باریک) تا حیاض و وادی محسر که در آنها نباید وقوف کرد.
- مسئله ۱۰۳۴. لازم است محرم شب دهم را تا طلوع صبح در مشعرالحرام به سر ببرد.
- مسئله ۱۰۳۵. لازم است محرم صبح روز دهم که طلوع کرد، نیت وقوف به مشعرالحرام کند تا طلوع آفتاب و چون این وقوف عبادت خداوند است، باید بانیت خالص از ریا و خودنمایی عمل شود، در غیر این صورت حج او باطل خواهد شد.
- مسئله ۱۰۳۶. جایز است کوچ کردن از مشعرالحرام به نحوی که قبل از طلوع آفتاب از وادی محسر تجاوز نکند و اگر تجاوز کرد، گناهکار است ولی کفاره بر او نیست.
- مسئله ۱۰۳۷. بهتر است وقتی محرم از مشعرالحرام حرکت کند که قبل از

طلوع آفتاب وارد وادی محسر نشود.

مسئله ۱۰۳۸. واجب است محرم از طلوع صبح روز دهم تا کمی قبل از طلوع آفتاب در مشعر الحرام بماند، ولی تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی در آن از بین الطلوعین است اگرچه به قدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را ترک کند به تفصیلی که می آید حج او باطل خواهد شد.

مسائل متفرقه مشعر الحرام

مسئله ۱۰۳۹. جایز است کسانی که عذری دارند قدری از شب را که در مشعر توقف کردند به منی کوچ کنند مثل زن ها و بچه ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند.

مسئله ۱۰۴۰. معذورین که وقوف اضطراری مشعر الحرام را شب درک نموده و به منی می روند و رمی جمره می کنند و وکالت برای قربانی می دهند و تقصیر می نمایند، می توانند در صورت عذر در همان شب طواف زیارت و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند.

مسئله ۱۰۴۱. کسی که شب یا بعض آن را در مشعر بوده، اگر قبل از طلوع صبح عمدأ و بدون عذر از مشعر بیرون برود و تا طلوع آفتاب برنگردد، در صورتی که وقوف عرفه از او فوت نشده باشد، حج او صحیح می باشد ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۴۲. کسی که درک نکند وقوف بین الطلوعین را یا وقوف شب را در مشعر الحرام در صورتی که صاحب عذر باشد، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر را در مشعر توقف کند، اگرچه کم باشد حج او صحیح است.

اوقات وقوف در مشعرالحرام

مسئله ۱۰۴۳. برای وقوف به مشعرالحرام سه وقت است:

۱. وقوف شب عید، برای کسانی که به واسطه عذری نتوانند بعد از طلوع فجر در مشعرالحرام بمانند که این وقوف اضطراری مشعر است؛
۲. وقوف در روز عید (دهم ذی الحجه) تا پیش از ظهر، برای کسانی که به وقوف شب و وقوف از طلوع صبح تا طلوع آفتاب نرسیده باشند که این نیز وقوف اضطراری دوم مشعرالحرام است؛
۳. وقوف اختیاری مشعرالحرام، که از اذان صبح تا اول آفتاب روز عید است.

چون عرفات هم دو وقوف دارد، یکی وقوف اختیاری و آن ماندن در عرفات است از ظهر روز نهم ذی الحجه تا مغرب و یکی وقوف اضطراری و آن ماندن در عرفات است در مقداری از شب دهم، پس به ملاحظه ادراک هر دو وقوف (وقوف به مشعر و وقوف به عرفات) یا ادراک اضطراری یکی و اختیاری دیگری و یا نرسیدن به اضطراری و اختیاری هر دو وقوف، که اقسام و حکم آنها تحت عنوان ذیل ارائه می شوند.

اقسام وقوف

تعیین قسمی که موجب صحت حج است

اقسام وقوف عبارتند از:

- اول - آنکه هر دو موقف را در وقت اختیاری درک کند، یعنی از ظهر روز عرفه (روز نهم ذی الحجه) تا غروب در عرفات و بین الطلوعین صبح دهم در مشعر، در این صورت اشکالی در صحت حج او نیست.
- دوم - آنکه هیچ یک از دو موقف را درک نکند، نه اختیاری را و نه

اضطراری را، در این صورت تردیدی در بطلان حج او نیست و باید به همان احرام حج، عمره مفرده که عبارت است از طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نساء و نماز آن رابجا آورد و بعد از این اعمال از احرام خارج می شود و باید سال دیگر حج واجب رابجا آورد اگر حج بر او مستقر بوده و همچنین در صورتی که حج بر او مستقر نبوده ولی سال بعد شرایط استطاعت را دارا باشد.

مسئله ۱۰۴۴. اگر درک نکردن دو موقف که ذکر شد از روی تقصیر بوده، حج بر او مستقر می شود و باید سال دیگر چه شرایط را دارا باشد یا نباشد به حج برود.

سوم - آنکه اختیاری عرفه با اضطراری نهاری مشعر را درک کند، پس اگر اختیاری مشعر را عمدأ ترک نکرده حج او صحیح است.

چهارم - آنکه اختیاری مشعر با اضطراری عرفه را درک کند، پس اگر اختیاری عرفه را عمدأ ترک نکرده حج او صحیح است.

پنجم - آنکه اختیاری عرفه با اضطراری شب مشعر را درک کند، که حج او صحیح است هر چند بدون عذر و وقوف بین الطلوعین صبح دهم را ترک کرده باشد، ولی باید در این صورت کفاره بدهد.

ششم - آنکه اضطراری شب مشعر و اضطراری عرفه را درک کند، که در این صورت حج او صحیح است.

هفتم - آنکه اضطراری عرفه و اضطراری روز مشعر را درک کند، که حج او صحیح است.

هشتم - آنکه اختیاری عرفه را درک کند، که حج او صحیح است.

نهم - آنکه اضطراری عرفه را فقط درک کند، که در این صورت حج او باطل است.

دهم - آنکه اختیاری مشعر را درک کند، که در این صورت حج او صحیح است اگر وقوف عرفه را عمداً ترک نکرده باشد وگرنه حج او باطل است.
یازدهم - آنکه وقوف اضطراری روز مشعر را فقط درک کند، که در این صورت حج او باطل است.

دوازدهم - آنکه وقوف اضطراری شب مشعر را فقط درک کند، که در این صورت اگر وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد، حج او صحیح می باشد زیرا شبهه اختیاری در وقوف شب عید مشعر الحرام است و اما اگر فقط وقوف پیش از ظهر روز عید را درک کرده باشد حج او باطل است.

مستحبات وقوف به مشعر الحرام

مستحبات وقوف به مشعر الحرام چند چیز است:

۱. حرکت از عرفات بسوی مشعر الحرام با استغفار و دلی آرام و تواضع و فروتنی؛
۲. در راه رفتن میانه روی کند و کسی را آزار ندهد؛
۳. تأخیر انداختن نماز مغرب و عشا تا مشعر، اگرچه ثلث شب نیز بگذرد. ولی اگر برای رسیدن به مشعر پیش از نصف شب مانع رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیاندازد و در میان راه بخواند؛
۴. جمع میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه؛
۵. در وسط وادی از طرف راست آن نزول نماید؛
۶. آن شب را به هر مقدار که برایش میسر باشد به عبادت و اطاعت الهی به سربرد؛
۷. سنگ ریزه هایی را که در منی رمی خواهد نمود از مشعر بردارد و مجموع آنها هفتاد دانه است؛

۸. وقتی که از مشعر به سوی منی حرکت کرده و به وادی محسر رسید، به مقدار صد قدم مانند شتری که تند حرکت می کند تند برود و اگر سواره است سواری خود را به حرکت درآورد و بگوید: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَاجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلَفْنِي فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

۴. واجبات منی

چهارمین واجب از واجبات حج، اعمال منی است.

مسئله ۱۰۴۵. هرگاه محرم از مشعر الحرام کوچ کرد، بایستی به منی برود و اعمالی را که در آنجا واجب است انجام دهد.

مسئله ۱۰۴۶. واجبات منی به شرح ذیل است:

الف - رمی جمره عقبه

مسئله ۱۰۴۷. رمی جمره یعنی ریگ انداختن به جمره که نام مکانی در منی است در روز عید (یعنی روز دهم ذی الحجه).

مسئله ۱۰۴۸. باید سنگ ریزه ای که می خواهد بیاندازد به آن حصی (یعنی ریگ) گفته شود، پس اگر آنقدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود (مثل شن) کافی نیست.

مسئله ۱۰۴۹. اگر سنگ خیلی بزرگ باشد کافی نیست.

مسئله ۱۰۵۰. رمی به غیر ریگ مثل کلوخ و خزف و اقسام جواهرات نیز جایز نیست.

مسئله ۱۰۵۱. سنگ ریزه ها از هر نوع سنگی که باشد حتی سنگ مرمر مانع ندارد.

مسئله ۱۰۵۲. باید سنگ ریزه ها از حرم باشد و سنگ خارج از آن کافی

نیست.

مسئله ۱۰۵۳. در حرم از هر موضعی که مباح باشد می تواند سنگ ریزه را بر دارد، مگر از مسجد الحرام و مسجد خیف و بلکه از سایر مساجد.

مسئله ۱۰۵۴. مستحب است از مشعر الحرام سنگ ریزه ها را بردارد.

مسئله ۱۰۵۵. شرط است که سنگ ریزه ها بکر باشند یعنی با آنها خودش یا کس دیگری به وجه صحیح رمی نکرده باشد، پس اگر با آنها رمی شده باشد اگرچه در سال های قبل، کافی نخواهد بود.

مسئله ۱۰۵۶. باید سنگ ریزه ها مباح باشد، پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش حیات کرده کافی نیست.

مسئله ۱۰۵۷. وقت انداختن سنگ ریزه ها به جمره از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کرد، می تواند آن را تا روز سیزدهم بجا آورد و اگر تا آن وقت متذکر نشد، در سال بعد خودش یا نایبش باید آنها را بیاندازد.

شرایطی که در رمی اعتبار شده

مسئله ۱۰۵۸. اموری که در انداختن سنگ ریزه ها واجب است عبارتند از:

۱. نیت با قصد خالص و بدون ریا؛
۲. آنکه آنها را پرتاب کند، پس اگر برود نزدیک و با دست روی جمره بگذارد کافی نیست؛
۳. آنکه به پرتاب و بگونه مستقیم ریگ ها به جمره برسد، پس اگر آن را انداخت و به وسیله ریگ دیگران به آن بخورد کافی نیست. ولی اگر ریگ به جایی بخورد و از آنجا کمانه کند و به جمره برسد کافی است؛
۴. عدد سنگ ریزه ها باید هفت باشد و کمتر از آن کفایت نمی کند؛

۵. باید زدن ریگ‌هایکی پس از دیگری باشد و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد، ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیاندازد و به جمره بخورند کافی نیست، اگرچه به دنبال هم به جمره برسند.

مسائل متفرقه در رمی

مسئله ۱۰۵۹. اگر شک کند که ریگ را دیگری استعمال کرده یا نه، جایز است جمره را با آن رمی کند.

مسئله ۱۰۶۰. مطلق سنگ‌ریزه حرم کافی است و از مشعرالحرام بودن آن حکم استحبابی دارد.

مسئله ۱۰۶۱. اگر ریگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج آن آورده‌اند اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۶۲. اگر شک کند به ریگی که می‌خواهد بیاندازد حصی (یعنی ریگ) گفته می‌شود یا نه، باید به آن اکتفا نکند.

مسئله ۱۰۶۳. اگر شک کند در عدد پرتاب کردن در وقتی که مشغول عمل است، باید آن مقدار بیاندازد تا علم به عدد واجب پیدا کند.

مسئله ۱۰۶۴. اگر شک نماید که سنگ‌ریزه‌ای را که انداخته به جمره خورده است یا نه، باید باز بیاندازد تا علم به رسیدن به جمره پیدا کند.

مسئله ۱۰۶۵. اگر سنگ‌ریزه‌ای را انداخت و به جمره نرسید، باید دو مرتبه آن را بیاندازد اگرچه در وقت رمی گمانش آن بود که به جمره رسیده است. پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و اشتباهاً به آنها رمی کرده باشد، کافی نیست و باید آن را اعاده کند.

مسئله ۱۰۶۶. اگر چند سنگ‌ریزه را با هم بیاندازد مانع ندارد ولی یکی حساب می‌شود، چه آنکه یکی از آنها به محل بخورد و یا همه آنها.

مسئله ۱۰۶۷. جایز است محرم سواره و پیاده رمی کند.

مسئله ۱۰۶۸. باید سنگ ریزه را با دست خود بیانداز دو با غیر آن کافی نیست، ولی با فلاخن نیز کافی می باشد.

مسئله ۱۰۶۹. اگر محرم بعد از آنکه سنگ ریزه را انداخت و از محل منصرف شد در عدد سنگ ریزه ها شک کند، اگر شک او در نقیصه آنها باشد باید برگردد و آن را تمام کند و اگر شک در زیاده باشد اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۷۰. اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن شک در انداختن سنگ ریزه یا عدد آن نماید، اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۷۱. اگر بعد از فارغ شدن در رمی جمره شک در صحت آن نماید، بنا را بر صحت بگذارد، البته اگر در رسیدن سنگ ریزه آخری به محل شک کند باید آن را اعاده کند. ولی اگر رسیدن سنگ ریزه را به جمره دانست و احتمال داد که با مستعمل آن انداخته باشد اعتنا نکند.

مسئله ۱۰۷۲. ظن به رسیدن سنگ ریزه به جمره و عدد آن اعتبار ندارد.

مسئله ۱۰۷۳. در انداختن سنگ ریزه ها طهارت از حدث یا خبث شرط نیست و نیز در خود آنها.

مسئله ۱۰۷۴. کسانی که نمی توانند به واسطه عذری خودشان رمی کنند، کسی دیگر می تواند از آنها در آن نیابت کند.

مسئله ۱۰۷۵. اگر برای مریض در رمی جمره نایب گرفتند و بعد از آنکه نایب سنگ ریزه ها را به جمره زد خوب شد، لازم نیست خودش آن را اعاده کند. ولی اگر در بین سنگ ریزه انداختن منوب عنه خوب شد، باید خودش رمی کند.

مسئله ۱۰۷۶. کسانی که عذر دارند از اینکه روز رمی کنند، می توانند شب رمی کنند و در هر وقت از شب که باشد.

مسأله ۱۰۷۷. کسانی که پرستار مریض می باشند، اگر نتوانند در روز رمی نمایند، می توانند در شب آن را انجام دهند. ولی اگر در روز بتوانند رمی کنند، رمی در شب برای آنان جایز نیست.

مسأله ۱۰۷۸. محرم پیش از رمی خود می تواند برای دیگری به عنوان نیابت رمی نماید.

مستحبات رمی جمرات

- مسأله ۱۰۷۹.** در رمی جمرات چند چیز مستحب است:
۱. با طهارت بودن در حال رمی؛
 ۲. هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته و آماده رمی است این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِيْهِنَّ لِيْ وَارْفَعْنِيْ فِيْ عَمَلِيْ»؛
 ۳. با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید؛
 ۴. هر سنگی که می اندازد این دعا را بخواند: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَدْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَي سُنَّةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِيْ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا»؛
 ۵. میان او و جمره در جمره عقبه ده یا پانزده ذرع فاصله باشد، ولی در جمره اولی و وسطی کنار آن بایستند؛
 ۶. جمره عقبه را روبه جمره و پشت به قبله و جمره اولی و وسطی را روبه قبله و ایستاده رمی نمایند؛
 ۷. سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیاندازد؛
 ۸. پس از برگشتن بجای خود در منی این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ».

ب - ذبح

دومین مورد از واجبات منی قربانی است.

مسئله ۱۰۸۰. واجب است بر کسی که حج تمتع بجای می آورد ذبح یک هدی، یعنی یک شتر و یا یک گاو و یا یک گوسفند که شتر افضل است در منی.

مسئله ۱۰۸۱. باید ذبح با قصد قربت انجام شود.

مسئله ۱۰۸۲. باید ذبح در روز عید قربان انجام شود، مگر کسی عذری داشته باشد که او می تواند تا آخر ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) آن را انجام دهد و اگر عذر او مستمر باشد، می تواند تا آخر ماه ذی الحجه آن را به تأخیر بیندازد.

مسئله ۱۰۸۳. باید قربانی پس از رمی باشد.

مسئله ۱۰۸۴. اگر قربانی را عمدأ ترک کند، طوافش باطل است و باید بعد از تدارک قربانی، طواف را اعاده کند.

مسئله ۱۰۸۵. مقتضای برخی از احادیث این است که زمان گرانی قربانی یک هدی برای اهل یک سفره (یک کاروان) کفایت می کند، ولی میزان گرانی و برخی از خصوصیات این مسئله مورد تأمل است.

مسئله ۱۰۸۶. یک هدی برای چند نفر به شرکت در حال اختیار کفایت نمی کند، ولی در حال ضرورت قربانی برای جمعی که در یک کاروان قرار دارند، کفایت می کند و این مقتضای حدیث است.

مسئله ۱۰۸۷. ذبح قربانی باید در منی باشد ولی اگر نیازمندی در آنجا نباشد که از گوشت آن استفاده کند، جایز است به وسیله نایب در بلد خود و یا غیر آن در هر جا که فقیر و مستمندی باشد قربانی نماید.

مسئله ۱۰۸۸. سایر حیوانات غیر از سه حیوان مذکور کافی نیست.

شرایطی که در هدی اعتبار شده

مسئله ۱۰۸۹. در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

۱. آنکه اگر شتر باشد سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد و اگر گاو است داخل سال دوم شده باشد و بهتر است کمتر از دو سال نباشد. همچنین در بز کمتر از سن گاو نباشد و در میش کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد؛

۲. صحیح و سالم باشد پس حیوان مریض کافی نیست؛

۳. پیر نباشد؛

۴. تام الاجزاء باشد و ناقص کافی نیست، پس باید گوش بریده و دم بریده و باشاخ داخل آن شکسته یا بریده نباشد؛

۵. لاغر نباشد ولی اگر در گرده او پیه باشد کافی است؛

۶. خصی نباشد یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند؛

۷. بیضه آن را نکوبیده باشند؛

۸. در اصل خلقت بی دم نباشد و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد نیز کفایت می کند؛

۹. در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

مسائل متفرقه هدی

مسئله ۱۰۹۰. اگر غیر از حیوان خصی یافت نشود می توان به آن اکتفا کرد.

مسئله ۱۰۹۱. اگر حیوان شاخ خارجی شکسته و یا بریده باشد، اشکال ندارد و شاخ خارجی آن به منزله غلاف برای شاخ داخلی آن است.

مسئله ۱۰۹۲. شکاف داشتن گوش حیوان و سوراخ بودن آن مانع ندارد.

مسئله ۱۰۹۳. اگر هدی یافت نشود، قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارند

که در بقیه ذی الحجه آن را بخرد و در منی ذبح کند و اگر در این سال ممکن نشود سال بعد این کار را بکند.

مسئله ۱۰۹۴. اگر حیوانی رابه گمان اینکه صحیح و سالم است ذبح کرد، بعد معلوم شد که مریض یا ناقص بوده کافی نیست و باید دوباره ذبح کند.

مسئله ۱۰۹۵. اگر حیوانی رابه گمان چاقی ذبح کرد و بعد معلوم شد که لاغر است کافی است.

مسئله ۱۰۹۶. اگر حیوانی رابه گمان لاغری خرید و به امید آنکه چاق درآید برای اطاعت خدا رجاء ذبح کرد و بعد معلوم شد که چاق بوده، کافی است ولی اگر لاغر درآمد کافی نیست.

مسئله ۱۰۹۷. اگر حیوانی را با علم به اینکه لاغر است از راه ندانستن مسئله قربانی کند و بعد معلوم شود که چاق است کفایت می کند، ولی اگر با علم به لاغر بودن و دانستن مسئله آن را ذبح نماید، هر چند که چاق درآید کفایت نمی کند.

مسئله ۱۰۹۸. اگر به کسی نیابت داد برای خرید حیوان و ذبح آن و نایب انجام داد و بعد شخص محرم احتمال داد که نایب به همه شرایط عمل نکرده، به این احتمال اعتنا نکند و ذبح کافی است.

مسئله ۱۰۹۹. اگر نایب عمدأ بر خلاف دستور شرع در اوصاف ذبیحه یا در کشتن آن عمل کرد ضامن است و باید غرامت آن را بدهد و دو مرتبه از طرف منوب عنه انجام دهد.

مسئله ۱۱۰۰. اگر نایب از روی اشتباه یا جهل بر خلاف دستور عمل کند، در صورتی که برای آن عمل اجرت گرفته باشد، آن را ضامن است و اگر اجرت نگرفته باشد، نمی توان حکم به ضمان او کرد و در هر صورت باید قربانی اعاده شود.

بدل ذبیحه

مسئله ۱۱۰۱. اگر قادر بر ذبح نباشد، باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج به وطن روزه بگیرد.

مسئله ۱۱۰۲. مراد از اینکه قادر بر ذبح نباشد آن است که محرم نه هدی را داشته باشد و نه پولش را.

مسئله ۱۱۰۳. اگر می تواند بدون زحمت و مشقت برای خرید قربانی، قرض کند و در ازای قرض چیزی که ادا کند داشته باشد، باید قرض کند و ذبح کند.

مسئله ۱۱۰۴. لازم نیست برای تهیه هدی کسب کند، ولی اگر از راه کسب و یا غیر آن تهیه کرد باید ذبح کند.

مسئله ۱۱۰۵. سه روز روزه را باید در ماه ذی الحجه بگیرد و لازم است که از هفتم تا نهم انجام دهد نه جلوتر.

مسئله ۱۱۰۶. باید این سه روز روزه دنبال هم باشد.

مسئله ۱۱۰۷. اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد، روز هشتم و نهم روزه بگیرد و یک روز دیگر را بعد از مراجعت از منی و بهتر است که بعد از ایام تشریق که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه است روزه بگیرد.

مسئله ۱۱۰۸. سه روز روزه را در ایام تشریق در منی جایز نیست بگیرد، بلکه در ایام تشریق در منی روزه برای همه کس حرام است، هم برای حاجی و هم برای غیر او.

مسئله ۱۱۰۹. اگر روز هشتم را روزه نگرفت، روز نهم را هم نگیرد و بعد از مراجعت از منی، سه روز روزه دنبال هم بگیرد.

مسائل متفرقه روزه بدل از قربانی

مسئله ۱۱۱۰. اگر روزه او از روز هشتم تأخیر افتاد، جایز است تا آخر

ذی الحجه هر وقت بخواهد این سه روز را روزه بگیرد.

مسئله ۱۱۱۱. سه روز روزه را می تواند در سفر بگیرد و لازم نیست برای انجام آن در مکه قصد اقامت کند.

مسئله ۱۱۱۲. اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن از هدی شد، لازم نیست ذبح کند، ولی اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن از هدی شد، باید ذبح کند.

مسئله ۱۱۱۳. اگر سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی الحجه تمام شد، باید هدی را خودش یا نایبش در منی ذبح کند و روزه فایده ندارد.

مسئله ۱۱۱۴. باید سه روز روزه از ده روز رابعه از احرام به عمره تمتع بجا آورد و قبل از آن نمی تواند.

مسئله ۱۱۱۵. هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج به وطن روزه بگیرد.

مسئله ۱۱۱۶. لازم است روزه ها را پی در پی بجا آورد.

مسئله ۱۱۱۷. جایز نیست هفت روز بقیه را در مکه یا در راه روزه بگیرد، مگر آنکه بنای اقامت در مکه داشته باشد. در این صورت اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می توانسته به وطن خود مراجعت کند، جایز است بجا آورد و همچنین جایز است اگر یک ماه بماند.

مسئله ۱۱۱۸. ابتدای ماهی را که اگر در مکه بماند جایز است روزه را بگیرد، آن وقتی است که بنای مجاورت یا اقامت در آنجا را داشته باشد.

مسئله ۱۱۱۹. لازم نیست بعد از برگشتن به بلد خود در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگر قصد اقامت کرد، می تواند در آنجا روزه بگیرد.

مسئله ۱۱۲۰. اگر متمکن از سه روز روزه در مکه نشد و به محل خود برگشت، در صورتی که ماه ذی الحجه باقی است می تواند در محل روزه را

بگیرد، ولی باید هفت روز روزه را با سه روز روزه فاصله بدهد و اگر ماه گذشته باشد، باید هدی ذبح کند اگرچه به وسیله شخص امینی باشد.

مسئله ۱۱۲۱. تأخیر ذبح از روز عید عمداً جایز نیست، ولی اگر تأخیر شد عمداً یا جهلاً یا نسیاناً و در شب ذبح کرد، کفایت می کند.

مسئله ۱۱۲۲. کسانی که وکیل دیگری هستند که برای او قربانی کنند، می توانند قبل از اینکه خودشان حلق یا تقصیر کنند، قربانی دیگری را ذبح نمایند.

مسائل متفرقه قربانی

مسئله ۱۱۲۳. جمعی از حجاج که پول روی هم می گذارند و کسی با پول آنان تعدادی گوسفند می خرد و در وقت ذبح، هر گوسفند را برای یک نفر قصد می کند اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۲۴. ذبح در مسلخ جدید، چه جزء منی باشد و چه جزء وادی محسر، مجزی است و گویای این برخی احادیث است.

مسئله ۱۱۲۵. روز عید که برخی اشخاص به قربانگاه می روند و بدون اینکه در قربانی نیابت داشته باشند برای رفقای شان قربانی می کنند، در صورتی که رضایت آنها برایش معلوم باشد کفایت می کند و در غیر این صورت کفایت نمی کند و پول گوسفند را آن کسی که از او نیابت شده ضامن نیست.

مسئله ۱۱۲۶. در روز عید قربان که معمولاً در هر کاروانی چند نفر برای قربانی از طرف دیگران نایب می شوند، اگر کسی شک کند که برای فلان شخص هم قربانی کرده یا نه، باید قربانی کند.

مسئله ۱۱۲۷. ذبح با کاردهای استیل صحیح است، حتی اگر معلوم نباشد که از جنس آهن است.

مسئله ۱۱۲۸. اگر انسان مریض نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و او فراموش کند و بعد یادش بیاید که قربانی نکرده، حج او صحیح است ولی قربانی بر ذمه اش باقی است که باید سال آینده در منی انجام دهد و اگر در ماه ذی الحجه فهمید، باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند.

مسئله ۱۱۲۹. شخصی که برای خود و نیابت افرادی به قربانگاه رفت و به نیابت از آنها قربانی کرد و بعد یقین پیدا کرد پول یک رأس از گوسفندها را نداده، باید آن را با یأس از شناسایی صاحبش از طرف او به فقیر صدقه دهد.

مسئله ۱۱۳۰. شخصی به اعتقاد اینکه گوشت گوسفند قربانی تلف می شود و از آن استفاده نمی شود، قربانی نمی کند، او از احرام خارج نمی شود اگرچه تقصیر و اعمال حج را انجام داده باشد.

مسئله ۱۱۳۱. در مورد فرض اگر تا پایان ایام تشریق قربانی کند، حج او صحیح است و گرنه باطل و باید با عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسئله ۱۱۳۲. محرم می تواند قبل از ذبح گوسفند قربانی خود، برای دیگری ذبح نماید.

مسئله ۱۱۳۳. شخصی به اعتماد اینکه نایبش در رمی آن را انجام داده، ذبح کرده و حلق نموده و بعد معلوم شده که نایب از جانب او رمی نکرده، ذبح و حلق او صحیح است.

مسئله ۱۱۳۴. شخصی که در قربانی، کسی را نایب خود کرد و پس از آن به دیگری نیابت داد ولی شخص اول ذبح نمود، اگر او را از وکالت عزل نکرده باشد، ذبح او کافی است و مجرد نیابت دادن به دومی برای قربانی، عزل اولی از نیابت نیست.

مسئله ۱۱۳۵. کسی که محرم او را وکیل در قربانی نموده، او نمی تواند آن را به

دیگری بدهد.

مسئله ۱۱۳۶. محرمی که لباس احرامش بر اثر ذبح برای دیگران نجس شده، می تواند به مقداری که برای آنها ذبح می کند، در آن لباس باشد و لطمه ای به احرامش نمی زند.

مسئله ۱۱۳۷. بعد از فری اوداج اربعه، اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نمود، ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می کند.

مسئله ۱۱۳۸. اگر ذبح در منی تا آخر ذی الحجه ممکن شود، باید محرم ذبح را تأخیر بیاندازد، ولی حلق را باید همان روز عید انجام دهد.

مسئله ۱۱۳۹. قربانی در برخی از محله های جدید مکه که در منی ساخته شده است، مانعی ندارد.

مسئله ۱۱۴۰. بعضی از مدیران کاروان ها یا اشخاص که برای قربانی از طرف حاجیان پول می گیرند و از طرف آنها قربانی می کنند، اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۴۱. اگر قربانی را غیر مؤمن به نیابت از مؤمن انجام بدهد، کفایت می کند.

مسئله ۱۱۴۲. بجاست که محرم قدری از قربانی خودش را بخورد و قدری را هدیه و مقداری را به فقیر صدقه بدهد.

مسئله ۱۱۴۳. بجاست هر یک از صدقه و هدیه کمتر از ثلث قربانی نباشد.

مسئله ۱۱۴۴. لازم نیست سهم هر یک را محرم از یکدیگر جدا کند، بلکه اگر یک سوم از قربانی را به عنوان صدقه و یک سوم آن را به عنوان هدیه داده و از قسمت باقی مانده مقداری بخورد کافی است.

مسئله ۱۱۴۵. در هدیه فقر شرط نیست.

مسئله ۱۱۴۶. چنانچه قربانی را کشت و پیش از تصدق و هدیه نمودن، دزدی

قربانی را دزدید یا کسی به زور از او گرفت، صاحب قربانی ضامن نخواهد

بود و لازم نیست دوباره قربانی کند.

مسئله ۱۱۴۷. اگر صاحب قربانی، خودش قربانی را به آنها بدهد یا آن را تلف

کند یا به نااهل ببخشد، دو سوم هدیه و صدقه را ضامن خواهد بود.

مسئله ۱۱۴۸. در فرض مذکور صاحب قربانی قیمت گوشت قربانی را ضامن

است، نه قیمت زنده آن را.

مسئله ۱۱۴۹. کسی که صدقه یا هدیه را قبض می کند، هر طور که بخواهد

می تواند در آن تصرف کند و چنانچه آن را به غیر مؤمن یا غیر مسلمان ببخشد

مانعی ندارد.

مسئله ۱۱۵۰. چون ممکن است در منی فقیری که ثلث قربانی به او به عنوان

تصدق و نیز مؤمنی که ثلث دیگر آن به او به عنوان هدیه داده شود نباشد،

برای حاجی بهتر است از برخی برادران ایمانی خود و از برخی فقرای مؤمن

که آنها را می شناسد، وکالت بگیرد که از جانب آنها ثلث قربانی را به عنوان

هدیه و ثلث دیگر آن را به عنوان صدقه قبول کند و همچنین از آنها وکالت

بگیرد که بعد از قبول کردن از جانب آنها، هر عملی که می خواهد انجام دهد.

در این صورت در منی، ثلث آن را به فقیر مؤمنی که از طرف او وکالت دارد

صدقه دهد و ثلث دیگر را به مؤمن دیگری که از جانب او وکیل است هدیه

دهد و از طرف آنها قبول کند و بعد به هر کس که خواست بدهد.

مسئله ۱۱۵۱. اگر حاجی عمداً خودش از گوشت قربانی نخورد، گناه کرده

ولی لطمه ای به حج او نمی زند.

مستحبات هدی

مسئله ۱۱۵۲. مستحبات هدی پنج چیز است:

۱. در صورت تمکن قربانی شتر باشد و در صورت نبودن آن گاو و در

صورت نبودن آن گوسفند باشد؛

۲. قربانی بسیار فربه باشد؛

۳. در صورت شتر یا گاو بودن از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن از جنس نر باشد؛

۴. شتری که می خواهند آن را نحر کنند ایستاده و از سر دست ها تا زانوی او را ببندند و شخص از جانب راست بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او ببرد و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ خَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي»؛

۵. اینکه خود قربانی را بکشد و اگر نتواند دست خود را بالای دست کشنده بگذارد.

پ - تقصیر

سومین اعمال منی حلق (سر تراشیدن) یا تقصیر (گرفتن مقداری از مو یا ناخن) است.

مسئله ۱۱۵۳. قصد قربت در تقصیر معتبر است.

مسئله ۱۱۵۴. لازم است حلق و یا تقصیر در روز انجام شود و بعد از رمی جمره و قربانی باشد.

مسئله ۱۱۵۵. اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هر دوی آنها مقدم داشت، اعاده اش لازم نیست.

مسئله ۱۱۵۶. سر تراشیدن بر زنان جایز نیست و در حق آنها تقصیر متعین است.

مسئله ۱۱۵۷. مرد بین حلق و تقصیر مخیر است و هر کدام را خواسته باشد می تواند اختیار کند و سر تراشیدن (حلق) بهتر است، چه آنکه او ضروره (کسی که برای اولین بار حج می نماید) باشد و چه آنکه ضروره نباشد.

مسئله ۱۱۵۸. کسی که برای رفع شپش و مانند آن موی سر خود را با عسل یا صمغ چسبانیده یا موی سر خود را جمع کرده و در هم پیچیده و گره زده یا بافته، لازم است که سر تراشیدن (حلق) را اختیار کند.

مسئله ۱۱۵۹. خنثای مشکل اگر موی سر خود را نچسبانده یا نبافته باشد، باید تقصیر نماید و گرنه باید هم تقصیر و هم حلق نماید.

مسئله ۱۱۶۰. پس از حلق یا تقصیر آنچه بر محرم با احرام حرام شده بود حلال می شود جز نزدیکی با زنان و بوی خوش (عطر زدن).

مسئله ۱۱۶۱. هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن حکم، حلق و تقصیر ننمود تا از منی بیرون رفت، باید به منی برگشته و در آنجا سر تراشیده یا تقصیر نماید و چنانچه بازگشت به منی برای او غیر ممکن یا دشوار باشد، در جای خود حلق یا تقصیر نموده و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد.

مسئله ۱۱۶۲. هرگاه از روی فراموشی یا نادانی حلق و تقصیر نکرد یا پس از فراغت از اعمال حج یادش آمد و تدارک نمود، اعاده طواف واجب نخواهد بود و در صورتی که تذکر یا دانستن حکم پیش از خروج از مکه باشد، بجاست در صورت امکان طواف را اعاده کند.

مسائل متفرقة تقصیر

مسئله ۱۱۶۳. باید کسی که سر را می تراشد، تمامش را بتراشد.

مسئله ۱۱۶۴. جایز است برای محرم سر خود را بتراشد یا به سلمانی بدهد.

مسئله ۱۱۶۵. در تقصیر و یا حلق باید خودش نیت کند.

مسئله ۱۱۶۶. محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است و جایز نیست اختیاراً در غیر منی.

مسئله ۱۱۶۷. صید از دو جهت برای محرم حرمت داشت، یکی از جهت حرم که این برای غیر محرم نیز ثابت است و این حرمت حتی بعد از تقصیر محرم برای او باقی است و دومی از جهت احرام، چه محرم در حرم باشد و چه در غیر حرم که به واسطه حلق یا تقصیر از جهت دوم حرمت برداشته می شود، ولی از جهت اول برداشته نمی شود، پس برای او صید در خارج حرم جایز است.

مسئله ۱۱۶۸. اگر قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد، می تواند حلق و یا تقصیر کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی نماید.

مسئله ۱۱۶۹. تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق اگر در روز عید انجام نشود، مانع ندارد هر چند عمدی باشد.

مسئله ۱۱۷۰. حلق در شب هم صحیح است و کفایت می کند.

مسئله ۱۱۷۱. اگر حاجی برای قربانی به کسی وکالت دهد تا وکیل او قربانی کند و حلق یا تقصیر در روز عید کرد و بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق و یا تقصیر مزبور کافی است و اگر بعد از حلق و یا تقصیر اعمال مکه را انجام داده باشد، کفایت می کند و لازم نیست آنها را اعاده کند.

مسئله ۱۱۷۲. کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر دیگری را بتراشد، ولی اگر تراشید کفاره ندارد.

مسئله ۱۱۷۳. اگر کسی قربانی را از روی عمد تأخیر بیاورد، نمی تواند حلق و یا تقصیر نماید و باید حتماً بعد از قربانی باشد.

مسئله ۱۱۷۴. شخصی که روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را

گم کرده، می تواند آن را تبدیل به روزه کند و روز عید حلق یا تقصیر نماید.
مسئله ۱۱۷۵. کسی که عصر عید قربان بعد از هدی سر تراشید و یا تقصیر کرد ولی نگفت برای حج تمتع، اگر تراشیدن سر را به عنوان اینکه وظیفه اوست انجام داد صحیح است، هر چند نیت حج تمتع را نکرده باشد.

آداب و مستحبات حلق

مسئله ۱۱۷۶. در حلق سه چیز مستحب است:

۱. آنکه از جانب راست پیش سر شروع کند و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛
۲. آنکه موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید؛
۳. بهتر است بعد از حلق از اطراف ریش و شارب و ناخن خود را بگیرد.

واجبات بعد از اعمال منی

- مسئله ۱۱۷۷.** زمانی که حاجی واجبات خود را در روز عید انجام داد، می تواند به مکه برگردد و اعمال واجب مکه را انجام دهد.
- مسئله ۱۱۷۸.** آمدن به مکه در روز عید واجب نیست، بلکه جایز و مستحب است و حتی تأخیر آن هم تا آخر ذی الحجه مانع ندارد.
- مسئله ۱۱۷۹.** اعمالی که در مکه واجب است بجا بیاورد پنج چیز است:
۱. طواف حج است که آن را طواف زیارت می گویند؛
 ۲. نماز طواف؛
 ۳. سعی بین صفا و مروه؛
 ۴. طواف نساء؛
 ۵. نماز طواف نساء.

طواف حج و نماز آن و سعی

مسئله ۱۱۸۰. کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی به همان نحو است که در طواف عمره تمتع و نماز آن و سعی گذشت بدون هیچ تفاوت، مگر در نیت که در اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء بجا آورد.

مسئله ۱۱۸۱. در حج تمتع واجب است طواف آن بعد از حلق یا تقصیر باشد و چنانچه با علم و عمد پیش از حلق یا تقصیر طواف نمود، واجب است طواف را بعد از حلق یا تقصیر اعاده نماید و یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۱۱۸۲. بهتر آن است که طواف حج از روز یازدهم ذی الحجه تأخیر نشود، گرچه جواز تأخیرش تا بعد از ایام تشریق (سه روز پس از عید اضحی، یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) بلکه تا آخر ماه ذی الحجه خالی از قوت نیست.

مسئله ۱۱۸۳. در حال اختیار جایز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از رفتن به عرفات و بجا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی بجا آورد.

طوایفی که جایز است اعمال مکه

را قبل از وقوف عرفات انجام دهند

مسئله ۱۱۸۴. چند طایفه ای که برای آنها جایز است طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بعد از آنکه محرم به احرام حج شدند و قبل از رفتن به عرفات بجا آورند و عمل آنها مجزی است عبارتند از:

۱. زن هایی که ترس آن دارند در برگشتن از منی حیض یا نفساء شوند و یا حیض باشند، ولی ترس این داشته باشند که نتوانند تا زمان پاکی برای انجام اعمال در مکه بمانند؛

۲. پیرمردها یا پیرزنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت از منی به مکه بر اثر زیادی جمعیت و یا آنکه عاجز از برگشتن به مکه باشند؛
 ۳. اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز از آن باشند؛

۴. کسانی که به جهتی نمی‌توانند طواف و سعی را تا آخر ماه ذی‌الحجه انجام دهند.

مسئله ۱۱۸۵. سه طایفه اول اعمالی را که مقدم بر عرفات انداختند کافی است اگرچه خلاف آنچه باعث جواز تقدیم اعمال مکه بر عرفات شده بود، برایشان ظاهر شود. مثلاً زن حیض نشود و یا ازدحام چندان نباشد که موجب مزاحمت آنان در طواف و سعی شود و مریض خوب شود، پس بر اینها لازم نیست اعاده اعمال مکه.

مسئله ۱۱۸۶. طایفه چهارم که عقیده داشتند نمی‌توانند اعمال را بعد از بازگشت از منی بجا آورند، اگر عقیده آنان از جهت مرض و پیری و ضعف بود نیز مجزی است. اما اگر از جهت دیگر بود مثل آنکه اعتقاد داشتند مانع برایشان پیدا می‌شود و بعد خلافتش ظاهر شد، باید اعمال را بعد از رجوع از منی اعاده کنند.

مراحل حلال شدن محرمات احرام بر محرم

مسئله ۱۱۸۷. شخص محرم که به واسطه احرام حج چیزهایی بر او حرام می‌گردد (پیشتر به تفصیل آنها را ذکر نموده‌ایم) در سه مرحله به تدریج بر او حلال می‌شوند.

۱. محرم بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی همه چیز برای او حلال می‌شود مگر بوی خوش و زن، چنانچه در بیان مسائل تقصیر ذکر شد و نیز

گفتیم که صید از جهت احرام حلال می شود و نه از جهت حرم؛

۲. بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه به تفصیلی که در مسائل طواف گذشت، بر او بوی خوش حلال می شود؛

۳. بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن، زن بر او حلال می شود.

پس بعد از این سه عمل همه چیز که به واسطه احرام بر او حرام شده بود حلال می شود و اما صید کردن در حرم برای همه کس، چه محرم باشد و چه محل، حرام است.

مسئله ۱۱۸۸. کسانی که به واسطه عذری مثل پیری و خوف حیض، طواف زیارت و طواف نساء را بر وقوف عرفات مقدم داشتند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی شود و تمام محرمات بعد از تقصیر یا حلق بر آنان حلال خواهد شد.

طواف نساء و نماز آن

مسئله ۱۱۸۹. طواف نساء و نمازش در کیفیت و شرایط مانند طواف حج و نماز آن است.

مسئله ۱۱۹۰. طواف نساء اختصاص به مرد ندارد، بلکه بر زن و خنثی و خصی نیز واجب است.

مسئله ۱۱۹۱. اگر زن طواف نساء را ترک کند، مرد بر او حلال نمی شود بلکه طفل غیر ممیز اگر ولی او را محرم کرد، باید او را طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن زن بر او حلال شود.

مسئله ۱۱۹۲. طواف نساء و نماز آن اگرچه واجب است و بدون آن زن حلال نمی شود، ولی از واجبات حج نیست بلکه از واجبات در حج است و لذا ترک عمدی آن موجب باطل شدن آن نمی شود.

- مسئله ۱۱۹۳.** واجب است بر کسی که حج کرده آن را بجا آورد و در صورتی که خودش نتواند، باید نایب بگیرد و اگر بجا نیاورد زن بر او حلال نمی شود.
- مسئله ۱۱۹۴.** جایز نیست مقدم داشتن سعی بر طواف زیارت و یا بر نماز آن اختیاراً و نیز جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء بر طواف زیارت و بر سعی اختیاراً و اگر مقدم داشت، باید آن را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.
- مسئله ۱۱۹۵.** تقدیم طواف نساء بر سعی جایز نیست، مگر در حال ضرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت در مکه تا زمان پاکی.
- مسئله ۱۱۹۶.** اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد یا به واسطه ندانستن حکم، آن را بر سعی مقدم بدارد، طواف و سعیش صحیح نیست و لازم است بر او اعاده طواف.
- مسئله ۱۱۹۷.** اگر طواف نساء را سهواً یا عمدتاً تا برگشت از حج بجا نیاورد، پس اگر می تواند باید خودش برگردد و آن را بجا بیاورد و اگر نمی تواند یا مشقت دارد، باید نایب بگیرد و پس از بجا آوردن آن زن به او حلال می شود.
- مسئله ۱۱۹۸.** اگر شخص چندین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچ کدام طواف نساء نکرده باشد، یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت نمی کند.

مسائل متفرقه طواف نساء

- مسئله ۱۱۹۹.** نایب در طواف نساء باید آن را به نیت منوب عنه انجام دهد.
- مسئله ۱۲۰۰.** محرم پیش از بجا آوردن طواف نساء، تمتع از زن بر او حرام است.
- مسئله ۱۲۰۱.** شخصی که بعد از حج از دواج کرد و دارای فرزند شد و بعداً متوجه شد که در حج طواف نساء را بجا نیاورده است، با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد.

مسئله ۱۲۰۲. شخص مذکور تا طواف نساء را بجا نیاورد، زن بر او حلال نمی شود ولی عقد او صحیح است. بنابراین اگر نتواند شخصاً آن را انجام دهد، باید نایب بگیرد تا طواف و نماز آن را انجام دهد.

مسئله ۱۲۰۳. مردی که به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است و وظیفه تو طواف رجال است و زن بجای نیت طواف نساء، نیت طواف رجال کرد، اگر زن منظورش ادای وظیفه ای که داشت بوده است، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۰۴. کسی که عمره مفرده انجام می داد، بدون اینکه تقصیر کند طواف نساء را بجا آورد، عمره او باطل نمی شود ولی باید بعد از تقصیر، طواف نساء را اعاده نماید و بدون آن حرمت نساء باقی است.

مسئله ۱۲۰۵. شخصی که پس از مراجعت از مکه شک می کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را بجا آورده یا نه، اگر التفات به وجوب آن نداشته، باید آن را اگر امکان دارد خودش انجام دهد و اگر نمی تواند نایب بگیرد.

مسئله ۱۲۰۶. اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده با زن خود همبستر شود، کفاره ندارد اگرچه او مرتکب حرام شده است.

مسئله ۱۲۰۷. بجا نیاوردن طواف نساء از روی جهل یا عمد حج را باطل نمی کند، زیرا همانگونه که قبلاً گفتیم از واجبات در حج است نه از واجبات حج، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد، مگر در صورت ندانستن مسأله و یا فراموشی آن.

مسئله ۱۲۰۸. شخصی که قبل از طواف نساء بازو خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده، کفاره دارد مگر در صورت جهل یا نسیان.

مسئله ۱۲۰۹. شخصی که طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره تمتع محرم شده، طواف نساء فراموش شده را می تواند بعد از انجام اعمال عمره تمتع بجا آورد و اگر تأخیر بیاندازد، طواف نساء حج او

کفایت از آن نمی‌کند و باید یک طواف نساء دیگر بجا آورد.

مسئله ۱۲۱۰. پیرمردان و پیرزنانی که عمل زناشویی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی‌کنند و نیز کسانی که عنین هستند، باید طواف نساء را انجام دهند، زیرا طواف نساء جز واجبات و اعمال حج نیست ولی عملی است که در حج واجب شده و لذا باید انجام شود.

مستحبات طواف حج

مسئله ۱۲۱۱. آنچه از مستحبات در طواف عمره تمتع و نماز آن و سعی ذکر شد اینجا نیز جاری است.

بیتوته به منی

از واجبات حج بر محرم، بودن شب یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه در منی است.

مسئله ۱۲۱۲. واجب است بر حاجی که شب یازدهم ذی‌الحجه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند یعنی در آنجا بماند.

مسئله ۱۲۱۳. چنانچه حاجی روز عید (دهم ذی‌الحجه) جهت بجا آوردن طواف و سعی به مکه برود، واجب است به منی برگردد و شب را در آنجا بماند.

کسانی که باید شب سیزدهم در منی بمانند

مسئله ۱۲۱۴. چند طایفه‌اند که باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب در منی بمانند:

۱. کسی که در حال احرام صید کرده و نیز کسی که صید را گرفته ولی آن را

نکشته باشد؛

مسئله ۱۲۱۵. چیزهای دیگری از صید بر محرم حرام است، مانند خوردن گوشت آن و نشان دادن آن به صیاد.

مسئله ۱۲۱۶. اگر محرم از غیر آنچه ذکر شد اجتناب نکرده باشد، بر او بیتوته در منی در شب مذکور واجب نیست.

۲. کسی که با زن در احرام نزدیکی کرده، چه در قبل و چه در دبر و چه با زن خود و چه با زن اجنبیه؛

مسئله ۱۲۱۷. اگر غیر از جماع از کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن اجتناب نکرده باشد، بر او بیتوته در شب سیزدهم واجب نمی شود.

۳. کسی که در روز دوازدهم از منی کوچ نکرد تا مغرب، باید شب سیزدهم را در آنجا بماند.

طوایفی که واجب نیست در منی بمانند

مسئله ۱۲۱۸. چند طایفه اند که واجب نیست در شب های یازده و دوازده و سیزده ذی الحجه در منی بمانند:

۱. کسانی که از بیتوته در منی معذورند مانند بیماران و پرستاران آنها؛
۲. کسانی که برای آنها ماندن در منی مشقت داشته باشد؛
۳. کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را در منی بمانند مال آنها در مکه از بین برود و یا اینکه بر جان و مال خود در منی بترسند؛
۴. شبانهایی که نیاز به چرانیدن گوسفندان شان در شب دارند؛
۵. کسانی که در مکه متکفل آب دادن به حجاج هستند؛
۶. کسانی که در مکه شب را تا صبح بیدار و به عبادت مشغول باشند و کار دیگری جز آن نکنند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر

احتیاج و تجدید وضو؛

۷. کسی که طواف خانه خدا را کرده و در عبادت خود باقی مانده، سپس از مکه بیرون رفته و از عقبه مدینین گذشته باشد، او می تواند در راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسائل متفرقه بیتوته در منی

مسئله ۱۲۱۹. کسی که در احرام عمره تمتع از صید و زن اجتناب نکرده، باید شب سیزدهم در منی بماند و این حکم اختصاص به احرام حج ندارد.

مسئله ۱۲۲۰. مقداری که واجب است در شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بیتوته کند، از اول شب است تا نصف آن، پس کسی که از غروب در منی تا نیمه شب بیتوته کرد، مانعی ندارد بعد از آن بیرون برود.

مسئله ۱۲۲۱. نیمه شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند.

مسئله ۱۲۲۲. بیتوته در منی از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت از خداوند بجا آورد.

مسئله ۱۲۲۳. جایز نیست در غیر مکه مشغول عبادت شود و به منی نرود حتی در بین راه منی و مکه.

مسئله ۱۲۲۴. کسی که بیتوته به منی را در شبی که واجب است بماند ترک کند باید برای هر شبی یک گوسفند قربانی کند.

مسئله ۱۲۲۵. گوسفندی که باید به عنوان کفاره قربانی شود، هیچیک از شرایط هدی را که در منی برای حج باید ذبح کنند، لازم نیست داشته باشد.

مسئله ۱۲۲۶. گوسفندی که باید به عنوان کفاره قربانی کند محل معینی ندارد و حتی می تواند پس از مراجعت به محل خود آن را قربانی بکند.

مسئله ۱۲۲۷. اگر حاجی قسمتی از اول شب را که باید در منی بیتوته کند به

سبب اینکه برای انجام اعمال حج به مکه آمده بود، درک نکرد، بر او کفاره واجب نیست اگرچه بعد از نیمه شب به منی رسیده باشد.

مسئله ۱۲۲۸. کسانی که برای آنها کوچ کردن از منی در روز دوازدهم جایز است، باید بعد از ظهر کوچ کنند نه قبل از ظهر.

مسئله ۱۲۲۹. کسانی که در روز سیزدهم از منی کوچ می کنند، هر وقت که بخواهند می توانند از آنجا کوچ کنند، چه قبل از ظهر باشد و چه بعد از ظهر.

مسئله ۱۲۳۰. اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید، باید برای نقر (کوچ) بعد از ظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

مسئله ۱۲۳۱. در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم، زنان هم حکم مردان را دارند. بنابراین اگر با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمی توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند، مگر از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

مسئله ۱۲۳۲. کسانی که در زمین های متصل به منی که از منی نیست، در شب یازدهم و دوازدهم بیتوته می کنند، باید کفاره بدهند و برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند، هر چند اعتقاد پیدا کرده باشند که آنجا از منی است یا از گفته اشخاص محلی مطمئن شده باشند.

مسئله ۱۲۳۳. اگر حاجی قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شده و بعد از غروب به منی مراجعت کند، واجب نیست شب را در منی بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی شود.

مسئله ۱۲۳۴. کسی که بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کند و پیش از غروب برای کاری به منی برگردد و تا غروب در آنجا بماند، واجب نیست شب سیزدهم را بماند و نیز رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

مسئله ۱۲۳۵. بیتوته در منی اگر در غیر منی انجام شود، باید قربانی کنند.

مسئله ۱۲۳۶. فرقی بین عالم و جاهل در حکم مذکور نیست.

مسئله ۱۲۳۷. کسی که بدون عذر نصف اول شب را در منی نباشد، واجب است نصف دوم را در آنجا بماند و اگر نصف دوم را بود، وظیفه خود را انجام داده و کفاره ندارد.

مسئله ۱۲۳۸. هرگاه حاجی شب دوازدهم بعد از نصف شب از منی خارج و به مکه برود، روز بعد که برای رمی به منی می آید لازم نیست که قبل از ظهر باشد چون وظیفه ای غیر از رمی ندارد، لذا بعد از ظهر هم می تواند به منی برای رمی برگردد.

مسئله ۱۲۳۹. اگر مدیر کاروانی زن ها را قبل از ظهر دوازدهم از منی خارج نمود، وظیفه آنانی که از مسأله اطلاع نداشتند و یا اگر متوجه مسأله بودند نمی توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند اشکالی ندارد.

مسئله ۱۲۴۰. مقدار شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود از مغرب تا طلوع فجر است.

مسئله ۱۲۴۱. کسی که بعد از اعمال روز عید در منی، می خواهد برای طواف ها به مکه برود و می داند انجام آنها در مکه باعث این می شود که از بیت اول شب را درک نکند، می تواند برود و کفاره نیز ندارد.

رمی جمرات سه گانه

از واجبات در حج رمی جمرات سه گانه (جمرة اولی و جمرة وسطی و جمرة عقبه) است.

مسئله ۱۲۴۲. رمی در روز یازدهم و دوازدهم در منی واجب است و هرگاه شب سیزدهم در منی بیتوته کند، رمی روز سیزدهم نیز واجب خواهد بود.

مسئله ۱۲۴۳. اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند واجب است

در روز آن رمی جمرات کنند.

مسئله ۱۲۴۴. عدد سنگ ریزه که باید به جمره بزند برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره عقبه گفته شد.

مسئله ۱۲۴۵. وقت انداختن سنگ ریزه از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب است.

مسئله ۱۲۴۶. اگر کسی عذری داشته باشد از اینکه در روز رمی رابجا آورد مثل شبان و مریض و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل ازدحام و کثرت جمعیت، جایز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

مسئله ۱۲۴۷. واجب است در سنگ انداختن به جمره ترتیب را رعایت کند به اینکه اول به جمره اولی و بعد از آن به جمره وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بیاندازد.

مسئله ۱۲۴۸. اگر به ترتیبی که گفته شد رمی رابجا نیاورد، باید دوباره آنچه که برخلاف ترتیب کرده بجا آورد. مثلاً اگر سنگ ریزه را اول به جمره وسطی انداخت و بعد به جمره اولی، کفایت می کند که جمره وسطی را دوباره بجا آورد و بعد جمره عقبه را.

مسئله ۱۲۴۹. در حکمی که در مسئله قبل ذکر شد فرقی نیست میان آنکه از روی علم و عمد خلاف ترتیب رمی کرده باشد یا از روی سهو و نسیان یا از روی ندانستن مسئله، در هر صورت باید رمی را اعاده کند.

مسئله ۱۲۵۰. اگر کسی در یکی از روزهای رمی را فراموش کند، واجب است روز بعد آن را قضا کند و اگر دو روز را فراموش کرد، باید در روز بعد هر دو را قضا کند و همچنین اگر از روی عمد رمی را ترک کرده باشد.

مسئله ۱۲۵۱. با ترک رمی اگرچه عمدی باشد حج او باطل نمی شود ولی

گناهکار است، چون رمی از واجبات حج نمی باشد بلکه از واجبات در حج هست و باید قضای آن را در سال بعد خود یا نایبش انجام دهد.

مسئله ۱۲۵۲. واجب است قضا را در رمی بر ادا مقدم بدارد، پس در روز یازدهم اگر بخواهد قضای روز عید را بجا بیاورد، اول باید قضای آن را بجا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که ادا است. همچنین باید قضای روز جلو را مقدم بدارد بر قضای روز بعد، پس اگر در روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روز عید و روز یازدهم و روز دوازدهم را بجا آورد، باید به ترتیب از قضای روز عید شروع و به روز سیزدهم ختم کند که ادا است.

مسئله ۱۲۵۳. قضای رمی جمرات سه گانه واجب است و قضای رمی بعضی آنها اگر ترک شده باشد نیز واجب است، پس اگر در روز یازدهم جمره اولی را رمی کرد و دو تای دیگر را رمی نکرد، روز بعد باید آن را که رمی نکرده اتیان کند و بعد تکلیف این روز را بجا آورد.

مسئله ۱۲۵۴. اگر در روز بعد فهمید که جمرات روز قبل را به ترتیب رمی نکرده، باید بگونه ای که ترتیب حاصل شود قضا کند.

مسئله ۱۲۵۵. اگر به هر یک از جمرات یا بعضی آنها چهار سنگ به جمره انداخته باشد و در روز بعد یادش بیاید، لازم است که بقیه روز قبل را قضا کند و بعد وظیفه آن روز را بجا آورد.

مسئله ۱۲۵۶. اگر کسی رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و به مکه بیاید پس اگر در ایام تشریق یادش آمد، باید برگردد و رمی آنها را بجا آورد و اگر متمکن از برگشت نیست، باید نایب بگیرد که آن را انجام دهد.

مسئله ۱۲۵۷. اگر رمی جمرات را و یا رمی بعضی از آنها را فراموش کرد و یادش نیامد مگر بعد از خروج از مکه، لازم است در صورت امکان خودش و در صورت نبود امکان، نایب باید آنها را قضا نماید.

مسئله ۱۲۵۸. کسی که عذری از انداختن سنگ ریزه داشته باشد، باید ناپیش بجا آورد.

مسئله ۱۲۵۹. اگر بعد از آنکه نایب عمل را بجا آورد عذر منوب عنه برطرف شد، بجا آوردن او لازم نیست.

مسئله ۱۲۶۰. اگر شخص مریض مأیوس از خوب شدن باشد یا شخص معذور مأیوس از رفع عذر باشد، واجب است نایب بگیرد و اگر مأیوس هم نباشد می تواند نایب بگیرد.

مسائل شک در رمی جمرات

مسئله ۱۲۶۱. اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند، شک نماید که آن را بجا آورده یا نه، اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۶۲. اگر بعد از انداختن سنگ ریزه به جمره شک کند که کیفیت آن صحیح بوده یا نه، اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۶۳. اگر در وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک در رمی جمره اول و یا دوم نماید، اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۶۴. اگر شک کند در این که رمی جمره ها را چگونه صحیح انجام داده یا نه، به آن اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۶۵. اگر در عدد رمی جمره ای قبل از آنکه داخل در رمی جمره بعدی شده باشد شک کند که آیا هفت بوده یا کمتر، باید آنچه محتمل است کسر شده، بجا بیاورد تا یقین کند هفت عدد تکمیل شده است.

مسئله ۱۲۶۶. اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی می کرد یقین پیدا کند که یکی از سه جمره را رمی نکرده، جایز است به قضای رمی جمره عقبه اکتفا کند.

مسئله ۱۲۶۷. اگر بعد از آنکه داخل در جمره بعدی شد شک در عدد قبلی آن کند، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۶۸. اگر بعد از سنگ ریزه انداختن به هر سه جمره یقین پیدا کند که یک سنگ ریزه یا دو سنگ ریزه یا سه سنگ ریزه از یکی از سه جمره ناقص شده، باید هر چه را که احتمال کسری می دهد به هر یک از سه جمره بزند.

مسئله ۱۲۶۹. اگر بعد از گذشتن وقت رمی جمره ها یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است بهتر است هر سه روز را با مراعات ترتیب قضا کند، گرچه می تواند اکتفا به رمی جمره عقبه نماید.

مسائل متفرقه رمی جمرات سه گانه

مسئله ۱۲۷۰. زن ها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند، مجازند در همان شب رمی نمایند هر چند متمکن از رمی در روز دهم باشند. ولی در روز یازدهم و دوازدهم چنانچه از رمی در روز معذور باشند، می توانند رمی هر روز را در شب آن انجام دهند و چنانچه معذور نباشند نمی توانند و باید در روز رمی کنند.

مسئله ۱۲۷۱. رمی در طبقه دوم جمرات جایز است و لازم نیست در طبقه اول باشد.

مسئله ۱۲۷۲. کسانی که عذر دارند از اینکه در روز عید رمی کنند، می توانند شب قبل از آن یا شب بعد از آن رمی کنند و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند، می توانند بعد از رمی بجای روز عید در شب یازدهم، رمی آن روز را هم انجام دهند.

مسئله ۱۲۷۳. چنانچه کسانی صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشند ولی اطمینان دارند که بعد از ظهر خلوت است و قادر به رمی هستند، از صبح

نمی توانند نایب بگیرند، باید صبر کنند و بعد از ظهر رمی کنند.

مسئله ۱۲۷۴. بدون عذر نمی توان در شب، رمی جمرات کرد و ترک آن در روز بدون عذر، گناه است.

مسئله ۱۲۷۵. کسی که در رمی جمرات نایب شود، نمی تواند در شب رمی کند.

مسئله ۱۲۷۶. سنگ ریزه ها در رمی جمرات به هر نقطه ای از ستون که بخورد، کافی است.

مسئله ۱۲۷۷. شخصی که در موقع رمی در تعداد آن شک کند، اگر رمی را از اول شروع کند، اشکال ندارد.

مسئله ۱۲۷۸. برای زنان در شب دهم، قربانی و رمی کردن جایز است.

مسئله ۱۲۷۹. برای زنان نیابت در رمی جایز است.

مسئله ۱۲۸۰. اگر مردی که می تواند در روز رمی نماید برای رمی زنی نایب شود، نمی تواند رمی او را در شب انجام دهد بلکه باید آن را در روز انجام بدهد.

مسئله ۱۲۸۱. افرادی که معذور از واجباتی می باشند که ترکش ولو عمداً مضر به حج نیست مثل رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم و مبیت به منی در شب های یازدهم و دوازدهم، نمی توانند اجیر در حج و نیابت شوند.

مسئله ۱۲۸۲. کسی که به نیابت دیگری رمی جمره می کند، کافی است که اول برای خودش هر جمره ای را رمی کند و پس از آن به نیابت دیگران و نیز کافی است هر سه جمره را برای خودش و بعد هر سه را برای دومی و همچنین نسبت به دیگران رمی نماید.

مسئله ۱۲۸۳. کسی که نمی تواند در روز عید رمی کند، نمی تواند قبل از رمی حلق و یا تقصیر نماید.

مسئله ۱۲۸۴. جمره عقبه را از هر طرف می توان رمی نمود.

مسئله ۱۲۸۵. سنگ ریزه هایی که در مشعر موجود است، اگر معلوم است که از خارج مشعر آورده اند، نمی توان از آنها برای رمی استفاده نمود.

مسئله ۱۲۸۶. محرمی که رمی جمره عقبه را در روز عید غلط انجام داده و در روز سیزدهم متوجه شده، لازم نیست بعد از قضای جمره عقبه، رمی روز یازدهم و دوازدهم را نیز تکرار کند.

مسئله ۱۲۸۷. اگر از اول قصد زیاده تر از هفت عدد رمی را به جمره داشته باشد، صحیح نیست و باید رمی را اعاده کند. ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگ ریزه که به قصد هفت بوده، اضافه زده باشد ضرر ندارد.

مسئله ۱۲۸۸. کسی که نتوانسته در روز عید ذبح و یا حلق و یا تقصیر نماید، می تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد.

مسئله ۱۲۸۹. زنی که احتمال بدهد رمی باعث قاعدگی او می شود، اگر در اثر آن در رمی به مشقت می افتد، عذر محسوب می شود و می تواند در رمی نایب بگیرد.

مسئله ۱۲۹۰. محرمی که در رمی جمرات چنین تصور می کرده که باید سنگ ریزه به خود سنگ های نصب شده جمرات بخورد نه به ملات لای سنگ ها که به وسیله آن ملات بندکشی شده و لذا برای اطمینان از اینکه به خود سنگ ها بخورد یازده سنگ ریزه انداخته و هفت عدد از آنها را رمی صحیح محسوب داشته، مانعی ندارد، چون قصد زیاده نداشته و رمی او صحیح است.

مسئله ۱۲۹۱. محرمی که روز عید قربان برای رمی جمره عقبه رفته و انجام داده ولی دو روز بعد را در اثر کسالت، برای رمی نایب گرفته و او انجام داده، عمل او صحیح است.

مستحبات منی

مسأله ۱۲۹۲. مستحبات منی عبارتند از:

۱. ماندن در روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم در منی و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود؛
۲. تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است؛
۳. انجام نمازهای واجب و مستحب در مسجد خیف مادامی که در منی اقامت دارد و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است و هرکس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد کردن است و هرکس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده باشد و هرکس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

مستحبات در مکه

مسأله ۱۲۹۳. آداب و مستحبات در مکه عبارتند از:

۱. زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن؛
۲. ختم نمودن قرآن؛
۳. خوردن آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ»؛
۴. نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن؛

۵. در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن، در اول شب سه طواف و در آخر شب سه طواف و پس از دخول صبح دو طواف و بعد از ظهر دو طواف؛
۶. هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسر نشد هر مقداری که بتواند؛

۷. داخل شدن در خانه کعبه، خصوصاً کسی که سفر اول او است؛
۸. غسل نمودن قبل از داخل شدن در خانه خدا و در وقت داخل شدن در آن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمْنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ»؛
۹. دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد، در رکعت اول بعد از حمد «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند؛

۱۰. دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه؛
۱۱. هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید؛
۱۲. وقت پایین آمدن، پله‌ها را دست چپ قرار داده، کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند و نیز دعاهایی که در کتاب‌های ادعیه نقل شده است.

رعایت چند مسأله

مسأله ۱۲۹۴. موقعی که نماز جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی تشکیل می‌شود به نماز جماعت شرکت کنند و از مسجد خارج نشوند.
مسأله ۱۲۹۵. در قبرستان بقیع از بلند کردن صدا خصوصاً با بلندگو که باعث مخالفت بعضی و احیاناً درگیری می‌شود خودداری شود.

مسئله ۱۲۹۶. نماز در جوار قبور ائمه (ع) جایز است ولی برای آنکه مورد اهانت واقع نشوند از خواندن آن خودداری نمایند.

مسئله ۱۲۹۷. نماز زیارت را در مسجد النبی بخوانند که باده هزار نماز برابر است.

مسئله ۱۲۹۸. در قبرستان بقیع از سینه زدن و خاک برداشتن از قبور و انداختن پول روی آنها خودداری نمایند.

مسئله ۱۲۹۹. هنگام ورود به مسجد الحرام و مسجد النبی حتی المقدور از بردن کفش ها در داخل مسجد خودداری کنند.

مسئله ۱۳۰۰. سجده بر سنگ های مسجد الحرام و مسجد النبی جایز است و از گذاشتن مهر خودداری شود.

مسئله ۱۳۰۱. از قرآن هایی که در مسجد الحرام است بدون اجازه مسئول آنها بر ندارند.

مسئله ۱۳۰۲. وقتی که مشغول تنظیف و نظافت مسجد الحرام و مسجد النبی می شوند و دستور خروج می دهند، زودتر خارج شوند تا مورد اهانت واقع نشوند.

مسئله ۱۳۰۳. در بقیع نیز مطلب مذکور را رعایت کنند.

مسئله ۱۳۰۴. از چیز های کثیفی که مسجد الحرام و مسجد النبی و حرم ائمه (ع) را آلوده می کند خودداری نمایند.

مسئله ۱۳۰۵. موقع سوار شدن به ماشین و هواپیما مراعات بیماران، پیرمردان و بانوان را بنمایند.

مسئله ۱۳۰۶. در منازل مکه و مدینه و همچنین در خیمه های منی و عرفات ملاحظه همسایه های خود را بنمایند.

مسئله ۱۳۰۷. در سفر حج سخت از تجاوز به حقوق دیگران خودداری نمایند.

مسئله ۱۳۰۸. از درافتادن با دارندگان مذاهب دیگر بر اساس تعصب مذهبی سخت بپرهیزند.

مسئله ۱۳۰۹. کسانی که آگاهی کامل از آراء و نظرات و مبانی مذاهب دیگر ندارند وارد بحث با آنان نشوند.

مسئله ۱۳۱۰. کسانی که آگاهی از نظرات مذاهب دیگر دارند، باید مسائل را با رعایت اصول اخلاقی مورد بحث قرار دهند.

مخیر بودن حاجی در نماز بین قصر و تمام

مسئله ۱۳۱۱. اگر کسی وارد مکه شد، گرچه قصد ماندن ده روز را در آن نداشته باشد، برای او جایز است در مسجدالحرام نمازش را تمام بخواند و نیز کسی که وارد مدینه شد می تواند نمازش را در مسجدالنبی تمام بخواند.

مسئله ۱۳۱۲. تخییر بین قصر و تمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد و در تمام مکه و مدینه جاری است.

مسئله ۱۳۱۳. این حکم اختصاص به محله های قدیم مکه و مدینه ندارد و در جاهای توسعه داده شده شهر مکه و مدینه هم جاری است، پس در تمام محلات دو شهر مسافر می تواند نماز را تمام بخواند همانطور که می تواند شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۱۴. از جاهایی که مسافر می تواند نمازش را تمام بخواند مسجد کوفه است و نیز حرم امام حسین (ع) اگرچه جای نمازگزار دورتر از ضریح باشد، ولی شهر کوفه و شهر کربلا دارای این حکم نمی باشد.

احکام مصدود

مسئله ۱۳۱۵. مصدود کسی است که پس از بستن احرام برای عمره یا حج از انجام اعمال آن جلوگیری شود.

مسئله ۱۳۱۶. مصدود از عمره چه به وسیله دشمن یا دولت، می تواند در جای خود قربانی کند و از احرام خارج شود و بهتر این است که حلق یا تقصیر را نیز انجام دهد.

مسئله ۱۳۱۷. کسی که بدهکاری دارد و چیزی که به طلبکار بدهد ندارد و او را حبس کنند و یا به ظلم او را حبس نمایند، حکم سابق را دارد.

مسئله ۱۳۱۸. اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا برای اجازه بجا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند، اگر داشته باشد باید آن را بدهد و اگر نداشته باشد و یا آنکه برای او حرجی باشد، ظاهراً او حکم مصدود را دارد.

مسئله ۱۳۱۹. اگر از یک طریق مصدود شده باشد ولی از راه دیگری مصدود نباشد و مخارج رفتن از آن راه را دارد، حکم مصدود را ندارد و باید از آن راه برود و حج را انجام دهد و اگر رفت و نتوانست حج را درک کند، می تواند با انجام عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسئله ۱۳۲۰. اگر محرم خوف آن داشته باشد که اگر از راه دیگر برود به حج نمی رسد حکم مصدود را دارد.

مسئله ۱۳۲۱. کسی که مصدود است اگر امید برطرف شدن مانع و یا گمان آن را داشته باشد، می تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

مسئله ۱۳۲۲. مصدود از حج چنانچه صد (جلوگیری) او از موقف عرفات و مشعر یا خصوص موقف مشعر باشد، وظیفه اش قربانی در محل صد (جلوگیری) و بیرون آمدن از احرام است و بجاست که علاوه بر قربانی، حلق

یا تقصیر نیز بنماید.

مسئله ۱۳۲۳. چنانچه صد (جلوگیری) مصدود از طواف و سعی بعد از موقوفین و اعمال منی باشد، در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد وظیفه اش قربانی در محل صد است و اگر بتواند باید برای طواف و سعی نایب بگیرد و حکم مصدود را ندارد.

مسئله ۱۳۲۴. مصدود چنانچه فقط از اعمال منی جلوگیری شده باشد نه از رفتن به مکه، در این صورت نیز حکم مصدود را ندارد، چنانچه بتواند باید برای رمی و قربانی نایب بگیرد و خود حلق یا تقصیر نموده و از احرام خارج شده و سپس بقیه مناسک و اعمال را بجا آورد.

مسئله ۱۳۲۵. مصدود چنانچه نتواند برای رمی و قربانی نایب بگیرد وظیفه اش این است که پول قربانی را نزد کسی بگذارد که به جای او قربانی و نیز رمی کند و در جای خود حلق یا تقصیر نموده و برای بجا آوردن اعمال مکه، به مکه رفته و پس از اتمام اعمال آنجا از سعی و طواف، تمام چیزهایی که به احرام بر او حرام شده بود، حلال خواهد شد حتی زن و حاجتی به چیز دیگر ندارد و حجش صحیح است.

مسئله ۱۳۲۶. در صورتی که مصدود از سال های پیش مستطیع بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، به قربانی که ذکر شد حج از او ساقط نمی شود بلکه واجب است در سال بعد حج نماید.

مسئله ۱۳۲۷. کسی که تمام اعمال حج را در مکه بجا آورده و از رفتن به منی جهت بیتوته و رمی جمرات جلوگیری شود، حجش تمام است و برای رمی در صورت امکان همان سال و در صورت عدم امکان برای سال بعد نایب بگیرد و حجش صحیح است، حکم مصدود بر چنین شخصی جاری نیست.

مسئله ۱۳۲۸. کسی که نتواند حج خود را از جهت مانعی غیر از صد، ادامه دهد می تواند در جای خود قربانی نموده و از احرام خارج شود.

مسئله ۱۳۲۹. قربانی که در این موارد گفته شد فرق ندارد که شتر باشد یا گاو و یا گوسفند و چنانچه نتواند قربانی کند، بدل آن را که روزه است به ترتیبی که گفته شد انجام دهد.

مسئله ۱۳۳۰. کسی که حج خود را فاسد کرده و بعداً مصدود شود حکم صد بر او جاری می شود ولی بایستی علاوه بر قربانی کفاره افساد حج را نیز بدهد.

مسئله ۱۳۳۱. کسی که قربانی را همراه خود برده و مصدود شود، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری بر او واجب نمی شود.

احکام محصور

مسئله ۱۳۳۲. محصور کسی را گویند که در اثر بیماری و مانند آن پس از پوشیدن احرام نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد.

محصور در عمره مفرده

مسئله ۱۳۳۳. وظیفه کسی که در عمره مفرده محصور شده این است که قربانی خود را به مکه بفرستد و با شخص امینی وقت معین کند که قربانی را در آن وقت قربانی نماید. او بعد از آن وقت از احرام خارج می شود و نیز می تواند در جای خود قربانی نموده و از احرام خارج شود.

محصور در عمره تمتع

مسئله ۱۳۳۴. کسی که در عمره تمتع محصور شده حکمش حکم سابق است

با این فرق که زن هم بر این شخص حلال می شود.

مسئله ۱۳۳۵. کسی که محصور در حج شد و نتوانست به عرفات و مشعر برود، قربانی و یا پول آن را به منی می فرستد که در آنجا روز عید ذبح کنند و با تقصیر خودش در آن روز که انجام می دهد، هر چه از راه احرام بر او حرام شده بود حلال می شود.

مسئله ۱۳۳۶. حکم حج استحبابی حکم حج واجب را در حصر دارد.

مسئله ۱۳۳۷. اگر محرم در وقتی محصور شد که دو موقف عرفات و مشعر از او فوت شده باشد و خود در مکه یا در راه به سوی دو موقف بوده، حجش بدل به عمره مفرده می شود و باید اگر می تواند خود طواف و سعی نماید یا طواف داده شود یا اگر نمی تواند کسی به جای او طواف کند. همچنین سعی و طواف نساء را شخصاً یا با کمک دیگری یا نایش بجای آورد و به تقصیر از احرام بیرون می آید و تمام محرمات احرام حتی زن بر او حلال می شود.

مسئله ۱۳۳۸. هرگاه محصور شد و قربانی خود را فرستاد و بعد از آن مرضش سبک تر شد، چنانچه گمان کند یا احتمال دهد که حج را درک خواهد نمود واجب است خود را برساند و چنانچه هر دو موقف یا فقط موقف مشعر را درک نمود حج را درک نموده است.

مسئله ۱۳۳۹. در فرض مذکور چنانچه موقف را درک نکرد، اگر قربانیش کشته نشده، حج او بدل به عمره مفرده می شود و اگر کشته شده باشد، از احرام بیرون آمده و تمام محرمات بر او حلال می شود مگر زن و بر او لازم است که طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نمازش را بجای آورد تا زن نیز بر او حلال شود.

مسئله ۱۳۴۰. اگر مریض بعد از آنکه هدی یا پولش را به منی فرستاد حالش

خوب شد، بطوری که توانایی رفتن به مکه را داشت باید برود. پس اگر محرم به احرام تمتع است و در وسعت وقت به مکه رسید، اعمال عمره و حج را بجا می آورد و اگر در تنگی وقت رسید، بطوری که اگر بخواهد عمره را بجا بیاورد و قوف به عرفات از او فوت می شود، باید برود به عرفات و حج افراد بجا بیاورد و بعد از آن عمره مفرده بکند و از حجة الاسلام کافی است.

مسئله ۱۳۴۱. اگر وقتی به مکه رسید که حج از او فوت شده باشد یعنی وقت درک و قوف اختیاری مشعر برای او باقی نمانده باشد، عمره تمتع او مبدل به عمره مفرده می شود و باید آن را بجا آورد و از احرام خارج شود و اما حج واجب را با وجود شرایط یا در صورت مستقر بودن حج بر او، باید در سال دیگر بجا آورد.

مسئله ۱۳۴۲. کسانی که مریض نیستند ولی به علت دیگری بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا به واسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده، او حکم محصور را دارد.

مسئله ۱۳۴۳. زمانی که باید مریض با کسی در احرام حج برای ذبح قرار بگذارد، روز دهم ذی الحجه است.

مسئله ۱۳۴۴. در احرام عمره تمتع برای ذبح زمان معینی ندارد، ولی بهتر است قبل از خروج حاجیان از مکه به عرفات باشد.

مسئله ۱۳۴۵. شخصی که به نیت عمره تمتع استحبابی محرم شود، طواف و نماز آن را بجا آورد، ولی بر اثر مرض یا دشمن نتواند اعمال را تمام کند و نیز نتواند نایب بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد.

مسئله ۱۳۴۶. تصادف در حال احرام اگر بگونه ای باشد که مانع از انجام اعمال حج شود حصر به حساب می آید و باید عملی که محصور انجام می دهد بجا

آورد.

مسئله ۱۳۴۷. اگر محرم پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای انجام حج محرم شود، وی از احرام خارج شده ولی کفایت از حج نمی‌کند و چنانچه سال اول استطاعت او باشد، حج بر او واجب نشده و اگر سال اول استطاعت او نبوده، باید در سال‌های بعد حج را انجام دهد.

مسئله ۱۳۴۸. شخصی که برای حج محرم شده ولی بر اثر مرض و بیماری نتواند و قوفین را درک کند حکم محصور را پیدا می‌کند.

مسئله ۱۳۴۹. اگر محصور بتواند وقوف به عرفات و مشعر الحرام را درک کند نسبت به بقیه اعمال، می‌تواند نایب بگیرد و حج او صحیح است.

مسئله ۱۳۵۰. شخصی که در مدینه مریض شد، می‌تواند او را به مسجد شجره ببرند و در آنجا محرم نمایند و احرام او صحیح است و اگر بتواند عمره و حج را انجام دهد ولو با استنابه، در طواف و سعی نیز حج او صحیح است و اگر نتواند آن را بجا آورد حکم محصور را دارد.

مسئله ۱۳۵۱. کسی که احرام عمره تمتع بست و به واسطه مرض نتوانست به مکه برود، اگر بخواهد محل شود باید قربانی کند و لازم است هدی یا پول آن را به وسیله امینی به مکه بفرستد و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و وقتی که آن روز و ساعت موعود رسید، تقصیر کند. پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن و بچاست شخص امینی در ذبح قصد تحلیل منوب عنه کند.

مسئله ۱۳۵۲. کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست برای عرفات و مشعر برود باید هدی کند و لازم است قربانی یا پول آن را به منی

بفرستد که در آنجا روز عید ذبح کنند و در آن وقت تقصیر کند و پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود.

مسئله ۱۳۵۳. اگر کسی در عمره مفرده محصور شد، فرستادن قربانی به مکه لازم نیست، بلکه می تواند در محل خودش هدی را ذبح کرده و مُحل شود.

مسئله ۱۳۵۴. کسی که حج واجب به عهده او است و به واسطه مرض محصور شد، زن بر او حلال نمی شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال حج را بجا بیاورد و طواف نساء بکند، ولی اگر عاجز از آمدن شد، عمل نایب برای تحلیل زن بر او کفایت می کند.

مسئله ۱۳۵۵. در حصر، حج استحبابی دارای حکم حج واجبی است.

مسئله ۱۳۵۶. اگر کسی که با او قرارداد شده بود در روز عید ذبح کند و او آن را انجام نداد و شخص محرم در آن روز موعود مُحل شد و با زن خویش نزدیکی نمود، معصیت نکرده و کفاره هم ندارد ولی باید هدی یا پول آن را به منی بفرستد و زمان ذبح را معین کند و باید محصور از زن تا زمانی که معلوم شود ذبح را شخص امین عملی کرده اجتناب کند.

مسئله ۱۳۵۷. تحقق عنوان محصور مثل تحقق عنوان مصدود است.

مسئله ۱۳۵۸. هرگاه حصرش فقط از واجبات منی باشد، حکم محصور بر او جاری نمی شود بلکه باید برای رمی و قربانی نایب گرفته و خود حلق یا تقصیر نموده و سپس به مکه رفته و مناسکش را بجا آورد.

مسئله ۱۳۵۹. چنانچه محصور نتواند نایب پیدا کند پول قربانی را نزد شخص امینی می گذارد که بجای او قربانی کند و خود حلق یا تقصیر و قربانی نموده و به مکه رفته و اعمال مکه را بجا آورد و در سال بعد خود و یا نایبش رمی را بجا آورد.

مسئله ۱۳۶۰. چنانچه بعد از درک وقوفین و اعمال منی فقط از رفتن به مکه و ادای مناسکش محصور شد، لازم است جهت ادای مناسک مکه نایب بگیرد، و پس از عمل نایب تمام چیزها حتی زن بر او حلال می شود.

مسئله ۱۳۶۱. هرگاه شخص محصور شد و قربانی خود را به منی فرستاد و سپس به سر خود آسیبی رساند قبل از آنکه قربانی بجای خود برسد، جایز است خود گوسفندی کشته یا سه روز روزه گرفته یا شش مسکین را اطعام نماید که به هر کدام دو مد بدهد و بعد حلق و یا تقصیر نماید.

مسئله ۱۳۶۲. در صورتی که محصور استطاعتش تا سال بعد باقی بماند یا از سال های پیش حج بر او واجب شده باشد، با فرستادن قربانی و بیرون آمدن از احرام، حج از او ساقط نمی شود و بایستی در سال بعد حج نماید.

مسئله ۱۳۶۳. هرگاه شخص محصور نه قربانی داشته باشد و نه قیمت آن را، باید به ترتیبی که گذشت ده روز روزه بگیرد (یعنی سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به وطن).

مسئله ۱۳۶۴. مستحب است برای محرم هنگامی که می خواهد احرام ببندد، بر پروردگار خود شرط کند که هر جا نتواند اعمال را ادامه دهد از احرام بیرونش بیاورد.

مسئله ۱۳۶۵. بیرون آمدن از احرام متوقف بر شرط مذکور نیست، زیرا هر جا که عذر یا مانعی پیدا کرد خود بخود از احرام بیرون خواهد آمد، چه آنکه شرط مذکور را کرده باشد چه آنکه نکرده باشد.

استحباب عمره مفرده پس از اعمال حج

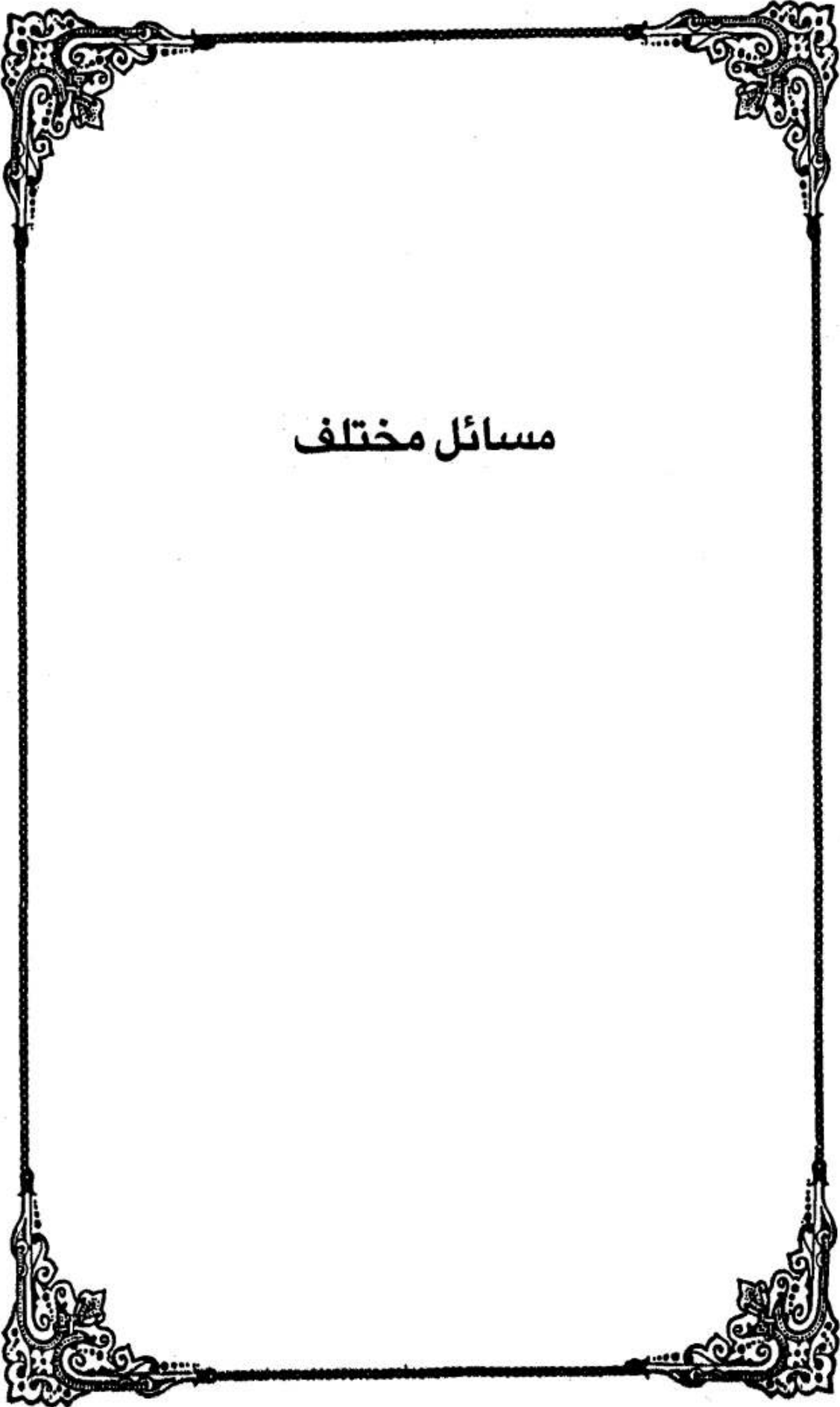
مسئله ۱۳۶۶. بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که میسر باشد مستحب

است عمره مفرده بجا آورد و فاصله بین عمره تمتع و عمره مفرده یک ماه یا کمتر و یا بیشتر شرط نیست و نیز فاصله بین عمره های مفرده همانگونه که قبلاً در مسائل متفرقه میقات گفتیم، اعتبار ندارد.

طواف وداع

مسئله ۱۳۶۷. برای کسی که می خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع که همانند طواف حج و طواف نساء است بنماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسد، مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه می خواهد دعا نماید و بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند و یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينَكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتُكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنَّتِكَ وَعَبْدِكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

وقت بیرون آمدن از مسجدالحرام از باب حناطین که مقابل رکن شامی است خارج شود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و در وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.



مسائل مختلف

مکان‌هایی که سزاوار است حاجی از آنها دیدار کند

مسئله ۱۳۶۸. مکان‌هایی که سزاوار است حاجی از آنها در مکه مکرمه دیدار کند عبارتند از:

۱. غار حرا محل بعثت رسول خدا(ص)، ۲. غار ثور محل پنهان شدن رسول خدا(ص) از شر مشرکان، ۳. محل شق القمر در کوه ابوقبیس، ۴. محل ولادت پیامبر(ص) در محل سوق اللیل.

مسئله ۱۳۶۹. مزارها در مکه مکرمه عبارتند از:

۱. مزار حضرت ابوطالب، ۲. مزار حضرت خدیجه، ۳. مزار حضرت عبدالمطلب، ۴. مزار عبدمناف، ۵. قبور جمعی از بزرگان در قبرستان حَجُّون، ۶. مزار شهدای فخ در یک فرسنگی مکه.

اسامی کعبه در قرآن کریم

پیش از آنکه اسامی کعبه را بیان کنیم باید به بیان این مطلب پردازیم که چرا کعبه را «کعبه» نامیدند؟ در علت نامگذاری کعبه به این اسم دو وجه ذکر شده است:

۱. چون کعبه دارای ارتفاع و بلندی از سطح زمین می باشد، همچنانکه کعبه در لغت نیز به معنی ارتفاع آمده است؛

۲. زیرا خانه خدا به شکل مربع می باشد و عرب این اسم را به هر خانه ای که چهار گوش باشد اطلاق می کند. ولی با کثرت استعمال (وضع تعینی) برای خانه خدا عَلَم گردید. بنابراین هرگاه اسم کعبه برده می شود به خانه خدا انصراف دارد.

البته واژه کعبه در قرآن در برخی موارد به تنهایی و در برخی آیات همراه با کلمه البيت الحرام آمده است، مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ... هَدْيًا بِالْغِ الْكَعْبَةِ»^۱ یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه در احرام باشید شکار را نکشید، هر که صید را به عمد بکشد جزای او قربانی کردن حیوانی است مانند آنچه کشته است، به شرط آنکه دو عادل به آن گواهی دهند و قربانی را به کعبه رساند.

همچنین می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ...»^۲ یعنی خدا کعبه بیت الحرام را با ماه حرام و قربانی بی قلاده و باقلاده، قوام کار مردم گردانید.

مسئله ۱۳۷۰. یکی از اسامی کعبه «بیت» است و در بسیاری از آیات اسم بیت بر کعبه اطلاق شده است:

۱. «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَتَصَدِيَةً»^۳ یعنی دعایشان در نزد خانه کعبه جز صفیر کشیدن و دست زدن هیچ نبود.

۱. سورة مائدة، آیه ۹۵.

۲. سورة مائدة، آیه ۹۷.

۳. سورة انفال، آیه ۳۵.

۲. «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»^۱ یعنی پس باید پروردگار این خانه را

پرستند.

۳. «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ...»^۲ یعنی صفا و مروه

از شعائر خداست، پس کسانی که حج خانه خدا بجای می آورند یا عمره می گذارند، اگر بر آن دو کوه طواف کنند مرتکب گناهی نشده اند. صفا و مروه اسم دو کوهی است که بین آنها فاصله ای وجود دارد و سعی میان آن دو از ارکان حج است. در عصر جاهلی بر کوه صفا بتی به نام اساف و بر کوه مروه بت دیگری بنام نائله بود و مسلمانان از سعی میان آن دو کوه که زیارتگاه مشرکین بوده بیم داشتند ولی در این آیه سعی میان این دو کوه از شعائر خدای یکتا خوانده شده تا دیگر بیمی بر جای نماند.

۴. «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا...»^۳ و کعبه را جایگاه اجتماع و

مکان امن مردم ساختیم. مقام ابراهیم را نمازگاه خویش گیرید....

۵. «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...»^۴ و مکان خانه را برای ابراهیم

آشکار کردیم و گفتیم هیچ چیز را شریک من نساز و خانه من را برای طواف کنندگان و برپای ایستادگان و راکعان و ساجدان پاکیزه بدار.

۶. «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ...»^۵ هنگامی که ابراهیم و

اسماعیل پایه های خانه را بالا بردند گفتند: پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوا و

۱. سوره قریش، آیه ۳.

۲. سوره بقره، آیه ۱۵۸.

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۴. سوره حج، آیه ۲۶.

۵. سوره بقره، آیه ۱۲۷.

دانا هستی .

۷. «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۱ و برای خدا است بر مردم، حج خانه خدا آن کس که بتواند به سویش راهی بیابد و هر که کفر ورزد همانا خدا از جهانیان بی نیاز است.

۸. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ...»^۲.

۹. «وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ...»^۳ ما ابراهیم و اسماعیل را فرمان دادیم خانه من را برای طواف کنندگان و مقیمان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید.

مسأله ۱۳۷۱. به کعبه در بسیاری از آیات «مسجد الحرام» نیز گفته شده است از جمله در آیات ذیل:

۱. «وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»^۴ هرگاه بیرون شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام برگردان.

۲. «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»^۵ و در مسجد الحرام با آنها (کافران) جنگ نکن مگر آنکه با شما بجنگند و چون با شما جنگیدند بکشیدشان که اینست پاداش کافران.

۳. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»^۶ و دشمنی با

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۶.

۳. سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۴. سوره بقره، آیه ۱۵۰.

۵. سوره بقره، آیه ۹۱.

۶. سوره مائده، آیه ۲.

قومی که می خواهند شما را از مسجدالحرام بازدارند، و ادارتان نسازد که از حد خویش تجاوز کنید.

۴. «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ غَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»^۱ چگونه مشرکان را با خدا و پیامبر او پیمانی باشد؟ مگر آنهایی که نزد مسجدالحرام با ایشان پیمان بستید.

۵. «وَمَا لَهُمْ آلَا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَ هُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»^۲ و چرا خدا عذابشان نکند، حال آنکه مردم را از مسجدالحرام باز می دارند و صاحبان آن نیستند.

۶. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»^۳ منزّه است آن خدایی که بنده خود را شبی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را برکت داده ایم سیر داد.

۷. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ...»^۴ آنهایی که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجدالحرام (که برای مردم چه مقیم و چه غریب یکسان است) باز می دارند....

۸. «هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»^۵ ایشان آنهایی هستند که کفر ورزیدند و شما را از مسجدالحرام بازداشتند و مانع شدند که قربانی به قربانگاهش برسد.

۱ سورة توبه، آیه ۷.

۲ سورة انفال، آیه ۳۴.

۳ سورة اسراء، آیه ۱.

۴ سورة حج، آیه ۲۵.

۵ سورة فتح، آیه ۲۵.

آیات دیگری هم در سوره‌های بقره و توبه وجود دارد که همین مطلب را اثبات می‌کند.

توصیف بیت به اوصاف

مسئله ۱۳۷۲. در آیات شریفه قرآن بیت به اوصاف گوناگون توصیف شده است از جمله:

۱. با وصف حرام: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ... وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ...»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید شعائر خدا و ماه حرام و قربانی را، چه بی‌قلاده و چه باقلاده، حرمت نشکنید... و آزار آنان را که به طلب روزی و خشنودی پروردگارشان آهنگ بیت‌الحرام کرده‌اند، روا ندارید....

۲. با وصف عتیق: «لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحَلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ» از آن شتران قربانی تا زمانی معین سود ببرید، پس بدانید که جای قربانیشان در آن خانه کهنسال است.

در آیه دیگر فرمود: «وَلِيَطَّوُّوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»^۲.

۳. با وصف معمور: «وَالْبَيْتَ الْمَعْمُورَ»^۳ قسم به بیت معمور.

۴. با وصف محرم: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ...» پروردگارا برخی از فرزندانم را به بیابانی بی هیچ کشته‌ای، نزدیک خانه گرامی تو جای دادم.

۱ سوره مائده، آیه ۲ و ۹۵.

۲ سوره حج، آیه ۲۹.

۳ سوره طور، آیه ۴.

علت نامگذاری «مکه» به این اسم

مسئله ۱۳۷۳. لغت‌شناسان در وجه تسمیه مکه به این اسم، نکاتی را ذکر کرده‌اند که به آنها اشاره می‌کنیم.

ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: از آنجا که آب آن سرزمین قلیل است و مردم برای رفع احتیاجات خود، آب را از زیر زمین استخراج می‌کردند، آن را مکه نامیدند.

عبیدالله بن زبیر می‌گوید: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ بِذَلِكَ لِقِلَّةِ مَائِهَا» و این اسم از ضرب‌المثل معروف عرب گرفته شده است که می‌گویند: «مَكَّ الْفَصِيلُ وَ امْتَكَّ» یعنی کودک هر آنچه شیری که در پستان مادر بود، مکید. در همان کتاب آمده است: «مِنْ أَنَّهَا كَانَتْ تُمَكُّ مَنْ ظَلَمَ فِيهَا وَ الْخَدَّ تَهْلُكُهُ» یعنی هرکسی در آن مکان ظلم کند و یا الحاد و بی‌دینی را رواج دهد، هلاک می‌شود.

یاقوت حموی در معجم البلدان در علت تسمیه مکه به این نام چنین می‌گوید: چون اعراب جاهلی گمان می‌کردند حجشان باطل است، با این گمان به نزد کعبه می‌آمدند و در حین طواف فریاد می‌کشیدند و دست‌های خود را بر هم می‌زدند (کف می‌زدند) و بعید نیست که آیه ۳۵ سوره انفال اشاره به همین داستان داشته باشد «وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءَ وَ تَصَدِيَةٍ...».

چرا مکه را «بکه» نامیدند؟

مسئله ۱۳۷۴. برای روشن شدن اینکه چرا مکه را «بکه» نامیده‌اند، باید به اهل خبره رجوع کرد و باید نظر لغت‌شناسان را ملاحظه کنیم.

ابن منظور در لسان العرب می گوید: اینکه مکه را «بکه» نامیدند، چون هر ظالمی قصد تعدی و تجاوز به آن را داشته باشد، گردنش قطع خواهد شد «لَأنَّهَا كَانَتْ تَبْكُ أَعْنَاقَ الْجَبَّارَةِ إِذَا أَحَدُوا فِيهَا بِظُلْمٍ».

همین نظر را اسماعیل بن حماد جوهری در کتاب صحاح اللغة، جلد ۴، صفحه ۱۵۷۶ ابراز کرده و عبیدالله بن زبیر نیز به همین معنی نظر داده است. برخی چنین گفته اند: چون مردم به هنگام طواف خانه خدا مزاحم یکدیگر می شوند، آن را بکه نامیدند. ولی اسماعیل بن حماد جوهری در صحاح اللغة و در همان جلد، نظریه دیگری مطرح کرده و می گوید: «مِنْ إِنْ بَكَّةَ إِسْمٌ بَطْنٌ مَكَّةَ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ بِذَلِكَ لِأَزْدِخَامِ النَّاسِ فِيهَا» بکه اسم خود مکه است ولی علت نامگذاری آن به این اسم آن است که مردم زیادی در آن مکان اجتماع و ازدحام می کنند.

در عبارت دیگری آمده است: «أَنَّ مَكَّةَ إِسْمٌ لِلْبَلَدِ وَ بَكَّةَ إِسْمٌ لَأَرْضِ الْبَيْتِ سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّ النَّاسَ يَتَبَاكُونَ فِيهِ أَيْ يُزَاحِمُونَ فِي الصَّلَاةِ وَ الدَّهَابِ» مکه اسم شهر مکه می باشد و بکه اسم است برای زمینی که بیت الله در آن واقع شده و علت نامگذاری آن به این اسم آن است که مردم در رفت و آمدند و به هنگام نماز مزاحم یکدیگر می شوند.

اسم بکه در قرآن مجید نیز آمده است، آنجا که می فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۱ همانا اولین خانه ای که برای مردم بنا نهاده شد، همان است که در مکه واقع شده و برای عالمیان مایه برکت و هدایت است.

نامگذاری مکه به «امّ القری»

مسئله ۱۳۷۵. برای نامگذاری مکه به امّ القری عالمان و محققان عواملی را بیان کرده‌اند از جمله آن عوامل:

۱. فخر رازی در تفسیر خود چنین می‌گوید: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ بِذَلِكَ إِجْلَالًا لَهَا فِيهَا الْبَيْتَ وَ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَ الْعَرَبُ تُسَمِّي أَصْلَ كُلِّ شَيْءٍ أُمَّهُ» علت نامگذاری مکه به این اسم در واقع نوعی تجلیل از مکه مکرمه است، زیرا خانه خدا و مقام ابراهیم (ع) در آن قرار دارد و عرب نیز ریشه هر چیزی را (امّ) می‌گوید.

۲. ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ بِأُمِّ الْقُرَى لِأَنَّهَا قِبْلَةٌ لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا...»^۱ و نیز قرآن را به زبان عربی بر تو نازل کردیم تا ام القری (مکه) و ساکنان اطرافش را بیم دهی.
در آیه دیگر: «... لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا...»^۲ تا با آن، مردم ام القری و مردم اطرافش را بیم دهی....

اطلاق لفظ «بَلَد» بر مکه

مسئله ۱۳۷۶. در بعضی از آیات از مکه به لفظ «بَلَد» تعبیر شده است. از آن آیات است:

۱. آیه «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ»^۳ قسم به این شهر و تو در این شهر سکونت گزیده‌ای.

۱. سوره شوری، آیه ۷.

۲. سوره انعام، آیه ۹۲.

۳. سوره بلد، آیه ۱-۳.

۲. «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»^۱ سوگند به انجیر و زیتون، سوگند به طور مبارک، سوگند به این شهر ایمن.
همچنین در آیه ۱۲۶ سوره بقره و آیه ۳۵ سوره ابراهیم از مکه به بَلَد تعبیر شده است.

تعبیر از مکه به بَلَد

مسئله ۱۳۷۷. در برخی از آیات کریمه قرآن از مکه به «بَلَد» تعبیر شده است. از آن آیات است: «إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا...»^۲
جز این نیست که به من فرمان داده‌اند که پروردگار این شهر را که خدا حرمش نهاده و همه چیز از آن اوست، پرستش کنم.

تعبیر از مکه به «حرم امن»

مسئله ۱۳۷۸. در بعضی آیات از مکه به «حرم امن» تعبیر شده است. از آن آیات است:

۱. آیه «أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِن لَّدُنَّا...»^۳ آیا آنها را در حرمی امن جای نداده‌ایم که هرگونه ثمرات در آن فراهم می‌شود و این رزقی است از جانب ما....
۲. آیه «أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا...»^۴ آیا ندانسته‌اید که حرم امن را

۱ سوره تین، آیه ۱.

۲ سوره نمل، آیه ۹۱.

۳ سوره قصص، آیه ۵۷.

۴ سوره عنکبوت، آیه ۶۷.

جای مردم قرار دادیم و حال آنکه مردم در اطرافشان به اسارت رفته می‌شوند.

چگونگی بوجود آمدن خانه کعبه

مسئله ۱۳۷۹. چگونگی بوجود آمدن خانه کعبه و مراحل ساختمانی آن را بطور فشرده در مقدمه بیان کردیم و گفتیم حضرت ابراهیم (ع) بعد از ویران شدن خانه خدا دوباره آن را ساخت. این خانه مقدس قبل از ابراهیم (ع) و حتی دو هزار سال قبل از آدم ابوالبشر وجود داشته و مردم گرداگرد آن طواف می‌کرده‌اند.

آداب دخول در مسجدالحرام

مسئله ۱۳۸۰. مستحب است مکلف برای دخول در مسجدالحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی شیبه در زمان کنونی مقابل باب السلام است، بنابراین بهتر است که شخص از باب السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده بگوید: «السلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَیْ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ».

فضیلت نماز در مسجدالحرام

مسئله ۱۳۸۱. روایاتی که در این مورد از ائمه معصومین (ع) به دست ما

رسیده، بسیار زیاد است ولی از باب تبرک به یک روایت اکتفا می‌کنیم: «رُوي أَنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنْ الْمَسَاجِدِ» یک نماز در مسجد الحرام از یکصد نماز در غیر آن افضل است.

مستحبات دخول حرم

۱. همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت دخول حرم غسل نماید؛

۲. برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پابرنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد؛

۳. وقت دخول حرم این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَ قَوْلِكَ الْحَقَّ وَ أَذِنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شَقَاةٍ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لَأَمْرِكَ وَ كُلِّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ ابْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ وَ الْقُرْبَى إِلَيْكَ وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَ الثَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَ آمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

مستحبات دخول مکه معظمه

مسأله ۱۳۸۲. برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل نماید و هنگامی که وارد مکه می‌شود با تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از پایین آن بیرون آید.

حدود حرم مکه

مسئله ۱۳۸۳. حد حرم مکه معظمه که صید کردن و قطع درخت از آن حرام است (بنابر آنچه که در کتاب فقه السنه آمده است) با سنگ‌های بلندی که یک متر ارتفاع دارد و در دو طرف هر جاده‌ای نصب شده مشخص گردیده است.

حدود مکه

مسئله ۱۳۸۴. حدود مکه از نظر اهل سنت عبارت است از:

۱. اولین حد از جهت شمال «تنعیم» است که فاصله بین آن تا مکه ۶ کیلومتر است، ولی در این عصر بر اثر توسعه شهر، تنعیم در داخل مکه قرار گرفته است.

۲. دومین حد از جهت جنوب منطقه «اضاء» می باشد که بین آن تا مکه ۱۲ کیلومتر فاصله است.

۳. سومین حد از ناحیه شرق «جعرانه» است که فاصله آن تا مکه ۱۶ کیلومتر می باشد.

۴. چهارمین حد از جانب غرب «شمیسی» است که فاصله آن تا مکه ۱۵ کیلومتر است.

ولی حد حرم مکی به اعتقاد شیعه چهار فرسنگ در چهار فرسنگ است، «بَرِیدٌ طُولاً وَ بَرِیدٌ عَرْضاً» که برید نیز چهار فرسنگ و هر فرسنگ هم تقریباً شش کیلومتر است.

اهمیت حرم

مسئله ۱۳۸۵. بدون تردید هر کس ملک و عقاری داشته باشد، می کوشد تا آن

را از تعدی و تجاوز دیگران حفظ کند. از اینرو برای آن حدود و علایم مشخصی مانند دیوارکشی یا سیم‌کشی قرار می‌دهد. بدون تردید حفظ حرمت و قداست خانه امن اقتضا می‌کند تا برای آن حدود معینی باشد و قطعاً رعایت حدود مکه نسبت به املاک شخصی از اهمیت بیشتری برخوردار است و به این خاطر خداوند متعال نیز در اطراف حرم خود حدودی قرار داده است.

چه کسی حدود را معین کرد؟

مسئله ۱۳۸۶. بنابر نقل روایات نخستین کسی که حدود حرم را تعیین کرد جبرئیل (ع) بود. «لَمَّا رَوَى أَنَّهُ أَخَذَ بِبَيْدِ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَ أَطْلَعَهُ عَلَى حُدُودِ الْحَرَمِ ثُمَّ بَعْدَ ذَلِكَ نَصَبَ عَلَيْهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَامَاتٍ تَعْرِفُ بِهَا» جبرئیل (ع) دست ابراهیم (ع) را گرفت و حدود حرم را به وی نشان داد و سپس حضرت ابراهیم (ع) علامت‌هایی برای شناسایی حدود مکه نصب کرد. بنابراین حضرت ابراهیم (ع) پس از راهنمایی جبرئیل، اولین شخصی است که علامت‌های حدود حرم را برافراشت و پس از وی قصی بن کلاب جد پنجم رسول خاتم (ص) آن را تجدید کرد و تا زمان قریش همچنان باقی بود. قریش نیز در زمان پیامبر (ص) علایم را تجدید نمود که تاکنون موجود است و البته در طول تاریخ حاکمان مسلمان وقت، نسبت به تجدید علایم اهتمام داشته‌اند.

حدود حرم نزد شیعه

مسئله ۱۳۸۷. حدود حرم نزد شیعه عبارتند از:

۱. حد شمالی از جانب مدینه منوره «تنعیم» است و به آن «مسجد عمره»

نیز می‌گویند. فاصله بین آن تا مسجدالحرام چهار میل است و هر میل ۱۶۰۹/۳ متر می‌باشد.

۲. حدّ غربی از ناحیه جدّه «علمین» است که به آن «حدیبیه» نیز می‌گویند. فاصله بین آن تا مسجدالحرام حدود ده میل می‌باشد.

۳. حدّ شرقی از جانب نجد «جعرانه» است که فاصله بین آن تا مسجدالحرام تقریباً هشت میل است.

۴. حدّ جنوبی از ناحیه عرفه نزدیک «مسجد نمره» است. مسافت بین آن تا مسجدالحرام تقریباً سیزده میل است. نمره از حدود عرفات است که مسجد رسول‌الله (ص) در آن قرار دارد.

حدود حرم از نگاه تاریخ

مسأله ۱۳۸۸. در تاریخ ازرقی، ج ۲، ص ۳۰۹ حدود حرم از شش جهت به شرح ذیل مشخص شده است:

۱. «تنعیم» در طریق مدینه، نشانه و علامت حرم در فاصله سه میلی نصب شده که به متر ۸۳۱۶ متر تا باب‌العمرة است.

۲. «حدیبیه» در طریق جدّه، نشانه و علامت حرم در ده میلی و محلی به نام «تخابر» بعد از «حدّه» و «بخره» به طرف مکه نصب گردیده است.

۳. «أضاءة لبن» در طریق یمن، حد حرم در فاصله هفت میلی و بر کوه «غراب» قرار دارد و به متر ۱۲۰۰۹/۷۵ متر تا باب ابراهیم (ع) می‌باشد.

۴. «ذات سلیم» در طریق عرفات و طایف، حد حرم در یازده میلی و بر رأس کوه «ضحاح» قرار دارد و به متر ۱۸۳۳۳ متر تا باب بنی شیبه است.

۵. «صَفاح» در طریق عراق، حد حرم در هفت میلی و بر کوهی به نام

«مقطع» قرار دارد و به متر ۱۳۳۵۳/۵ متر تا باب بنی شیبه است.

۶. «مُسْتَوْفَره» در طریق جعرانه، حد حرم در نه میلی در محلی به نام «شریر» مشخص است.

مترازی که ذکر شد از مرأت الحرمین، ج ۱، ص ۲۲۵ استخراج شده است.

اجمالی از احکام حرم

مسأله ۱۳۸۹. بر مسلمین در حرم اموری حرام است:

۱. صید حیوانات؛
۲. قطع درختان؛
۳. برداشتن مالی که روی زمین افتاده و باید آن را رها کند تا صاحبش پیدا شود؛

مسأله ۱۳۹۰. چنانچه کسی از زمین لقطه را بردارد، باید یک سال تمام اعلام کند، اگر مالک آن پیدا شود به او برگرداند و اگر پیدا نشود مخیر است بین اینکه از طرف صاحبش صدقه بدهد و یا برای او حفظ کند.

مسأله ۱۳۹۱. هرگز لقطه را شخصی که گرفت مالک آن نمی شود، گرچه از یافتن صاحب آن مأیوس شود.

مسأله ۱۳۹۲. چیزهایی که در غیر حرم پیدا می شوند، حکم چیزهایی را که در حرم پیدا می شوند ندارند، بلکه آنچه در غیر حرم پیدا می شود اگر از پیدا شدن صاحبش مأیوس شد می تواند در آن تصرف کند.

۴. بدون احرام نمی توان داخل حرم شد.

مرحوم مجلسی در مرآة العقول روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل می کند که حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مَكَّةَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَهِيَ حَرَامٌ

إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ لَمْ تَحِلَّ لِأَحَدٍ بَعْدِي وَ لَمْ تَحِلَّ إِلَّا سَاعَةً» یعنی از آن روزی که خداوند آسمان و زمین را خلق کرد، مکه را حرم قرار داد و تا روز قیامت نیز حرم خواهد بود. یعنی هیچکس نمی تواند بدون احرام به آن داخل شود و برای هیچکس قبل از من و بعد از من حلال نبوده و برای من هم فقط در زمان خاصی حلال بوده است (هنگامی که برای فتح مکه حمله کرد).

تأکید احادیث بر زیارت رسول خدا(ص) پس از حج

مسئله ۱۳۹۳. از مستحباتی که بعد از حج بر آن بسیار تأکید شده، زیارت رسول خدا(ص) می باشد. در برخی احادیث وارد شده که ترک این زیارت در مدینه بعد از اعمال حج، جفا بر آن حضرت است.

استحباب زیارت مراقده مقدسه اهل بیت

مسئله ۱۳۹۴. از مستحبات مؤکده برای حجاج زیارت مراقده مقدسه اهل بیت است، خصوصاً حضرت فاطمه زهرا(س) و ائمه بقیع(ع) و آداب زیارت هر یک در کتاب های دعا و زیارت ذکر شده است.

برخی از مستحبات و آداب ورود در مدینه

مسئله ۱۳۹۵. برخی از اعمال مستحب و آداب وارد شدن در مدینه منوره عبارتند از:

۱. غسل کردن پیش از ورود به آن یا پس از ورود و همچنین غسل برای ورود در مسجد پیامبر(ص) و برای زیارت آن حضرت و اگر در غسل اول هر سه رانیت کند کافی است؛

۲. از باب جبرئیل وارد شود؛
۳. اذن دخول بخواند؛
۴. با آرامی و وقار وارد مسجد شود؛
۵. در وقت ورود دعاهایی را که وارد شده بخواند؛
۶. دو رکعت نماز تحیت بجا آورد؛
۷. سلام دادن به آن حضرت از جانب پدر و مادر و دوستان؛
۸. دو رکعت نماز برای زیارت و هدیه نمودن ثواب آن برای آن حضرت؛
۹. نزد منبر ایستادن و حمد و ثنای خدا بجا آوردن و دعا کردن؛
۱۰. نماز و دعا در مقام جبرئیل (ع)؛
۱۱. نماز بخصوص در روضه بین قبر و منبر؛
۱۲. نماز در بیت حضرت فاطمه (س)؛
۱۳. صلوات فرستادن بر پیامبر (ص) در وقت ورود و خروج از مسجد؛
۱۴. نماز در مقام پیامبر (ص)؛
۱۵. دو رکعت نماز نزد اسطوانه ابی لبابه معروف به اسطوانه توبه و خواندن نمازهای وارده؛
۱۶. مواظبت بر ادای نمازهای واجب در مسجد پیامبر (ص)، بر حسب برخی روایات ثواب نماز در مسجد آن حضرت معادل با هزار نماز در مساجد دیگر غیر از مسجدالحرام است و در برخی روایات برابر ده هزار نماز است؛
۱۷. در مسجد رسول خدا (ص) صدا را بلند نکند؛
۱۸. در مدینه از تصدق به فقیر هر چه می تواند کوتاهی نکند و همچنین بسیار تسبیح و ذکر بگوید و قرائت قرآن بکند و استغفار بنماید و صلوات بسیار بفرستد؛

۱۹. زیارت حضرت فاطمه زهرا(س) در خانه آن حضرت و بین قبر و منبر (روضه) و در بقیع بنماید؛
۲۰. زیارت فاطمه بنت اسد مادر محترمه حضرت امیرالمؤمنین(ع) و ابراهیم فرزند رسول خدا(ص)؛
۲۱. زیارت حضرت حمزه و سایر شهدای احد در احد؛
۲۲. رفتن به مسجد قبا و مشربۀ ام ابراهیم (فرزند پیامبر) و مسجد «فضیخ» که در آن رد شمس برای امیرالمؤمنین(ع) شده و مسجد احزاب و مساجد دیگر که در این مساجد نماز خواندن به خصوص مسجد قبا فضیلت بسیار دارد؛
۲۳. نماز در مسجد غدیر خم که در بین مکه و مدینه در طرف رابغ واقع است.

فضیلت نماز در مسجدالرسول

پیامبر اسلام فرموده‌اند: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ فِيهِ كَأَلْفِ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي» یک رکعت نماز در مسجد من از هزار رکعت نماز در سایر مساجد بافضیلت‌تر است غیر از مسجدالحرام که یک نماز در آن مطابق با هزار نماز در مسجد من می‌باشد. البته سفارش زیادی به استحباب نماز بین قبر و منبر آن حضرت شده و گفته شده این مکان باغی از باغ‌های بهشت است.

حدود حرم نبوی

مسأله ۱۳۹۶. حد حرم نبوی در مدینه منوره، از «عیر» تا «عایر» است. این نظریه را علامه حلی در تذکرة الفقهاء بیان کرده است ولی به عقیده اهل تسنن

حدّ حرم نبوی ۱۲ میل است که از «عیر» تا «ثور» امتداد دارد.

مسأله ۱۳۹۷. «عیر» نام کوهی است در میقات و «ثور» نیز نام کوهی است در أخذ. در صحیح مسلم روایتی نقل شده است که «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: حَرَمِي فِي الْمَدِينَةِ بَيْنَ جَبَلِ ثَوْرٍ إِلَى جَبَلِ عَيْرٍ أَوْ غَايِرٍ» پیامبر خدا (ص) فرمود: حرم من در مدینه بین کوه ثور تا کوه عیر یا عایر است.

مناقشه در روایت

این روایت مورد مناقشه و اعتراض واقع شده به اینکه کوه ثور در مکه مکرمه واقع شده و نه در مدینه یعنی همان کوهی که پیامبر اسلام (ص) قبل از هجرتش به سوی مدینه در آن مخفی شد و اتفاقاً نظر بسیاری از علمای اهل سنت نیز همین است و اینک نظریه برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. مصعب الزبیری از بزرگان علمای مدینه متوفی سال ۲۳۴ هجری؛
۲. قاسم بن سلام متوفی سال ۲۲۳ هجری که می‌گوید: گمان می‌کنم در اصل حدیث کوه أخذ باشد ولی سپس تحریف شده باشد؛
۳. قاضی عیاض متوفی سال ۵۴۴ هجری، صاحب صحیح مسلم؛
۴. ابن اثیر جزری متوفی سال ۶۰۶ هجری که در کتاب خود به نام «نهاية اللغة» در واژه ثور این چنین نظر داده است؛

۵. یاقوت حموی متوفی سال ۶۲۶ هجری، صاحب کتاب «معجم البلدان» در لغت ثور به این مطلب تصریح کرده است.

به همین خاطر بسیاری از علمای اهل سنت مانند محمد بن اسماعیل بخاری متوفی سال ۲۵۶ هجری و دیگران در سخن پیامبر (ص) کلمه ثور را ذکر نکرده‌اند ولی برخی از آنها گفته‌اند که جبل ثور، کوه کوچکی است به رنگ قرمز در کنار کوه احد در مدینه منوره که این مطلب ثابت نشده است.

صید کردن از حرم مدینه

مسأله ۱۳۹۸. بدون تردید صید حیوانات وحشی مانند آهو و یا پرندگان از حرم مکه حرمت دارد ولی در حرمت صید از حرم مدینه منوره اختلاف است. مرحوم شیخ طوسی و شافعی به حرمت صید نظر داده‌اند ولی ابوحنیفه و بسیاری از فقهای امامیه به عدم آن فتوا داده‌اند. کسانی که حرمت صید را قائلند به حدیثی از پیامبر (ص) استدلال کرده‌اند که فرمود: «الْمَدِينَةُ حَرَامٌ مِّنْ غَائِرِ إِلَى ثَوْرٍ...» یعنی مدینه حرام است از عایر تا ثور صید و تعقیب آن، گیاهان آن چیده نمی‌شود و درختانش را قطع نمی‌کند مگر کسی که شترانش را علف می‌دهد.

فدیه در صید حرم

مسأله ۱۳۹۹. در صید حرم فدیه واجب نیست.

مکه افضل است یا مدینه

مسأله ۱۴۰۰. شیخ طوسی در خلاف می‌گوید: «مَكَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَدِينَةِ وَبِهِ قَالَ الشَّافِعِيُّ وَ أَهْلُ مَكَّةَ وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَجْمَعُ إِلَّا مَالِكًا فَإِنَّهُ قَالَ الْمَدِينَةُ أَفْضَلُ مِنَ مَكَّةَ....» یعنی مکه برتر از مدینه است و نیز شافعی و اهل مکه و همه علما چنین می‌گویند ولی مالک معتقد است که مدینه از مکه برتر می‌باشد. کسانی که به افضلیت کعبه فتوا داده‌اند به احادیثی چند از پیامبر اسلام (ص) استناد کرده‌اند:

۱. «رُوي أَنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ بِمِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ» یعنی یک نماز در مسجد الحرام معادل صد هزار نماز می‌باشد و در بعضی روایات معادل هزار نماز در مسجد النبی می‌باشد؛

۲. ابن عباس می گوید: وقتی پیامبر (ص) از مکه خارج شد (مهاجرت کرد) روی خود را به آن مکان شریف کرد و چنین فرمود: «أَنْتَ أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ تَغَالَى وَأَنْتَ أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَيَّ وَ لَوْ لَا أَنَّ قَوْمَكَ أَخْرَجُونِي مِنْكَ لَمَّا خَرَجْتُ» یعنی ای سرزمین مکه تو محبوب ترین سرزمین ها در پیشگاه خدا و در نزد من هستی، اگر مردم تو من را اخراج نمی کردند هرگز بیرون نمی رفتم؛
۳. عبدالله بن عدی هم روایتی نظیر حدیث سابق نقل می کند او می گوید: پیامبر را دیدم در حالی که در محلی به نام «جزوره» متوقف و بر شتر خود نشسته بود و فرمود: ای مکه تو بهترین سرزمین خدایی و محبوب ترین زمین ها نزد من، اگر اهل تو من را اخراج نمی کردند هرگز خارج نمی شدم.
۴. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «صَلُوةٌ فِي مَسْجِدِي أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلُوةٍ فِي مَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» یعنی یک رکعت نماز در مسجد من از هزار نماز در مساجد دیگر برتر است، غیر از مسجد الحرام.

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلًا وَ آخِرًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ»